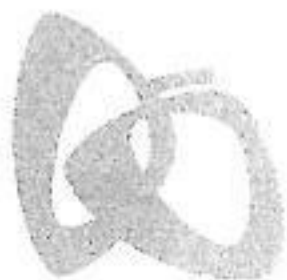
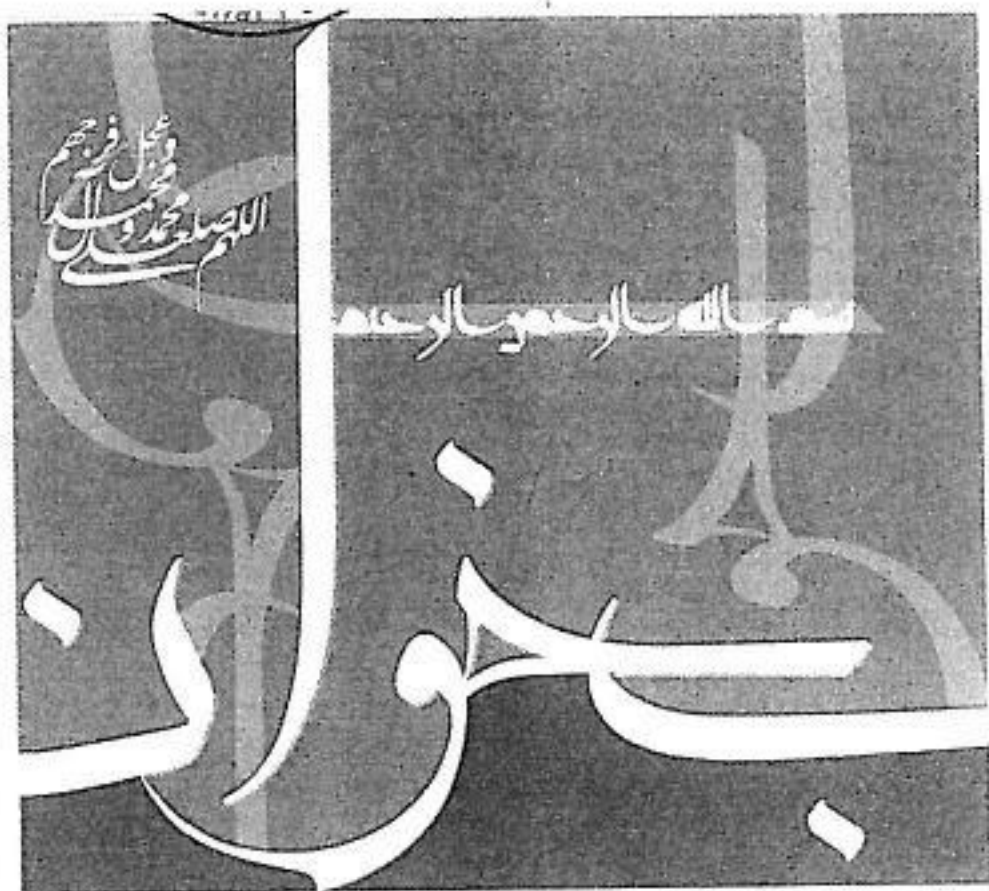




www.konkoorsara.ir



استاد عالی
میرزا علی
کلی

سخن ناشر

وقتی درخت محترم می قطع می شود
اگر میز مدیری نشود
اگر پوستر تبلیغاتی نامزدی نشود
اگر دستمال کاغذی نشود
اگر کارتن چپس و پفک نشود
کتابی جوانه خواهد زد/ به احترام درخت



مقدمه

خواننده‌ی گرامی سلام

اکنون پس از سال‌ها همراهی با شما در آموزش درس عربی کنکور، به لطف الهی این‌بار مجموعه‌ی «ترجمه، تعریب و مفهوم به همین سادگی» را با نگارش نو تقدیم حضورتان می‌کنیم. امید است کتاب حاضر که با شیوه‌ای کاملاً متفاوت به بررسی یک سوّم سؤالات عربی کنکور پرداخته است شما را در یادگیری بهتر این درس یاری نماید. توصیه‌ی ما این است که این کتاب را در کنار مجموعه DVD های آموزشی عربی کنکور گاج استفاده کنید.

در پایان ضمن آرزوی موفقیت شما عزیزان، مراتب قدردانی‌مان را از همکارانی که ذیلاً نام آن‌ها را خواهیم برد، ابراز می‌داریم:

- جناب آقای مهندس محمد جوکار مدیریت تألیف انتشارات که در هدایت و برنامه‌ریزی طرح ما را یاری کردند.
- جناب آقای مهندس یحیی بهرام‌پور که در شکل‌گیری نهایی مجموعه مساعدت نمودند.
- سرکار خانم بهناز حسن‌زاده که ویرایش علمی کتاب را برعهده داشتند و سرکار خانم منیژه خسروی که در امر ویرایش همراهی نمودند.
- جناب آقای روح‌اله گیتی‌نژاد و سرکار خانم هلیا حیدری‌تبار در امور گرافیک و آقای منصور سمواتی که در طراحی جلد ما را یاری نمودند.
- جناب آقای کاظم شاکری و خانم‌ها نازنین ملکی و سانا عاشقی که در صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری کتاب همت گماردند.

تقدیم به ماه پربشان پنهان

سید محسن ماهینی - محمدعلی محمدی

mohsenmahini@yahoo.com

کتاب حاضر شامل دو بخش است

۱- ترجمه و تعریب:

این بخش شامل ۱۲ درسنامه است که قواعد مربوط به ترجمه جملات عربی کاملاً بیان شده است و به دنبال آن مثال‌هایی مربوط به مبحث مورد نظر آورده شده که با راه حل‌های متعدد و غیر تکراری حل شده است. توجه داشته باشید که تعدد راه‌حل‌ها برای این است که مهارت شما در حل تست‌های ترجمه و تعریب افزایش و نگاه‌تان وسعت یابد. لذا سعی کنید تمامی مراحل حل را با دقت بسیار و کامل مطالعه نمایید. در این کتاب از جدیدترین تست‌های آزمون سراسری استفاده شده و تست‌های قسمت درسنامه نیز تنها از سال ۸۸ تا ۹۱ آورده شده است.

دسته‌بندی جدیدی که در این کتاب آمده، بخش مربوط به سؤالات «عَيْنِ الْخَطَأِ» و «عَيْنِ الصَّحِيحِ» است که با نام «چهارتایی‌ها» به شما معرفی شده است. پس از پایان درسنامه نیز تست‌های آزمون سراسری با سه بخش ترجمه، تعریب و چهارتایی‌ها آورده شده که پاسخ‌های تشریحی آن‌ها نیز در قسمت پایانی کتاب قرار دارد.

۲- مفهوم «معادلات مفهومی»

یک سؤال از سؤالات عربی آزمون سراسری سؤال مفهومی است که باید با توجه به ترجمه و فهم دقیق مفهوم آن، به پاسخ رسید که در این کتاب بخش جداگانه‌ای به این مبحث اختصاص یافته است.

در این بخش به جدیدترین شیوه، به آموزش آن پرداخته‌ایم و آن را در قالب «معادلات مفهومی» به شما عزیزان ارائه نموده‌ایم که خود، ابتکار و خلاقیتی نو در عرصه‌ی آموزش مفهوم است.

معادلات مفهومی مهم‌ترین عبارت‌های مفهومی کتاب‌های درسی است که از سال ۸۳ تا ۹۱ در آزمون‌های سراسری از نظر مفهوم معادل هم گرفته و به آدرس آن‌ها اشاره شده است؛ به شما توصیه می‌کنیم که از حفظ کردن عبارت‌ها و مفاهیم جداً خودداری کنید.

در کادری مجزاً نیز کلماتی که معانی آن‌ها سخت و دور از ذهن داوطلب است آورده شده تا با یادگیری آن‌ها گامی چند در درک بهتر مفاهیم بردارید. پس از معادلات مفهومی تست‌های مفهوم از آزمون‌های سراسری آورده شده است. و در قسمت پایانی کتاب پاسخ‌نامه‌ی تشریحی و پس از آن پاسخ‌نامه‌ی کلیدی قرار دارد و شما می‌توانید پس از تست زدن برای اطمینان از پاسخ‌تان به آن مراجعه نمایید.

معرفی کتاب و
روش استفاده از آن

۱۰	ترجمه‌ی فعل ماضی
۲۹	ترجمه‌ی فعل مضارع
۴۴	نکات فرعی ترجمه‌ی فعل
۵۱	ترجمه‌ی فعل امر
۵۲	ترجمه‌ی مبتدا و خبر
۵۵	ترجمه‌ی نواسخ
۵۷	ترجمه‌ی معرفه و نکره
۶۱	ترجمه‌ی وصف و اضافه
۶۶	ترجمه‌ی منصوبات
۶۸	سایر موارد ترجمه
۷۳	چهارتایی‌ها
۷۶	روش حل در یک نگاه

تست

۷۹	ترجمه
۱۰۷	تعریب
۱۱۷	چهارتایی‌ها

مفهوم

۱۳۳	معادلات مفهومی
۱۴۸	تست مفهوم

پاسخ‌نامه

۱۵۵	پاسخ‌نامه‌ی تشریحی
۱۷۹	پاسخ‌نامه‌ی کلیدی

اللَّهُمَّ اُخْرِجْنِي مِنْ ظِلْمَاتِ الرُّوحِ

پروردگارا، خارج کن مرا از تاریکی های حسی و گمنام

وَ اَكْرِهْنِي بِنُورِ الْفَقْرِ

و گرامی بدار مرا به نور فقر

اللَّهُمَّ لَفِّعْ عَلَيْنَا الرِّبَّاسَ رَحِمَكَ

پروردگارا، بگشای بر ما درهای رحمتت را

وَ اُنْقِزْ عَلَيْنَا حِرَانَ عِلْمِكَ

و بگستران بر ما گنج های دانشت را

بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمَ الرَّاحِمِينَ

به امید رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان



حضرت علی (ع)

[هر که با کتاب آرامش یابد

هیچ آرامشی را از دست نداده است.]

درسنامه

- ۱- ترجمه‌ی فعل ماضی
- ۲- ترجمه‌ی فعل مضارع
- ۳- نکات فرعی ترجمه‌ی فعل
- ۴- ترجمه‌ی فعل امر
- ۵- ترجمه‌ی مبتدا و خبر
- ۶- ترجمه‌ی نواسخ
- ۷- ترجمه‌ی معرفه و نکره
- ۸- ترجمه‌ی وصف و اضافه
- ۹- ترجمه‌ی منصوبات
- ۱۰- سایر موارد ترجمه
- ۱۱- چهارتایی‌ها
- ۱۲- روش حل در یک نگاه

فعل ماضی ساده

این فعل معادل گذشته‌ی ساده در زبان فارسی می‌باشد.

ذَهَبَ (رفت) ذَهَبْنَا (رفتند)، ...

ذَهَبْتُمْ (رفتیم) ذَهَبْنَا (رفتیم)

در حالت منفی به دو شکل ظاهر می‌شود:

۱) ما ذَهَبْنَا: نرفت (حرف «ما» بر سر فعل ماضی ساده)

۲) لَمْ يَذْهَبْ: نرفت (حرف «لم» بر سر فعل مضارع همین صیغه^(۱))

یعنی:

فعل ماضی ساده در حالت مثبت: ذَهَبَ: رفت فعل ماضی ساده در حالت منفی ← ما ذَهَبْنَا، لَمْ يَذْهَبْ: نرفت

این فعل در صیغه‌های مختلف چنین خواهد بود:

ما ذَهَبْنَا یا لَمْ يَذْهَبْنَا (رفتند)، ...

ما ذَهَبْنَا یا لَمْ يَذْهَبْنَا (رفتیم)

ریاضی ۸۹

مثال

«إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ صَارُوا مَفَاتِيحَ لِأَبْوَابِ الْهِدَايَةِ وَأَقْفَالاً لِأَبْوَابِ الْهَلَاكَةِ»:

۱) کلید درب‌های هدایت و قفل برای درهای هلاکت در میان بندگان خداست!

۲) عددهای از بندگان خوب خدا برای درهای هدایت کلید هستند و برای درب هلاکت قفل!

۳) در میان بندگان خدا کسانی هستند که کلید درب هدایت هستند و حال این‌که قفلی بوده‌اند

برای درب تباهی!

۴) از میان بندگان خدا کسانی هستند که کلیدهایی برای درهای هدایت گردیدند و قفل‌هایی برای

درب‌های هلاکت!



راه حل ۱

اگر سؤال ترجمه یا تعریب، فعل ماضی ساده داشت آن را دقیقاً شناسایی کنید یعنی فعل دیگری را با ماضی ساده اشتباه نگیرید. صیغه‌ی فعل را نیز دقیقاً شناسایی کنید تا فعل طبق صیغه‌ی خود ترجمه شود.

۱- «لَمْ» فعل مضارع را مجزوم می‌کند.

ملاک ما در تشخیص جواب فعل است. فعل «صاروا» را پیدا می‌کنیم. این فعل، ماضی و در صیغه‌ی جمع مذکر غایب (هم) می‌باشد. مطابق با درسنامه آن را به صورت گذشته‌ی ساده و در صیغه‌ی جمع مذکر غایب ترجمه می‌کنیم: «صاروا؛ گردیدند» همان‌طور که می‌بینید فقط در گزینه‌ی (۴) «صاروا» صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



یکی از روش‌های تسهیل سؤالات ترجمه و تعریب، توجه به جمع و مفرد بودن اسم‌ها است. اگر در جمله اسم یا اسم‌هایی به صورت جمع مکتسر یا سالم وجود دارند در ترجمه نیز باید به همان صورت جمع ترجمه شوند و اگر مفرد باشند باید در ترجمه نیز مفرد ظاهر شوند:

تلامیذ: دانش‌آموزانی التلامیذ: دانش‌آموزان
تلمیذ: دانش‌آموزی التلمیذ: دانش‌آموز

در صورت سؤال اسم «مفاتیح» را پیدا می‌کنیم. «مفاتیح» اسم جمع و نکره به معنای «کلیدهایی» می‌باشد. در ترجمه نیز باید به صورت جمع و نکره بیاید ولی «مفاتیح» در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) مفرد ترجمه شده است و نادرست می‌باشد. بنابراین فقط گزینه‌ی (۴) صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



«أقفالاً»، اسم جمع و نکره است اما در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به صورت مفرد ترجمه شده و نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



به ترکیب «أبواب الهلاکة» توجه کنید. این ترکیب مضاف و مضاف‌الیه و به معنی «درهای هلاکت» می‌باشد که در گزینه‌های (۲) و (۳) اشتباه ترجمه شده‌اند. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
۲- به ابتدای عبارت سؤال دقت کنید، در عبارت «مِنْ عِبَادِ اللَّهِ ...»، حرف «مِنْ» به معنی «از» می‌باشد که در گزینه‌ی (۱) به صورت «در» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



«شعرت بأن الشيطان يقهقهه و يسخر متي عند عصياني ربي!»:

- ۱ گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲ هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳ هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شدم!
- ۴ احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!



۱- «شعرت» فعل ماضی ساده و در صیغه متکلم وحده (أنا) می‌باشد.

اگر معنای اصلی و مصدری خود فعل را نمی‌دانید معمولاً می‌توانید با نگاه کردن به گزینه‌ها به آن پی ببرید. مثلاً در این سؤال با نظر به گزینه‌ها در می‌یابید که این فعل از ماده «احساس کردن» است سپس با توجه به زمان و صیغه فعل آن را ترجمه می‌کنیم: «احساس کردم»
معنای فعل را به دست می‌آوریم و این معنا را در گزینه‌ها جست‌وجو می‌کنیم.



در گزینه‌ی (۱) اصلاً این فعل ترجمه نشده و معادلی ندارد. در گزینه‌ی (۳) «احساس می‌کنم» مضارع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
۲- «قهقهه‌ی شیطان است» جمله اسمیه است ولی «یقهقهه» فعل مضارع است و باید به صورت فعل ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



«یقهقهه» فعل مضارع در صیغه مفرد مذکر غایب به معنای «قهقهه می‌زند» می‌باشد که فقط در گزینه‌ی (۲) به درستی ترجمه شده است. دقت کنید «قهقهه می‌زد» در گزینه‌ی (۱) ماضی استمراری است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- «یسخر» فعل مضارع و به معنای «مسخره می‌کند» می‌باشد ولی در گزینه‌ی (۱) به صورت ماضی استمراری ترجمه شده و در گزینه‌ی (۳) نیز اصلاً به صورت فعل ترجمه نشده است و هر دو ترجمه نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
۲- تنها دو گزینه برای ما باقی مانده است. به گزینه‌ی (۴) توجه کنید. عبارت «قهقهه‌ی شیطان» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

«أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهاد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن!»:

۱۱ آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!

۱۲ وقتی سعی رفقایم را بیشتر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فراگرفت!

۱۳ آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیشتر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!

۱۴ وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فراگرفت!



یکی از روش‌های تسهیل حل سؤالات ترجمه و تعریب، دقت در ترجمه ضمائر متصل است. ضمائر متصل حتماً باید ترجمه شوند، مثلاً عبارت «حَمَلَ التَّلْمِيذُ مَحْفَظَتَهُ» یا توجه به ضمیر متصل «ه» باید به یکی از صورت‌های زیر ظاهر شود:

(۱) دانش‌آموز کیفیتش را برداشت.

(۲) دانش‌آموز کیف خود را برداشت.

(۳) دانش‌آموز کیف خویش را برداشت.

یعنی ضمیر متصل حتماً باید ترجمه شود. البته باید تناسب معنایی جمله را نیز در نظر گرفت: مثلاً «مَحْفَظَتَهُ» به چهار صورت «کیفش، کیف او، کیف خود، کیف خویش» قابل ترجمه است اما حالت دوم آن با جمله تناسب ندارد.

و به خلاف این قضیه، اگر ضمیر متصل وجود نداشت؛ نباید در ترجمه، ضمیر متصل آورده شود: مثلاً عبارت «حَمَلَ التَّلْمِيذُ المَحْفَظَةَ» را نمی‌توان مانند بالا ترجمه کرد بلکه باید بدون ضمیر ترجمه شود. یعنی: «دانش‌آموز کیف را برداشت».

۱- «واجباتهن» در صورت سؤال به همراه ضمیر آمده است ولی در گزینه‌ی (۳) بدون ضمیر آورده شده است. [رد گزینه‌ی (۳)]

۲- عبارت «أكثر من غيرهن» به معنی «بیش‌تر از دیگران» می‌باشد که ضمیر متصل «هن» حتماً باید ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۳- «شاهدت» فعل ماضی ساده در صیغه‌ی متکلم وحده است ولی در گزینه‌ی (۱) مضارع ترجمه شده

- ۱ نور خورشید در قطرات کوچک آب، هنگام باریدن باران شکست و قوس قزح به وجود آمد.
- ۲ اشعه‌ی آفتاب در قطرات کوچکی از آب، وقت نزول باران شکسته شد و قوس قزح را تشکیل داد.
- ۳ در وقت نزول باران نور آفتاب در قطره‌های ریز آب شکسته می‌شود و رنگین‌کمان حادث می‌گردد.
- ۴ هنگام بارش باران، نور خورشید در قطره‌های ریزی از آب شکسته می‌شود و رنگین‌کمان تشکیل می‌گردد.



برای حل این تست می‌خواهیم از فعل‌ها استفاده کنیم. «انکسر» فعل ماضی معلوم در صیغه‌ی مفرد مذکر غایب می‌باشد ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) مضارع ترجمه شده و نادرست است و در گزینه‌ی (۲) نیز این فعل را مجهول ترجمه کرده، که نادرست است. [رد گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)]
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



در زبان عربی هنگامی که صفت و موصوف وجود دارد و مضاف‌الیه نیز موجود است مضاف‌الیه بر صفت مقدم می‌شود. به عنوان مثال عبارت «قطرات کوچک آب» در زبان فارسی از «موصوف. صفت و مضاف‌الیه» تشکیل شده است اما همین عبارت در زبان عربی به صورت «موصوف. مضاف‌الیه و صفت» ظاهر می‌شود یعنی «قطرات الماء الصغيرة» (که ترجمه‌ی لفظ به لفظ این عبارت یعنی «قطرات آب کوچک» و در زبان فارسی به کار نمی‌رود).

- ۱- با توجه به مطلب بالا ترجمه‌ی «قطرات الماء الصغيرة» که یک ترکیب وصفی اضافی است به صورت «قطرات کوچک آب» صحیح است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
- ۲- «حادث» فعل ماضی در صیغه‌ی للغائب می‌باشد ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت مضارع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

فعل ماضی نقلی

از فعل ماضی ساده به همراه حرف «قد» در ابتدای آن تشکیل می‌شود.

قد ذَهَبَ (رفته است) قد ذَهَبَا (رفته‌اند) و ... قد ذَهَبْتُ (رفته‌ام) قد ذَهَبْنَا (رفته‌ایم)

این فعل در حالت منفی به دو شکل زیر ظاهر می‌شود:

۱) لَمْ يَذْهَبْ: نرفته است (حرف «لم» بر سر مضارع همین صیغه)

- ۲) لَمَّا يَذْهَبُ: (هنوز) نرفته است (حرف «لَمَّا» بر سر مضارع همین صیغه)
 یعنی خواهیم داشت: فعل ماضی نقلی در حالت مثبت: قَدْ ذَهَبَ: رفته است فعل ماضی نقلی در حالت منفی
 لَمْ يَذْهَبْ، لَمَّا يَذْهَبُ (نرفته است)
 این فعل در صیغه‌های مختلف چنین است:
 لَمْ يَذْهَبْ يَا لَمَّا يَذْهَبُ (نرفته است) لَمْ يَذْهَبَا يَا لَمَّا يَذْهَبَا (نرفته‌اند) ...
 لَمْ أَذْهَبْ يَا لَمَّا أَذْهَبُ (نرفته‌ام) لَمْ تَذْهَبْ يَا لَمَّا تَذْهَبُ (نرفته‌ایم)

سؤال: در ترجمه‌ی فعل ماضی ساده مشاهده کردید که منفی ماضی ساده نیز به صورت «لم يذهب» ظاهر می‌شود، پس از کجا باید دانست که «لم يذهب» منفی ساده است یا منفی نقلی؟
 به عبارات زیر دقت کنید:

- لَمْ يَذْهَبِ التَّلْمِيذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: دانش‌آموز به مدرسه نرفت (یا نرفته است)
 لَمْ يَذْهَبِ التَّلْمِيذُ إِلَى الْبَيْتِ حَتَّى الْآنَ: دانش‌آموز تاکنون به خانه نرفته است.
 می‌بینید که با توجه به قرائن و شواهد جمله می‌توان دریافت که کدام معنا با جمله متناسب‌تر است.

خارج از کشور ۹۰

مثال

«تمام آنچه تا به حال از زندگی فهمیده‌ام این است که هیچ چیز نمی‌دانم». عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) كَلَّ مَا قَدْ فَهَمْتَهُ مِنَ الْحَيَاةِ حَتَّى الْآنَ، هُوَ أَتْنِي لِأَدْرِي شَيْئاً
- ۲) مَا فَهَمْتَهُ كَلَّهُ مِنَ الْعَيْشِ إِلَى الْآنَ، هُوَ هَذَا أَتْنِي لَا أَعْلَمُ شَيْئاً
- ۳) جَمِيعَ مَا أَنَا عَلِمْتُ مِنْ حَيَاتِي إِلَى هَذِهِ اللَّحْظَةِ فَقَطْ أَتْنِي لَسْتُ أَدْرِي أَمْرًا!
- ۴) كَلَّمَا أَخَذْتُ أَفْهَمَهُ مِنْ عَيْشِي حَتَّى عَمْرِي هَذَا، أَدْرِي أَتْنِي لَا أَعْلَمُ لِي أَبَدًا!



این سؤال از جمله سؤالات تعریب است که شما باید تعریب صحیح متن فارسی را پیدا کنید در سؤالات تعریب نیز کلیدهای حلّ ما همان کلیدهای حلّ سؤالات ترجمه هستند.
 به صورت سؤال نگاه کنید، «فهمیده‌ام» فعل ماضی نقلی است و باید طبق الگوی ماضی نقلی در زبان عربی تعریب شود بنابراین باید به صورت «قد + فعل ماضی» تعریب شود. با نگاه به گزینه‌ها می‌بینیم که فقط در گزینه‌ی (۱) بر سر فعل ماضی «قد» وارد شده «قد فهمته» و در گزینه‌های دیگر نیز این فعل نادرست تعریب شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- در عبارت سؤال دقت کنید «زندگی» ضمیر ندارد بنابراین در تعریب آن نیز نباید ضمیری آورده شود پس «حياتي» و «عيشي» در گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
 ۲- عبارت «تمام آنچه ...» در صورت سؤال باید مبتدای عبارت عربی باشد یعنی به صورت جمله‌ی

که در گزینه‌های (۳) و (۴) رعایت نشده است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
۲- در گزینه‌ی (۲) به انتهای «کل» ضمیر «ه» متصل شده است که در صورت سؤال معادل ندارد.
[رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

مثال

خارج از کشور ۸۹

«دانشمندان ما در طول حیات پربار خویش رنج و زحمت بسیاری را تحمّل کرده‌اند»:

۱. إِنْ علماءنا كانوا قد تحمّلوا الكدح و التعب الكثير أثناء حياتهم المقيدة

۲. كان علماءنا تحمّلوا التعب و التعب كثيرا في طول حياتهم النافعة!

۳. علماءنا كانوا يتحمّلون الأسى و التعب الكثير أثناء حياتهم المثمرة!

۴. قد تحمّل علماءنا الكدح و التعب الكثير طول حياتهم المثمرة!



«تحمّل کرده‌اند» ماضی نقلی است و تعریب آن به صورت «قد + فعل ماضی» در هیچ یک از گزینه‌ها به جز گزینه‌ی (۴) رعایت نشده است. در ماضی نقلی «کان» وجود ندارد پس در گزینه‌ی (۱) هم تعریب این فعل غلط است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

مثال

انسانی ۸۸

«إِنَّ العلماء المسلمين قد نشروا الحضارة و الثقافة الإسلامية و جعلوا بلادهم في حالة التقدّم و الازدهار العلمي»:

۱. علمای مسلمین فرهنگ و تمدن اسلام را انتشار داده، وطن خود را به حالی از ترقی و پیشرفت علمی سوق داده‌اند!

۲. علمای مسلمان باعث نشر تمدن و فرهنگ اسلامی شدند و سرزمین‌های خود را به سوی پیشروی و رشد علمی برده بودند!

۳. دانشمندان مسلمان، تمدن و فرهنگ اسلامی را منتشر کرده‌اند و سرزمین خویش را در حالت پیشرفت و شکوفایی علمی قرار داده‌اند!

۴. دانشمندان مسلمین مدنیّت و فرهنگ اسلامی را گسترش داده بودند و سرزمین‌های خود را در حالی از ترقی و شکوفایی دانش قرار دادند.



۱- «قد نشروا» فعل ماضی نقلی است و باید توجه داشته باشید که فعل «جعلوا» توسط «واو» عاطفه به فعل «نشروا» عطف شده است و حرف «قد» بر روی آن نیز تأثیر می‌گذارد و باید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود، یعنی هر دو فعل «نشروا» و «جعلوا» تحت تأثیر حرف «قد» هستند و باید ماضی نقلی ترجمه شوند: «منتشر کرده‌اند» و «قرار داده‌اند»

به گزینه‌ها نگاه کنید در گزینه‌ی (۲) فعل «جعلوا» و در گزینه‌ی (۴) «قد نشروا» به صورت ماضی بعید ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

یکی از روش‌های تسهیل سؤالات ترجمه و تعریب، توجه به ترجمه‌ی «موصوف و صفت» و «مضاف و مضاف الیه» است. توجه داشته باشید که تفاوت میان ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) کاملاً در ترجمه ظاهر می‌شود.

الثقافة الاسلامیة تمدن اسلامی (موصوف و صفت)

ثقافة الاسلام تمدن اسلام (مضاف و مضاف الیه)

[توضیح بیش‌تر این مطلب در ادامه خواهد آمد. (می‌توانید به قسمت ترجمه‌ی مضاف و مضاف الیه و موصوف و صفت مراجعه کنید)]

۲- طبق مطلب بالا «الثقافة الاسلامیة» یک ترکیب وصفی است و باید به صورت صفت و موصوف ترجمه شود یعنی «تمدن اسلامی» اما در گزینه‌ی (۱) به صورت ترکیب اضافی «تمدن اسلام» ترجمه شده و این ترجمه نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«در واقع این دانشمندان مسلمان هستند که پدیده‌ی رنگین‌کمان و علت به‌وجود آمدنش را کشف کرده‌اند!»:

- ۱) الواقعية أن العلماء مسلمين هم الذين يكتشفون ظاهر قوس قزح و سبب إحداثه!
- ۲) الواقع أن العلماء المسلمين هم الذين قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حدوثها!
- ۳) الحقيقة أن الحكماء المسلمين هم الذين قد اكتشفت ظاهر قوس قزح و سبب حدوثه!
- ۴) في الواقع أن العلماء المسلمون هم الذين قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حادتها!

۱- فعل «کشف کرده‌اند» ماضی نقلی است پس در تعریب نیز باید ماضی نقلی تعریب شود. اما در گزینه‌ی (۱) به‌صورت مضارع تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]

۲- همان‌گونه که قبلاً گفته شد علاوه بر توجه به زمان فعل در ترجمه و تعریب باید به صیغه‌ی فعل نیز توجه کرد و مطابق همان صیغه ترجمه و تعریب را انجام داد. در گزینه‌ی (۳) زمان فعل صحیح است اما صیغه‌ی فعل نادرست می‌باشد و باید به‌صورت جمع مذکر غایب تعریب شود؛ «قد اكتشفوا» [رد گزینه‌ی (۳)]

۳- در گزینه‌ی (۴) «حادث» معادل خوبی برای «به‌وجود آمدن» نمی‌باشد و باید به‌صورت مصدری

یکی از روش‌های تسهیل در حل برخی سوالات ترجمه و تعریب توجه به تفاوت «صفت و موصوف» و «مضاف و مضاف‌الیه» است. می‌دانید که صفت در اعراب، جنس، تعداد و معرفه و نکره بودن تابع موصوف است. اما بین مضاف و مضاف‌الیه تبعیتی وجود ندارد و هر کدام کاملاً مستقل می‌باشند. (این مبحث در جای خود بیش‌تر توضیح داده خواهد شد.)

۱- «دانشمندان مسلمان» یک ترکیب وصفی (موصوف و صفت) است در نتیجه طبق مطلب بالا باید در اعراب، جنس، تعداد، معرفه و نکره تابع یکدیگر باشند. «العلماء» معرفه، اسم «لن» و منصوب است. بنابراین صفت آن نیز باید معرفه و منصوب بیاید اما در گزینه‌ی (۱) صفت آن به صورت نکره یعنی «مسلمین» آمده است و در گزینه‌ی (۴) صفت از نظر اعراب از موصوف تبعیت نکرده است. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

۲- به گزینه‌های (۲) و (۳) دقت کنید در این دو گزینه عبارت «پدیده‌ی رنگین کمان» به دو شکل متفاوت تعریب شده، در گزینه‌ی (۲) «ظاهرة...» و در گزینه‌ی (۳) «ظاهر...» توجه کنید که «ظاهر» به معنای «آشکار، نمایان و...» است و معادل صحیحی برای معنای «پدیده» نمی‌باشد. «ظاهرة: پدیده» [ردگزینه‌ی (۳)]

جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

«لن أتضرع معتذرةً إلا إلى ربي، لأنني قد أمنتُ بأنه هو الغفار المتفضل علينا»:

۱ فقط به پروردگارم عذرخواهانه التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!

۲ من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!

۳ فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!

۴ جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

«قد أمنتُ» فعل ماضی نقلی می‌باشد و باید به صورت «ایمان آورده‌ام» ترجمه شود که فقط در

گزینه‌ی (۱) صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

یکی دیگر از روش‌های حلّ سؤالات ترجمه و تعریب توجه به نوع جملات است همان‌طور که آگاهی دارید ما دو نوع جمله داریم:

۱- جمله‌ی اسمیه: المؤمنُ صبورٌ مؤمن صبور است.

۲- جمله‌ی فعلیه: یضبر المؤمن مؤمن صبر می‌کند.

پس توجه داشته باشید که حتماً جملات اسمیه و فعلیه به‌درستی ترجمه شوند بلکه گاهی اوقات به خاطر به خطا انداختن دانش‌آموز جملات اسمیه و فعلیه را برعکس و جابه‌جا ترجمه می‌کنند به عنوان نمونه به مثال‌های زیر توجه کنید.

المؤمن صبور مؤمن صبر می‌کند.

یصبر المؤمن مؤمن صبور است.

هر دو ترجمه غلط می‌باشد و جمله‌ی اسمیه به‌صورت جمله‌ی فعلیه و جمله‌ی فعلیه به‌صورت جمله‌ی اسمیه ترجمه شده و نادرست است.

۱- دقت کنید عبارت «بأنه هو الفقار المتفضل علينا» یک جمله‌ی اسمیه است. اما در گزینه‌ی (۳) به‌صورت «که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمزد!» و در گزینه‌ی (۴) به‌صورت «که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمزد!» ترجمه شده است که هر دو این گزینه‌ها جمله‌ی اسمیه را به‌صورت جمله‌ی فعلیه ترجمه کرده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

از روش‌های حلّ سؤالات ترجمه و تعریب توجه به منصوبات می‌باشد (این بحث در ادامه به صورت مفصل‌تر خواهد آمد) یکی از منصوبات حال می‌باشد که معادل آن در زبان فارسی همان قید حالت می‌باشد. پس در صورت مشاهده‌ی حال در متن عربی آن را باید به‌صورت قیدی یا قید حالت ترجمه کنید و هم‌چنین اگر در متن فارسی به قید حالت برخوردید باید آن را به‌صورت حال تعریب نمایید:

مثال: جاء التلميذ ضاحكاً دانش‌آموز خندان آمد.

مؤمن در دنیا سیاس گزارانه زندگی می‌کند يعيش المؤمن في الدنيا ساكراً.

۲- با توجه به مطلب بالا کلمه‌ی «معتذرة» حال و منصوب است ولی در گزینه‌ی (۲) این کلمه

از فعل «کان» به همراه یک فعل مضارع ساخته می‌شود:

کان یذهب (می‌رفت) کانا یذهبان (می‌رفتند)، ...

کنت اذهب (می‌رفتم) کنا نذهب (می‌رفتیم)

منفی فعل ماضی استمراری را می‌توان به چند شکل آورد، زیرا این فعل دو قسمتی است و می‌توان هر یک از دو قسمت را منفی نمود. (دقت کنید فقط یکی از دو فعل منفی می‌شود)

۱) برای منفی کردن «کان» مانند فعل ماضی به دو طریق عمل می‌کنیم:

کان ^{منفی} ما کان، لم یکن ^{۱)} یعنی داریم: ما کان یذهب، لم یکن یذهب (نمی‌رفت)

۲) اگر «یذهب» منفی شود به همراه «لا» منفی می‌شود: یذهب ^{منفی} لا یذهب

یعنی داریم: کان لا یذهب

پس خواهیم داشت:

فعل ماضی استمراری در حالت مثبت:

کان یذهب (می‌رفت) ← فعل ماضی استمراری در حالت منفی ← ما کان یذهب (نمی‌رفت)، لم یکن یذهب (نمی‌رفت)،

کان لا یذهب (نمی‌رفت)

• دو فعل تشکیل‌دهنده‌ی ماضی استمراری چه در حالت مثبت و چه در حالت منفی،

باید در صیغه، با هم مطابقت داشته باشند.

	کان یذهب	کنت تذهب
کانا یذهبان	کانتما تذهبان	
کانوا یذهبون	کنتم تذهبون	کنت اذهب
کانت تذهب	کنت تذهبین	کنا نذهب
کانتا تذهبان	کنتما تذهبان	
کن یذهبین	کنتن تذهبین	

برای منفی سه حالت وجود دارد:

حالت اول: در ابتدای چهارده صیغه‌ای که صرف شد حرف «ما» بیاورید:

ما کان یذهب، ما کانا یذهبان ... ما کنت اذهب، ما کنا نذهب

۱- در قسمت ماضی ساده بیان شد که «لم» به همراه فعل مضارع معنایی معادل منفی ماضی ساده را دارد. دقت کنید فعل

«یکن» در اصل «یکون» بوده که حرف عله‌ی آن حذف شده است.

حالت دوم: «لم» بر سر مضارع کان ظاهر شود:

	لم یکن یذهب	لم تکن تذهب
لم یكونا ^(۱) یذهبان	لم تكونا تذهبان	لم اکن اذهب
لم یكونوا یذهبون	لم تكونوا تذهبون	لم نکن تذهب
لم تکن تذهب	لم تکونی تذهبین	
لم تكونا تذهبان	لم تكونا تذهبان	
لم یکنن یذهبن	لم تکنن تذهبن	

حالت سوم: در ابتدای چهارده صیغه‌ی مضارع حرف «لا» ظاهر می‌شود:

کان لا یذهب، کانا لا یذهبان ... کنن لا اذهب، کنا لا نذهب

• مطابقت میان دو حالت مثبت و منفی وجود دارد اما گاهی این مطابقت در برخی صیغه‌ها دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر فقط و فقط در صیغه‌های غایب، گاهی این مطابقت وجود ندارد (هرچند در صیغه‌های مخاطب و متکلم همواره این مطابقت محفوظ است) این عدم مطابقت در صیغه‌های غایب هنگامی که فعل در یک جمله قرار دارد متناسب با قاعده‌ی زیر ظاهر می‌شود:

(۱) فعل، اول بیاید همواره مفرد است.^(۲)

(۲) فعل، بعد (از اسمی) بیاید باید با آن اسم مطابقت کند (البته وقتی درباره‌ی آن اسم توضیح می‌دهد)

مثال: کان التلامیذ یلعبون، التلامیذ کانوا یلعبون

کانت التلمیذتان تذهبان، التلمیذتان کانتا تذهبان

در حالت مفرد هنگامی که، اسمی میان آن دو قرار می‌گیرد سه حالت امکان‌پذیر است:

(۱) دو فعل اول بیاید: کان یذهب التلمیذ، کانت تذهب التلمیذ

(۲) یک فعل اول و یکی آخر بیاید: کان التلمیذ یذهب، کانت التلمیذ تذهب

(۳) هر دو فعل آخر: التلمیذ کان یذهب، التلمیذ کانت تذهب

اما در حالت مثنی و جمع، حالت اول که هر دو فعل اول بیاید وجود ندارد:

(۱) یک فعل اول و فعل دوم آخر: کان التلمیذان یذهبان، کانت التلمیذتان تذهبان

(۲) هر دو فعل آخر: التلمیذان کانا یذهبان، التلمیذتان کانتا تذهبان

«انزعجت من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى الناس، ولكنه لم يهتم بانزعاجي!»:

- ۱ از بعضی کارهایش که سبب آزار مردم می‌شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
- ۲ بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی‌ام اهمیتی نداد!
- ۳ از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی‌داد!
- ۴ برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت‌کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!



در درسنامه اسلوب ماضی استمراری را آموختید، می‌خواهیم این سؤال را با این اسلوب حل کنیم. فعل «كانت تسبب» ماضی استمراری است و باید به صورت «سبب می‌شد» ترجمه شود که فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



«انزعجت» ماضی ساده است و باید به صورت «ناراحت شدم» ترجمه شود که فقط در گزینه‌ی (۱) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]



۱- ضمیر «ي» در «انزعاجي» حتماً باید در ترجمه آورده شود و به صورت «ناراحتی من» ترجمه شود که در گزینه‌های (۳) و (۴) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
۲- «أذى الناس» مضاف و مضاف‌الیه است و ترجمه‌ی آن به صورت «مردم‌آزاری» ناصحیح است در ضمن «مرا» به صورت مفعول ترجمه شده در صورتی که ضمیر «ت» در عبارت اصلی «فاعل» است. [رد گزینه‌ی (۲)]
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

«او حقیقتاً کودکان را دوست می‌داشت، و پیوسته با آنان با لبخند و مهربانی برخورد می‌کرد!»:

- ۱ كان حقاً يحب الأطفال حباً و يواجههم دائماً مبتسماً و حنونين!
- ۲ إنه دائماً يحب الصغار و يشاهدهم حقيقةً ضاحكين و حنونين!
- ۳ إنه يحب الصغار حقيقةً و يزورهم ضاحكاً و حنوناً دائماً!
- ۴ كان يحب الأطفال حقاً و يلقاهم مبتسماً و حنوناً دائماً!



- ۱- «دوست می‌داشت» ماضی استمراری است و اسلوب تعریب آن «کان + فعل مضارع» می‌باشد که این اسلوب فقط در گزینه‌های (۱) و (۴) رعایت شده و به‌صورت «کان یحب» صحیح می‌باشد. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
- ۲- توجه داشته باشید که «با لبخند و مهربانی» قید حالت است که درباره «او» توضیح می‌دهد پس باید به‌صورت مفرد تعریب شود یعنی «مبتسماً و حنوناً». [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
- جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

ریاضی ۸۸

مثال

«كنت أعرف كاتباً قد كتب أكثر مقالاته في صحف مدينتنا»:

- ۱ به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه‌ی شهرمان به چاپ رسیده است.
- ۲ نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیشتر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود.
- ۳ من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه‌ی شهر ما به چاپ رسیده بود.
- ۴ با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیشتر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت.



- ۱- «كنت أعرف» باید به‌صورت ماضی استمراری ترجمه شود، یعنی «می‌شناختم» که فقط در گزینه‌ی (۲) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
- جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۱- «صحف» جمع است، به گزینه‌ها دقت کنید «صحف» در گزینه‌های (۱) و (۳) به‌صورت مفرد یعنی «روزنامه» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
- ۲- عبارت «صحف مدينتنا» تشکیل شده از دو ترکیب اضافی (مضاف، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه) است و باید به‌صورت «روزنامه‌های شهرمان» ترجمه شود که در گزینه‌ی (۴) به‌صورت وصفی ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)] (رجوع به درسنامه وصف و اضافه)
- جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۳- «كنت» که از ریشه‌ی «کان» است در «قد كتب» نیز تأثیر می‌گذارد و به‌صورت ماضی بعید یعنی «نوشته بود» ترجمه می‌شود که فقط در گزینه‌ی (۲) به‌صورت صحیح ترجمه شده است.

«عندما كنّا نَسافر قبل شهرين في مناطق بلادنا الشماليّة، تذكّرنا جدّتنا الحنون التي كانت ترافقنا قبل سنوات في كلّ سفراً»:

۱- آنگاه که دو ماه پیش در قسمت شمالی کشور بودیم، به یاد مادر بزرگ مهربانمان افتادیم که سال‌های قبل در هر سفری ما را همراهی می‌کرد!

۲- هنگامی که دو ماه قبل در حال سفر در نواحی شمالی کشور بودیم، مادر بزرگ مهربانمان به یاد ما آمد که سال‌های قبل در هر سفری ما با هم رفیق بودیم!

۳- وقتی دو ماه پیش به مناطق شمالی کشورمان مسافرت می‌کردیم، مادر بزرگ مهربانمان را به خاطر آوردیم که سال‌ها قبل در هر سفری ما را همراهی می‌کرد!

۴- در زمانی پیش از دو ماه، مشغول مسافرت در نواحی شمالی کشور بودیم، به یاد مهربانی‌های مادر بزرگمان افتادیم که در تمام سفرهای سال‌های قبل چگونه ما را مهربان کرده بود!



«کنّا نَسافر» فعل ماضی استمراری در صیغهی متکلم مع‌الغیر است. یعنی «مسافرت می‌کردیم» که فقط در گزینه‌ی (۳) صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



به عبارت «بلادنا» نگاه کنید. «نا» ضمیر متصل می‌باشد. این ضمیر فقط در گزینه‌ی (۳) «کشورمان» ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



۱- فعل «كانت ترافق» ماضی استمراری در صیغهی مفرد مؤنث غایب و ترجمه‌ی آن «همراهی می‌کرد» می‌باشد که در گزینه‌های (۲) و (۴) صحیح ترجمه نشده است. توجه داشته باشید که در این گزینه‌ها علاوه بر این‌که از لحاظ معنایی صحیح ترجمه نشده‌اند بلکه از نظر زمانی نیز صحیح ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۲- «مناطق» جمع است ولی در گزینه‌ی (۱) به صورت مفرد «قسمت» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]

جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

فعل ماضی بعید

از فعل «کان» به همراه یک فعل ماضی تشکیل می‌شود و حرف «قد» ممکن است به همراه این دو فعل (در ابتدا یا در وسط آن) ظاهر شود:

رفته بود: **كَانَ ذَهَبٌ، قَدْ كَانَ ذَهَبٌ، كَانَ قَدْ ذَهَبَ**

كان ذَهَبٌ (رفته بود) كانا ذَهَبًا (رفته بودند)، ...

كنت ذَهَبْتُ (رفته بودم) كنتا ذَهَبْنَا (رفته بودیم)

منفی این فعل مانند فعل ماضی استمراری به چند شکل ظاهر می‌شود زیرا از دو فعل تشکیل شده است و هریک از این دو فعل را می‌توان منفی نمود:

كان ذَهَبٌ (رفته بود) ما كان ذَهَبٌ (نرفته بود)

كان قَدْ ذَهَبٌ (رفته بود) ← منفی ماضی بعید ما كان قَدْ ذَهَبٌ (نرفته بود)

قد كان ذَهَبٌ (رفته بود) لم يكن ذَهَبٌ (نرفته بود)

كان ما ذَهَبٌ (نرفته بود)

در فعل ماضی بعید در هر دو حالت مثبت و منفی باید میان دو صیغه مطابقت برقرار باشد (چون هر دو فعل ماضی هستند ضمائر هر دو فعل با هم قرینه‌اند):

كَانَ ذَهَبٌ كُنْتُ ذَهَبْتُ كُنْتُ ذَهَبْتُ

كانا ذَهَبًا كنتما ذَهَبْتُمَا كنتا ذَهَبْنَا

كانوا ذَهَبُوا كنتم ذَهَبْتُمْ كنتم ذَهَبْتُمْ

كانت ذَهَبَتْ كنت ذَهَبْتِ كنت ذَهَبْتِ

كانتا ذَهَبْتَا كنتما ذَهَبْتِمَا كنتما ذَهَبْتِمَا

كن ذَهَبْتَ كنتن ذَهَبْتِنِ كنتن ذَهَبْتِنِ

هریک از حالت‌های منفی نیز باید در هر (۱۴) صیغه با هم مطابقت کنند:

حالت اول و حالت دوم: در ابتدای فعل کان حرف نفی «ما» قرار می‌گیرد و مانند قبل

صرف می‌شود (به همراه «قد» یا بدون آن):

ما كان ذَهَبٌ، ما كانا ذَهَبًا ... ما كنت ذَهَبْتُ، ما كنتا ذَهَبْنَا

لم يكن ذهب	لم تكن ذهب	لم يكن ذهبا
لم يكونوا ذهبوا	لم تكونوا ذهبتما	لم يكونوا ذهبا
لم تكن ذهبت	لم تكوني ذهبتي	لم تكن ذهبت
لم تكونا ذهبتا	لم تكونا ذهبتما	لم تكونا ذهبتا
لم يكنن ذهبن	لم تكنن ذهبتن	لم يكنن ذهبن

حالت چهارم: «ها» بر سر فعل ماضی دوم ظاهر شود:

كان ما ذهب، كانا ما ذهبا ... كنت ما ذهبت، كنا ما ذهبنا

مطابقت میان صیغه‌ها همان‌طور که بیان شد در صیغه‌های متکلم و مخاطب همواره وجود دارد. اما در صیغه‌های غایب گاهی تفاوت می‌کند یعنی هنگامی که فعل اول بیاید مفرد است و هنگامی که بعد از اسمی بیاید باید با آن مطابقت کند (البته وقتی درباره‌ی آن اسم توضیح می‌دهد):

مثال: الرجال كانوا ذهبوا، كان الرجال ذهبوا

التلميذتان كانتا ذهبتا، كانت التلميذتان ذهبتا

البته دقت کنید همان‌طور که در مطالب قبلی بیان شد در حالت مثنی و جمع هیچ‌گاه دو فعل اول نمی‌آیند در حالی که اسم مربوطه بعد از آن‌ها ظاهر شود:

نادرست: كان ذهب الرجال، كانت ذهب التلميذتان

درست: كان الرجال ذهبوا، الرجال كانوا ذهبوا

كانت التلميذتان ذهبتا، التلميذتان كانتا ذهبتا



«كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة»:

- ۱ پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
- ۲ بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی‌ام دعوت کرد!
- ۳ مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
- ۴ مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

راه حل ۱

۱- «كانت قد دعت» ماضی بعید است و به صورت «دعوت کرده بود» باید ترجمه شود.

[ردگزینه‌های (۲) و (۴)]

۲- به گزینه‌ی (۳) توجه کنید، «مدرسه‌ی ما» به همراه ضمیر ترجمه شده، در صورتی که در سؤال «المدرسة» بدون ضمیر است. [ردگزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

راه حل ۲

ضمیر متصل «ی» در «صدیقانی» فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده است.

[رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

مثال

تجربی ۹۱

«كانت أمي ألحّت عليّ أن لا أحاكي الآخرين و أعتمد على نفسي و أفق على قدمي!»:

- ۱ مادر من اصرار داشت که از دیگران پیروی نکرده فقط بر خویش تکیه کنم و بر پاهای خود بایستم!
- ۲ مادرم بر من فشار می‌آورد که از دیگران تبعیت نکرده به خود تکیه کنم و روی پای خویش بایستم!
- ۳ مادر من پافشاری کرد که از دیگران پیروی نکنم و اعتماد به نفس داشته باشم و روی پای خود بایستم!
- ۴ مادرم به من اصرار کرده بود که از دیگران تقلید نکنم و به خود اعتماد کنم و بر روی پاهای خود بایستم!

راه حل ۱

«كانت ألحّت» فعل ماضی بعید است که ترجمه‌ی صحیح آن به صورت «اصرار کرده بود» می‌باشد

و فقط در گزینه‌ی (۴) درست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

راه حل ۲

۱- در صورت سؤال «عليّ» از «علي» حرف جرّ و ضمیر «ی» متکلم وحده تشکیل شده

است و باید به صورت «به من، بر من» ترجمه شود که در گزینه‌های (۱) و (۳) اصلاً ترجمه نشده است. [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

۲- «قدمي» در اصل «قدمين + ي» بوده که در اضافه شدن «ن» مثنی حذف شده و باید در فارسی به صورت جمع یعنی «پاهای خود» ترجمه شود. [ردگزینه‌های (۲) و (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

مثال

هنر ۹۱

«تفسّحنا له في مكاننا و أجلسناه إلى جانبنا و رخبنا به و كنا قد تعجّبنا من كفيّهِ الخسنتين!»:

- ۱ وقتی کنار ما جایی برای او باز شد پیش ما نشست و ضمن خیرمقدم به او از دستان زبرش متعجب شدیم!
- ۲ در کنار خود جایی باز کردیم تا نزد ما بنشینند و با تعجب از دستان او که خشن بود، به او خیرمقدم گفتیم!
- ۳ وقتی برای او نزد خودمان جا باز کنیم کنار ما می‌نشینند در حالی که به او خوش آمد می‌گوییم و از دستان زبر او تعجب می‌کنیم!

در گزینه‌ی (۴) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



راه حل ۲

۱- «رَحَبْنَا» فعل ماضی در صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر و ترجمه آن به صورت «خوش آمد گفتیم» صحیح است که در گزینه‌ی (۳) به صورت مضارع ترجمه شده و در گزینه‌ی (۱) نیز به صورت

فعلی ترجمه نشده و معادل مناسبی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲- «كَفَّيْهِ الْخَشَنَتَيْنِ» یک ترکیب وصفی اضافی (موصوف، مضاف‌الیه، صفت) است و باید به صورت

«دستان خشن او» ترجمه شود که در گزینه‌ی (۲) به صورت نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۲)]

جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

ریاضی ۹۱

مثال

«أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة»:

۱ شگفتی مرا فراگرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتاب‌ها طرح

کرده بودند یافتم!

۲ حیرت مرا فراگرفت هنگامی که در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین

بار آن‌ها را مطرح کرده بودند!

۳ دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای

نخستین بار آن‌ها، آن را طرح کرده بودند!

۴ دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست

طراحی شده بود در آن کتاب‌ها یافتم!



راه حل

در صورت سؤال «كان قد طرحوا» فعل ماضی بعید است یعنی «مطرح کرده بودند». [رد

گزینه‌ی (۴)]

۲- ضمیر متصل «ها» در فعل «طرحوها» در گزینه‌های (۱) و (۴) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۳- ضمیر متصل «ي» در «أخذتني» مفعول به است و باید به صورت «مرا» یا «من را» ترجمه شود

که در گزینه‌ی (۳) این ضمیر ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۳)]

جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

ترجمه‌ی فعل مضارع

درسنامه

۲

فعل مضارع اخباری

فعل مضارع در حالت عادی (یعنی مضارع مرفوع) به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

يَذْهَبُ (می‌رود) يَذْهَبَانِ (می‌روند)، ...

أَذْهَبُ (می‌روم) نَذْهَبُ (می‌رویم)

این مضارع در حالت منفی با حرف «لا» (لای نفی) ظاهر می‌شود:

لا يَذْهَبُ (نمی‌رود) لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)، ...

لا أَذْهَبُ (نمی‌روم) لا نَذْهَبُ (نمی‌رویم)

یعنی خواهیم داشت: فعل مضارع اخباری در حالت مثبت:

يَذْهَبُ: می‌رود فعل مضارع اخباری در حالت منفی لا يَذْهَبُ: نمی‌رود

فعل مضارع گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود مانند فعل ماضی:

ما يَذْهَبُ: نمی‌رود ما يَذْهَبَانِ: نمی‌روند ...

ریاضی ۹۰

مثال

«من المؤمنین من یشغلون بطاعة ربهم و یندمون علی خطایهم و الناس منهم فی راحة»:

۱ از میان مؤمنان آن کسانی که به عبادت پروردگارشان مشغولند و از خطاهای خود پشیمان هستند مردم از آن‌ها در آسایش می‌باشند!

۲ مؤمنان کسانی هستند که به بندگی پروردگارشان پرداخته بر اشتباهاتشان پشیمانند و مردم از دست آنان راحت می‌باشند!

۳ عده‌ای از مؤمنین به اطاعت پروردگار خویش مشغول می‌باشند و بر خطاهای خود پشیمان می‌شوند و مردم از آن‌ها در آسایش هستند!

۴ عده‌ای از مؤمنین مشغول عبادت پروردگارد و بر اشتباهات خود پشیمانند و مردم همیشه از دست آن‌ها در امانند!

- ۲- در گزینه‌ی (۲) عبارت «من المؤمنین» اصلاً ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۲)]
- ۳- در گزینه‌ی (۱) کلمه‌ی «آن» اضافی ترجمه شده است و اصلاً در متن عربی معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۱)]
- جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



«یشتغلون» فعل مضارع اخباری است یعنی «مشغول می‌باشند» و این فعل فقط در گزینه‌ی (۳) به صورت مضارع اخباری و صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«شما موفقیت را می‌جوئید اما راه آن را طی نمی‌کنید؛ بدانید که این غیرممکن است!»:

- ۱ آنتم تبحثون عن النّجاح لكن لا تقطعون طريقه؛ اعلّموا أنّه غیرممکن
- ۲ آنتم ترجون الفوز و لكن لا تمشون طرقها؛ اعلّموا أنّها لا یمكن أبداً
- ۳ تسألون النّجاح أما لم تذهبوا مسالكها؛ تعلّموا أنّها أبداً غیرممکن!
- ۴ تطلبون التوفیق أما لم تقطعوا سبيله؛ اعرّفوا أنّه لیس ممكناً



۱- «طی نمی‌کنید» فعل مضارع اخباری منفی است بنابراین گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند، زیرا فعل مضارع را با «لم» منفی کرده‌اند و «لم» فعل مضارع را به معنای ماضی منفی برمی‌گرداند. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۲- در گزینه‌ی (۲) کلمه‌ی «ابداً» اضافی ترجمه شده و اصلاً معادلی در صورت سؤال ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- کلمه‌ی «راه» مفرد است ولی در گزینه‌های (۲) و (۳) این کلمه به صورت «طرق» و «مسالك» تعریب شده که جمع و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

۲- در گزینه‌ی (۴) عبارت «لیس ممكناً» به معنی «ممکن نیست» تعریب مناسبی برای «که این غیر ممکن است» نمی‌باشد. [رد گزینه‌ی (۴)]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

- «إِنَّ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ تُعَانِي التَّكَاسُلَ وَالْخُمُولَ دَائِمًا، فَعَلَى الْأُمَمِ أَنْ تَتَعَرَّفَ عَلَى هَذِهِ الْحَقِيقَةِ!»:
- ۱ اجتماعات بشر بدون شک از تنبلی و سستی رنج می‌کشند، و ملت‌ها این واقعیت را درک می‌کنند!
- ۲ جوامع انسانی همیشه از کسالت و تنبلی در عذاب بوده‌اند پس مردمان باید این حقیقت را دریابند!
- ۳ جوامع بشری همواره از سستی و کاهلی رنج می‌برند، پس بر ملت‌ها است که با این حقیقت آشنا شوند!
- ۴ جامعه‌های انسانی قطعاً از سستی و تنبلی در زحمت هستند، و بر مردمان است که این واقعیت را بشناسند!



۱- «تعانی» فعل مضارع اخباری است ولی در گزینه‌ی (۲) به صورت ماضی «در عذاب بوده‌اند» و در گزینه‌ی (۴) به صورت جمله‌ی اسمیه «در زحمت هستند» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

گاهی معنای «باید» و «نباید» را در جملاتی می‌یابیم که فعل امر به لام یا فعل مجزوم به «لا» در جمله وجود ندارد. «باید» معمولاً از کلماتی مانند «يَجِبُ أَنْ ...» «يَجِبُ عَلَى ...» «على ...»^(۱) و «يلزم أن ...» و «نباید» معمولاً از عباراتی مانند «يَجِبُ إِلَّا ...» یا «على ... إِلَّا»^(۲) برداشت می‌شود. (البته این عبارات را می‌توان «واجب است که ...» یا «بر ... است» نیز ترجمه کرد. اما معمولاً به صورت اول ترجمه می‌شود.)

يَجِبُ أَنْ يَجْتَهِدَ الْعَالِمُ عَالِمٌ بَائِدٌ كَوْشَشٌ كَنْدٌ (واجب است که عالم تلاش کند).
 عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يَجْتَهِدَ. عَالِمٌ بَائِدٌ تَلَّاشٌ كَنْدٌ (بر عالم است که تلاش کند)
 يَجِبُ عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يَجْتَهِدَ. عَالِمٌ بَائِدٌ تَلَّاشٌ كَنْدٌ. (بر عالم واجب است که تلاش کند)

۲- عبارت «على الأمم» معادل «ملت‌ها باید» یا «بر ملت‌ها است» می‌باشد ولی در گزینه‌ی (۱) اصلاً این عبارت ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«چینما تفشل فی امر من امور حیاتک، عینت ان م سحر ی الماء واجهت الأرض الهامدة»:

- ۱۱ زمانی که در کارهای مهم زندگی شکست می‌خوری، نباید با خود چنین بیندیشی که من بیچاره‌ای هستم که هرگاه جستجوی آب کنم، به خشکی می‌رسم!
- ۱۲ وقتی در زندگی به اموری برمی‌خوری که نتیجه‌ی آن شکست تو است، گمان مکن که تو درمانده و در پی آب هستی ولی به زمین بی‌آب و علف دست یافته‌ای!
- ۱۳ چون در کارهای زندگی دچار مشکل می‌شوی، با خود میندیش که چون بیچاره‌ای هستی که هرگاه آب طلب کند، به زمین خشک و بی‌آب و علف می‌رسد!
- ۱۴ هنگامی که در امری از امور زندگی شکست می‌خوری، نباید با خود فکر کنی که درمانده‌ای هستی که اگر در جستجوی آب باشی، با زمین بی‌آب و علف مواجه می‌شوی!



۱- «تفشل» فعل مضارع اخباری است اما در گزینه‌ی (۲) به‌صورت اسمیه معنا شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- «هرگاه» معادل مناسبی برای «إن» نیست. [رد گزینه‌ی (۳)]

۳- به عبارت «امور حیاتک» توجه کنید «امور» اسمی جمع است پس باید جمع ترجمه شود و دیگر این‌که «لک» ضمیر متصل می‌باشد و باید حتماً در ترجمه آورده شود، ترجمه‌ی صحیح آن به صورت «کارهای زندگی‌ات» می‌باشد ولی موارد مذکور در گزینه‌های (۱) و (۲) رعایت نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «امر» اسمی نکره و مفرد است و باید به‌صورت «امری» ترجمه شود ولی در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) نادرست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «واجهت» فعل ماضی^(۱) و در صیغه‌ی مفرد مذکر مخاطب می‌باشد ولی گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲- «مسکین» نکره است ولی در گزینه‌ی (۲) به‌صورت معرفه «درمانده» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

۱- توجه کنید «واجهت» فعل ماضی است ولی به علت این‌که فعل جواب شرط می‌باشد به‌صورت مضارع ترجمه شده است. (این مطلب در قسمت «مضارع التزامی ۲» به‌صورت کامل توضیح داده خواهد شد.)

مضارع التزامی (۱)

فعل مضارع هنگامی که با حروف ناصبه‌ی «أَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى، لَمْ» (که، تا، تا این که، برای این که) ظاهر می‌شود، معنایی معادل مضارع التزامی دارد.

مضارع التزامی در زبان فارسی معمولاً یا برداشتن «می» از ابتدای مضارع اخباری ساخته می‌شود، در این حالت معمولاً حرف «ب» در ابتدای مضارع می‌آید و گاهی نیز به تناسب جمله حرف «ب» نیز ظاهر نمی‌شود: می‌رود ← برود، رود

یذهب (می‌رود) ← أَنْ يَذْهَبَ (که برود) كَيْ يَذْهَبَ، لِكَيْ يَذْهَبَ (که برود، تا برود)
حَتَّى يَذْهَبَ (تا این که برود) لِيَذْهَبَ (برای این که برود، تا این که برود)

معنای حروف ناصبه گاهی با توجه به جمله مشخص می‌شود.

این نوع از فعل‌های مضارع در حالت منفی به همراه لای نفی ظاهر می‌شوند:

أَنْ يَذْهَبَ (که برود) ← أَلَّا يَذْهَبَ (که نرود)
كَيْ يَذْهَبَ، لِكَيْ يَذْهَبَ (که برود، تا برود) ← كَيْ لَا يَذْهَبَ، لِكَيْ لَا يَذْهَبَ (که نرود، تا نرود)
حَتَّى يَذْهَبَ (تا این که برود) ← حَتَّى لَا يَذْهَبَ (تا این که نرود)
لِيَذْهَبَ (برای این که برود) ← لِيَلَّا يَذْهَبَ (برای این که نرود)

مثال

خارج از کشور ۸۹

«إن يكن شخص بيننا أمّياً فعلياً فعلينا أن نشجعه ليتعلّم العلم و لا يقصر في ذلك!»

۱ اگر شخصی در بین ما بی سواد باشد بر ماست که او را تشویق کنیم که علم بیاموزد و در مورد آن کوتاهی نکند!

۲ هرگاه فردی میان ما درس ناخوانده بود بر ما واجب است او را وادار به درس خواندن کنیم و

درباره‌ی آن کوتاهی نکنیم!

۳ هنگامی که شخصی درس ناخوانده بین ما باشد تشویق نمودن او در یادگیری علم و وظیفه‌ی ماست

و نباید در این مسأله کوتاهی کنیم!

۴ چنانچه انسان بی‌سوادی میان ما قرار گرفت بر عهده‌ی ماست که او را به علم‌اندوزی تشویق

نماییم و نباید در آن کوتاهی صورت گیرد!

«لَمْ يَتَعَلَّمْ» و باید به صورت «که علم بیاموزد» معنا شود که فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده و در سایر گزینه‌ها به صورت مصدری و نادرست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



«لَا يَقْضِرُ» فعل مضارع منفی صیغهی مفرد مذکر غایب به معنی «کوتاهی نکنند» و فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «يَكُنْ» فعل مضارع است ولی در گزینه‌ی (۲) به صورت ماضی یعنی «بود» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- عبارت «یادگیری علم» در گزینه‌ی (۳) یک ترکیب اضافی است در صورتی‌که ما در صورت سؤال معادلی برای این ترکیب نداریم و نادرست در ترجمه آورده شده است. [رد گزینه‌ی (۳)]

۳- در گزینه‌ی (۴) «انسان بی‌سوادی» یک ترکیب وصفی است و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

«قَدْ تَعَلَّمْتَ أَنْ لَا أُعْجِلَ فِي مَعَابَةِ أَحَدٍ بِذَنْبِ ارْتِكَابِهِ، فَلَعَلَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ ذَنْبَهُ!»:

۱۱ یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!

۱۲ مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، بسا خدا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!

۱۳ فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه کردنشان نباید شتاب داشته باشم، بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیامرزد!

۱۴ به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ی خداوند باشد!



«أَنْ لَا أُعْجِلَ» فعل مضارع منفی التزامی در صیغهی متکلم وحده است و در ترجمه باید به صورت «عجله نکنم» ظاهر شود. [رد سایر گزینه‌ها] (دقت کنید در صورت سؤال معادلی برای «نبايد» در گزینه‌ی (۲) وجود ندارد.) جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «أحد» مفرد است ولی در گزینه‌های (۲) و (۳) این کلمه جمع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

۲- «هیچ» در گزینه‌ی (۴) در صورت سؤال معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «ارتکب» به معنای «مرتکب شده» فعل ماضی در صیغه‌ی مفرد مذکر غایب است ولی فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



«ذنب» مفرد و تکره است و باید به صورت «گناهی» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «قد تعلّمت» فعل ماضی نقلی در صیغه‌ی متکلم وحده می‌باشد ولی در گزینه‌های (۲) و (۴) به صورت اشتباه ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۲- «أحد» اسمی نکره است ولی در گزینه‌ی (۳) به صورت معرفه ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



به انتهای سؤال نگاه کنید، «ذنبه» اسم به همراه ضمیر متصل و به معنی «گناه او، گناهِش و ...» می‌باشد و اسم به همراه ضمیرش حتماً باید در ترجمه آورده شود ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) این مورد رعایت نشده است و در گزینه‌ی (۲) نیز این ضمیر جمع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



به عبارت «بذنب ارتکبه» توجه کنید، این عبارت فقط در گزینه‌ی (۱) به درستی ترجمه شده است یعنی «به سبب گناهی که مرتکب شده». [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

«الأفضل للطلاب أن ينتخب فرعه الجامعي بدقّة حتى لا يندم في المستقبل!»

۱ دانش‌آموز باید رشته‌ی دانشگاهی خود را با دقّت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!

۲ دانش‌آموز خوب، رشته‌ی دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!

۳ بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته‌ی دانشگاهی خود را با دقّت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!

(۲) به صورت مضارع اخباری ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- عبارت «الأفضل للطلاب...» یک جمله‌ی اسمیه است اما در گزینه‌ی (۱) به صورت یک جمله‌ی

فعلیه و نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۱)]

۳- به معرفه‌ها و نکره‌ها دقت کنید کلمه‌ی «للطلاب» معرفه می‌باشد ولی در گزینه‌ی (۴) به صورت

نکره ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



به عبارت «الأفضل للطلاب» توجه کنید، معادل «الأفضل للطلاب» در ترجمه‌ی فارسی «بهتر برای

دانش‌آموز» می‌باشد و این عبارت فقط در گزینه‌ی (۳) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



۱- به گزینه‌ی (۱) نگاه کنید، در این گزینه معادلی برای «الأفضل» وجود ندارد و اصلاً

ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۱)]

۲- در گزینه‌ی (۲) عبارت «دانش‌آموز خوب» یک ترکیب وصفی است و معادلی برای آن در صورت

سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)]

۳- در گزینه‌ی (۴) کلمه‌ی «هر» اضافی است و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]

جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

مستقبل

اگر در ابتدای فعل مضارع حروف استقبال «س، سوف» قرار بگیرد، مستقبل ساخته می‌شود:

سَيَذْهَبُ، سَوْفَ يَذْهَبُ: خواهد رفت

سَيَذْهَبُ (خواهد رفت) سَيَذْهَبَانِ (خواهند رفت) ...

سَأَذْهَبُ (خواهم رفت) سَنَذْهَبُ (خواهیم رفت)

این فعل در حالت منفی به همراه حرف ناصبه‌ی «لن» ظاهر می‌شود.

لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت، هرگز نخواهد رفت ...

یعنی خواهیم داشت:

فعل مستقبل در حالت مثبت:

سَيَذْهَبُ، سَوْفَ يَذْهَبُ (خواهد رفت) ← فعل مستقبل در حالت منفی لَنْ يَذْهَبَ (نخواهد رفت، هرگز

نخواهد رفت)

دقت کنید هر چند فعل مستقبل در حقیقت مضارع مرفوع است اما منفی این فعل به صورت مضارع منصوب ظاهر می‌شود، زیرا حرف ناصبه‌ی «لن» بر سر آن آمده است.



تجربس ۹۰

مثال

«كيف تتفاخر بالمال والأهلين، و ما هم إلا ودائع لا بدّ من أنّنا سنتركهم غداً أو بعد غدا»

- ۱- به چه سبب بر مال و فرزندان خود افتخار می‌کنی، در حالی که امروز یا فردا این ودایع را باید ترک گفت!
- ۲- چگونه است که فقط به مال و فرزندان افتخار می‌کنی، و حال این‌که آن‌ها امانت‌هایی هستند که امروز یا فردا ترکشان خواهیم گفت!
- ۳- چگونه به خاطر مال و خانواده فخر می‌فروشی، و حال این‌که آن‌ها فقط ودیعه‌هایی هستند که فردا یا پس فردا ناچار آن‌ها را ترک خواهیم کرد!
- ۴- به چه علت بسبب مال و خانواده‌ات فخر فروشی می‌کنی، در حالی که این‌ها امانت‌هایی هستند که فردا یا پس فردا ناچار ما را ترک خواهند کرد!



- ۱- با اسلوب فعل مستقبل آشنا شدیم. «سنترکهم» فعل مستقبل در صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر می‌باشد و ترجمه‌ی آن باید به صورت «ترکشان خواهیم گفت» یا «آن‌ها را ترک خواهیم کرد» باشد ولی در گزینه‌های (۱) و (۴) به درستی ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
- ۲- در گزینه‌ی (۲) کلمه‌ی «فقط» اضافی در ترجمه آورده شده و در متن عربی معادلی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



- ۱- به گزینه‌های (۱) و (۴) توجه کنید. در گزینه‌ی (۱) عبارت «فرزندان خود» و در گزینه‌ی (۴) عبارت «خانواده‌ات» همراه با ضمیر ترجمه شده‌اند، در صورتی که «الأهلین» در صورت سؤال به تنهایی آمده و ضمیری به آن نچسبیده است و ترجمه‌ی آن به همراه ضمیر نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
- ۲- کلمه‌ی «لا بدّ» به معنی «ناچار» در گزینه‌ی (۲) اصلاً ترجمه نشده و معادلی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



- عبارت «ما هم إلا...» استثنای مفرغ^(۱) می‌باشد و باید برای ترجمه‌ی «إلا» از کلمه‌ی «فقط» استفاده کنیم که تنها در گزینه‌ی (۳) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

می‌باشد ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) اشتباه ترجمه شده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
 ۲- ضمیر «هم» در «سنتزکهم» مفعول به و به معنی «آن‌ها» می‌باشد ولی در گزینه‌ی (۴) مفعول به را به اشتباه «ما را ...» ترجمه کرده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«اگر با اتکای به پروردگار خود به حلّ مشکلات خویش مبادرت کنی، بدون شک گره‌های پیچیده‌ی آن‌ها را خواهی گشود!».

۱- إذا أقدمت لحلّ المشكلات بنفسك متوكلاً على إلهك، بلاشك ستفتح العقد المعقّدة منها!

۲- إن بادر بحلّ المشكلات لنفسك بالتوكّل على ربك، تفتح عقدتها المعقّدة بلاریب!

۳- لما تُقدم لتحلّ مشاكل نفسك بتوكّل على إلهك، بلاریب تفتح عقدها المعقّدة منها!

۴- لو تبادر بحلّ مشاكلك متوكلاً على ربك، ستفتح عقدها المعقّدة بلاشك!



۱- «خواهی گشود» فعل مستقبل می‌باشد، پس در تعریب باید اسلوب فعل مستقبل را داشته باشیم یعنی «س، سوف» در ابتدای فعل آمده باشد. ولی در گزینه‌های (۲) و (۳)، فعل عبارت بدون «س» یا «سوف» آمده و به‌صورت نادرست تعریب شده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
 ۲- تنها دو گزینه باقی مانده است، در گزینه‌ی (۱) «منها» نادرست تعریب شده است. [رد گزینه‌ی (۱)]
 جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «مشکلات خویش» ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است و تعریب صحیح آن به صورت «مشاکل نفسک» یا «مشاکلک» می‌باشد. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
 ۲- در گزینه‌ی (۳) «لما» معادل خوبی برای «اگر» نمی‌باشد و در دیگر گزینه‌ها «لو» و «إن» معادل مناسبی برای آن می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]
 جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



قبلاً گفتیم هنگامی‌که در زبان عربی موصوف و صفت و مضاف‌الیه وجود دارد، مضاف‌الیه بر صفت مقدم می‌شود. «گره‌های پیچیده‌ی آن‌ها» تشکیل شده از موصوف، مضاف‌الیه و صفت می‌باشد یعنی «عقدها المعقّدة» که فقط در گزینه‌ی (۴) به‌درستی تعریب شده و در گزینه‌ی (۳) نیز «منها» اضافی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

مضارع التزامی (۲)

فعل مضارع در زبان عربی هنگامی که با حرف جازمه‌ی «لِـ» (لام امر) بیاید و یا به همراه «لا» (لا نهی) در برخی صیغه‌ها ظاهر شود معادل مضارع التزامی معنا می‌دهد که البته در این دو حالت علاوه بر التزامی بودن فعل کلمه «باید» یا «نباید» نیز وجود دارد:

يَذْهَبُ (می‌رود) ← لَيَذْهَبُ (باید برود) يَذْهَبُ (می‌رود) ← لَا يَذْهَبُ (نباید برود)

• می‌دانید که لام امر بر سر صیغه‌های مخاطب ظاهر نمی‌شود یعنی در این صیغه‌ها امر حاضر وجود دارد که امر به لام، هم‌چنین لای نهی تنها در صورتی که (مانند لام امر) بر سر صیغه‌های غایب و متکلم ظاهر شود معنایی التزامی می‌یابد زیرا در صیغه‌های مخاطب این «لا» فعل نهی مخاطب تشکیل می‌دهد و معنای آن نهی است.

لا تَذْهَبُ: ترو / لا تَذْهَبِ: تروید

• علاوه بر این ادوات جزم، «لَمْ» و «لَمَّا» نیز مضارع را مجزوم می‌کنند. نحوه‌ی ترجمه‌ی این افعال در قسمت ماضی نقلی بیان شد زیرا این ادوات معنای فعل مضارع را به ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی باز می‌گردانند.

لَمْ يَذْهَبُ: نرفت، نرفته است لَمَّا يَذْهَبُ: هنوز نرفته است.

باید گفت حرف «لِـ» سه نوع دارد:

مخصوص اسم: لام جازه: هذه الأموال للناس. (این مال‌ها برای مردم است)

مخصوص فعل:

(۱) لام ناصبه: ... لَيَذْهَبُ (برای این که برود)، این لام معنای «... برای این‌که...» در بر دارد.

(۲) لام جازمه (امر): لَيَذْهَبُ (باید برود)، این لام معنای «باید...» در بردارد.

تفاوت عمده‌ی لام ناصبه با لام جازمه این است که لام ناصبه بر سر همه صیغه‌ها ظاهر می‌شود اما به کاربردن لام امر برای صیغه‌های مخاطب نادرست می‌باشد. در ضمن با توجه به معنای عبارت لام ناصبه غالباً اواسط عبارت و لام جازمه «امر» غالباً اول عبارت می‌آید.

«لتحارب الأفكار السيئة والمزعجة دائماً حتى تبترسم لنا الحياة!»

۱۷ باید با افکار بد و ناراحت کننده پیوسته بجنگیم تا زندگی به ما لبخند بزند!

۱۸ همیشه افکار منفی و ناامید کننده با ما می‌جنگند تا نتوانیم به زندگی بخندیم!

«نباید» ترجمه می‌شود، «لنحارب» امر غایب است و به صورت «باید بجنگیم» ترجمه می‌شود که فقط در گزینه‌ی (۱) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
 جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

مضارع التزامی (۳)

فعل مضارع هنگامی که پس از ادوات شرط یعنی «ان، من، ما»^(۱) قرار بگیرد، فعل اول یعنی فعل شرط، معمولاً به صورت التزامی و فعل دوم یعنی جواب شرط، معمولاً مضارع اخباری یا مستقبل ترجمه می‌شود:
 إن يذهب عليّ إلى المدرسة يتنجح: اگر علی به مدرسه برود موفق می‌شود (یا خواهد شد)

اگر فعل‌هایی که پس از ادوات شرط ظاهر می‌شوند ماضی باشند، غالباً آن‌ها را مضارع ترجمه می‌کنیم.

إن ذهب عليّ إلى المدرسة نجح: اگر علی به مدرسه برود موفق می‌شود (یا خواهد شد)

در میان ادوات شرط دقت کنید «من» و «ما» گاهی شرطیه هستند اما گاهی نیز موصوله یا استفهامیه می‌باشند، به ترجمه‌ی هر یک دقت کنید:

شرطیه: هرکس ← من يجتهد يتنجح: هرکس تلاش کند موفق می‌شود.

موصوله: کسی که، کسانی که ← علم من لا يعلم: به کسی که نمی‌داند یاد بده.

استفهامیه: چه کسی، چه کسانی ← من أنتما: شما کیستید؟

مثال

ریاضی ۹۰

«من يعمل لغير الله، يرذ الله أموره إلى من عمل له!»:

۱ آن کس که برای غیرخدا کار کند، نتیجه‌ی کارش را نیز به او واگذار می‌کند!

۲ کسانی که برای غیرخدا کاری انجام دهند، خداوند امورشان را به همان‌ها واگذار می‌کند!

۳ اگر کسی کاری برای غیرخدا انجام دهد، خداوند هم کار وی را به عهده‌ی او می‌گذارد!

۴ هرکس برای غیرخدا کار کند، خداوند امور او را به همان کسی که برای او کار کرده برمی‌گرداند!

۱- «أینما» نیز از ادوات شرط جازم است؛ اینما ذهبوا وجدوا الرب: هر کجا بروند پروردگار را می‌یابند.



راه حل ۱

۱- «يعمل» فعل مضارع در صیغه‌ی مفرد مذکر غائب می‌باشد که پس از «من» شرطیه آمده و فعل شرط می‌باشد پس باید به‌صورت مضارع التزامی و در همان صیغه ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) به‌صورت جمع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- در گزینه‌ی (۱) اسم «الله» ترجمه نشده و معادلی برایش وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۱)]

۳- در گزینه‌ی (۳) کلمه‌ی «کاری» اضافی ترجمه شده است و در صورت سؤال معادلی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



راه حل ۲

«اموره» اسم جمع و به همراه ضمیر متصل است و ترجمه‌ی آن به صورت «امور او» صحیح است که فقط در گزینه‌ی (۴) درست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



راه حل ۳

در درسنامه‌ی این قسمت گفته شد اگر «مَنْ» شرطیه باشد ترجمه‌ی آن به‌صورت «هرکس، هرکه...» صحیح است و فقط در گزینه‌ی (۴) درست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



راه حل ۴

«عمل» در عبارت «من عمل له»، فعل ماضی به معنی «کار کرده» می‌باشد و فقط در گزینه‌ی (۴) به صورت صحیح ترجمه شده و در سایر گزینه‌ها اصلاً ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

تجربی ۸۹

مثال

«من يطع الله في جميع الأحوال. يصلح الله له أمر دنياہ أيضاً»:

- ۱ هر کس خدا را در هر حال مطیع باشد خدا نیز کارهای او را در دنیایش سامان می‌دهد!
- ۲ آن‌کس که در همه‌ی حالات مطیع خدا باشد، قطعاً در دنیا خدا کارش را اصلاح می‌کند!
- ۳ کسی که در هر حالی خدا را اطاعت کند، خداوند کارهای او را در دنیا اصلاح می‌کند!
- ۴ هر که در همه‌ی احوال از خدا اطاعت کند، خدا هم کار دنیای او را سامان می‌دهد!



راه حل ۱

۱- فعل «يطع» بعد از «من» شرطیه آمده و طبق درسنامه باید به‌صورت مضارع التزامی معنا شود یعنی «اطاعت کند». [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

۲- «دنیاہ» به همراه ضمیر متصل آمده و حتماً باید ضمیر ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



راه حل ۲

۱- «جميع الأحوال» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است و ترجمه‌ی آن به‌صورت «همه، حالات» یا «همه، احوال» صحیح است. [رد گزینه‌ها، (۱) و (۳)]

در گزینه‌ی (۴) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «أمر» یک اسم مفرد است ولی در گزینه‌های (۱) و (۳) به صورت جمع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
۲- در این قسمت باز هم می‌خواهیم از اسم «أمر» استفاده کنیم، ولی این بار از جهت دیگری، «أمر» بدون ضمیر متصل آمده ولی در گزینه‌ی (۲) به همراه ضمیر یعنی «کارش» ترجمه شده که نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

مثال ریاضی ۸۹

«إن يستفد الإنسان من العناصر السكرية أكثر من اللازم، يصب بالأمراض المختلفة»:

- ۱ اگر انسان بیش از حد از مواد قندی استفاده کند، به بیماری‌های مختلف دچار می‌شود!
- ۲ اگر انسان بیش از حد نیازش مواد قندی مصرف کند، بیماری‌های مختلف به او آسیب می‌رساند!
- ۳ انسان چنانچه از مواد قندی بیشتر از نیاز استفاده کند، بیماری‌های مختلفی به او ضرر می‌رساند!
- ۴ استفاده‌ی بیش از حد از مواد قندی برای انسان ضرر دارد و او را به بیماری‌های مختلف دچار می‌کند!



۱- «إن» از ادوات شرط است و «يَسْتَفِدُّ» فعل شرط می‌باشد و باید به صورت التزامی معنا شود ولی در گزینه‌ی (۴) به صورت اسمی ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)]
۲- «اللازم» ضمیر متصل ندارد پس در ترجمه باید بدون ضمیر ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) «حدّ نیازش» به همراه ضمیر «ش» ترجمه شده است و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]
۳- «الأمراض المختلفة» یک ترکیب وصفی و معرفه است اما در گزینه‌ی (۳) «بیماری‌های مختلفی» نکره ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



«يُصَبُّ» فعل مجهول است یعنی «دچار می‌شود» که فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «اگر» معادل مناسبی برای «إن» می‌باشد اما در گزینه‌ی (۴) معادل مناسبی برای «إن» وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]
۲- در گزینه‌های (۲) و (۳) عبارت «به او» اضافی است و نادرست در ترجمه آورده شده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

«إِذَا» گاهی به معنای «اگر» یعنی هم معنای ادوات شرط ظاهر می‌شود اما دقت کنید «إِذَا» مانند ادوات شرط، مجزوم نمی‌کند («إِذَا» گاهی نیز به معنای «هنگامی‌که» می‌باشد). دقت کنید فعل ماضی پس از «إِذَا» مضارع^(۱) ترجمه می‌شود.

إِذَا أَرَادَ الْإِنْسَانُ: انسان اگر بخواهد ...

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ: هنگامی‌که یاری خدا و پیروزی فرا رسد ...



«إِذَا ظَنَنْتَ أَنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَى رِضَى النَّاسِ، فَأَنْتَ مَخْطِئٌ شَدِيدًا»:

- ۱ هرگاه خیال کنی که مردم می‌توانند تو را راضی نگه دارند چه قدر در اشتباه هستی!
- ۲ اگر گمان کنی که می‌توانی رضایت مردم را به‌دست آوری، بسیار در خطا هستی!
- ۳ وقتی گمان کردی که تو قادر به راضی کردن مردم هستی بسیار به اشتباه افتاده‌ای!
- ۴ اگر فکر می‌کنی که تو توانایی آن را داری که مردم را از خود راضی کنی بسیار خطا می‌کنی!



- ۱- فعل ماضی «ظننت» که بعد از «إِذَا» آمده باید به صورت مضارع ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۳) به صورت ماضی ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۲- در گزینه‌ی (۱) ضمیر «ك» در عبارت «أَنَّكَ» ترجمه نشده است و معادل صحیح آن «که تو» می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۱)]
- ۳- «بسیار خطا می‌کنی» در گزینه‌ی (۴) معادل فعل است که در صورت سؤال چنین فعلی وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۲ «تستطیع» فعل مضارع در صیغه‌ی مفرد مذکر مخاطب است و فقط در گزینه‌ی (۲) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۲ «رضی الناس» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) به معنای «رضایت مردم» است که فقط در گزینه‌ی (۲) به صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۲ «أَنْ تَحْصَلَ عَلَى» فعل مضارع التزامی و به معنای «به‌دست آوری» است که فقط در گزینه‌ی (۲) ترجمه شده و در سایر گزینه‌ها اصلاً ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

باب‌های ثلاثی مزید

به کاربرد برخی باب‌های ثلاثی مزید در ترجمه توجه کنید:

الف) افعال و تفعیل و معمولاً استفعال: متعدی کردن

ذَهَبَ (رفت) ← أَذْهَبَ (برد) فَرَّخَ (شاد شد) ← فَرَّحَ (شاد کرد)

خَرَجَ (بیرون رفت) ← اسْتَخْرَجَ (بیرون آورد)

ب) مفاعلة و تفاعل: مشارکت

كَتَبَ (نوشت) ← كَاتَبَ (... به ... نامه نوشت)

كَتَبَ (نوشت) ← تَكَاتَبَ (... با هم نامه‌نگاری کردند^۱)

ج) انفعال: لازم کردن (مطاوعه: اثرپذیری)

زَعَجَ: (ناراحت کرد) ← انزَعَجَ (ناراحت شد)

د) تفعل و افتعال: لازم کردن و گاهی متعدی نمودن

تَحَوَّلَ: تغییر یافت (لازم) اِبْتَهَجَ: شادمان شد (لازم)

تَجَرَّعَ: نوشید (متعدی) اجْتَنَبَ: دوری کرد (متعدی)

• به فعل‌های زیر و ترجمه‌ی آن‌ها دقت کنید.

عَلِمَ: دانست عَلَّمَ: یاد داد، تعلیم داد تَعَلَّمَ: یادگرفت، آموخت

• فعل‌های ثلاثی مجرد که به باب افعال می‌روند متعدی می‌شوند:

خَدَّتْ: ایجاد شد أَحَدَّتْ: ایجاد کرد

ثَبَّتْ: ثابت شد أَثَبَّتْ: ثابت کرد

• به ترجمه‌ی فعل‌های زیر دقت کنید:

(باب تفعیل و متعدی) غَيَّرَ: تغییر داد. (باب تفعل و لازم) تَغَيَّرَ: تغییر کرد.

• «حَكَى» ثلاثی مجرد و به معنای «نقل کرد و حکایت نمود» و «حَاكَى، يَحَاكِي،

محاكاة» ثلاثی مزید باب «مفاعلة» و به معنای «تقلید و پیروی کرد» می‌باشد.

• در ترجمه‌ی باب «تفاعل» معمولاً از کلماتی نظیر «با هم»، «با یکدیگر» استفاده می‌کنیم:

تعاون الناس لبناء المسجد مردم برای ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند.

۱- در باب «مفاعلة» لجام فعل به یک طرف نسبت داده می‌شود ولی در باب «تفاعل» لجام فعل به هر دو طرف نسبت داده می‌شود.

در ترجمه‌ی باب «مفاعلة» معمولاً میان فاعل و مفعول از کلمه‌ی «با» استفاده می‌شود.

كَاتَبَ عَلِيٌّ حَسَنًا. علی با حسن مکاتبه کرد.

توجه: دقت کنید فعل مضارع باب «تفعل، تفاعل» در صیغه‌های مفرد و مثنای مؤنث

غایب و صیغه‌های مخاطب دارای دو «تاء» در ابتدا می‌باشد:

هي تتقدّم، أنت تتقدّم، ... زیرا «ت» دوم مربوط به خود فعل است و در حالت ماضی در

همه صیغه‌ها یک «ت» در ابتدا وجود دارد.

• به ترجمه‌ی این فعل‌ها دقت کنید:

باب تفعیل و متعدی: يُحَقِّقُ: تحقق می‌بخشد.

باب تفعل و لازم: يَتَحَقَّقُ: تحقق می‌یابد.

• می‌دانید که فعل «زأی» (دید) در حالت مضارع به‌صورت «بِزِي» (می‌بیند) ظاهر می‌شود.

این فعل در باب «افعال» به‌صورت ماضی «أزى» (نشان داد) و مضارع «بِزِي» (نشان می‌دهد)

ظاهر می‌شود.

• از ریشه‌ی «وصل» فعل‌هایی ساخته می‌شود که معنای آن‌ها با یک‌دیگر متفاوت

است به آن‌ها توجه کنید:

(۱) ثلاثی مجرد: (وَصَلَ، يَصِلُ، وَصُولٌ): رسید، پیوست (پیوسته شد)

(۲) ثلاثی مزید در باب افعال (أَوْصَلَ، يُؤْصِلُ، إِيْصَالٌ): رساند، پیوند داد

(۳) ثلاثی مزید باب مفاعلة (وَأَصَلَ، يُؤَاصِلُ، مُوَاصَلَةٌ): ادامه داد

(۴) ثلاثی مزید باب تفعل (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ، تَوَاصُلٌ): توصل الی: رسید، نایل شد

(۵) ثلاثی مزید باب افتعال (إِتَّصَلَ، يَتَّصِلُ، إِتِّصَالٌ): اِتَّصَلَ بِ...: رسید، تماس

پیدا کرد، متصل شد

• دقت کنید حرف «ت» در ابتدای ماضی باب «تفعل و تفاعل»، علامت مضارع نیست

بنابراین این فعل‌ها را مضارع ترجمه نکنید: تَغَيَّرَ: تغییر کرد، تَعَلَّمَ: آموخت

معلوم و مجهول

• معمولاً فعل‌هایی که در فارسی با مشتقات «شدن» به کار می‌روند در زبان عربی به‌صورت

مجهول ظاهر می‌شوند: قَتِلَ: کشته شد دَقِرَ: ویران شد

(البته دقت کنید همیشه این‌طور نیست: اِنْتَعَدَ: دور شد، برخی فعل‌های لازم نیز چنین ترجمه می‌شوند)

اَكْتَسَبَ: به دست آورده شد (به دست آمد)

اما مضارعی که حرف اولش مضموم باشد باید به حرف عین الفعل (ما قبل آخر) نگاه کرد اگر مفتوح بود آن فعل نیز مجهول است: نكتسب: به دست آورده می شود.

• دقت کنید فعل مضارع مجهول را با مضارع معلوم باب افعال، تفعیل و مفاعلة اشتباه نگیرید.

متی ستعلن نتائج الامتحانات: نتایج امتحانات کی اعلام خواهد شد.

إن تصلح سریرتکم ...: اگر درونتان اصلاح شود ...

قل لا آتبع إلا یوحی الی من ربی: بگو جز از آن چه از نزد پروردگارم بر من وحی می شود پیروی نمی کنم.

• برخی افعال در زبان عربی هنگامی که همراه حرف جر استفاده می شوند معنای دیگری می یابند:

یذهب (می رود) ← یذهبُ بـ... (می برد)

قام (ایستاد) ← قام بـ... (انجام داد)

حصل (حاصل شد) ← حصل علی... (به دست آورد)

• به معنای برخی فعل ها که کاربرد بیش تری دارند توجه کنید:

جَمَعَ، یَجْمَعُ، جَمْعٌ (جمع کرد) ← اجتمع، یجتمع، اجتماع (جمع شد)، تَجَمَّعَ، یَتَجَمَّعُ، تَجَمُّعٌ (جمع شد)

ثَبَتَ، یَثْبُتُ، ثَبُوتٌ (ثابت شد) ← اَثَبْتُ، یُثَبِّتُ، اِثْبَاتٌ (ثابت کرد)

قَتَلَ، یَقْتُلُ، قَتْلٌ (کشت) ← قَاتَلَ، یَقَاتِلُ، مَقَاتِلَةٌ (جنگید)

جَلَسَ، یَجْلِسُ، جُلُوسٌ (نشست) ← جالَسَ، یُجالِسُ، مُجالِسةٌ (هم نشینی کرد)

عَلِمَ، یَعْلَمُ، عِلْمٌ (دانست) ← عَلَّمَ، یُعَلِّمُ، تَعْلِيمٌ (یاد داد)، تَعَلَّمَ، یَتَعَلَّمُ، تَعَلُّمٌ (یاد گرفت)

وَصَلَ، یُصَلُّ، وُصُولٌ (رسید) ← أَوْصَلَ، یُؤْصِلُ، إِیصالٌ (رساند)، وَاضَلَ، یُؤَاوِلُ، مُؤَاوِلةٌ (دامه داد)

عَرَفَ، یَعْرِفُ، عِرْفَانٌ (شناخت) ← عَرَّفَ، یُعَرِّفُ، تَعْرِيفٌ (شناساند)، تَعَرَّفَ، یَتَعَرَّفُ، تَعَرُّفٌ (شناخته شد)

حَدَّثَ، یُحَدِّثُ، حَدِیثٌ (اتفاق افتاد) ← حَدَّثَ، یُحَدِّثُ، تَحَدِیثٌ (روایت کرد)، تَخَدَّثَ، یَتَخَدَّثُ، تَخَدُّثٌ

(سخن گفت)

«اتخذ الله في القرآن أساليب مختلفة لدعوة الناس إلى دينه، لأنهم مختلفون في ثقافتهم!»:

۱) اختلاف در فرهنگ‌ها باعث شده تا خداوند در قرآن مردم را به شیوه‌های متفاوت به دین خود فرا خواند!

۲) خداوند مردم را به شکل‌های متفاوت به دین خود فرا می‌خواند، زیرا مردم دارای فرهنگ‌های مختلفی هستند!

۳) از آنجایی که مردم فرهنگ‌های متفاوتی دارند، روش‌های خداوند در قرآن برای دعوت آنان، با یک‌دیگر تفاوت دارد!

۴) خداوند در قرآن برای دعوت مردم به دین خود روش‌های مختلفی بکار گرفته، زیرا آن‌ها در فرهنگ‌های خویش مختلفند!



«اتخذ» فعل ماضی است و معادل صحیح آن «به‌کار گرفته» می‌باشد و فقط در گزینه‌ی (۴) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



ترکیب «أساليب مختلفة» جمع و نکره است، و فقط در گزینه‌ی (۴) به درستی ترجمه شده است و در گزینه‌ی (۳) نیز جزء دوم آن اصلاً ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



ضمیر متصل «هم» در «ثقافتانهم» حتماً باید ترجمه شود و به صورت «فرهنگ‌های خویش» فرهنگ‌هایشان و ... ظاهر شود که فقط در گزینه‌ی (۴) این ضمیر ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- عبارت «دینه» در گزینه‌ی (۳) اصلاً ترجمه نشده است و معادلی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۳)]

۲- «دعوة الناس» یک ترکیب اضافی به معنی «دعوت مردم» می‌باشد ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) اصلاً آن تکمیل ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ها]. (۱) و (۲)

- «يجب ان تستمع باس السرون، همهمه...»
- تمسك ما بايد به اهل قرآنی باشد كه دين با آنها معارضه نمی‌کند و بر سر آن اختلاف ندارند!
 - مستمك ما بايد باوران قرآن باشند، همان‌ها كه با دين مخالفتی نمی‌کنند و در آن اختلافی ندارند!
 - برماست كه به اهل قرآن تمسك بچونیم، چه آنها هستند كه نه با دين مخالفت می‌کنند و نه در آن اختلاف پیدا می‌کنند!
 - ما بايد به افراد شایسته در قرآن متوسل شویم كه نه دين را برای نمایش عرضه می‌کنند و نه اختلافی را در آن مطرح می‌کنند!



۱- «أن تمسك» فعل مضارع از باب «تفعل» است و باید به صورت مضارع التزامی معنا شود ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت اسمی معنی شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
 ۲- ضمیر «هم» در «فهم» در گزینه‌ی (۴) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۴)]
 جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



«اهل القرآن» یک ترکیب اضافی و معرفه است و باید به صورت «اهل قرآن» ترجمه شود كه فقط در گزینه‌ی (۳) به صورت صحیح ترجمه شده است. (دقت داشته باشید كه در گزینه‌ی (۱) «اهل قرآنی» به صورت نكرة ترجمه شده و نادرست است.) [رد سایر گزینه‌ها]
 جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«عندما تُرسل الموجات الصوتية و تصطدم بالأشياء، ترجع إلينا فنسمعها!»

- هنگامی كه موج‌های صوتی را ارسال می‌کنند تا به اشیاء اصابت کنند آن‌ها بازمی‌گردند تا به سمع ما برسند!
- در زمان فرستادن امواج صوت، آن‌ها با اشیاء برخورد می‌کنند، سپس به سوی ما برمی‌گردند و آن‌ها را می‌شنویم!
- هنگامی كه امواج صوتی فرستاده می‌شوند و با اشیاء برخورد می‌کنند، به سوی ما بازمی‌گردند و ما آن‌ها را می‌شنویم!
- وقتی ارسال موج‌های صوتی صورت می‌گیرد، به اشیاء برخورد کرده به سمت ما بازگردانده می‌شوند و به گوش ما می‌رسند!



«تُرسل» فعل مجهول است ولی در گزینه‌ی (۱) معلوم ترجمه شده و نادرست است. در ضمن توجه داشته باشید كه در گزینه‌های (۲) و (۴) این فعل به صورت مصدری ترجمه شده و نادرست است و فقط در گزینه‌ی (۳) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



- ۱- «الموجات الصوتية» یک ترکیب وصفی (صفت و موصوف) است ولی در گزینه‌ی (۲) به‌صورت مضاف و مضاف‌الیه «امواج صوت» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]
- ۲- «تصطدم» مضارع است ولی در گزینه‌ی (۴) به‌طور نادرست ماضی ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۴)]
- ۳- در گزینه‌ی (۱) عبارت «ترجع إلینا» به‌درستی ترجمه نشده است و ترجمه‌ی صحیح آن به‌صورت «به سوی ما باز می‌گردند» می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



- ۱- «تسمع» فعل مضارع و در صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر می‌باشد و ترجمه‌ی صحیح آن «می‌شنویم» است ولی در گزینه‌های (۱) و (۴) به‌درستی ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
- ۲- در گزینه‌ی (۲) عبارت «در زمان» اضافی ترجمه شده است و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

هنر ۹۰

مثال

«من الناس من یشبه المصباح، ینور الطريق لك ثم يزول نوره شيئاً فشيئاً، فيجعلك مصباحاً لإضاءة طريق الآخرين!»:

- ۱ از بین مردم برخی به چراغ می‌مانند، در حالی که راه را نورانی می‌کنند و سپس بی‌نور و خاموش می‌شوند، آنگاه تو را چراغ راه دیگران می‌کنند!
- ۲ کدام دسته از مردم مثل چراغ راه را روشن می‌کنند، اما کم نور خود را از دست می‌دهند، و از تو چراغی می‌سازند که راه دیگران را روشن کنی!
- ۳ بعضی از مردم شبیه چراغ هستند، راه را برای تو روشن می‌کند و کم نور آن از بین می‌رود، آنگاه تو را چراغی برای روشن کردن راه دیگران قرار می‌دهد!
- ۴ بعضی مردم چون چراغی هستند که راه را برایت روشن می‌کنند ولی کم نور آنها محو می‌گردد، و تو در این هنگام چراغی می‌شوی که راه دیگران را روشن می‌کنی!



۱- «یشبه» فعل مضارع و به معنای «شبیه هستند» است و در گزینه‌ی (۲) این فعل اصلاً ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- ضمیر متصل «ه» در عبارت «توره» حتماً باید در ترجمه آورده شود و به‌صورت «نور خود یا نور آن...» صحیح است. (توجه داشته باشید که در گزینه‌ی (۴) این ضمیر به‌صورت جمع یعنی «آن‌ها»

برخی کلمات در زبان عربی اصطلاح هستند و باید آن‌ها را به صورت اصطلاح ترجمه کرد
و نه، لفظ به لفظ. برخی از این اصطلاحات عبارتند از:

با خود	فی نفسی
سر بلند	مرفوع الرأس
کم‌کم	شیئاً فشیئاً
مورد توجه	نصب أعینه

۱- عبارت «شیئاً فشیئاً» یک اصطلاح به معنی «کم‌کم» است و در گزینه‌ی (۱) این اصطلاح ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۱)]

۲- «لك» به معنی «برای تو» یا «برایت» می‌باشد ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

۳- «المصباح» معرفه است ولی در گزینه‌ی (۴) به صورت نکره «چراغی» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

ترجمه‌ی فعل امر

درسنامه

۴

می‌دانید که فعل امر به دو صورت به‌کار می‌رود:

- ۱- امر حاضر: که مخصوص صیغه‌های مخاطب است. اِکْتَسِبْ: به‌دست آور
- ۲- امر غایب و متکلم (امر به لام): که در قسمت مضارع التزامی توضیح داده شد: یِکْتَسِبْ: باید به‌دست بیاورد / لِنِکْتَسِبْ: باید به‌دست بیاوریم.

مثال

خارج از کشور ۹۰

«أحسن كلامك ليصاحبك الناس راغبين فيك؛ لأن من تحلى بهذه الخصلة، كثر معاشرته!»:

- ۱۱ به نیکی سخن بگو تا مردم با کمال میل رفیق تو شوند، از آنجا که هر کس مزین به این خصلت شود، یارانش زیاد می‌گردند!
- ۱۲ سخن خود را نیکو کن تا مردم با میل با تو مصاحبت کنند، زیرا هر کس به این خصلت آراسته شود، معاشران او زیاد می‌گردند!
- ۱۳ نیکو سخن بگو تا مردم به تو متمایل شده رفیق تو گردند، چه هر کس خود را به این صفت بیاراید، بر معاشرین خود می‌افزاید!
- ۱۴ سخن زیبا به زبان آور تا مردم از تو روی نگردانند، چون هر کس از این خصلت بهره‌مند شود، یارانش را زیاد می‌کند!

راه حل ۱

«أحسن» فعل امر از باب «إفعال» در صیغه مفرد مذکر مخاطب به معنای «نیکو کن» می‌باشد و فقط در گزینه‌ی (۲) صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

توجه

دقت کنید که همزه‌ی متحرک ابتدای فعل امر، فقط در باب «إفعال» مفتوح می‌باشد.

تَحْسِبُ ← أَحْسِنُ

تُكْرِمُ ← أَكْرِمُ

راه حل ۲

«كلامك» به معنای «سخن خود ...» می‌باشد و دارای یک ضمیر متصل است ولی این ضمیر به جز در گزینه‌ی (۲) در هیچ یک از گزینه‌های دیگر ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

فعل‌های امر و ماضی باب‌های ثلاثی مزیدگاهی مشابه هم هستند. آن‌ها را از هم تشخیص

در ترجمه‌ی جمله‌ی اسمیه باید به مبتدا و خبر دقت کرد، مبتدا را به عنوان نهاد یا مسندالیه عبارت و خبر را به عنوان مسند یا گزاره ترجمه نمود.

ازدیاد التقوی سبب ازدیاد قيمة الانسان: زیاد شدن تقوی سبب افزایش ارزش انسان است.

هم‌چنین باید دانست که خبر اگر جمله‌ی فعلیه نباشد برای ترجمه‌ی فارسی آن معمولاً از اشتقاقیات فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم.

النجاة في الصدق: نجات در راستگویی است.

ضمیری مانند «هو» که گاهی میان مبتدا و خبر ظاهر می‌شود. (و ضمیر فصل^(۱) نام دارد) برای تأکید

است در ترجمه‌ی ضمیر فصل از تعبیری چون «نه تنها، همان است» که، چنین است» استفاده می‌شود:

ازدیاد التقوی هو سبب ازدیاد قيمة الانسان: زیاد شدن تقوی است که سبب افزایش ارزش انسان می‌گردد.

العلماء هم البحار الزاخرة: دانشمندان همان دریاهای سرشار هستند.

• در زبان عربی «داشتن» معمولاً به وسیله‌ی فعل خاصی نشان داده نمی‌شود، بلکه معمولاً در قالب‌های زیر معنای «داشتن» وجود دارد.

الف) حرف جر «لی»: لی کتاب: کتابی دارم.

ب) عند (چنانچه ظرف زمان و مکان نباشد):

کان عندی کتاب: کتابی داشتم.

عندی امتحان غداً: فردا امتحانی دارم.

ج) ترکیب «کان + لی»: کان لی کتاب: کتابی داشتم.

• اگر پس از اسم اشاره، اسم ال دار ظاهر شود، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود

اما اگر این اسم بدون ال باشد، اسم اشاره طبق صیغه‌ی خود ترجمه می‌گردد:

هؤلاء الطلاب ضاحكون: این دانش‌آموزان خندان هستند.

هؤلاء طلاب ضاحكون: این‌ها دانش‌آموزانی خندان هستند.

بنابراین می‌توان گفت اگر اسم بعد از اشاره بدون ال باشد، غالباً همان اسم خبر می‌باشد. در

حالی که اگر اسم ال دار باشد خبر معمولاً بعد از آن اسم قرار دارد (البته همواره به معنای

عبارت هم توجه کنید)

• «هناك» (ظرف مکان) گاهی^(۲) اوقات به معنای «هست، وجود دارد» به کار می‌رود:

هناك كتاب علی الكرسي: کتابی روی صندلی هست (وجود دارد)

هناك آمال كثيرة حول نجاح المسلمين: آرزوهای زیادی پیرامون موفقیت مسلمانان وجود دارد.

۱- قواعد ضمیر فصل مخصوص رشته‌ی انسانی می‌باشد.

۲- هنگامی که خبر مقدم باشد.

«أفضل ما ينتفع به الصديق عند الشدة هو أن لا يُترك في صعوبات الدهر وحده!»:

- ۱ برای یک دوست بهترین چیز این است که در تلخی‌های زمانه تنها باقی گذارده نشود!
- ۲ از بهترین چیزها که دوست را می‌توان با آن بهره‌مند کرد، این است که در تلخی زمانه تنها نماند!
- ۳ بهترین چیزی که برای دوست در گرفتاری سودمند است، فقط همین است که در سختی روزگار تنها نماند!
- ۴ بهترین چیزی که دوست هنگام سختی از آن بهره‌مند می‌شود این است که در سختی‌های روزگار تنها رها نشود!



- ۱- در درسنامه با ترجمه‌ی مبتدا و خبر آشنا شدید، «افضل» مبتدا و به معنای «بهترین» است پس باید در ابتدای جمله و به‌صورت مبتدا ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۱)]
 - ۲- «صعوبات» اسم جمع است و باید به‌صورت جمع ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
- جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- «ينتفع» فعل مضارع از باب «افتعال» و به معنای «بهره‌مند می‌شود» است که فقط در گزینه‌ی (۴) به‌صورت صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- عبارت «عند الشدة» در گزینه‌های (۱) و (۲) ترجمه نشده است و اصلاً معادلی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
- ۲- به گزینه‌ی (۳) توجه کنید، در این گزینه کلمه‌ی «فقط» اضافی در ترجمه آورده شده و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

«عدد الذين يواجهون مرارة الحياة بالرضا، و طريقهم الدائم هو الاتكاء على التفاؤل، قليل جداً»:

- ۱ بسیار اندک هستند کسانی که تلخی زندگی را با رضایت پشت‌سر می‌گذارند و اتکای بر خوش‌بینی مسیر همیشگی آن‌هاست!
- ۲ تعداد کسانی که با تلخی زندگی با رضایت مواجه می‌شوند و راه همیشگی آن‌ها اتکا بر خوش‌بینی است، بسیار کم می‌باشد!
- ۳ عده‌ای اندک هستند کسانی که از تلخی‌های زندگی با رضایت عبور می‌کنند و مسیرشان پیوسته با تکیه بر خوش‌بینی طی می‌شود!

ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۲- «طریقهم الدائمی» یک ترکیب وصفی اضافی است و ترجمه‌ی آن به صورت «راه همیشگی آن‌ها» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- «مرارة» اسم مفرد است که در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت جمع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۲- «عدد الذین» یک ترکیب اضافی است که در گزینه‌ی (۱) به صورت مضاف و مضاف‌الیه (تعداد کسانی که ...) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- فعل «یواجهون» به معنی «مواجه می‌شوند» در گزینه‌های (۱) و (۳) درست ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲- «تعدادشان» در گزینه‌ی (۴) به همراه ضمیر ترجمه شده در صورتی که «عدد» در صورت سؤال بدون ضمیر است. [رد گزینه‌ی (۴)]

«بعضی المواد الغذائية مؤثرة في ازدياد قدرة التعلم بسبب ميزاتها الخاصة»:

- ۱ بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش به دلیل برجستگی ویژه‌ای که دارند مؤثر می‌باشند!
- ۲ برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می‌شوند!
- ۳ بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی‌های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می‌باشند!
- ۴ برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه‌ی آن مؤثر واقع می‌شوند!



«میزات» جمع است و فقط در گزینه‌ی (۳) به صورت جمع «ویژگی‌ها» و صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



۱- «قدرة التعلم» یک ترکیب اضافی به معنای «قدرت یادگیری» است که در گزینه‌های (۱) و (۴) معادل مناسبی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۲- «الخاصة» صفت برای «میزات» است ولی در گزینه‌ی (۲) به صورت وصفی ترجمه نشده است و «مخصوص به خود» ترجمه‌ای نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

درسنامه
۶ ترجمه‌ی نواسخ^(۱)

لای نفی جنس:

لای نفی جنس در ترجمه غالباً به صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود:

لا رجل في البيت هیچ مردی در خانه نیست.

لا خبز في وء امرئ متلون هیچ خیری در دوستی فرد رنگارنگ نیست.

«لا» به دو صورت وجود دارد:

۱- غیر عامل: الف) لای نفی (منفی می‌کند): لا يذهبُ (نمی‌رود)

ب) لای عطف: جاء حسنٌ لا عليَّ (حسن آمد نه علی)

۲- عامل: الف) لای نهی (نهی یا التزامی می‌کند): لا يذهبُ (نباید برود) / لا تذهبُ (ترو)

ب) لای نفی جنس: بر اسم ظاهر می‌شود.

حروف مشبهة بالفعل:

«إِنَّ» در متن‌های ادبی و بلاغی مانند «قرآن، نهج‌البلاغه و ...» برای تأکید جمله به کار می‌رود. در چنین مواردی از کلماتی مانند «همانا، بی تردید، به راستی، حقیقتاً، حتماً و ...» برای ترجمه آن استفاده می‌شود. اما توجه داشته باشید که «إِنَّ» لزوماً برای تأکید کلام نیست و بلکه گاهی نوعی «تکیه کلام» برای جمله‌های اسمیه به شمار می‌آید. «أَنَّ» به معنای «که» یا «این‌که» است و معادل حرف ربط زبان فارسی است.

خبر «لیت» و «لعل» اگر مضارع باشد، معمولاً در زبان فارسی به صورت مضارع التزامی

معنا می‌شود:

امید است به خانه‌ام بیایی.

لَعَلَّكَ تَأْتِي إِلَيَّ بَيْتِي

افعال مقاربه:^(۱)

در ترجمه‌ی افعال مقاربه از الفاظلی نظیر «تقریباً، چیزی ثمانده، نزدیک بود، نزدیک است و ...» استفاده می‌شود و خبر آن معادل مضارع التزامی فارسی است:

تَكَادُ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ نزدیک است که گل شکفته شود.

فعل مضارع پس از فعل شروع را می‌توان به صورت مصدر ترجمه کرد:

أَخَذَ الشَّاعِرُ يَنْشِدُ قَصِيدَةً شاعر دست به کار سرودن قصیده‌ای شد.

در قسمت انواع فعل ماضی بیان شد که «كان» در جمله به همراه فعل مضارع یا ماضی چه معنایی در بردارد.

- ۱ کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!
- ۲ سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!
- ۳ یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!
- ۴ یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!



با ترجمه‌ی لای نفی جنس آشنا شدید، آموختید که به صورت «هیچ ...» ترجمه می‌شود و نفی مطلق را می‌رساند. «لا» در صورت سؤال هم لای نفی جنس است و باید به صورت «هیچ فایده‌ای نداشته باشد» ترجمه شود که فقط در گزینه‌ی (۳) به درستی ترجمه شده است و در گزینه‌ی (۲) نیز «نرساند» به صورت فعلی ترجمه شده و نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



«تفید» فعل مضارع و به معنی «مفید باشد» است که در گزینه‌های (۱) و (۲) به درستی ترجمه نشده است. توجه داشته باشید که «فایده‌ای برساند» در گزینه‌ی (۴) معادل مناسبی برای این فعل نمی‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

«الصورة الحسنة لا دوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليذكرك الناس بالخير في المستقبل!»:

- ۱ روی زیبا بادوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش، تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!
- ۲ صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکوسیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!
- ۳ روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرتت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد خواهند کرد!
- ۴ برای چهره زیبا ثباتی نیست، پس خوش اخلاق باش، که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد خواهند کرد!



«لا» در عبارت «لا دوام» لای نفی جنس است و ترجمه‌ی آن به صورت «هیچ دوامی ندارد» صحیح است که فقط در گزینه‌ی (۲) به درستی ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

ترجمه‌ی معرفی و نکره

اسم نکره در زبان عربی به همراه «ی» وحدت یا «یک» ترجمه می‌شود.
تلمیذ: دانش‌آموزی، یک دانش‌آموز جائزۀ: پاداشی، یک پاداش

موصول:

موصول در جمله، با معانی زیر ظاهر می‌شود:

الف) موصول در ابتدای جمله «کسی‌که، کسانی‌که، چیزی که و ...» معنا می‌شود:

الَّتِي تَجْتَهِدُ تَنْجُحُ کسی‌که تلاش می‌کند موفق می‌شود.

ب) موصول پس از اسم ال‌دار با معرفه به اضافه، «که» معنا می‌شود.

الْمُؤْمِنَةُ الَّتِي تَجْتَهِدُ تَنْجُحُ مؤمنی که تلاش می‌کند موفق می‌شود.

ج) موصول گاهی در وسط جمله «کسی‌که، کسانی‌که، چیزی که ...» ترجمه می‌شود:

هُوَ يَدَافِعُ عَنِ الَّتِي تَجْتَهِدُ او از کسی‌که تلاش می‌کند حمایت می‌نماید.

گاهی به علت وجود ترکیب وصفی یا اضافی در جمله، اسم‌ها را به همراه «ی» ترجمه می‌کنیم، دقت کنید آن را با «ی» وحدت که نشانه‌ی اسم نکره است اشتباه نگیرید، از جمله‌ی این موارد، اسم ال‌دار قبل موصول خاص می‌باشد که در ترجمه «ی» می‌گیرد و در این حالت موصول صفت به حساب می‌آید و «که» معنا می‌شود:

الرَّجُلُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجُحُ مردی که تلاش می‌کند موفق می‌شود.

در ترجمه و تعریب همواره به ضماری که به اسم‌ها متصل هستند دقت کنید.

وطنهم: وطن خود یا وطنشان یا وطن آن‌ها

کتابه: کتاب‌های خود یا کتاب‌هایش یا کتاب‌های او

«خدا یا آتش را بر چهره‌های بندگانی که برای عظمت تو سجده‌کنان بر زمین افتاده‌اند، مسلط مکن!»

۱ اللَّهُمَّ! لِمَ تَسْلُطُ النَّارَ عَلَى وَجْهِ عِبَادٍ سَقَطُوا عَلَى الْأَرْضِ لَجَلَالَتِكَ سَاجِدِينَ!

۲ رَبَّنَا! لِمَ تَتَغَلَّبُ النَّارُ عَلَى وَجْهِ عِبَادٍ وَقَعُوا عَلَى الْأَرْضِ لَجَلَالَتِكَ سَاجِدَةً!

فقط در گزینه‌های (۳) و (۴) موصول آمده و تنها در گزینه‌ی (۴) موصول (الَّذِينَ) با ما قبل خود (العباد) مطابقت کرده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «مسلط مکن» فعل نهی است و مطابق با آنچه که آموخته‌اید با «لا»ی نهی باید بیاید که در گزینه‌های (۱) و (۲) با «لَمْ» و «لَنْ» آمده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
۲- فعل «افتاده‌اند» جمع است و باید به صورت جمع مذکر بیاید در صورتی که در گزینه‌ی (۳) فعل در صیغه‌ی «لِلغائبة» آمده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «چهره‌ها» جمع است ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت مفرد یعنی «وجه» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
۲- «سجده‌کنان» قید حالت است که حال باید تعریب شود و حال باید با توجه به ذوالحال یعنی «بندگان» جمع (ساجدین) ظاهر شود ولی در گزینه‌های (۲) و (۳) به صورت مفرد و نادرست تعریب شده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

دقت داشته باشید کلمات زیر را مترادف بدانید:

اللَّهُمَّ، إِلَهِي، رَبِّي: خدایا، پروردگارا، خدای من، پروردگار من

زیرا در بسیاری از تست‌ها این کلمات با هم مترادف گرفته می‌شوند.



«إِنَّ الْمُتَّقِي هُوَ الَّذِي إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْعِلَاءُ عَلَيْهِ رَخَاءٌ»:

۱ هرگاه سختی و رنجی بر انسان پرهیزگار وارد شود با آن چون راحتی برخورد می‌کند!

۲ این متقی است که آمدن بلا در نظرش هم چون فرود آمدن آسایش و راحتی است!

۳ بی‌شک کسی که مصیبت و بلا را چون آسایش یندارد پرهیزگار و متقی است!

۴ با تقوا کسی است که هرگاه مصیبت بر او نازل شود آن را آسودگی به شمار می‌آورد!



۱- «الَّذِي» اسم موصول است که در گزینه‌ی (۱) ترجمه نشده است. [رد گزینه (۱)]
۲- «نزل» فعل ماضی است که بعد از «إِذَا» باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) به صورت مصدر ترجمه شده و در گزینه‌ی (۳) اصلاً ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- «إِذَا» در گزینه‌های (۲) و (۳) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
 ۲- «الْبَلَاءُ» معرّفه است ولی در گزینه‌ی (۱) نکره «سختی و رنجی» ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۱)]
 جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- «انسان پرهیزگار» در گزینه‌ی (۱) یک ترکیب اضافی است که در صورت سؤال معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۱)]
 ۲- «رِخَاءٌ» نکره است ولی در گزینه‌ی (۳) معرّفه (آسایش) و نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۳)]
 ۳- «این» در گزینه‌ی (۲) معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- «إِعتَبِرَ» فعل ماضی است که بعد از «إِذَا» و در جایگاه جواب شرط آمده است پس باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) ترجمه نشده و در گزینه‌ی (۳) نیز نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
 ۲- «الْمَتَّقِي» اسم «إِنِّ» و «الَّذِي» خبر آن می‌باشد یعنی باید به صورت نهاد و گزاره‌ی فارسی ترجمه شوند که در گزینه‌ی (۱) این گونه ترجمه نشده است. [رد گزینه (۱)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ضمیر متصل «هـ» در «عَلَيْهِ» فقط در گزینه‌ی (۴) ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] [دقت کنید «بِأَنَّ» در گزینه‌ی (۱) معادل ضمیر متصل در «اعتبره» می‌باشد.] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

ریاضی ۹۰

مثال

«تجربه‌هایی که در طول عمرم کسب کرده‌ام ثابت کرده است که اگر درباره‌ی موضوعی خوب بیندیشم، به نتیجه‌ی مفیدی می‌رسم!»

۱) قد أثبتت التجارب التي اكتسبتها طول عمري، أنني إن تأملت حول موضوع تأملاً حسناً، وصلت إلى نتيجة مفيدة!

۲) قد ثبتت التجارب التي تزيتت بها طول عمري، لو أنأتمل جيداً، لأحصل على نتيجة مفيدة!
 ۳) لقد أظهرت ما اكتسبته من التجارب في حياتي، لو أفكر حول الموضوع جيداً، لأصل على نتيجة حسنة!

۴) لقد بينت تجاربي طول حياتي، أنني لأحصل على عاقبة جيدة، لو فكّرت أفكاراً جيّدة!



- ۱- در عبارت «تجربه‌هایی که»، تعریب کلمه‌ی «که» به صورت موصول است یعنی باید در تعریب از موصول استفاده کنیم و تعریب آن به صورت «التجارب التي» صحیح است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
 ۲- فعل «ثابت کرده است» معلوم و متعدی است و به صورت «قد أثبتت» باید تعریب شود. توجه داشته

(۲) و (۴) نیز اصلاً معادلی برای این کلمه وجود ندارد. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



«می‌رسم» فعل مضارع اخباری است ولی در گزینه‌های (۲) و (۳) و (۴) فعل‌های معادل آن همگی با حرف ناصبه‌ی «لِـ» به معنای «تا اینکه، برای اینکه» آمده‌اند که معادل مضارع التزامی می‌باشند. [رد سایر گزینه‌ها]

دقت کنید در گزینه (۱) «وصلت» فعل ماضی است که دومین فعل بعد از ادات شرط «إن» می‌باشد یعنی جواب شرط است که باید به صورت مضارع اخباری یا آینده ترجمه شود و تنها معادل مناسب برای فعل «می‌رسم» در صورت سؤال می‌باشد.

مثال

خارج از کشور ۸۹

«علیکم أن تتخذوا العلماء الصالحین کمصباح یهدیکم إلی طریق الرشاد»:

- ۱ شما باید عالمان صالح را هم چون مشعلی برای خود انتخاب کنید که روشنی‌بخش راه هدایت می‌باشد!
- ۲ بر شماست که دانشمندان صالح را چون چراغی برگزینید که شما را به راه راست هدایت می‌کند!
- ۳ بر شما واجب است که فرزاتگان شایسته را به‌عنوان توری برای راه رشد و هدایت برگزینید!
- ۴ شما باید علمای صالح را چون چراغ که هدایت‌گر شما به راه صحیح می‌باشد، انتخاب کنید!



۱- «مصباح» نکره است ولی در گزینه‌ی (۴) به‌صورت معرفه ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)]

۲- «برای راه ...» معادل مناسبی برای «إلی طریق» نمی‌باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]

۳- در گزینه‌ی (۱) عبارت «برای خود» اضافی است و معادلی در صورت سؤال برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



«یهدی» فعل مضارع می‌باشد یعنی «هدایت می‌کند» که فقط در گزینه‌ی (۲) به‌صورت صحیح ترجمه شده است و در گزینه‌های دیگر به صورت اسمی و اشتباه ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



ضمیر «کم» در فعل «یهدیکم» فقط در گزینه‌ی (۲) یعنی «شما را» ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

دقت کنید ضمیر متصل «کم» مفعول به برای فعل «یهدی» می‌باشد و باید به صورت مفعول فارسی ترجمه شود که در گزینه‌ی (۴) به صورت مضاف‌الیه «هدایت‌گر شما» و نادرست ترجمه شده است.

ترجمه‌ی وصف و اضافه

درسنامه



● به ترجمه‌ی مضاف و مضاف‌الیه‌هایی که پشت سر هم آمده‌اند خوب دقت کنید:

أسلوب تعلمنا شیوه‌ی یادگیری ما

به تفاوت میان موصوف و صفت و مضاف و مضاف‌الیه دقت کنید این تفاوت در ترجمه کاملاً ظاهر می‌شود.

علماء ایران دانشمندان ایران (مضاف و مضاف‌الیه)

علماء ایرانیون دانشمندانی ایرانی (صفت و موصوف)

مضاف و مضاف‌الیه دو جزء مستقل هستند اما صفت جزء مستقلی نیست بلکه در موصوف تحقق می‌یابد.^(۱) می‌دانید که در زبان عربی صفت در جنس و تعداد تابع موصوف خود است اما در ترجمه‌ی

فارسی صفت همواره مفرد معنا می‌شود: الرجال العالمون مردان عالم

● در ترجمه‌ی جمله‌ی وصفیه حرف «که» را بر آن می‌افزاییم و فعل را مطابق نیاز جمله معمولاً به شکل زیر ترجمه می‌کنیم:

(الف) ماضی + ماضی: ماضی بعید در زبان فارسی (و یا ماضی ساده):

رأيتُ كتاباً اشتریتُهُ أمس: کتابی را که دیروز خریده بودم (خریدم)، دیدم.

(ب) ماضی + مضارع: ماضی استمراری در زبان فارسی:

رأيتُ رجلاً يذهبُ إلى بيته: مردی را دیدم که به خانه‌اش می‌رفت.

(ج) مضارع + مضارع: مضارع التزامی در زبان فارسی:

أذهبُ إلى بيتِ يَفْرَحُني أهله: به خانه‌ای می‌روم که اهلیش مرا شاد کنند.

می‌دانید در زبان عربی مضاف‌الیه بر صفت مقدم می‌شود، بنابراین در یک عبارت باید تشخیص داد مضاف‌الیه کدام است و صفت و موصوف کدام هستند:^(۲)

تاریخ أمتنا العریقة تاریخ امت ریشه‌دار ما

موصوف مضاف‌الیه صفت

به تفاوت میان ترجمه‌ی حال و صفت در ترجمه زیر دقت کنید:

حال: جاء الرجلُ فرحاً (مرد، شادمان (با شادی) آمد)، فرَّ العدوُّ مذعوراً (دشمن، پریشان

(با پریشانی) گریخت).

صفت: جاء الرجلُ الفَرِحُ (مرد شاد آمد)، فرَّ العدوُّ المذعورُ (دشمن پریشان گریخت)

۱- یعنی «ایرانی بودن» جزء مستقلی نیست بلکه در دانشمندان محقق شده است، اما در مضاف و مضاف‌الیه، دانشمندان

راه درمانم را در

۱ مقاله‌های پزشکی پیدا کردم که در مجله‌ها نوشته شده است راجع به عواملی که دردهای مفاصل را کم می‌کند!

۲ مقالات مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند نوشته شده است! مقاله‌هایی که درباره عوامل کاهش‌دهنده دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود، پیدا کردم! ۳ مقالات پزشکی مجله‌ها پیدا کردم آن‌جا که درباره عوامل آرام‌کننده دردهای مفاصل نوشته شده بود!



۱- «تسکن ...» جمله وصفیه برای اسم نکره «عوامل» می‌باشد که باید با اضافه نمودن «که» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۲- «مقالات المجلات الطبیة» به ترتیب یک ترکیب اضافی و سپس یک ترکیب وصفی است که باید به صورت پیوسته یعنی «مقاله‌های مجلات پزشکی» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

دقت کنید به علت مطابقت «الطبیة» با هر دو اسم قبل خودش از نظر جنس، تعداد^(۱) و معرفه بودن، «الطبیة» را می‌توانیم صفت برای هر کدام از آن‌ها در نظر بگیریم؛ به همین جهت ترجمه این عبارت در گزینه‌ی (۴) (مقالات پزشکی مجله‌ها) نیز می‌تواند صحیح باشد.

مثال

زبان ۹۱

«من یسمعون کلام الأنبياء الحقّ قلیلون؛ اولئك هم الفائزون و الثّراشدون إلى طریق الحقّ»:

۱ آن‌ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند کم می‌باشند؛ و آنان رستگارانند که به طریق حق راهنمایی شده‌اند!

۲ کسانی که سخن حق انبیاء را می‌شنوند اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!

۳ آن‌ها که حقیقتاً کلام انبیاء را بشنوند اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و راهنمایان به طریق حق می‌باشند!

۴ کسانی که سخن حق را از انبیاء بشنوند کم‌اند؛ ولی آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌گران به راه حق‌اند!



«کلام الأنبياء الحقّ» یک ترکیب وصفی اضافی است که باید به صورت «سخن حقّ انبیاء» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه (۲) می‌باشد.

دقت کنید: «الحقّ» فقط می‌تواند صفت «کلام»^(۲) باشد چون از نظر تعداد با «الأنبياء» مطابقت ندارد.

۱- حواستان باشد؛ صفت برای جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث می‌آید.

۲- «کلام» معرفه به اضافه می‌باشد.

«بر ماست که دانشمندان را به عنوان مشعل هدایت انتخاب کنیم تا ما را به راه حق راهنمایی کنند»:

- ۱- يجب علينا أن ننتخب علماءنا سراج الهدى لإرشادنا إلى سبيل الحق!
- ۲- علينا أن ننتخب العلماء كمشعل الهداية حتى يربشدونا إلى طريق الحق!
- ۳- الواجب علينا اختيار علماء كمصباح للهدى ليدلنا إلى الصراط الحقيقة!
- ۴- يلزم علينا لكي ننتخب فضلاءنا مشعلاً للهداية حتى يهدوننا طرق الحقيقة!



۱- «مشعل هدایت» ترکیب اضافی است و باید به صورت مضاف و مضاف‌الیه تعریب شود ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت جار و مجرور «مصباح للهدی» و «مشعلاً للهدایة» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳) و (۴)]

۲- در گزینه‌ی (۱) معادلی برای عبارت «به عنوان» در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۱)]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- در صورت سؤال «دانشمندان» به تنهایی آمده و ضمیری به همراه آن نمی‌باشد ولی در گزینه‌های (۱) و (۴) به همراه ضمیر تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
۲- «راه حق» یک ترکیب اضافی است پس به صورت مضاف و مضاف‌الیه باید تعریب شود ولی در گزینه‌ی (۳) به صورت صفت و موصوف «الصراط الحقيقة» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳)]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- «راهنمایی کنند» فعل مضارع التزامی است ولی در گزینه‌ی (۱) به صورت مصدر [إرشاد] و نادرست تعریب شده است [رد گزینه (۱)]
۲- «انتخاب کنیم» فعل مضارع التزامی است که در گزینه‌ی (۳) به صورت مصدری «اختیار» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۳)]
۳- «راه» اسم مفرد است ولی در گزینه‌ی (۴) به صورت جمع «طُرُق» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ السَّاعِي هُوَ الَّذِي يَقْدِفُ قِلَادَةَ الْكَسَلِ بَعِيداً»:

- ۱- کوشا انسانی است که گردنبند کسالت را همیشه به دور می‌اندازد!
- ۲- کوشا کسی است که گردنبند تنبلی را از خود دور می‌کند!

(۲) به صورت نادرست ترجمه شده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

۲- اسم موصول «الذی» در گزینه‌ی (۴) اصلاً ترجمه نشده است. [رد گزینه (۴)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.



۱- در گزینه‌های (۱) و (۴)، دو قید «همیشه» و «دائماً» اضافی ترجمه شده‌اند و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۲- در گزینه‌ی (۲) نیز عبارت «از خود» اضافی ترجمه شده است و معادلی در صورت سؤال برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

ریاضی ۸۹

مثال

إِنَّ مَوَاهِبَ الدُّنْيَا وَ نِعْمَهَا تُعَدُّ فِي نَظَرَةِ الْقُرْآنِ رِزْقًا لِلْإِنْسَانِ وَ وَسِيلَةً لِتَكَامُلِهِ:

۱- آن چه رزق انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شود، در نظر قرآن همان الطاف و نعم خدا در دنیاست!

۲- از منظر قرآن، موهبت‌ها و نعمت‌های دنیا، رزقی برای انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شوند!

۳- از دیدگاه قرآن آن چه روزی و وسیله‌ی کمال انسان است همان مواهب و نعم الهی دنیا است!

۴- بخشش‌ها و نعمت‌های دنیا از دیدگاه قرآن روزی انسان و یا وسیله‌ی رشد او شمرده می‌شوند!



۱- «مواهب دنیا» یک ترکیب اضافی به معنای «موهبت‌های دنیا» است. البته «نعمها» نیز به آن عطف شده و در مجموع باید به صورت «موهبت‌ها و نعمت‌های دنیا» ترجمه شود ولی در گزینه‌های (۱) و (۳) غلط ترجمه شده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲- «وسيلة» نکره است ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت معرفه ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



«رزقاً» نکره است و باید نکره هم معنا شود پس «رزق انسان» در گزینه‌ی (۱)، «روزی» در گزینه‌ی (۳) و «روزی انسان» در گزینه‌ی (۴) همگی معرفه هستند و فقط در گزینه‌ی (۲) به صورت صحیح و نکره ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

دقت کنید که «ی» در «روزی» علامت نکره نیست و مربوط به خود کلمه است یعنی جزء اصل کلمه است؛ مانند «سبزی، خوبی، سردی و ...» و اگر چنین کلماتی را بخواهیم نکره شوند، خواهیم داشت: روزی‌ای، سبزی‌ای و ...





- ۱- «تُعَدُّ» فعل مضارع است ولی در گزینه‌ی (۳) اصلاً ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۲- «نعمها» به همراه یک ضمیر متصل آمده است، توجه داشته باشید مرجع ضمیر «ها» کلمه‌ی «الدنیا» می‌باشد پس در ترجمه نیز باید مرجع آن را «دنیا» قرار داد ولی در گزینه‌های (۱) و (۳) مرجع آن را «خدا» و «الهی» قرار داده‌اند که نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
- ۳- در گزینه‌ی (۴) عبارت «وسيلة لتكامله» به صورت ترکیب اضافی یعنی «وسیله‌ی رشد او» ترجمه شده و نادرست است و در اصل باید به صورت جار و مجرور یعنی «وسیله‌ای برای تکامل او» ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



- ۱- در گزینه‌های (۱) و (۳) کلمه‌ی «آن‌چه» اضافی در ترجمه آورده شده و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
- ۲- در گزینه‌ی (۴) نیز کلمه‌ی «و یا» به اشتباه و اضافی ترجمه شده است. [رد گزینه‌ی (۴)]
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

نحری ۹۰

مثال

«آیا تاکنون به این مسأله فکر کرده‌ای که رنگ زیبای اتاق تو سبب آرامش انسان می‌شود!»

- ۱ أ تفكر إلى هذه المسألة أن اللون الجميل لغرفتك يسبب السكون للإنسان!
- ۲ هل كنت تفكر إلى هذه المسألة أن لون غرفتك الجميل هو يسبب الهدوء للفرد!
- ۳ هل فكرت إلى الآن لهذه المسألة أن لون غرفتك الجميلة هو يسبب السكون للفرد!
- ۴ هل فكرت إلى الآن عن هذه المسألة بأن لون غرفتك الجميل يسبب السكينة للإنسان!



- ۱- عبارت «رنگ زیبای اتاق تو» یک ترکیب وصفی اضافی است و تعریب صحیح آن به صورت «لون غرفتك الجميل» است ولی در گزینه‌ی (۱) به صورت جار و مجرور «لغرفتك» و در گزینه‌ی (۳) صفت «لون» باید مذكر بیاید در صورتی که «الجميلة» به صورت مؤنث و نادرست آمده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
- ۲- در گزینه‌ی (۲) فعل «فكر کرده‌ای» به صورت «كنت تفكر» یعنی ماضی استمراری تعریب شده که نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



- ۱- در گزینه‌های (۱) و (۲) معادلی برای عبارت «تاکنون» وجود ندارد و معادل صحیح آن «الآن» می‌باشد. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

ترجمه مفعول مطلق:

در ترجمه‌ی مفعول مطلق باید دقت کرد که این نقش، نظر به «فعلی» جمله دارد نه فاعل یا مفعول آن، مفعول مطلق در زبان فارسی از جمله‌ی قیود به شمار می‌رود و در ترجمه‌ی آن به نحو زیر عمل می‌کنیم: الف) در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی از قیود تأکیدی مانند «کاملاً، حتماً، قطعاً، بی‌شک و ...» استفاده می‌کنیم.

ب) در مفعول مطلق نوعی از قیود بیانی مانند «به نیکی، بسیار، سخت، هم‌چون ...، مانند ... و ...» بهره می‌گیریم.^{۱)} دقت کنید این نوع مفعول مطلق را به‌صورت مفعول ترجمه نکنیم.

ترجمه مفعول‌له^{۲)}:

در ترجمه‌ی مفعول‌له از کلماتی مانند «برای، به‌خاطر، به‌جهت و ...» استفاده می‌شوند.
يُصَلِّي الْمُؤْمِن قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ مؤمن به خاطر تقرب به خدا نماز می‌خواند.

ترجمه تمییز:

برای ترجمه‌ی تمییز در عبارت‌ها نکات زیر را مورد توجه قرار دهید:

الف) در جملاتی که تمییز پس از اسم تفضیل می‌آید، گاهی می‌توان آن دو را به‌صورت یک کلمه ترجمه کرد:

هو أحسن أخلاقاً؛ او از نظر اخلاق نیکوتر است = او خوش‌اخلاق‌تر است.

هو أكثر علماً؛ او از نظر دانایی بیش‌تر است = او داناتر است.

ب) گاهی تمییز را می‌توان به‌صورت مبتدا، فاعل یا مفعول ترجمه کرد:

به‌صورت مبتدا: هي أكثر منّي صبراً؛ صبر او از من بیش‌تر است. (او از لحاظ صبر از من بیش‌تر

است.) (اغلب در جمله‌های اسمیه)

به‌صورت فاعل: طابَت الطالِبَةُ خَلْقاً؛ اخلاق دانش‌آموز نیکو شد. (دانش‌آموز از لحاظ اخلاق نیکو شد.)

(در جمله‌ی فعلیه و اغلب همراه فعل لازم)

به‌صورت مفعول: فَجَرْنَا الْأَرْضَ عَيْوناً؛ چشمه‌های زمین را شکافتیم. (زمین را از چشمه‌ها شکافتیم.)

(در جمله‌ی فعلیه و اغلب همراه فعل متعدی)

۱- البته دقت کنید هنگامی که مفعول مطلق نوعی دارای صفت است به‌صورت «به نیکی، به شدت، به سختی و ...» ترجمه می‌شود و در حالتی که مفعول مطلق نوعی دارای مضاف‌الیه است به‌صورت «مانند ... همچون ...» ترجمه می‌شود.

أَكْرَمَةً إِكْرَاماً شَدِيداً لَوْ رَأَى بِه شَدَّتْ غَرَامِي دَاشْتَم.

أَكْرَمَةً إِكْرَامَ الْعُلَمَاءِ؛ او را مانند علماء گرامی داشتیم.

۲- این مطلب مخصوص رشته‌ی علوم انسانی است.

ترجمه حال مفرد: حال معادل قید حالت در زبان فارسی است. قید حالت در زبان فارسی غالباً همراه «ان»، «انه»، «ایشون» و ... است.

جاء التلميذ مسرعاً: دانش‌آموز با سرعت آمد. رأيت الرجل ضاحكاً: مرد را خندان دیدم.

ترجمه جمله حالیه:

برای ترجمه‌ی جمله‌های حالیه ابتدای عبارت «در حالی که، که» می‌نویسیم، آن‌گاه فعل‌ها معمولاً طبق الگوی زیر ترجمه می‌شود: (باید دقت کرد که زمان جمله‌ی حالیه، بستگی به زمان جمله‌ی ما قبل خود دارد.)

الف) ماضی + ماضی ← ماضی بعید در زبان فارسی (یا ماضی ساده)

خرج المعلم و قد عَلِمْنَا الدرسَ معلم خارج شد در حالی که درس را به ما یاد داده بود (یاد داد).

ب) ماضی + مضارع ← ماضی استمراری در زبان فارسی

جاء المعلم يضحك معلم آمد در حالی که می‌خندید.

«عند» چنان‌چه ظرف مکان باشد «نزد» و چنان‌چه ظرف زمان باشد به‌صورت «به‌هنگام، وقت» ترجمه می‌شود:

الكتاب عند التلميذ: کتاب نزد دانش‌آموز است.

نذهب إلى المسجد عند الغروب: به هنگام غروب به مسجد می‌رویم.

البته «عند»، گاهی نیز به معنای «داشتن» به کار می‌رود که در قسمت ترجمه‌ی مبتدا و خبر بیان شده است.

«قولوا لأبنائكم مطمئنين إنكم تحبونهم حباً كثيراً»:

۱ با اطمینان به فرزندانتان بگویید که بسیار دوستشان دارید!

۲ مطمئن باشید و به فرزندان خود بگویید که آن‌ها را بسیار دوست می‌دارید!

۳ با اطمینان به فرزندان خود بگویید که فقط شما آن‌ها را بسیار دوست می‌دارید!

۴ به فرزندانتان بگویید در حالی که به آن اطمینان دارید که بسیار دوستشان دارید!

۱- بیان شد که یکی از روش‌های ترجمه‌ی حال مفرد استفاده از پیشوند «با» می‌باشد، در

این سؤال «مطمئنین» حال مفرد است و آن را با پیشوند «با» ترجمه می‌کنیم و ترجمه‌ی صحیح

آن به‌صورت «با اطمینان» می‌باشد. [رد‌گزیننه‌های (۲) و (۴)]

مورد اول (ترجمه‌ی عدد): در زبان فارسی برای ترجمه‌ی اعداد ترتیبی از پسوند «م، م، مین» استفاده می‌کنیم:

عدد اصلی: خمس (پنج)، عشر (ده) عدد ترتیبی: خامس (پنجم، پنجمین)، عاشر (دهم)

در زبان فارسی معدود به صورت مفرد ظاهر می‌شود لذا معدود عربی به هر شکل باشد به صورت مفرد ترجمه می‌شود: **خمسۃ کتب: پنج کتاب**

توجه

مورد دوم: استثناهای مفرغ را می‌توان به صورت مثبت و حصری ترجمه کرد:

ما جاء إلا علي فقط علی آمد (نیامد جز علی)

در این حالت دقت کنید کلمه‌ی «فقط و...» باید روی آن چه مستثنی به حساب می‌آید تأکید کند یعنی کلمه‌ی مستثنی باید مورد تأکید و انحصار باشد. (یعنی در جمله‌ی مثبت به جای «إلا» (جز)، «فقط» قرار می‌گیرد.)

مورد سوم: در ترجمه‌ی عباراتی که دارای «إنما» هستند از تعبیری چون «فقط، بی‌شک، تنها و...» استفاده می‌کنیم. دقت کنید در این جا نیز کلمه‌ای که مورد تأکید است باید کاملاً مشخص باشد در این‌گونه جملات غالباً خبر مورد تأکید است.

إنما العزة لله و رسوله و للمؤمنين عزت فقط از آن خداوند و پیامبرش و مؤمنان است.

مورد چهارم: گاهی می‌توان مصدر را به صورت فعل معنا کرد:

قصدت الرجوع إلى المكتبة خواستم به کتابخانه برگردم.

يريد الاعداء ابعادنا من الاسلام دشمنان می‌خواهند ما را از اسلام دور کنند.

مورد پنجم: «إذا» گاهی اوقات به معنای «اگر» می‌آید و جمله را به صورت شرطی در می‌آورد البته باید توجه داشت که «إذا» فعل‌های عبارت را مجزوم نمی‌کند.

مورد ششم: به ترجمه‌ی برخی اسم‌های مشتق دقت کنید:

اسم فاعل: معادل اسم فاعل یا صفت فاعلی فارسی؛ عالم: دانا، مُقَابِل: رزمنده، ناصر: یاری‌کننده، مُنْذِر: بیم دهنده. صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده»، «ا» است.

اسم مفعول: معادل اسم مفعول یا صفت مفعولی فارسی، مُحْتَرَم: احترام شده، در ترجمه‌ی اسم مفعول گاهی از پسوند «شدن» استفاده می‌کنیم.

مورد هفتم: گاهی بر حسب نیاز و موقعیت، فعل به صورت صفت ترجمه می‌شود:

مانند: «تعالی، عَزَّ و جَلَّ، تبارک ...»

قال الله عَزَّ و جَلَّ ... خداوند عزیز و بزرگ فرموده ...

مورد هشتم: «کَلَّ» به معنای «همه، هر، هریک» ترجمه می‌شود:

کَلَّ + نکره) کَلَّ طالب:	هر دانش‌آموزی
کَلَّ + معرفه) کَلَّ الطَّالِب:	همه‌ی دانش‌آموزان، کلکم: همه‌ی شما
کَلَّ + مِن (... کَلَّ مِنَ الطَّالِبَة:	هریک از دانش‌آموزان

هنر ۸۸

مثال

«روز پنجم از این ماه جشنی برپا می‌شود که دوازده دانش‌آموز از کلاس دوم در آن شرکت خواهند کرد»:

- ۱) تنعقد في اليوم الخامس من هذا الشهر حفلة سيشارك فيها اثنا عشر تلميذاً من الصفّ الثاني.
- ۲) في اليوم الخامس من الشهر الحالي انعقدت حفلة ستشارك فيه اثنا عشرة تلميذة الصفّ الثاني.
- ۳) في الخامس من أيام الشهر الحالي ستتعقد حفلة قد اشترك فيها الثاني عشر من تلاميذ صفّ الثاني.
- ۴) ستتعقد حفلة في اليوم الخامس من هذا الشهر و تشارك فيه اثنتا عشرة من تلميذات صفّ الثاني.



راه حل ۱

در این سؤال عدد به کار رفته است، «دوازده دانش‌آموز» یک عدد اصلی است و معدود اعداد «۱۱ و ۱۲» باید مفرد و منصوب و مطابق در جنس باشند پس تعریب صحیح آن به صورت «اثنا عشر تلميذاً» می‌باشد که فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت درست تعریب شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



راه حل ۲

۱- «کلاس دوم» یک عدد ترتیبی است و اعداد ترتیبی برای ما قبل خود همواره صفت هستند یعنی «دوم» صفت برای ما قبل خود می‌باشد و باید مانند صفت تابع موصوف خود باشد و تعریب صحیح آن به صورت «الصفّ الثاني» می‌باشد ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت «صفّ الثاني» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
۲- «برپا می‌شود» مضارع است ولی در گزینه‌ی (۲) به صورت ماضی «انعقدت» تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



راه حل ۳

۱- «روز پنجم» یک عدد ترتیبی است و به صورت موصوف و صفت باید تعریب شود که تعریب آن به صورت «اليوم الخامس» می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]
۲- تعریب «این ماه» به صورت «هذا الشهر» صحیح می‌باشد. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
۳- فعل «شرکت خواهند کرد» در زمان مستقبل است پس به هنگام تعریب باید با «س یا سوف» بیاید

مستقبل تعریب شده است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۲- در گزینه‌های (۲) و (۴) ضمیر متصل به حرف جز «فی» که به اسم مؤنث «حفلة» بر می‌گردد از نظر جنس با مرجع خود مطابقت ندارد و به نادرست به صورت مذکر «فیه» آمده است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

مثال

تجربی ۸۹

«در صفحه‌ی ششم از درس نهم پنج کلمه آمده که دوتای آن‌ها مفهومی ندارند»:

۱- جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات، كلمتان منها بدون مفهوم!

۲- كتبت في الصفحة السادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان اثنتان منه غير مفهوم!

۳- ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!

۴- ورد في ستة صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، اثنتان منها غير مفهوم!



راه حل ۱

«صفحه‌ی ششم» یک عدد ترتیبی و برای اسم قبل خود صفت می‌باشد که باید به صورت «الصفحة السادسة» تعریب می‌شود و فقط در گزینه‌ی (۱) به صورت صحیح تعریب شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



راه حل ۲

«درس نهم» یک عدد ترتیبی است و تعریب آن به صورت «الدرس التاسع» می‌باشد که فقط در گزینه‌ی (۱) صحیح تعریب شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



راه حل ۳

۱- «پنج کلمه» یک عدد اصلی است و معدود اعداد «۳ تا ۱۰» به صورت جمع و مجرور ظاهر می‌شود و از لحاظ جنس نیز با مفرد معدود خود مخالف است و تعریب آن به صورت «خمس کلمات» صحیح می‌باشد ولی در گزینه‌های (۲) و (۴) عدد و معدود از نظر جنس با هم مخالفت نکرده‌اند و به صورت «خمسة کلمات» ظاهر شده که نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۲- در گزینه‌ی (۳) مرجع ضمیر «ه» در «منه»، «کلمات» می‌باشد که جمع غیر عاقل و در حکم مفرد مؤنث است پس باید با مرجعش مطابقت کند و به صورت «منها» ظاهر شود. [رد گزینه‌ی (۳)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

خارج از کشور ۸۸

مثال

«در صفحه‌ی هشتم این کتاب سه خطا وجود داشت. دو تا از آن‌ها را اصلاح کردم و یک خطا باقی ماند»:

- ۱) كان في ثماني صفحات من هذا الكتاب ثلاثة خطأ، صححت خطأين و بقي أحدها!
- ۲) كان في ثماني صفحة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صححت خطأين منهم و بقي أحدهم!
- ۳) كان في صفحة ثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صححت خطأين اثنين منها و بقي خطأ!
- ۴) كان في الصفحة الثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صححت خطأين منها و بقي خطأ واحدا!



«صفحه‌ی هشتم» باید به صورت عدد ترتیبی ظاهر شود در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت عدد اصلی و نادرست تعریب شده است و در گزینه‌ی (۳) به صورت عدد ترتیبی تعریب شده ولی نکره و اشتباه است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «سه خطا» باید به صورت عدد اصلی ظاهر شود و تعریب آن به صورت «ثلاثة أخطاء» می‌باشد. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

۲- به گزینه‌ی (۲) توجه کنید، ضمیر «هم» در «منهم» و «أحدهم» باید مطابق مرجعش ظاهر شود و مرجع این ضمیر «أخطاء» است که جمع غیرعاقل و در حکم مفرد مؤنث می‌باشد پس باید از ضمیر «ها» استفاده کنیم و به صورت «منها» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

تجربی ۸۸

مثال

«ساعت چهار روز پنجم ماه دو دوستم به خانه‌ی ما آمدند»:

- ۱) جاء صديقي إلى بيتنا في ساعة الأربع من يوم الخمسة في الشهر.
- ۲) جاء صديقان إثنان إلى دارنا في يوم خامس من الشهر في ساعة الرابعة.
- ۳) جاءت صديقتاي إلى بيتنا في اليوم الخامس من الشهر في الساعة الرابعة.
- ۴) جاءت صديقتان اثنتان إلى دارنا في الساعة رابعة من يوم الخمسة في الشهر.



دقت داشته باشید که هرگاه ساعت به کار می‌رود از عدد ترتیبی باید استفاده کنید.

توجه

طبق توجه بالا باید «ساعت چهار» را به صورت عدد ترتیبی و صفت برای اسم قبلش تعریب کنیم

گزینه‌ی (۳) به صورت صحیح آمده است. دقت کنید «یوم خامس» در گزینه‌ی (۲) به صورت ندره و نادرست تعریف شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

مثال

السنائی ۹۰

«فقط انسان ضعیف به ناامیدی اجازه می‌دهد که در قلبش نفوذ کند!»:

۱] إِنَّمَا الضَّعِيفُ يَسْمَحُ لِلْقَلْبِ أَنْ يَتَسَرَّبَ فِيهِ الْيَأْسُ!

۲] لَا يَسْمَحُ الضَّعِيفُ لِلْيَأْسِ أَنْ لَا يَتَسَرَّبَ فِي قَلْبِهِ!

۳] إِنَّمَا يَسْمَحُ الضَّعِيفُ لِلْيَأْسِ أَنْ يَتَسَرَّبَ إِلَى قَلْبِهِ!

۴] لَا يَأْذُنُ الْيَأْسُ أَنْ يَتَسَرَّبَ فِي الْقَلْبِ إِلَّا الضَّعِيفُ!



۱- بیان شد که کلمه‌ی «فقط» چگونه تعریف می‌شود، یکی توسط «إنما» و دیگری در استثنای مفرغ می‌باشد. به گزینه‌ها دقت کنید در گزینه‌ی (۲) معادلی برای کلمه‌ی «فقط» وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)]

۲- در تعریف «قلبش» باید از ضمیر متصل استفاده کنیم و تعریف صحیح آن به صورت «قلبه» می‌باشد. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

چهارتایی‌ها

توجه داشته باشید در این قسمت می‌خواهیم تست‌هایی را مطرح کنیم که می‌توان آن‌ها را سخت‌ترین سوالات ترجمه و تعریب نامید. این سوالات با تیر «عَيْن الخطأ» یا «عَيْن الصحيح» می‌باشند که به توضیح و تفسیر و چگونگی حل آن می‌پردازیم.

در واقع می‌توان گفت که این تست‌ها جمع‌بندی سوالات ترجمه و تعریب هستند یعنی شما هر آن‌چه تاکنون آموخته‌اید را باید بر روی این‌گونه تست‌ها پیاده کنید حال به سراغ بررسی این‌گونه تست‌ها می‌رویم.

انواع چهارتایی:

چهارتایی } ۱- مستقل (ناپیوسته)
 } ۲- غیر مستقل (پیوسته)

چهارتایی مستقل و غیرمستقل چیست؟

چهارتایی مستقل (ناپیوسته): یعنی این‌که هر چهار گزینه به‌صورت جداگانه و مستقل هستند که هیچ یک از گزینه‌ها به گزینه‌ی دیگر ربطی ندارد و هر کدام را باید به‌صورت مستقل بررسی نمود.

چهارتایی غیرمستقل (پیوسته): در این‌گونه از تست‌ها هر چهار گزینه به هم مرتبط هستند و در واقع یک متن به هم پیوسته است که آن را به چهار قسمت (چهار گزینه) تقسیم کرده‌اند و شما علاوه بر توجه به معنی می‌توانید به علامت‌های (، / ؟ ! / . / ...) که در انتهای گزینه‌ها گذاشته می‌شود، پی به پیوستگی مطلب ببرید.

یک نکته مهم:

به دلیل تنوع در دفترچه‌های کنکور (A, B, C, D) جای گزینه‌ها عوض می‌شود و در چهارتایی‌های غیرمستقل (پیوسته) این جابه‌جایی باعث به خطا افتادن داوطلب می‌شود و اگر شما در آزمونتان به چهارتایی غیرمستقل برخورد کردید حتماً باید ترتیب اصلی عبارت را پیدا کنید که این امر نقش بسیار مهمی در رسیدن به جواب صحیح دارد و راه‌کارهایی وجود دارد که به‌طور کامل توضیح خواهیم داد؛ مثلاً این‌که گزینه‌های میانی در انتهای خود علامت (،) دارند و در ابتدای خود یکی از حروف عطف (و، ف، ...) را دارند و گزینه‌ی پایانی در انتهای خود علامت (، / ؟ ! / . / ...) دارد و ...

حل چهارتایی‌ها:

در حل سوالات چهارتایی شما باید براساس هر آن‌چه که تا به الان آموخته‌اید تست را حل کنید،

۱) عباد الرحمن هم الذين يشكرون الله على نعمائه دائماً: همواره بندگان خدای رحمان او را بر نعمتش شکرگزار هستند.

۲) و إن عبادتهم عبادة الأحرار، و هي أفضل العبادات: و عبادت آن‌ها، مثل آزادگانست که عبادت برتر شناخته می‌شود.

۳) يعبدون الله و يحبونه، لأن حب الله أمر فطري للعباد: خدا را عبادت می‌کنند چون بندگان فطرتاً او را دوست دارند.

۴) فعلى الإنسان أن يتحرر من كل عبودية إلا لله تعالى! پس انسان باید از هر عبودیتی جز برای الله تعالى آزاد شود!



همان‌طور که در درسنامه بیان شد به این‌گونه تست‌ها، چهارتایی می‌گوییم و این تست چهارتایی از نوع غیرمستقل است که بیوسته بودن آن را می‌توان از علائم و معانی آن فهمید و این بیوستگی نیز به ترتیب و بدون جابه‌جایی است. در حل این‌گونه تست‌ها همان کاری را که قبلاً در حل تست‌ها انجام می‌دادیم، این بار گزینه به گزینه انجام می‌دهیم و یا کلمه به کلمه، عبارت فارسی و عربی را با هم مقایسه می‌کنیم.

اکنون می‌خواهیم از مقایسه‌ی کلمه به کلمه استفاده کنیم:

گزینه‌ی (۱): «عباد الرحمن» معادل «بندگان خدای رحمان» و «دائماً» معادل «همواره» است اما معادل «هم‌الذین» نیامده، معادل «یشکرون» نادرست آمده و به‌صورت فعل ربطی «شکرگزار هستند» ترجمه شده و ... پس این گزینه نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]

گزینه‌ی (۲): معادل عبارت «و عبادتهم عبادة الأحرار» می‌تواند درست باشد اما معادل «و هي أفضل العبادات» نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]

گزینه‌ی (۳): «يعبدون الله» معادل «خدا را عبادت می‌کنند»، «يحبونه» معادل «او را دوست دارند» است اما معادل بقیه‌ی عبارت ناقص آمده و این گزینه نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]

گزینه‌ی (۴): «فعلى الإنسان» معادل «پس انسان باید»، «من كل عبودية» معادل «از هر عبودیتی»، «إلا لله تعالى» معادل «جز برای الله تعالى» و «أن يتحرر» معادل «آزاد شود» می‌باشد، پس این گزینه درست است. جواب گزینه (۴) می‌باشد.

عین الصحیح:

- ۱ هل تعلم كيف يكون تأثير التلفزيون على سلوك الأطفال؟ آیا می‌دانی تأثیر تلویزیون بر رفتار کودکان چگونه می‌باشد؟
- ۲ لتراقب الأسرة أطفالها في زمن جلوسهم أمام التلفزيون: خانواده کودکان را در زمان نشستن آن‌ها مقابل تلویزیون مراقبت می‌کنند،
- ۳ لأنّ الوقت الذي يقضيه الأطفال أمام التلفزيون كثير جداً: قطعاً کودکان وقت زیادی را در مقابل تلویزیون می‌گذارند،
- ۴ فذلك الوقت يعادل عدد الساعات التي يقضونها في المدرسة: آن وقت مثل ساعت‌هایی است که کودکان آن را در مدرسه می‌گذارند!



گزینه‌ی (۱): «هل تعلم» معادل «آیا می‌دانی»، «كيف يكون» معادل «چگونه می‌باشد» و «تأثير التلفزيون على سلوك الأطفال» معادل «تأثير تلویزیون بر رفتار کودکان» می‌باشد و این گزینه درست است.

گزینه‌ی (۲): ترجمه‌ی عبارت به صورت «خانواده در زمان نشستن کودکان خود مقابل تلویزیون، باید از آن‌ها مراقبت کنند» صحیح می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۲)]

گزینه‌ی (۳): ترجمه‌ی عبارت «لأنّ الوقت الذي ...» باید به صورت «زیرا وقتی را که کودکان در مقابل تلویزیون می‌گذارند، جداً بسیار است» باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]

گزینه‌ی (۴): ترجمه‌ی عبارت «فذلك الوقت يعادل عدد الساعات ...» نادرست آمده و صحیح آن «پس آن وقت معادل تعداد ساعتی است که ...» می‌باشد اما بقیه‌ی عبارت صحیح است. [رد گزینه‌ی

(۴)]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

۳- ض: ضمیر متصل: ضمیر متصل به یک کلمه همواره ترجمه یا تعریف می‌شود و اگر ذکر نشود نادرست است و بالعکس اگر ضمیر وجود ندارد آوردن ترجمه‌ی ضمیر یا تعریف آن نادرست است:

ترجمه: نَعْمَةٌ } نعمت‌های او، نعمت‌هایش، نعمت‌های خود، نعمت‌های خویش
نَعْمَتِهَا

تعریف: انقلابمان، انقلاب خود، ... } ثورتنا
الثورة

۴- ف: فعل: ترجمه یا تعریف دقیق فعل یا فعل‌های صورت سؤال و مقایسه‌ی آن در میان گزینه‌ها. دقت کنید در این روش، فعل باید از جهت‌های زیر به دقت بررسی شود و مطابق ویژگی‌های خود ترجمه شود:

الف- از لحاظ زمان } ماضی و انواع آن
مضارع و انواع آن
امر

ب- از لحاظ صیغه } تعداد } مفرد
جمع (مثنی و جمع)^(۱)
غایب، مخاطب، متکلم

هفال: اگر در صورت سؤال «كُنْتُ أتعَلَّمُ» وجود دارد این فعل باید:

الف) ماضی استمراری

ب) متکلم وحده یعنی: می‌آموختم.

اگر در سایر گزینه‌ها این فعل مثلاً به صورت «آموخته بودم»، «می‌آموزم»، «می‌خواهم بیاموزم» ظاهر شده باشد، سایر گزینه‌ها نادرست هستند.

تست‌های

ترجمه

تعريب

چهارتایی

۱ «کلمة خير تفيد، أفضل من كتاب لا فائدة له!» (ریاضی ۹۱)

- ۱ کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!
- ۲ سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!
- ۳ یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!
- ۴ یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!

۲ «من عرف الدنيا معرفةً حقیقیةً، لاتخذع قلبه ظواهرها الخلابة!» (ریاضی ۹۲)

- ۱ اگر کسی واقعاً دنیا را بشناسد، ظاهر دلربایش او را فریب نمی‌دهد!
- ۲ آن‌که حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فریبنده آن فریبش نمی‌دهد!
- ۳ آن کسی که دنیا را عمیقاً شناخت، به ظواهر خوش آن دل خوش نمی‌کند!
- ۴ کسی که دنیا را به‌طور واقعی بشناسد، ظواهر دلربای آن قلبش را نمی‌فریبند!

۳ «كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!» (ریاضی ۹۳)

- ۱ پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
- ۲ بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی‌ام دعوت کرد!
- ۳ مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
- ۴ مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

۴ «أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول

مرّة!» (ریاضی ۹۴)

- ۱ شگفتی مرا فراگرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتاب‌ها طرح کرده بودند یافتم!
- ۲ حیرت مرا فراگرفت هنگامی که در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آن‌ها را مطرح کرده بودند!
- ۳ دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آن‌ها، آن را طرح کرده بودند!
- ۴ دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتاب‌ها یافتم!

۵ «من يعمل لغير الله، يرذ الله أموره إلى من عمل له!» (ریاضی ۹۵)

- ۱ آن کس که برای غیرخدا کار کند، نتیجه‌ی کارش را نیز به او واگذار می‌کند!
- ۲ کسانی که برای غیرخدا کاری انجام دهند، خداوند امورشان را به همان‌ها واگذار می‌کند!

هستند مردم از آن‌ها در آسایش می‌باشند!

۲ مؤمنان کسانی هستند که به بندگی پروردگارشان پرداخته بر اشتباهاتشان پشیمانند و مردم از دست آنان راحت می‌باشند!

۳ عده‌ای از مؤمنین به اطاعت پروردگار خویش مشغول می‌باشند و بر خطاهای خود پشیمان می‌شوند و مردم از آن‌ها در آسایش هستند!

۴ عده‌ای از مؤمنین مشغول عبادت پروردگارند و بر اشتباهات خود پشیمانند و مردم همیشه از دست آن‌ها در امانند!

۷

«إِنَّمَا مَكْلُفُونَ بِالِاتِّفَاعِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي خَلَقْتَ لَنَا فِي حَيَاتِنَا، لِأَنَّهَا تَضْمِنُ سَلَامَةَ أَرْوَاحِنَا وَ أَسْمَانِنَا!»
(ریاضی ۹۰)

۱ ما به استفاده از پاکیزه‌هایی که برای ما در زندگی مان آفریده شده است، مکلف شده‌ایم، زیرا آن‌ها سلامت روح‌ها و بدن‌های ما را تضمین می‌کنند!

۲ ما به بهره بردن از روزی‌های پاکی که برای ما به وجود آمده است، مکلف هستیم، زیرا که سلامت روان و جسممان را تضمین می‌کنند!

۳ ما مکلف به بهره‌مند شدن از روزی‌های پاکی شده‌ایم که خداوند برای ما خلق کرده، تا در زندگانی سلامتی روان‌ها و بدن‌هایمان را تضمین کنند!

۴ ما مکلف هستیم که از پاکیزه‌هایی که آفریده شده‌اند در زندگی استفاده کنیم، چه سلامت روح و بدن را تضمین می‌کنند!

۸

«إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ صَارُوا مَفَاتِيحَ لِأَبْوَابِ الْهُدَايَةِ وَأَقْفَالاً لِأَبْوَابِ الْهَلَاكَةِ!»
(ریاضی ۸۹)

۱ کلید درب‌های هدایت و قفل برای درهای هلاکت در میان بندگان خداست!

۲ عده‌ای از بندگان خوب خدا برای درهای هدایت کلید هستند و برای درب هلاکت قفل!

۳ در میان بندگان خدا کسانی هستند که کلید درب هدایت هستند و حال این‌که قفلی بوده‌اند برای درب تباهی!

۴ از میان بندگان خدا کسانی هستند که کلیدهایی برای درهای هدایت گردیدند و قفل‌هایی برای درهای هلاکت!

۹

«إِنْ يَسْتَفِدُّ الْإِنْسَانُ مِنَ الْعُنَاصِرِ السَّكَّرِيَّةِ أَكْثَرَ مِنَ الْإِلْتِمَامِ، يَصِيبُ بِالْأَمْرَاضِ الْمَخْتَلِفَةِ!»
(ریاضی ۸۹)

۱ اگر انسان بیش از حد از مواد قندی استفاده کند، به بیماری‌های مختلف دچار می‌شود!

۲ اگر انسان بیش از حد نیازش مواد قندی مصرف کند، بیماری‌های مختلف به او آسیب می‌رساند!

۳ انسان چنان‌چه از مواد قندی بیشتر از نیاز استفاده کند، بیماری‌های مختلفی به او ضرر می‌رساند!

۴ استفاده‌ی بیش از حد از مواد قندی برای انسان ضرر دارد و او را به بیماری‌های مختلف دچار می‌کند!

۱۰ «إِنَّ مَوَاهِبَ الدُّنْيَا وَنِعْمَهَا تُعَدُّ فِي نَظَرَةِ الْقُرْآنِ رِزْقًا لِلْإِنْسَانِ وَوَسِيلَةً لَتَكْمَلِهِ!» (ریاضی ۸۹)

۱ آن چه رزق انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شود، در نظر قرآن همان الطاف و نعم خدا در دنیاست!

۲ از منظر قرآن، موهبت‌ها و نعمت‌های دنیا، رزقی برای انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شوند!

۳ از دیدگاه قرآن آن چه روزی و وسیله‌ی کمال انسان است همان مواهب و نعم الهی دنیا است!

۴ بخشش‌ها و نعمت‌های دنیا از دیدگاه قرآن روزی انسان و یا وسیله‌ی رشد او شمرده می‌شوند!

۱۱ «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِبًا قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صَحْفِ مَدِينَتِنَا!» (ریاضی ۸۸)

۱ به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه‌ی شهرمان به چاپ رسیده است.

۲ نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیشتر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود.

۳ من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه‌ی شهر ما به چاپ رسیده بود.

۴ با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیشتر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت.

۱۲ «إِنَّ الْمَجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ تُعَانِي التَّكَاثُلَ وَالْخُمُولَ دَائِمًا، فَعَلَى الْأُمَمِ أَنْ تَتَعَرَّفَ عَلَى هَذِهِ

الحقيقة!» (ریاضی ۸۸)

۱ اجتماعات بشر بدون شک از تنبلی و سستی رنج می‌کشند، و ملت‌ها این واقعیت را درک می‌کنند!

۲ جوامع انسانی همیشه از کسالت و تنبلی در عذاب بوده‌اند پس مردمان باید این حقیقت را دریابند!

۳ جوامع بشری همواره از سستی و کاهلی رنج می‌برند، پس بر ملت‌ها است که با این حقیقت آشنا

شوند!

۴ جامعه‌های انسانی قطعاً از سستی و تنبلی در زحمت هستند، و بر مردمان است که این واقعیت

را بشناسند!

۱۳ «كَانَ الْبَاحِثُونَ الْمَسْلُومُونَ يَهَاجِرُونَ إِلَى النِّقَاطِ الْبَعِيدَةِ مِنَ الْأَرْضِ لِاكتشاف أسرار الكون!»

۱ پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند. (ریاضی ۸۷)

۲ محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند.

۳ جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند.

۴ تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند.

۱۴ «علينا أن نسعى للاستفادة من النعم الإلهية في طريق حركتنا نحو الكمال!» (ریاضی ۸۷)

۱ برماست که برای استفاده از نعم الهی و رسیدن به کمال و رشد سعی و تلاش کنیم!

۲ ما باید برای استفاده از نعمت‌های الهی در راه حرکتمان به سوی کمال سعی و تلاش کنیم!

۳ ما برای بهره‌مندی از مواهب الهی در طریق حرکت به سوی سعادت و کمال خویش باید کوشش کنیم!

۴ بر ما لازم است که جهت بهره‌وری از نعمت‌های الهی در حرکت خویش به سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۱۵ «قد حاول المسلمون كثيراً في الدفاع عن المظلومين في عالما الذي ملئ بالظلم!» (ریاضی ۸۶)

۱ مسلمانان فراوانی برای دفاع کردن از ستم‌دیدگان در دنیای مملو از ستم ما، تلاش نموده‌اند!

۲ مسلمانان در دفاع از مظلومان در دنیای ما که مملو از ظلم شده‌است، بسیار تلاش کرده‌اند!

۲) رایحه‌ی پدر و مادرت که از ظلم زمانه رنج بسیار برده‌اند، باعث شده که محبتت را نثارشان کنی!

۳) زمانی که پیش پدر و مادرت راه می‌روی درحالی که ستم زمان آن‌ها را ضعیف کرده، محبتت را

برای آن‌ها بخشش کن!

۲) آن‌گاه که پیش والدینت رفتی، عشق خویش را برای آن‌دو که از جور زمان در رنج هستند ارزانی بنما!

۱۷ «إذا انكسر ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة الموجودة في الجو، تحدث ظاهرة باسم

(ریاضی ۸۶)

قوس قزح»:

۱) هنگامی که نور خورشید در قطرات کوچک آب موجود در هوا بشکند، پدیده‌ای به نام رنگین‌کمان

اتفاق می‌افتد.

۲) وقتی شعاع خورشیدی در قطره‌های کوچک آب موجود در جو شکست، شکل آشکار قوس قزح

ظهور می‌یابد.

۳) هرگاه اشعه‌ی خورشید در قطرات کوچک آب‌های موجود در قضا شکسته شد، جلوه‌ی ظاهری

رنگین‌کمان پدیدار می‌شود.

۴) زمانی که نور خورشید در قطره‌های آب کوچک موجود در جو شکسته شود، قضیه‌ی قوس قزح

بوجود می‌آید.

۱۸ «كانت شمس الصحراء مُحرقَةً جَدًّا و النَّاسُ يواصلون طريقتهم فيها بصعوبة!»: (ریاضی ۸۵)

۱) خورشید صحرا جدًّا می‌سوزاند و باعث می‌شود مردم راهشان را با سختی بیمایند!

۲) در صحرا خورشید جدًّا داغ می‌کند و مردم راهشان را با سختی زیاد طی می‌کنند!

۳) در صحرا آفتاب واقعاً سوزان است و مردم راه خود را در آن سخت می‌پیمایند!

۴) آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می‌دادند!

۱۹ «قد هيا الطلاب أنفسهم لامتحان نهاية السنة و قاموا بأداء تكاليفهم»: (ریاضی ۸۴)

۱) دانشجویان، خویش را برای امتحانات پایان سال مهیا کرده بودند لذا تکالیفی را انجام دادند.

۲) شاگردان برای مهیا کردن خویش برای امتحان پایان سال اقدام به انجام تکالیف خود کردند.

۳) دانش‌آموزان برای آماده شدن خود به خاطر امتحانات پایان سال به ادای تکالیف خود اقدام کردند.

۴) دانش‌آموزان خودشان را برای امتحان پایان سال آماده کردند و به انجام تکالیف خود پرداختند.

(ریاضی ۸۳)

۲۰ «نحن نستشير العقلاء لا الجهال دائماً»:

۱) ما همواره با خردمندان مشورت می‌کنیم نه نادانان!

۲) ما دائماً با عاقلان نه جاهلان مشاوره خواهیم کرد!

۳) همیشه ما باید با صاحبان عقل به جای جاهلان مشورت کنیم!

۴) عقلا با ما مشورت می‌کنند اما نادانان هرگز این کار را نمی‌کنند!

۲۱ «يجب أن لا نسمح لثقافة الأجانب أن تدخل في شؤوننا الاجتماعية و السياسية»: (رياضي ۸۴)

- ۱ ما به اجانب اجازه‌ی دخول در کارهای اجتماعی خود را نخواهیم داد!
 - ۲ باید به فرهنگ بیگانگان اجازه ندهیم تا وارد امور اجتماعی و سیاسی ما بشود!
 - ۳ ما نباید به فرهنگ بیگانه اجازه بدهیم که در امور اجتماع و سیاست ما دخالت کند!
 - ۴ بر ما واجب است که به تمدن اجنبی اجازه‌ی داخل شدن در شؤونات اجتماعی و سیاسی را ندهیم!
- ۲۲ «على الشباب احترامَ الوالدين، خاصةً في أيام الشيب»: (رياضي ۸۳)

- ۱ بر جوانان ماست احترام والدین، مخصوصاً در زمان پیری آنها
- ۲ جوانان باید به والدین، مخصوصاً در زمان پیری، احترام بگذارند
- ۳ بخصوص در زمان جوانی، احترام به پدر و مادر واجب گشته است
- ۴ بخصوص در جوانی، احترام به والدین، هنگام سالخوردگی آنها، لازم است

۲۳ «انزعجت من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى الناس، ولكنه لم يهتم بانزعاجي!»: (قارچ از کشور ۹۱)

- ۱ از بعضی کارهایش که سبب آزار مردم می‌شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
 - ۲ بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی‌ام اهمیتی نداد!
 - ۳ از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی‌داد!
 - ۴ برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت‌کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!
- ۲۴ «لا تنظر إلى الأشياء الصغيرة، فإن قطرات الماء الصغيرة تستطيع أن تؤثر على صخرة كبيرة و تغير مكانها!»: (قارچ از کشور ۹۲)

- ۱ به ظاهر کوچک اشیاء نگاه مکن، چه قطرات کوچک آب می‌تواند بر صخره‌ای بزرگ تأثیر بگذارد و مکان آن را تغییر دهد!
- ۲ نگاه نکن که اشیاء، ظاهری کوچک دارند، زیرا بعضی قطرات کوچک آب می‌توانند تخته سنگی بزرگ را از جای خویش حرکت دهند!
- ۳ به اشیاء ظاهراً کوچک نگاه مکن، که قطرات کوچک آب توانایی آن را دارند که بر تخته سنگی بزرگ تأثیر گذاشته آن را از جای خویش حرکت دهند!

۴ نباید به ظاهر کوچک اشیاء نگاه کنی، چون بعضی اشیاء کوچک مثل قطره‌های آب می‌توانند از صخره‌ای بزرگ تأثیر بگیرند و آن را از جای خود تکان دهند!

۲۵ «لو تنظرين إلى الكائنات حولك بدقة، تُدرकिन آنها ودائع من جانب الله مسخرة لنا، و حقيقة الأمر هي هذه!»: (قارچ از کشور ۹۱)

- ۱ چنان‌چه به دنیای اطرافت نیکو نگاه کنی، درک می‌کنی که آنها امانت‌هایی از سوی خداوند هستند که به تسخیر ما درآمده‌اند، و این حقیقت پدیده‌های دنیا است!
- ۲ اگر به موجودات پیرامون خود به دقت بنگری، پی می‌بری که آنها امانت‌هایی از جانب خداوند هستند که مسخر ما شده‌اند، و حقیقت امر نیز همین است!
- ۳ هرگاه به اطراف خود و موجودات دقیقاً نگاه کنی، فکر می‌کنی آنها امانت تسخیر شده‌ی خداوند برای ما هستند، و واقعیت هم همین است!

- ۱ آن زمان به خدا اعتماد واقعی داری، که در درونت هیچ ترسی جز ترس از خدا وجود نداشته باشد!
- ۲ هر زمان ترسی جز ترس از خدا در عمق وجودت احساس نشد، پس آن گاه اعتماد تو فقط به خداست!
- ۳ هرگاه در درونت جز از خدا از هیچ کس ترسی نداشته باشی، پس آن زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل داری!

۴ وقتی که در اعماق وجودت ترسی جز ترس از خدا احساس نمی‌کنی، در این زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل کرده‌ای!

۲۷ «عندما كنّا نساقر قبل شهرين في مناطق بلادنا الشمالية، تذكّرنا جدّتنا الحنون الّتي كانت ترافقنا قبل سنوات في كلّ سفر!»

(فارج از کشور ۹۰)

- ۱ آنگاه که دو ماه پیش در قسمت شمالی کشور بودیم، به یاد مادر بزرگ مهربانمان افتادیم که سال‌های قبل در هر سفری ما را همراهی می‌کرد!
- ۲ هنگامی که دو ماه قبل در حال سفر در نواحی شمالی کشور بودیم، مادر بزرگ مهربانمان به یاد ما آمد که سال‌های قبل در هر سفری ما با هم رفیق بودیم!
- ۳ وقتی دو ماه پیش به مناطق شمالی کشورمان مسافرت می‌کردیم، مادر بزرگ مهربانمان را به خاطر آوردیم که سال‌ها قبل در هر سفری ما را همراهی می‌کرد!
- ۴ در زمانی پیش از دو ماه، مشغول مسافرت در نواحی شمالی کشور بودیم، به یاد مهربانی‌های مادر بزرگمان افتادیم که در تمام سفرهای سال‌های قبل چگونه ما را مهربان کرده بود!

۲۸ «أفضل ما ينتفع به الصديق عند الشدّة هو أن لا يترك في صعوبات الدهر وحده!»

(فارج از کشور ۹۰)

- ۱ برای یک دوست بهترین چیز این است که در تلخی‌های زمانه تنها باقی نگذارد!
- ۲ از بهترین چیزها که دوست را می‌توان با آن بهره‌مند کرد، این است که در تلخی زمانه تنها نماند!
- ۳ بهترین چیزی که برای دوست در گرفتاری سودمند است، فقط همین است که در سختی روزگار تنها نماند!
- ۴ بهترین چیزی که دوست هنگام سختی از آن بهره‌مند می‌شود این است که در سختی‌های روزگار تنها نماند!

۲۹ «أحسن كلامك ليصاحبك الناس راغبين فيك؛ لأن من تحلّى بهذه الخصلة، كثّر معاشرته!»

(فارج از کشور ۹۰)

- ۱ به نیکی سخن بگو تا مردم با کمال میل رفیق تو شوند، از آنجا که هر کس مزین به این خصلت شود، یارانش زیاد می‌گردند!
- ۲ سخن خود را نیکو کن تا مردم با میل با تو مصاحبت کنند، زیرا هر کس به این خصلت آراسته شود، معاشران او زیاد می‌گردند!
- ۳ نیکو سخن بگو تا مردم به تو متمایل شده رفیق تو گردند، چه هر کس خود را به این صفت بیاراید، بر معاشرین خود می‌افزاید!
- ۴ سخن زیبا به زبان آور تا مردم از تو روی نگردانند، چون هر کس از این خصلت بهره‌مند شود، یارانش را زیاد می‌کند!

۳۰ «حینما تفشل فی أمر من أمور حیاتک، علیک أن لا تفکر فی نفسک أنك مسکین إن بحث

عن الماء واجهت الأرض الهامدة!»: (قارج از کشور ۹۰)

۱] زمانی که در کارهای مهم زندگی شکست می‌خوری، نباید با خود چنین بیندیشی که من

بیچاره‌ای هستم که هرگاه جستجوی آب کنم، به خشکی می‌رسم!

۲] وقتی در زندگی به اموری برمی‌خوری که نتیجه‌ی آن شکست تو است، گمان مکن که تو

درمانده و در پی آب هستی ولی به زمین بی‌آب و علف دست یافته‌ای!

۳] چون در کارهای زندگی دچار مشکل می‌شوی، با خود میندیش که چون بیچاره‌ای هستی که

هرگاه آب طلب کند، به زمین خشک و بی‌آب و علف می‌رسد!

۴] هنگامی که در امری از امور زندگی شکست می‌خوری، نباید با خود فکر کنی که درمانده‌ای

هستی که اگر در جستجوی آب باشی، با زمین بی‌آب و علف مواجه می‌شوی!

۳۱ «علیکم أن تتخذوا العلماء الصالحین کمصباح یهدیکم إلى طریق الرشاد!»: (قارج از کشور ۸۹)

۱] شما باید عالمان صالح را هم‌چون مشعلی برای خود انتخاب کنید که روشنی‌بخش راه هدایت می‌باشد!

۲] بر شماست که دانشمندان صالح را چون چراغی برگزینید که شما را به راه راست هدایت می‌کند!

۳] بر شما واجب است که فرزاتگان شایسته را به‌عنوان نوری برای راه رشد و هدایت برگزینید!

۴] شما باید علمای صالح را چون چراغ که هدایت‌گر شما به راه صحیح می‌باشد، انتخاب کنید!

۳۲ «إن یکن شخص بیننا أمیاً فعلینا أن نشجعه لیتعلم العلم و لا یقصر فی ذلك!»: (قارج از کشور ۸۹)

۱] اگر شخصی در بین ما بی‌سواد باشد بر ماست که او را تشویق کنیم که علم بیاموزد و در مورد

آن کوتاهی نکند!

۲] هرگاه فردی میان ما درس ناخوانده بود بر ما واجب است او را وادار به درس خواندن کنیم و

درباره‌ی آن کوتاهی نکنیم!

۳] هنگامی که شخصی درس ناخوانده بین ما باشد تشویق نمودن او در یادگیری علم وظیفه‌ی

ماست و نباید در این مسأله کوتاهی کنیم!

۴] چنان‌چه انسان بی‌سوادی میان ما قرار گرفت بر عهده‌ی ماست که او را به علم‌اندوزی تشویق

نماییم و نباید در آن کوتاهی صورت گیرد!

۳۳ «إنما یتقیم أمر الله الذین لا یتبعون المطامع الدنیویة!»: (قارج از کشور ۸۹)

۱] فقط به‌دنبال امر خداوند کسانی می‌روند که از پیروی طمع‌های دنیوی دوری کنند!

۲] کسانی که به‌دنبال مطامع دنیا نیستند فقط اوامر و فرمان‌های خدا را به‌پای می‌دارند!

- ۱] وقتی پیام موفقیت دانشجویان شرکت‌کننده در مسابقات علمی را دریافت کردم چشمانم اشک شادی جاری ساخت!
- ۲] آن هنگام که خیر برنده شدن دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات علمی را دریافت کرد اشک‌های شوق از چشمش روان شد!
- ۳] هنگامی که خیر پیروزی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات علمی را شنیدم اشک‌های شادی از چشمانم جاری شد!
- ۴] زمانی که اخبار پیروزی شرکت‌کنندگان در مسابقات علمی را شنیدم اشک شادی از چشمانم سرازیر گشت!

۳۵ «إِنَّ الْإِنْسَانَ السَّاعِي هُوَ الَّذِي يَقْذِفُ قَلَادَةَ الْكَسَلِ بَعِيداً»: (فارج از کشور ۸۸)

- ۱] کوشا انسانی است که گردن‌بند کسالت را همیشه به دور می‌اندازد!
- ۲] کوشا کسی است که گردن‌بند تنبلی را از خود دور می‌کند!
- ۳] انسان کوشا کسی است که قلاده‌ی تنبلی را دور می‌اندازد!
- ۴] انسان کوشا قلاده‌ی کسالت را دائماً به دور می‌اندازد!

۳۶ «أَمَرَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ أَنْ يَنْتَفِعَ بِالنِّعَمِ وَالْمَوَاهِبِ الْإِلَهِيَّةِ لِلْحَرَكَةِ نَحْوَ الرِّشْدِ وَالْكَمَالِ»: (فارج از کشور ۸۶)

- ۱] خداوند به انسان امر کرده‌است تا از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی برای حرکت به‌سوی رشد و کمال بهره‌بردارد!
- ۲] پروردگار به بشر دستور داده‌که از نعمت و مواهب خدایی برای هدایت و تکامل به‌سمت او بهره‌برداری کند!
- ۳] خداوند انسان را امر کرده‌به این‌که از برکات و نعمت‌های او برای تحرک و رشد و کمال سود بجوید!
- ۴] پروردگار ما به بشر دستور استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های خود را برای سیر به‌سوی رشد و کمال داده‌است!

۳۷ «لَا تَسْمَحْ إِلَّا لِلْأَفْكَارِ الرَّائِعَةِ أَنْ تَوْثُرَ عَلَى قَلْبِكَ حَتَّى تَحْلُو حَيَاتِكَ!»: (فارج از کشور ۸۶)

- ۱] فقط به افکار دل‌انگیز اجازه بده بر قلبت تأثیر کند تا زندگی شیرین شود!
- ۲] به اندیشه‌های مفید اجازه بده قلبت را تحت تأثیر قرار دهد تا زندگی شیرین شود!
- ۳] اجازه مده چیزی جز اندیشه‌های مطلوب بر دلت اثر کند تا زندگی را بر تو شیرین گرداند!
- ۴] فقط به اندیشه‌های تازه اجازه مده که دلت را تحت تأثیر قرار دهد تا زندگی به شیرینی گراید!

۳۸ «كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُؤَكِّدُ دَائِماً عَلَى إِحْتِرَامِ الْأَطْفَالِ مِنَ الْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ!»: (فارج از کشور ۸۵)

- ۱] پیامبر (ص) همیشه بر احترام گذاشتن مساوی به کودکان پسر و دختر تأکید می‌کرد!
- ۲] احترام به کودکان اعم از پسر و دختر آن‌هم به‌طور مساوی مورد تأکید پیامبر (ص) بود!
- ۳] پیامبر (ص) احترام به فرزندان دختر و پسران را به‌شکل برابر همیشه مورد تأکید قرار می‌داد!
- ۴] همیشه پیامبر (ص) بر احترام گذاشتن نسبت به فرزندان پسران و دختران به‌صورت مساوی تأکید می‌کرد!

۳۹ «قد خَلَدت أسماءُ العظماءِ بسببِ مِيزانِهِمُ الَّتِي كَانَتْ ثَمَرَةً كَذْهَمٌ وَ تَحَقُّلاً لِمَشَقَّاتِ!»: (قاری از کشور ۸۵)

- ۱ نام مردان بزرگ ماندنی است زیرا به تلاش و زحمت و تحمل رنج‌ها برجسته شده‌اند!
 - ۲ نام بزرگان، جاودان مانده است به‌خاطر ویژگی‌هایی که نتیجه‌ی زحمت و تحمل سختی است!
 - ۳ نام بزرگان به‌سبب ویژگی‌هایشان که ثمره‌ی زحمت آن‌ها و تحمل سختی‌ها بود، جاودانی شده است!
 - ۴ بزرگان و نام‌هایشان جاوید است به‌خاطر برجستگی‌هایی که بر اثر زحمت و تحمل رنج به‌دست آورده‌اند!
- ۴۰ «بعضُ التجاربِ و إن کانت قليلةً ولكنَّها مفيدةٌ لنا جداً!»: (تهری ۹۱)

- ۱ بعضی تجربه‌ها هرچند اندک باشند، ولی برای ما بسیار مفید هستند!
 - ۲ بعضی تجربه‌ها اگرچه کم به‌نظر برسند، اما فواید زیادی برای ما دارند!
 - ۳ برخی تجربیات که کم به نظر می‌رسند، برای ما فواید بی‌شماری در بر دارند!
 - ۴ برخی تجربیات با وجود اندک بودن، فایده‌ی آن‌ها برای ما بسیار زیاد خواهد بود!
- ۴۱ «لماذا نسيت أن تردَّ الكتابَ الَّذِي استعرتَه من المكتبةِ، و لم تضعه في مكانه؟!»: (تهری ۹۱)

- ۱ به چه دلیل کتابی را که از کتابخانه گرفتی، فراموش کردی به آن جا برگردانی و در جای خود قرار دهی؟!؟
- ۲ چرا کتابی را که از کتابخانه به امانت گرفتی فراموش کردی برگردانی، و آن را در جای خود قرار ندادی؟!؟
- ۳ چرا کتابی را که از کتابخانه به عاریت گرفتی، فراموش کرده‌ای آن را مسترد داری و در مکان خود قرار دهی؟!؟
- ۴ به چه علت کتابی را از کتابخانه به امانت گرفتی و فراموش کردی آن را مسترد داری، و در مکان خود قرار ندادی؟!؟

۴۲ «كانت أمي ألحَّت علي أن لا أحاكي الآخرين و أعتد علي نفسي و أقف علي قدمي!»: (تهری ۹۱)

- ۱ مادر من اصرار داشت که از دیگران پیروی نکرده فقط بر خویش تکیه کنم و بر پاهای خود بایستم!
- ۲ مادرم بر من فشار می‌آورد که از دیگران تبعیت نکرده به خود تکیه کنم و روی پای خویش بایستم!
- ۳ مادر من پافشاری کرد که از دیگران پیروی نکنم و اعتماد به نفس داشته باشم و روی پای خود بایستم!
- ۴ مادرم به من اصرار کرده بود که از دیگران تقلید نکنم و به خود اعتماد کنم و بر روی پاهای خود بایستم!

۴۳ «إن تأملنا حول قانون الجاذبية رأينا أننا نستفيد منه في كلِّ الأمور، و منها للحصول علي

مطلوبنا في الحياة!»: (تهری ۹۱)

- ۱ هرگاه پیرامون قانون جاذبه خوب بنگریم قطعاً می‌بینیم که آن را در تمام امور و خواسته‌هایمان در زندگی به‌کار می‌بریم!
- ۲ چنان‌چه درباره‌ی قانون جاذبه تأمل کنیم همانا درمی‌یابیم که ما آن را در تحقیق امور و خواسته‌ی خود در زندگی به‌کار می‌بریم!
- ۳ اگر در مورد قانون جاذبه دقت کنیم می‌بینیم که ما در تمام امور، و از جمله برای دست‌یابی به خواسته‌ی خود در زندگی، از آن استفاده می‌کنیم!

۲] مستمسک ما باید باوران قرآن باشند، همان‌ها که با دین مخالفتی نمی‌کنند و در آن اختلافی ندارند!

۳] برماست که به اهل قرآن تمسک بچوئیم، چه آن‌ها هستند که نه با دین مخالفت می‌کنند و نه

در آن اختلاف پیدا می‌کنند!

۴] ما باید به افراد شایسته در قرآن متوسل شویم که نه دین را برای نمایش عرضه می‌کنند و نه

اختلافی را در آن مطرح می‌کنند!

۴۵ «کیف تتفاخر بالمال والأهلین، و ما هم إلا ودائع لابد من أننا سنترکهم غداً أو بعد غداً:» (تہری ۹۰)

۱] به چه سبب بر مال و فرزندان خود افتخار می‌کنی، در حالی‌که امروز یا فردا این ودایع را باید ترک گفت!

۲] چگونه است که فقط به مال و فرزندان افتخار می‌کنی، و حال این‌که آن‌ها امانت‌هایی هستند که امروز یا فردا ترکشان خواهیم گفت!

۳] چگونه به خاطر مال و خانواده فخر می‌فروشی، و حال این‌که آن‌ها فقط ودیعه‌هایی هستند که فردا یا پس فردا ناچار آن‌ها را ترک خواهیم کرد!

۴] به چه علت بسبب مال و خانواده‌ات فخر فروشی می‌کنی، در حالی‌که این‌ها امانت‌هایی هستند که فردا یا پس فردا ناچار ما را ترک خواهند کرد!

۴۶ «من یطع اللہ فی جمیع الأحوال، یصلح اللہ له امر دنیاہ أيضاً:» (تہری ۸۹)

۱] هر کس خدا را در هر حال مطیع باشد خدا نیز کارهای او را در دنیایش سامان می‌دهد!

۲] آن‌کس که در همه‌ی حالات مطیع خدا باشد، قطعاً در دنیا خدا کارش را اصلاح می‌کند!

۳] کسی که در هر حالی خدا را اطاعت کند، خداوند کارهای او را در دنیا اصلاح می‌کند!

۴] هر که در همه‌ی احوال از خدا اطاعت کند، خدا هم کار دنیای او را سامان می‌دهد!

۴۷ «یجب أن ننظر فی عیوب أنفسنا حتی نغفل عن عیوب الآخرین، لأن من ینظر فی عیوب

الناس ینس عیوب نفسه:» (تہری ۸۹)

۱] فقط باید عیوب خود را ببینیم زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب‌های خود را فراموش می‌کنیم!

۲] نگریستن در عیوب خود غفلت از عیب‌های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می‌کند خود را فراموش کرده است!

۳] باید در عیب‌های خود بنگریم تا از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب‌های مردم بنگرد عیب‌های خود را فراموش می‌کند!

۴] لازم است در عیب‌های خود بنگریم تا این‌که از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه کردن در عیب‌های مردم فراموش کردن عیب خود است!

۴۸ «لن أتضرع معتذراً إلا إلى ربي، لأنني قد آمنتُ بأنه هو الغفار المتفضل علينا!» (توبه ۱۸۹)

۱ فقط به پروردگارم عذرخواهانه التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!

۲ من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!

۳ فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!

۴ جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

۴۹ «قولوا لأبنائكم مطمئنين إنكم تحبونهم حباً كثيراً!» (توبه ۱۸۸)

۱ با اطمینان به فرزندانان بگویند که بسیار دوستشان دارید!

۲ مطمئن باشید و به فرزندان خود بگویند که آن‌ها را بسیار دوست می‌دارید!

۳ با اطمینان به فرزندان خود بگویند که فقط شما آن‌ها را بسیار دوست می‌دارید!

۴ به فرزندانان بگویند در حالی که به آن اطمینان دارید که بسیار دوستشان دارید!

۵۰ «إن تذوقنا حلو الحياة و مرّها في الشّباب، أصبحنا أكثر صبراً في الشّيب!» (طرح از کشور ۸۷)

۱ چنان‌چه شیرینی و تلخی زندگی را در جوانی بچشیم در سالخوردگی صبورتر می‌شویم!

۲ چنان‌چه در نوجوانی تلخ و شیرین زندگی را می‌چشیدیم صبر ما در سالخوردگی بیشتر می‌شود!

۳ اگر حلاوت و مرارت زندگی را در میان جوانان چشیده باشیم صبر ما در میان پیران بیشتر می‌شود!

۴ اگر در نوجوانی حلاوت و تلخی زندگی را به خود می‌چشانیدیم به‌هنگام پیری بیشتر صبر می‌کردیم!

۵۱ «يؤكد في القرآن أنّ من واجبنا السعي في سبيل الاستفادة الصحيحة من النعم الإلهية للشّير

نحو الكمال!» (توبه ۱۸۷)

۱ قرآن به ما تأکید می‌کند که از وظایف ما سعی و کوشش در راه‌های استفاده از موهبت‌های الهی و تحرک به‌سمت کمال می‌باشد!

۲ در قرآن تأکید می‌شود که سعی و کوشش در راه استفاده‌ی صحیح از نعمت‌های الهی برای حرکت به‌سوی کمال بر ما لازم است!

۳ تأکید قرآن این است که بر ما لازم است که در راه کاربرد صحیح نعمت‌های الهی و تحرک به‌سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۲ روزهای بارانی پدیدم‌ای زیبا دارد که از رنگ‌های مختلف که آسمان را دلربا می‌کند تشکیل می‌شود!

۳ روزهای بارانی پدیدم‌ای زیبا از رنگ‌های متفاوت تشکیل می‌دهد و آسمان را زیبا می‌سازد و

چشم ربا!

۴ پدیدم‌ای زیبا برای روزهای بارانی است که آسمان به‌سبب آن دلربا شده و رنگ‌های مختلفی

به‌وجود می‌آورد!

۵۳ «قد تزینت الأرض في الربيع فتبتهج عيوننا لقا نظر إليها»: (تبریزی ۸۶)

۱ زمین در بهار آراسته‌گشته لذا هنگامی که به آن می‌نگریم چشمان ما شاد می‌گردد!

۲ زمین در بهار تزئین‌گشته لذا چشم ما را در زمان نگرستن به آن به‌وجود می‌آورد!

۳ در فصل بهار زمین خود را مزین می‌کند لذا زمانی که به آن نگاه می‌کنیم چشم‌ها به‌وجود می‌آید!

۴ در هنگام بهار زمین خود را می‌آراید لذا هنوز به آن نگاه نیتداخته‌ایم که چشمانمان شاد می‌شود!

۵۴ «لم أقدم عملا من الخير إلا آتی رأیت ثمرته، فلن أندم عليه أبداً»: (تبریزی ۸۶)

۱ فقط از اعمال خیرم که پیش فرستادم نتیجه دیدم، پس ابدأ از آن پشیمان نمی‌شوم!

۲ هر عمل خیری که پیش فرستادم ثمره‌ی آن را دیدم، لذا هیچ‌گاه بر آن پشیمان نخواهم شد!

۳ عملی پیش نمی‌فرستم مگر خیر، زیرا فقط نتیجه‌ی آن را دیدم و از آن پشیمان نخواهم شد!

۴ هیچ عمل خیری پیش نمی‌فرستم مگر آن که نتیجه‌ی آن را ببینم، پس هرگز از آن پشیمان نیستم!

۵۵ «ليعلم الإنسان أن العناوين والألقاب لاقيمة لها مادامت لا تقترن بالسعي والعمل»: (تبریزی ۸۶)

۱ انسان باید بداند که عنوان‌ها و لقب‌ها تا زمانی که همراه سعی و عمل نباشد هیچ ارزشی ندارد!

۲ هر انسانی می‌داند که عنوان‌ها و القاب‌ها تا هنگامی که همراه سعی و عمل می‌باشد، قیمت دارد!

۳ هر فردی باید درک کند که عناوین و القاب وقتی دارای ارزش است که همراه تلاش و کار باشد!

۴ تا یک شخص آگاه باشد که عناوین و لقب‌ها بی‌ارزش هستند مادامی که همراه تلاش و کوشش نباشند!

۵۶ «كان النبي (ص) لا يدع التأكيد على احترام الصغار والأطفال أبداً»: (تبریزی ۸۵)

۱ نبی اکرم (ص) تأکید بر احترام به کوچک‌ترها و کودکان را ابدأ رها نکرده بود.

۲ پیامبر (ص) تأکید بر احترام‌گذاشتن به کودکان و اطفال را هرگز ترک نمی‌کرد.

۳ هرگز رسول الله (ص) تأکید بر محترم شمردن اطفال و کودکان را بی‌ارزش نمی‌شمرد.

۴ پیامبر اکرم (ص) هیچ‌گاه تأکید بر احترام‌کردن کودکان و فرزندان کوچک‌تر را وانگذاشت.

۵۷ «أعتقد أن الناس لا يغوزون في حياتهم إلا المجدین منهم»: (تبریزی ۸۵)

۱ بر این باورم که انسان‌های کوشا در زندگی خود رستگار هستند!

۲ معتقدم که فقط مردمان کوشا در زندگی خویش موفق می‌شوند!

۳ اعتقاد دارم که در زندگی خویش جز تلاشگران از مردم، پیروز نمی‌شوند!

۴ بر این عقیده‌ام که فقط انسان‌های تلاشگر در زندگی برنده خواهند شد!

۵۸ «كان المشركون يظنون أنهم يستطيعون أن يقتلوا النبي (ص)، لكن امرأة مسلمة دافعت عنه دفاعاً رائعاً»: مشركان

(تبریزی ۸۵)

- ۱ که فکر می‌کردند پیامبر را می‌کشند دیدند زن مسلمانی حقیقتاً فداکارانه از او دفاع می‌کند!
- ۲ فقط گمان می‌کردند می‌توانند پیامبر را بکشند، ولی زنی مسلمان دفاعی فداکارانه از او کرد!
- ۳ که قصد داشتند پیامبر را به قتل برسانند، با زنی مسلمان که از او دفاعی حقیقی کرد مواجه شدند!
- ۴ تصور می‌کردند که می‌توانند پیامبر را به قتل برسانند، ولی یک زن مسلمان از او دفاع زیبا و جانانه‌ای کرد!

۵۹ «عاشِر من يجالسون العلماء و يشاورونهم!»:

(تبریزی ۸۶)

- ۱ با دانشمندان همنشینی و معاشرت بنمای و با آن‌ها مشورت کن!
- ۲ زندگی کن با کسانی که همنشین دانشمنداند و به آن‌ها مشورت می‌دهند!
- ۳ با کسانی زندگی کن که با دانشمندان همنشین هستند و با آن‌ها مشورت می‌کنند!
- ۴ با کسانی که با دانشمندان همنشینی می‌کنند و با آن‌ها مشورت می‌کنند، معاشرت کن!

۶۰ «لماذا تُحَمَلُ على الآخرين ما لا يطيقونه!؟»:

(تبریزی و زبان ۸۶)

- ۱ چرا تحمل نمی‌کنند چیزی را که بر آن‌ها تحمل می‌شود!؟
- ۲ چرا بر دیگران آن‌چه را که تحمل آن‌را ندارند، تحمل می‌کنی!؟
- ۳ برای چه منظور بر غیر خود آن‌چه که طاقتش را نداری بار می‌کنی!؟
- ۴ به‌خاطر چه چیزی بر غیر خویش حمل می‌کنی آن‌چه که توانش را ندارد!؟

۶۱ «إن سبب تقدّم المسلمين العلمی تکریم الاسلام العلم و العلماء»:

(تبریزی ۸۶)

- ۱ قطعاً پیشرفت علم در نزد مسلمانان، احترام اسلام به دانش و دانشمندان بوده است.
- ۲ قطعاً علت پیشرفت علمی مسلمانان، بزرگ داشتن علم و دانشمندان توسط اسلام است.
- ۳ بی‌شک محترم شمردن علم و عالمان در اسلام، باعث پیشروی مسلمانان در علم بوده است.
- ۴ همانا احترام گذاشتن به دانش و دانش‌پژوهان، باعث پیشرفت علم در نزد مسلمانان شده است.

۶۲ «كان لكلماته أثرٌ عميق على قلوبنا و أحدثت تغييراً عظيماً في أسلوب تعلمنا»:

(تبریزی ۸۷)

- ۱ سخنانش در دل‌ها اثر بسزایی گذاشت، و موجب تغییر فراوان در شیوه‌ی یادگیری شد.
- ۲ سخنان او بر دلهایمان تاثیر عمیقی داشت، و برای شیوه یادگیری‌هایمان تغییر فراوانی را فراهم آورد.
- ۳ کلمات او در عمق جانهایمان تاثیر عمیق گذاشت، و باعث تغییر فراوان در شیوه‌های شد که ما یاد گرفتیم.
- ۴ سخنان او تاثیر عمیقی بر دل‌های ما داشت، و تغییر بزرگی در شیوه یادگیری ما ایجاد نمود.

۶۳ «نحن المسلمون أخذنا من كل أمة أحسن علومها و ابتدعنا فيها و لم نتعصب في علم خاص»:

(تبریزی ۸۷)

ما مسلمانان

- ۱ بهترین علوم ملل را گرفتیم و در آن ابداع کردیم و در دانشی تعصب بخرج نمی‌دهیم.
- ۲ از هر ملتی بهترین‌ها را گرفته‌ایم و در آن ابتکار بخرج دادیم، و با تعصب برخورد نکردیم.
- ۳ از هر ملت، بهترین، علوم آن‌ها، آموختیم، در آن‌ها نوآوری کردیم، و نسبت به علم خاصی تعصب نداشتیم.

۲ همیشه افکار منفی و ناامید کننده با ما می‌جنگند تا نتوانیم به زندگی بختیم!

۳ برای جنگیدن دائمی با افکار منفی و ناامید کننده می‌کوشیم و زندگی به ما لبخند می‌زند!

۴ برای این‌که زندگی به ما لبخند بزند باید دائم افکار منفی و ناراحت کننده را از خود دور کنیم!

۶۵ «الصورة الحسنة لا دوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليذكرك الناس بالخير في المستقبل!»: (انسانی ۹)

۱ روی زیبا بادوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش، تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!

۲ صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکوسیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!

۳ روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد

خواهند کرد!

۴ برای چهره زیبا ثباتی نیست، پس خوش اخلاق باش، که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد

خواهند کرد!

۶۶ «على البخيل أن لا يشتكي حياته المحقرة لأنه قد انتخبها بنفسه!»: (انسانی ۹)

۱ کسی که بخیل است زندگی محقر را خود پذیرفته، پس نباید از آن شکایتی کند!

۲ بر بخیل واجب است که زندگی فقیرانه‌ای که خود انتخاب کرده بپذیرد، و شکایتی نکند!

۳ انسان بخیل نباید از زندگی حقیرانه خود شکایت کند، زیرا خود آن را انتخاب کرده است!

۴ انسان بخیل لازم نیست از زندگیش که محقر است شکایت کند، زیرا انتخاب خود اوست!

۶۷ «وجدت طريق علاجي في مقالات المجلات الطبية التي قد كتبت عن عوامل تُسبب آلام

المفاصل!»: راه درمانم را در (انسانی ۹)

۱ مقاله‌های پزشکی پیدا کردم که در مجله‌ها نوشته شده است راجع به عواملی که دردهای

مفاصل را کم می‌کند!

۲ مقالات مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند نوشته شده است!

۳ مقاله‌هایی که درباره عوامل کاهش‌دهنده دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود،

پیدا کردم!

۴ مقالات پزشکی مجله‌ها پیدا کردم آن‌جا که درباره عوامل آرام‌کننده دردهای مفاصل نوشته شده بود!

۶۸ «شعرت بأن الشيطان يُقهقه و يسخر مني عند عصياني ربي!»: (انسانی ۹)

۱ گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی‌که پروردگارم را نافرمانی کردم!

۲ هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!

۳ هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شده‌ام!

۴ احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

۶۹ «يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَمَا يَرْزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا»: (انسائی ۹۰)

۱] روز قیامت حسابرس همه‌ی مردم خداوند می‌باشد، به‌گونه‌ای که در دنیا همه‌ی آن‌ها را روزی عطا می‌کند!

۲] روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثریت خلق می‌پردازد، همچنان‌که اکثریت آن‌ها را در دنیا روزی عطا می‌کند!

۳] خداوند به حساب مردم در روز قیامت می‌رسد، هر چند تعدادشان کثیر است، چنان‌که در دنیا نیز با توجه به کثرتشان به آن‌ها روزی داده می‌شود!

۴] خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آن‌ها، روز قیامت محاسبه می‌کند، همان‌طور که آن‌ها را با وجود بسیار بودن تعدادشان، در دنیا روزی می‌دهد!

۷۰ «قَدْ تَعَلَّمْتَ أَنْ لَا أُعْجَلَ فِي مَعَابَةِ أَحَدٍ بِذَنْبِ ارْتِكَابِهِ، فَلَعَلَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ ذُنُوبَهُ»: (انسائی ۹۰)

۱] یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به‌سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!

۲] مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به‌سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، بسا خدا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!

۳] فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به‌خاطر گناه کردنشان نباید شتاب داشته باشم، بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیامزد!

۴] به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به‌خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ی خداوند باشد!

۷۱ «كَلَّمَا أَنْظَرْتُ إِلَى النِّعَمِ الَّتِي تُؤَفَّرُ لِي فِي الْحَيَاةِ، أَشْكُرُ رَبِّي الْحَنُونَ!»: (انسائی ۸۹)

۱] هر دفعه به نعمتی که در زندگی‌ام فراهم گردیده است نگاه کرده‌ام، از پروردگار مهربان خود تشکر نموده‌ام!

۲] هر زمان به نعمت‌هایی که در زندگی‌ام مهیا کرده‌ام نگاه افکنده‌ام، از خدای مهربان سپاس‌گزاری کرده‌ام!

۳] هر بار به نعمتی که برای من در زندگی مهیا می‌کنند نگاه می‌کنم، خدای محبوبم را شکر می‌کنم!

۴] هر بار به نعمت‌هایی که در زندگی‌ام فراهم می‌شود می‌نگرم، پروردگار مهربانم را شکر می‌کنم!

۷۲ «عَلِمْتُ أَنَّ الْحَقَّ فِي الْأَغْلَبِ فِيمَا تُنْكِرُهُ!»: (انسائی ۸۹)

۱] فهمیدم اغلب آن‌چه انکار می‌کنیم همان حق است!

۲] یقین کردم که حق همان است که ما انکارش می‌کنیم!

۱] مواد گوناگون مفید غسل باعث ایجاد قدرت و سلامتی در جسم می‌گردد و میکروب‌ها نیز نابود می‌شود!
۲] مواد مختلف سودمند موجود در غسل به بدن انرژی و سلامتی می‌بخشد و میکروب‌ها را نیز از بین می‌برد!
۳] قطعاً مواد مختلف پرفایده که در غسل است به بدن انسان نیرو و تحمل می‌دهد و میکروب‌ها را نیز می‌کشد!

۴] مسلماً مواد گوناگون مفیدی در غسل است که ایجاد کننده‌ی انرژی و سلامتی برای جسم است و نیز میکروب‌ها با آن نابود می‌شود!

۷۴ «إِنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ نَشَرُوا الْحَضَارَةَ وَالثَّقَافَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ وَجَعَلُوا بِلَادَهُمْ فِي حَالَةِ التَّقَدُّمِ وَالْإِزْدِهَارِ الْعِلْمِيِّ»:
(انسانی ۸۸)

۱] علمای مسلمین فرهنگ و تمدن اسلام را انتشار داده، وطن خود را به حالتی از ترقی و پیشرفت علمی سوق داده‌اند!

۲] علمای مسلمان باعث نشر تمدن و فرهنگ اسلامی شدند و سرزمین‌های خود را به سوی پیشروی و رشد علمی برده بودند!

۳] دانشمندان مسلمان، تمدن و فرهنگ اسلامی را منتشر کرده‌اند و سرزمین خویش را در حالت پیشرفت و شکوفایی علمی قرار داده‌اند!

۴] دانشمندان مسلمین مدنیت و فرهنگ اسلامی را گسترش داده بودند و سرزمین‌های خود را در حالتی از ترقی و شکوفایی دانش قرار دادند.

۷۵ «شاهدت رجال إطفاء الحريق يسرعون إلى الحريق و لكنهم ما استطاعوا أن يطفئوا النار»:
مأموران آتش‌نشانی را

۱] دیدم که شتابان به سوی آتش‌سوزی می‌رفتند، ولی نتوانستند آتش را خاموش کنند!

۲] در حالی مشاهده کردم که به سوی آتش می‌رفتند تا آن را خاموش کنند، ولی نتوانستند!

۳] با عجله مشاهده کردم که به سمت محل آتش‌سوزی می‌روند تا آن را خاموش کنند، اما نتوانستند!

۴] وقتی دیدم که به سمت آتش‌سوزی می‌دوند تا آن را خاموش نمایند، ولی نتوانستند آتش را خاموش کنند!

۷۶ «حکمت في مباراة علمية بين فريقين مجدين حُصِّصت جائزتان للفائزين منهما.»: (انسانی ۸۷)

۱] در مسابقه‌ی علمی بین دو تیم کوشا که من داوری کردم دو جایزه برای برندگان اختصاص داده بودم.

۲] در یک مسابقه‌ی علمی بین دو تیم کوشا که دو جایزه برای برندگان آن‌ها اختصاص یافته بود، داوری کردم.

۳] در یک مسابقه‌ی علمی میان دو گروه پرتلاش که جوایزی برای برندگان اختصاص داده بودند داوری کردم.

۴] در مسابقه‌ی علمی بین دو گروه تلاش‌گر داوری کردم و دو جایزه برای برندگان آن‌ها اختصاص دادم.

۷۷ «من الواجب علينا أن لانغض عيننا عن فوائد النباتات الكثيرة لسلامة جسمنا»: (انسانی ۸۶)

۱) بر ما واجب است از فواید گیاهان بسیاری که برای سلامتی بدن ما وجود دارد چشم‌پوشی نکنیم!

۲) ما نباید از فایده‌های بی‌شمار گیاهان که برای سلامتی بدنمان ساخته شده صرف‌نظر کنیم!

۳) برماست که از فواید بسیار گیاهان برای سلامتی بدنمان چشم‌پوشی نکنیم!

۴) ما نباید از فایده‌های گیاهان بسیار، برای سلامتی بدن خود صرف‌نظر کنیم!

۷۸ «لا تفرح إلا بما تملك و لا تعتمد إلا بما في يدك، حتى لا تبطل بالندامة»: (انسانی ۸۶)

۱) فقط به آن چه مالک آن هستی شاد شو، و جز بدان چه در دست داری اعتماد مکن، تا دچار ندامت نشوی!

۲) به‌خاطر آن چه داری شادی کن و هرگز به غیر آن چه در اختیارت است اعتماد مکن، تا دچار پشیمانی نشوی!

۳) برای این‌که ندامت از تو دور شود هیچ‌گاه شاد مشو مگر به داشته‌هایت، و اعتماد مکن مگر به دستانت و آن چه در آن‌هاست!

۴) از پشیمانی دور می‌شوی هرگاه شادی تو به‌خاطر دارائیت باشد، و اعتمادت به چیزی باشد که در توان و اختیارت است!

۷۹ «قد وقف العلماء حياتهم المثمرة في سبيل تقدّم البشرية»: (انسانی ۸۵)

۱) فرزندان حیات پرثمری را در راه پیشرفت انسانی صرف کرده‌اند.

۲) عالمان زندگی پرمایه خویش را در زمینه توسعه انسانی وقف ساخته‌اند.

۳) اندیشمندان عمر گرانبهایی را در طریق پیشروی بشریت صرف کرده‌اند.

۴) دانشمندان زندگی ثمربخش خود را در راه پیشرفت انسانیت وقف کرده‌اند.

۸۰ «لو خَيرت بين امتلاك الأموال الكثيرة و بين الحصول على نفس راضية مطمئنة، لاخترت

الثانية!»: (انسانی ۸۵)

۱) اگر بین داشتن اموال بسیار و به‌دست آوردن نفسی راضی و مطمئن حق انتخاب داشتیم، دومی را انتخاب می‌کردم!

۲) هرگاه اختیار انتخاب مالکیت مالی فراوان و حاصل‌شدن نفسی راضی و مطمئن با من باشد، گزینه من حتماً دومی خواهد بود!

۳) در صورتی بین حق مالکیت اموال بسیار و بین دسترسی به نفس راضی و مطمئن، دومی را انتخاب می‌کنم که اختیار انتخاب با من باشد!

۲] آموزگاران علاقمند هستند که دانش آموزان همگی در دروس نمره قبولی بگیرند!

۳] معلمان همگی دوست دارند که همه دانش آموزان در تمام دروس موفق شوند!

۴] علاقه آموزگاران اینست که یک یک شاگردان در درسهای خود توفیق یابند!

۸۲ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا مِنَ الْمُبْتَكَرِينَ فِي الْعُلُومِ قَرُونًا مَتَمَادِيَةً، وَاسْتِفَادَ الْأَخْرُونَ مِنْهُمْ كَثِيرًا.» (انسانی ۸۴)

۱] قرنهای مدید مسلمانان از مبتکران علوم بوده‌اند، و به افراد دیگر بهره فراوانی رسانده‌اند.

۲] مسلمانان قرن‌های طولانی در علوم از مبتکران بودند، و دیگران از آنان استفاده فراوان بردند.

۳] همانا مسلمانان قرن‌های مدید دست به ابتکار در علوم زدند و به دیگران بهره فراوان رساندند.

۴] در طول قرن‌ها مسلمانان ابتکارات علمی فراوان داشتند، و دیگران از آن‌ها استفاده‌ی بسیار بردند.

۸۳ «لَا قِيَمَةَ لِلْعِلْمِ الَّذِي لَا يَعْمَلُ بِهِ!» (انسانی ۸۴)

۱] علمی که به‌کار نیاید هیچ قیمتی ندارد!

۲] دانشی را که به‌کار نمی‌برند ارزش و بهایی ندارد!

۳] بهایی نیست برای دانشی که آن‌را به‌کار نیندی!

۴] علمی که بدان عمل نشود، هیچ ارزشی ندارد!

۸۴ «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى الْإِنْسَانَ كَثِيرًا مِنَ النِّعَمِ حَتَّىٰ يَسْتَطِيعَ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهَا فِي حَيَاتِهِ!» (هشر ۹۱)

۱] خداوند نعمت‌های کثیری به انسان بخشیده است تا در زندگیش از این نعمت‌ها بهره‌مند شود!

۲] خداوند بسیاری از نعمت‌ها را به انسان عطا کرده است تا بتواند در زندگی خود از آن‌ها بهره ببرد!

۳] نعمت‌های کثیری را خداوند به انسان می‌دهد و او قادر خواهد بود در زندگی خود از آن‌ها استفاده کند!

۲] بسیاری از نعمت‌های الهی به انسان عطا شده است تا او بتواند از آن‌ها به نفع خود در زندگی استفاده کند!

۸۵ «عَدَدُ الَّذِينَ يُوَاجِهُونَ مَرَارَةَ الْحَيَاةِ بِالرِّضَا، وَ طَرِيقَهُمُ الدَّائِمِي هُوَ الْاِتِّكَاءُ عَلَى التَّنَاقُلِ، قَلِيلٌ جَدًّا!»

(هشر ۹۱)

۱] بسیار اندک هستند کسانی که تلخی زندگی را با رضایت پشت‌سر می‌گذارند و اتکای بر خوش‌بینی

مسیر همیشگی آن‌هاست!

۲] تعداد کسانی که با تلخی زندگی با رضایت مواجه می‌شوند و راه همیشگی آن‌ها اتکا بر خوش‌بینی

است، بسیار کم می‌باشد!

۳] عده‌ای اندک هستند کسانی که از تلخی‌های زندگی با رضایت عبور می‌کنند و مسیرشان پیوسته

با تکیه بر خوش‌بینی طی می‌شود!

۴] کسانی که با سختی‌های زندگی رضایت‌مندانه مواجه می‌شوند، و نیز آن‌ها که تکیه بر خوش‌بینی

راه همیشگی آن‌هاست تعدادشان بسیار اندک است!

۸۶ «إِنْ تُرِدْ أَنْ تَكُونَ إِمَامًا لِلنَّاسِ فَعَلَيْكَ أَنْ تَبْدَأَ بِتَهْذِيبِ نَفْسِكَ قَبْلَ أَنْ تَنْصَحَ الْآخِرِينَ!» (هنر ۹۱)

- ۱ اگر بخواهی پیشوای مردم بشوی باید قبل از مهذب ساختن دیگران، برای تعلیم خود اقدام نمایی!
- ۲ هرگاه خواستی رهبر مردم باشی پس شروع به مهذب ساختن خود کن پیش از آن که دیگران را بیاموزی!
- ۳ اگر بخواهی برای مردم پیشوا باشی، باید قبل از این که دیگران را نصیحت کنی به تهذیب نفس خود بپردازی!
- ۴ هرگاه خواهان رهبری مردم بودی پس بر تو لازم است که به تهذیب خویش قبل از نصیحت دیگران فکر کنی!

۸۷ «نَفْسُ حَنَا لَه فِي مَكَانِنَا وَأَجْلَسْنَا إِلَى جَانِبِنَا وَرَحَبْنَا بِهِ وَكُنَّا قَدْ تَعَجَّبْنَا مِنْ كَفِّهِ الْخَشْتَيْنِ!» (هنر ۹۲)

- ۱ وقتی کنار ما جایی برای او باز شد بیش ما نشست و ضمن خیرمقدم به او از دستان زبرش متعجب شدیم!
- ۲ در کنار خود جایی باز کردیم تا نزد ما بنشیند و با تعجب از دستان او که خشن بود، به او خیرمقدم گفتیم!
- ۳ وقتی برای او نزد خودمان جا باز کنیم کنار ما می‌نشیند در حالی که به او خوش آمد می‌گوییم و از دستان زبر او تعجب می‌کنیم!
- ۴ نزد خودمان برای او جا باز کردیم و او را کنار خود نشاندیم و به او خوش آمد گفتیم، و ما از دستان خشن او تعجب کرده بودیم!

۸۸ «اتَّخَذَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ أُسَالِيبَ مُخْتَلِفَةً لِدَعْوَةِ النَّاسِ إِلَى دِينِهِ، لِأَنَّهِمْ مُخْتَلِفُونَ فِي

ثِقَاتِهِمْ!» (هنر ۹۰)

- ۱ اختلاف در فرهنگ‌ها باعث شده تا خداوند در قرآن مردم را به شیوه‌های متفاوت به دین خود فرا خواند!
- ۲ خداوند مردم را به شکل‌های متفاوت به دین خود فرا می‌خواند، زیرا مردم دارای فرهنگ‌های مختلفی هستند!
- ۳ از آنجایی که مردم فرهنگ‌های متفاوتی دارند، روش‌های خداوند در قرآن برای دعوت آنان، با یکدیگر تفاوت دارد!
- ۴ خداوند در قرآن برای دعوت مردم به دین خود روش‌های مختلفی بکار گرفته، زیرا آن‌ها در فرهنگ‌های خویش مختلفند!

۸۹ «مَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْبُهُ الْمَصْبَاحَ، يُنَوِّرُ الطَّرِيقَ لَكَ ثُمَّ يَزُولُ نُورُهُ شَيْئًا فَشَيْئًا، فَيَجْعَلُكَ مَصْبَاحًا

لِإِضَاءَةِ طَرِيقِ الْآخِرِينَ!» (هنر ۹۰)

- ۱ از بین مردم برخی به چراغ می‌مانند، در حالی که راه را نورانی می‌کنند و سپس بی‌نور و خاموش می‌شوند، آنگاه تو را چراغ راه دیگران می‌کنند!
- ۲ کدام دسته از مردم مثل چراغ راه را روشن می‌کنند، اما کم‌کم نور خود را از دست می‌دهند، و از تو چراغی می‌سازند که راه دیگران را روشن کنی!
- ۳ بعضی از مردم شبیه چراغ هستند، راه را برای تو روشن می‌کند و کم‌کم نور آن از بین می‌رود، آنگاه تو را چراغی برای روشن کردن راه دیگران قرار می‌دهد!

شد تنها نباشد!

۲] انسان نباید کسی را که به او یاری کرده کمک نکند و گرنه وقتی دچار مصیبت شود، تنها خواهد ماند!

۳] انسان باید به کسی که از او یاری می‌طلبد کمک کند تا اگر زمانی دچار مصیبتی شود تنها نماند!

۴] بر هر انسان واجب است به کسی که یاریش کرده، کمک کند تا اگر دچار گرفتاری شد تنها نماند!

۹۱ «هؤلاء شاعرات و لهنّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عمیق!» (هنر ۹۰)

۱] اینها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!

۲] اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!

۳] این شاعران را اشعاری است با عاطفه‌ی تأثیرگذار و احساس عمیق!

۴] این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!

۹۲ «عندما تُرسل الموجات الصوتية و تصطدم بالأشياء، ترجع إلینا فنسمعها!» (هنر ۸۹)

۱] هنگامی که موج‌های صوتی را ارسال می‌کنند تا به اشیاء اصابت کنند آن‌ها بازمی‌گردند تا به سمع ما برسند!

۲] در زمان فرستادن امواج صوت، آن‌ها با اشیاء برخورد می‌کنند، سپس به سوی ما برمی‌گردند

و آن‌ها را می‌شنویم!

۳] هنگامی که امواج صوتی فرستاده می‌شوند و با اشیاء برخورد می‌کنند، به سوی ما بازمی‌گردند

و ما آن‌ها را می‌شنویم!

۴] وقتی ارسال موج‌های صوتی صورت می‌گیرد، به اشیاء برخورد کرده به سمت ما بازگردانده

می‌شوند و به گوش ما می‌رسند!

۹۳ «إن تكن مُنيتك أن لا ينفض أصدقاؤك من حولك، فلا تكن فظاً غليظ القلب!» (هنر ۸۹)

۱] اگر آرزو داری دوستانت از تو دور نشوند و از اطرافت پراکنده نگردند، بداخلاقی مکن و

سخت‌گیر مباش!

۲] چنان‌چه امیدت این باشد که دوستانت را از خود دور و پراکنده نکنی، نباید درشت‌خوی و

سنگ‌دل باشی!

۳] اگر چه آرزویت دور شدن دوستانت از اطرافت نباشد، بداخلاقی و سخت‌گیری به صلاح تو نیست!

۴] اگر آرزویت این است که دوستانت از اطرافت پراکنده نشوند، پس درشت‌خوی سنگ‌دل مباش!

۹۴ «إذا ظننت أنك تستطيع أن تحصل على رضی الناس، فأنت مخطئ؛ شديداً!» (هنر ۸۹)

۱] هرگاه خیال کنی که مردم می‌توانند تو را راضی نگه دارند چه‌قدر در اشتباه هستی!

۲] اگر گمان کنی که می‌توانی رضایت مردم را به‌دست آوری، بسیار در خطا هستی!

۳] وقتی گمان کردی که تو قادر به راضی کردن مردم هستی بسیار به اشتباه افتاده‌ای!

۴] اگر فکر می‌کنی که تو توانایی آن را داری که مردم را از خود راضی کنی بسیار خطا می‌کنی!

۹۵ «إِنَّ الْمُتَّقِي هُوَ الَّذِي إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ رِجَالُ الْبَلَاءِ عَلَيْهِ رِجَالُ الْبَلَاءِ»: (هنر ۸۹)

- ۱ هرگاه سختی و رنجی بر انسان پرهیزگار وارد شود با آن چون راحتی برخوردار می‌کند!
- ۲ این متقی است که آمدن بلا در نظرش همچون فرود آمدن آسایش و راحتی است!
- ۳ بی‌شک کسی که مصیبت و بلا را چون آسایش پندارد پرهیزگار و متقی است!
- ۴ با تقوا کسی است که هرگاه مصیبت بر او نازل شود آن را آسودگی به شمار می‌آورد!

۹۶ «لَا شَكَّ أَنْ الْقِيَمَ الْإِنْسَانِيَّةَ الْعَالِيَةَ تُبْعَدُ الشَّبَابَ عَنْ زُخْرِ الدُّنْيَا وَعَنِ التَّحَلُّلِ!»: (هنر ۸۸)

- ۱ بی‌شک ارزش‌های انسان والا جوانان را از زر و زیورها و بی‌بند و باری دنیا دور می‌سازد!
- ۲ بی‌تردید ارزش‌های والای انسانی جوانان را از زر و زیور دنیا و از بی‌بند و باری دور می‌کند!
- ۳ ارزش‌های عالی انسانی است که جوانان با آن از زر و زیور دنیا و بی‌بند و باری‌های آن دور می‌شوند!
- ۴ ارزش‌های والای انسانی است که توانسته جوانان را از زیبایی‌های ظاهری و بی‌بند و باری‌های دنیا دور کند!

۹۷ «إِنَّ أَرْفَعَ الْعِبَادِ دَرَجَةً مِنْ أَمْتَلًا قَلْبُهُ إِيمَانًا»: (هنر ۸۸)

- ۱ بالاترین مرتبه برای بندگانش آن است که قلبشان را پر از ایمان کنند!
- ۲ بلند مرتبه‌ترین بندگانش کسی است که قلبش پر از ایمان شده باشد!
- ۳ بی‌شک کسی که قلبش پر از ایمان شده باشد از بندگانش بلندمرتبه است!
- ۴ آن‌که قلبش را از ایمان مملو سازد در بالاترین درجه‌ی بندگی قرار گرفته است!

۹۸ «لَقَدْ وَاجَهْتَ هَذِهِ الْمَشْكَالَةَ لَمْ أَكُنْ أَفْكَرُ أَمْدًا فِي أَنِّي قَادِرٌ بِأَنْ أُبْعِدَهَا عَنْ حَيَاتِي مُعْتَمِدًا عَلَى

نَفْسِي!»: (هنر ۸۷)

- ۱ وقتی با این مشکل مواجه شدم هرگز فکر نمی‌کردم بتوانم آن را با اعتماد بر خویشتن از زندگیم دور کنم!
- ۲ همان وقت که این مشکل با من برخورد کرد گمان نمی‌کردم توانایی دور ساختن آن را از زندگی خود داشته باشم!
- ۳ زمانی که این مشکل با من مواجه شد گمان نمی‌کردم بشود آن را با اعتماد بر نفس خویش از زندگی خود دور کنم!
- ۴ آن‌گاه که با این مشکل برخورد کردم هرگز فکر نمی‌کردم که من با اعتماد بر نفس قادر بر دور ساختن آن از زندگی باشم!

۹۹ «إِنَّ تَعَرُّفَنَا عَلَى حَيَاةِ بَعْضِ الشُّعُوبِ عَرَفْنَا أَنَّ الْمَجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ تَعَانِي التَّكَاسُلَ وَالْخُمُولَ!»: (هنر ۸۷)

- ۱ اگر با زندگی بعضی ملت‌ها آشنا شویم درمی‌یابیم که جوامع بشری از سستی و تنبلی رنج می‌برند!
- ۲ اگر زندگانی اقوام مختلف را بشناسیم می‌فهمیم که جوامع بشری از تنبلی و سستی است که رنج می‌برند!
- ۳ چون با زندگی برخی ملل و اقوام آشنا شویم درک خواهیم کرد که سستی و تنبلی جامعه‌های بشری را رنج می‌دهد!

۲ خدا به انسان هرگز اجازه نمی‌دهد که دنیا را به خاطر وصول به جهان آخرت ترک گوید!

۳ خدا به انسان‌ها هرگز اجازه نخواهد داد که برای رسیدن به قیامت از دنیا دست بکشند!

۴ قطعاً خداوند به انسان اجازه نداده است که دنیا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت ترک کند!

۱۰۱ «إِنَّ عِبَادَ اللَّهِ يَتَفَعُونَ مِنْ نِعْمِهِ وَ لَيْسُوا مَحْرُومِينَ عَنِ الطَّيِّبَاتِ!» (هنر ۸۶)

۱ مسلماً عبادت‌کنندگان خدا از نعم الهی سود می‌برند و از پاک‌ی‌ها خود را بی‌بهره نمی‌کنند!

۲ قطعاً عابدان خدا از نعم او نفع برده و از رزق و روزی پاک، خود را محروم نمی‌سازند!

۳ بندگان خدا از نعمت‌های او بهره‌مند می‌شوند و از روزی‌های پاک محروم نیستند!

۴ بندگان خدا از موهبت او بهره‌مندند و از روزی‌های حلال محروم نمی‌شوند!

۱۰۲ «تَجِدُ فِي بَعْضِ الْآثَارِ وَ الرِّسَالِ الْعِلْمِيَّةِ فِي الْعَالَمِ نَفَرَاتٍ كَانَتْ قَدْ طُرِحَتْ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ مِنْ جَانِبِ

العلماء المسلمين» (هنر ۸۵)

۱ ما در برخی آثار و نوشته‌های علمی دنیا به نظراتی برخورد کردیم که اولین بار از سوی دانشمندان مسلمان مطرح شده است.

۲ در بعضی آثار و رساله‌های علمی در جهان نظریه‌هایی درمی‌یابیم که برای اولین بار از جانب دانشمندان مسلمان مطرح شده بود.

۳ در نشانه‌ها و رساله‌های علمی جهان بعضی تئوری‌ها را می‌بینیم که برای بار اول از طرف علمای مسلمین مطرح شد.

۴ در آثار و کتب علمی در دنیا ما به برخی نظریات از سوی علمای مسلمان برای بار اول برخورد می‌کنیم.

۱۰۳ «مَنْ الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا بَعْدَ مَوْتِهِمْ!» (هنر ۸۵)

۱ آیا آن‌ها که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند بعد از وفاتشان شناخته خواهند شد؟

۲ آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و تنها پس از مرگ شناخته می‌شوند چه کسانی هستند؟

۳ از کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند کسانی هستند که شناخته نمی‌شوند مگر بعد از وفاتشان!

۴ از میان کسانی که اموالشان در راه خدا انفاق شد کسانی هستند که جز پس از مرگشان شناخت پیدا نمی‌کنند!

۱۰۴ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِن يَتَمَتَّعَ بِقُدْرَتِهِ الْعَظِيمَةِ إِلَّا فِي مَسَاعِدَةِ الْآخِرِينَ!» (هنر ۸۵)

۱ قطعاً انسان از نیروی عظیمی جز کمک به دیگران، بهره نمی‌برد!

۲ انسان فقط در کمک به دیگران از نیروی عظیم خود بهره‌مند خواهد شد!

۳ انسان مسلماً هنگام کمک به دیگران از نیروهای زیاد خویش بهره خواهد برد!

۴ هرگز انسان جز با کمک دیگران از نیروهای بزرگ خود استفاده نخواهد کرد!

۱۰۵ «أصبحت قائداً للأخريين لأنك ذووب في أعمالك الحسنة»: (هنر ۸۳)

- ۱ تو رهبر دیگران می‌باشی زیرا در کارهای خویش پشتکار خوبی داری.
- ۲ به علت پایداری‌ات در کارهای خوب، تو برای دیگران مانند راهنما گردیده‌ای.
- ۳ تو چون رهبری برای دیگران هستی زیرا در امور خوب مداومت ورزیده‌ای.
- ۴ تو برای دیگران یک رهبر شدی زیرا در کارهای نیک خود با استقامت هستی.

۱۰۶ «قد وَفرت النباتات و الأشجار طعام الإنسان و الحيوان إضافة إلى تلطيف الجو»: (هنر ۸۳)

- ۱ نباتات و درختان غذای آدمی و حیوانات را فراهم ساخته‌اند که این‌کار اضافه بر پاک کردن هواست.
- ۲ گیاهان و درختان غذاهای انسان و جانوران را همراه با لطیف کردن هوا برعهده گرفته‌اند.
- ۳ گیاهان و درختان علاوه بر لطیف کردن هوا، غذای انسان و حیوان را فراهم ساخته‌اند.
- ۴ سبزه‌ها و درختان علاوه بر فراهم آوردن غذای انسان به تلطیف هوا هم کمک می‌کنند.

۱۰۷ «لعلّ المسلمين يجدون المجد و العزة بأيديهم من جديدًا»: (هنر ۸۴)

- ۱ شاید مسلمانان مجد و عزت را دیگر بار با دست خویش احیا کنند!
- ۲ کاش مسلمین بزرگی و عزت را با دست خویش تجدید سازند!
- ۳ چه‌با مسلمانان عظمت و سربلندی خود را مجدداً با دستانشان زنده کنند!
- ۴ امید است که مسلمانان دوباره سربلندی و عزت اسلام را بدست خویش بگیرند!

۱۰۸ «إنّ التمسك بالقيم الإسلامية و الإنسانية فريضة على شياطينا»: (هنر ۸۴)

- ۱ مسلماً توسل جستن به ارزش‌های اسلامی و انسانی بر جوانان ما واجب است!
- ۲ جنگ زدن به ارزش‌های اسلامی و انسانی مان بر دلاوران این سرزمین تکلیف است!
- ۳ پناه بردن به دستاوردهای اسلامی و انسانی مان بر جوانان میهن فرض و واجب است!
- ۴ تمسک جستن به ارزش‌های اسلامی و انسانی قطعاً برای جوانان چون یک فرضیه است!

۱۰۹ «هبط الانسان على سطح القمر و اكتشف بأنه كوكب هامد»: (هنر ۸۳)

- ۱ بشر بر روی ماه فرستاده شد و دریافت که آن ستاره، سرد است.
- ۲ با فرود آمدن بشر بر سطح ماه مشخص شد که ستاره خاموشی است.
- ۳ انسان بر سطح ماه فرود آمد و کشف کرد که آن ستاره خاموشی است.
- ۴ انسان چون روی کره ماه هبوط نمود کشف کرد که این ستاره، بی‌آب و علف است.

۱۱۰ «ناديتُ صديقتي و هي غارقة في أفكارها المضطربة...»: (هنر ۸۳)

- ۱ فکرای پریشانی در ذهنم بود وقتی که دوستم مرا صدا کرد.
- ۲ به دوستم ندا دادم وقتی که او در افکار پریشان خود مشغول شده بود.

۲] کوشش من در درس‌ها رها نشد به‌خاطر آن بر دیگران برتری یافتم و انسان موفقی گردیدم!

۳] کوشش خود را در درس‌ها رها نکردم بنابراین از دیگران سبقت گرفتم و انسانی موفق شدم!

۴] تلاش را در درس‌هایم رها نکردم بدین سبب بر دیگران پیشی گرفتم و انسان موفقی گردیدم!

۱۱۲] «إحذر مما يجزك إلى تبعية الآخرين، لأنها ستسبب لك الأسر والضلal و الذلّة!»: (زبان ۹۷)

۱] برحذر باش از آنچه تو را به دیگران وابسته می‌کند، زیرا اسارت و ضلالت و خواری را برای تو می‌آورد!

۲] مراقب آنچه که تو را به دیگران وابسته می‌کند باش، تا برایت قید و بند اسارت و گمراهی و

مذلت نیاورد!

۳] از آنچه تو را به سمت وابستگی به دیگران سوق می‌دهد برحذر باش، زیرا سبب اسارت و

گمراهی و ذلت تو خواهد شد!

۴] مواظب هر چیزی که تو را به سوی وابستگی دیگران می‌کشانند باش، تا در آینده تو را در قید

اسارت و گمراهی و خواری قرار ندهد!

۱۱۳] «إنّ المعلمين كالأنبياء يستفيدون من كلّ فرصة ليشجعوا الناس على أن يهتموا بمكارم

الأخلاق!»: (زبان ۹۸)

۱] معلمان چون پیامبران از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق

اهتمام ورزند!

۲] آموزگاران و انبیاء از هر فرصتی استفاده می‌کنند که مردم تشویق شوند به مکارم اخلاق اهتمام

بیش‌تری بورزند!

۳] آموزگاران و پیامبران از همه فرصت‌ها استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق

توجه بیش‌تری کنند!

۴] معلمان چون پیغمبران هستند که از همه فرصت‌ها برای تشویق مردم و جلب آن‌ها به مکارم

اخلاق استفاده می‌کنند!

۱۱۴] «من بسمعون كلام الأنبياء الحقّ قليلون؛ اولئك هم الفائزون والمرشدون إلى طريق الحقّ!»: (زبان ۹۹)

۱] آن‌ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند کم می‌باشند؛ و آنان رستگارانند که به طریق

حق راهنمایی شده‌اند!

۲] کسانی که سخن حق انبیاء را می‌شنوند اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان

به راه حق می‌باشند!

۳] آن‌ها که حقیقتاً کلام انبیاء را بشنوند اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و راهنمایان به طریق

حق می‌باشند!

۴] کسانی که سخن حق را از انبیاء بشنوند کم‌اند؛ ولی آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌گران به راه حق‌اند!

۱۱۵ «أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهاد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن!»: (زبان ۹۰)

۱ آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!

۲ وقتی سعی رفقایم را بیشتر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فراگرفت!

۳ آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیشتر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!

۴ وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فراگرفت!

۱۱۶ «إن هناك مفاهيم بسيطة في القرآن ندرتها ولكن لا نقدر أن نصفها!»: (زبان ۹۰)

۱ مفاهیم ساده‌ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می‌باشند ولی قابل وصف نیستند!

۲ در قرآن مفاهیم ساده‌ای وجود دارد که درکش می‌کنیم ولی قادر به توصیفش نیستیم!

۳ ما مفاهیم ساده‌ای را که در قرآن است هرچند درک می‌کنیم ولی قادر نیستیم آن‌ها را وصف کنیم!

۴ قرآن مفاهیمی دارد که هرچند ساده است و قادر به فهم آن هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!

۱۱۷ «الأفضل للطالب أن ينتخب فرعه الجامعي بدقة حتى لا يندم في المستقبل!»: (زبان ۹۰)

۱ دانش‌آموز باید رشته‌ی دانشجویی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!

۲ دانش‌آموز خوب، رشته‌ی دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!

۳ بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته‌ی دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!

۴ برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته‌ی دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

۱۱۸ «لا يمكن الاعتماد على بعض الناس إلا مرة واحدة، لأن الإنسان يبأس منهم في تلك المرة الأولى، فإنهم لا يحسنون عملاً!»: (زبان ۹۰)

۱ به بعضی مردم حتی یک‌بار هم نمی‌شود اعتماد کرد، برای این‌که آن‌ها همان بار اول انسان را ناامید می‌کنند، و در نتیجه هیچ کاری را خوب انجام نمی‌دهند!

۲ به بعضی از مردم فقط یک‌بار می‌شود اعتماد کرد، چون انسان در همان بار اول از آن‌ها ناامید می‌شود، چه آن‌ها هیچ کاری را خوب انجام نمی‌دهند!

۳ برخی مردم اصلاً قابل اعتماد نیستند حتی برای یک‌بار، چون همان دفعه‌ی اول انسان را ناامید می‌کنند، و از عهده‌ی هیچ کاری خوب برنمی‌آیند!

هم ندارد!

۲ کافر روز قیامت را می بیند که کارهای بد او بر ضد وی شاهد هستند، و هیچ راه چاره‌ای برای

او نیست!

۳ انسان کافر روز قیامت را می بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!

۴ کافر روز قیامت می بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، و چاره‌ای هم از آن نیست!

۱۲۰ «لا تسمع لنفسك أن تخدعك و توقعك في طلب مال الدنيا بذريرة ضرورته!» (زبان ۸۹)

۱ نفس تو اجازه ندارد که به وسیله‌ی نیاز به مال تو را فریب داده، تا به راه کسب ثروت دنیا

وارد شوی!

۲ به نفست اجازه مده فریبت دهد و تو را به دنبال طلب مال دنیا بیندازد به بهانه‌ی ضروری بودن

آن!

۳ اجازه مده که نفست به بهانه‌ی ضرورت، تو را به دنبال طلب مال اندک دنیا انداخته، فریب

بدهد!

۴ نیاز به مال را بهانه‌ای برای به دست آوردن مال دنیا قرار مده، تا نفس تو نیز چنین بهانه‌ای

یابد!

۱۲۱ «بعض المواد الغذائية مؤثرة في ازدياد قدرة التعلم بسبب ميزاتها الخاصة» (زبان ۸۹)

۱ بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش به دلیل برجستگی ویژه‌ای که دارند مؤثر می باشند!

۲ برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می شوند!

۳ بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی‌های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می باشند!

۴ برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه‌ی آن مؤثر واقع می شوند!

۱۲۲ «انكسر ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة عند نزول المطر و حدث قوس قزح» (زبان ۸۸)

۱ نور خورشید در قطرات کوچک آب، هنگام باریدن باران شکست و قوس قزح به وجود آمد.

۲ اشعه‌ی افتاب در قطرات کوچکی از آب، وقت نزول باران شکسته شد و قوس قزح را تشکیل داد.

۳ در وقت نزول باران نور افتاب در قطره‌های ریز آب شکسته می شود و رنگین کمان حادث

می گردد.

۴ هنگام بارش باران، نور خورشید در قطره‌های ریزی از آب شکسته می شود و رنگین کمان

تشکیل می گردد.

۱۲۳ «إن الابتعاد عن التبعية و التكاثر کان من أسباب التقدم للشعوب المتقدمة!»: (زبان ۸۶)

- ۱ دوری کردن از تبعیت و تنبلی علت پیشرفت ملت‌های متقدم بوده است!
- ۲ دوری جستن از دنباله‌روی و کاهلی از جمله علل پیشرفت ملل پیشرفته بود!
- ۳ اگر ملل پیشرفته تبعیت و تنبلی را کنار بگذارند به پیشرفت بیستوی نائل خواهند شد!
- ۴ چنانچه ملت‌ها از دنباله‌روی و کاهلی دوری کنند وسیله‌ی پیشرفت و تقدم خود را فراهم می‌سازند!

۱۲۴ «قد أحدثت ظاهرة نزول الأمطار في أيام الربيع منظرًا جميلاً و رائعاً»: (زبان ۸۶)

- ۱ نزول باران‌ها پدیده‌ای در ایام بهار است که صحنه‌ای زیبا و دلپسند پدید می‌آورد!
- ۲ پدیده‌ی بارش باران‌ها در روزهای بهار منظره‌ی جالب و زیبایی را ایجاد کرده‌است!
- ۳ پدیده‌ی بارش باران صحنه‌ی زیبا و دلنشینی در روزهای بهاری ایجاد می‌کند!
- ۴ باریدن باران منظره‌ی جالب و زیبایی را در ایام بهاری بوجود آورده‌است!

۱۲۵ «تقدم العدو في أراضينا و هو يظن أن فشلنا قريب، ولكن شبابنا أثبتوا ضد ذلك!»: (زبان ۸۶)

- ۱ دشمن به گمان این‌که شکست ما ممکن است، در سرزمین ما پیشروی نمود، ولی جوانان ما ضد آن را به ثبوت رساندند!
- ۲ دشمن درحالی در سرزمین ما پیشروی کرد که گمان می‌برد شکست ما نزدیک است، ولی جوانان ما خلاف آن را ثابت کردند!
- ۳ پیشرفت دشمن در سرزمین ما به گمان این بود که شکست‌دادن ما نزدیک است، اما جوانان ما خلاف آن را به اثبات رساندند!
- ۴ پیشرفت دشمن در اراضی ما وقتی بود که گمان کرد ما را شکست خواهد داد، اما جوانان ما توانستند ضد آن را ثابت کنند!

۱۲۶ «قد أتم الله نعمته على بعض الحيوانات بإعطائها قدرة سسمع حادة تساعد في الطيران»: (زبان ۸۵)

- خداوند
- ۱ نعمت خود را بر بعضی حیوانات با اعطای قدرت شنوایی قوی‌ای که آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند، کامل کرده‌است.
 - ۲ نعمت را بر برخی حیوانات کامل کرده‌است و آن بوسیله‌ی اعطای قدرت شنوایی قوی و کمک‌کردن به پرواز آنهاست.
 - ۳ با بخشیدن قدرت شنوایی تیز به بعضی حیوانات نعمت را تمام کرده‌است و این نعمت آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند.

- ۲ محققان به قوانینی درباره زمین دست یافته‌اند از جمله این‌که به آسمان متصل بوده است.
- ۳ دانشمندان به قانون‌هایی رسیده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها اینست که زمین به آسمان متصل می‌باشد.
- ۴ بحث‌کنندگان درباره زمین به تئوری‌های رسیده‌اند که وصل بودن آن به آسمان را ثابت می‌کند.

۱۲۸ «من يبحث عن نماذج مثالية ليجعلها أسوة لنفسه فلن يضل!» (زبان ۱۵)

- ۱ هرکس در پی الگوهایی والا باشد تا آنها را آسوه‌ای برای خویش قرار دهد گمراه نخواهد شد!
- ۲ اگر کسی در جستجوی الگوهایی باشد و آنها را ملاک عمل خود بداند به گمراهی نمی‌افتد!
- ۳ کسی که بدنبال الگوی نمونه باشد تا آن را معیار خود قرار بدهد، هرگز گمراه نمی‌شود!
- ۴ هرگز کسی که در پی مقتدای والایی باشد تا او را الگوی خود کند گمراه نخواهد شد!

۱۲۹ «عندنا دواء يفيد لشفاء أخطر الأمراض و هو الحبر و القلم!» (زبان ۱۵)

- ۱ نزد ما دوايي است که درمان‌کننده بیماری‌های خطرناک‌تر می‌باشد و آن مرکب و قلم است!
- ۲ ما دوايي داریم که برای شفای خطرناک‌ترین بیماری‌ها مفید می‌باشد و آن مرکب و قلم است!
- ۳ ما مجهز به دارویی هستیم که ما را از بدترین مریضی‌ها شفا می‌دهد و آن قلم و دوات می‌باشد!
- ۴ دارویی نزد ماست که برای درمان بیماری‌های خطرناک بسیار مفید است و آن قلم و دوات می‌باشد!

۱۳۰ «نحن بحاجة إلى جناحي العلم و الدين، حتى نقدر على الطيران بهما»:

(زبان ۸۳ و شانزدهمین المپیاد لژی)

- ۱ ما به دو بال علم و دین احتیاج داریم، تا بتوانیم با آن دو پرواز کنیم.
- ۲ احتیاج ما به بال دانش و دین می‌باشد که قادر شویم به پرواز درآییم.
- ۳ ما مانند پرنده محتاج به دو بال هستیم: علم و دین، تا توانایی پرواز را داشته باشیم.
- ۴ مسلماً نیاز ما به دو بال دانش و شریعت می‌باشد تا قدرت خود را در پرواز نشان دهیم.

۱۳۱ «لن ننسى حفلة تكريم الطالبات المجتهدات اللاتي نجحن في المسابقات العلمیة!» (زبان ۸۳)

- ۱ ما جشن سپاسگزاری از دانش‌آموزان موفق در مسابقات علمی را هرگز فراموش نمی‌کنیم!
- ۲ جشن احترام به دانشجویان پرتلاش را که در مسابقه‌های علمی شرکت کرده‌اند از یاد نمی‌بریم!
- ۳ مراسم بزرگداشت محصلان کوشایی که در رقابت‌های علمی پیروز می‌شوند فراموش نکرده‌ایم!
- ۴ جشن بزرگداشت دانش‌آموزان تلاشگر را که در مسابقات علمی برنده شدند فراموش

نخواهیم کرد!

۱۳۲ «مقدمه کتابم پنج صفحه است و چهار سال پیش آخرین صفحه آن را نوشتم!» (ریاضی ۹۱)

۱] هناك خمسة صفحات لمقدمة كتابي و قبل رابع سنين كتبت الصفحة الأخيرة منها!

۲] لكتابي خمس صفحات من المقدمة و كتبت آخر صفحة منه قبل رابع سنوات!

۳] الصفحات الخامسة لمقدمة كتابي و قبل أربع سنوات قد كتبت الصفحة الأخيرة منه!

۴] مقدمة كتابي خمس صفحات و كتبت آخر صفحة منها قبل أربع سنوات!

۱۳۳ «تجربه‌هایی که در طول عمرم کسب کرده‌ام ثابت کرده است که اگر درباره‌ی موضوعی خوب

بیندیشم، به نتیجه‌ی مفیدی می‌رسم!» (ریاضی ۹۰)

۱] قد أثبتت التجارب التي اكتسبتها طول عمري، أنني إن تأملت حول موضوع تأملاً حسناً، وصلت

إلى نتيجة مفيدة!

۲] قد ثبتت التجارب التي تزيتت بها طول عمري، لو تأملت جيداً، لأحصل على نتيجة مفيدة!

۳] لقد أظهرت ما اكتسبته من التجارب في حياتي، لو أفكر حول الموضوع جيداً، لأصل على نتيجة

حسنة!

۴] لقد بينت تجاربي طول حياتي، أنني لأحصل على عاقبة جيدة، لو فكرت أفكاراً جيدة!

۱۳۴ «فقط اگر یک بار به ندای دلت پاسخ دهی، در مسیری قرار می‌گیری که همه چیز را می‌فهمی،

خوب باشد یا بد!» (ریاضی ۹۰)

۱] إذا تستجب صوت النفس مرة واحدة، فأنت الذي وضعت المسير الذي تعرف كل شيء، خيراً

أو شراً!

۲] إن تجيب نداء نفسك مرة واحدة، فإنما تقف في الطريق تدرك كل الأشياء، سواء خيراً أو شراً!

۳] إذا استجبت النداء القلبي مرة، فأنت وقعت في المسير الذي تعلم جميع الأمور، كان خيراً أو شراً!

۴] إن أجبت نداء قلبك مرة واحدة فقط، وقعت في مسير نفهم كل شيء، خيراً كان أو شراً!

۱۳۵ «شما موفقیت را می‌جوئید اما راه آن را طی نمی‌کنید؛ بدانید که این غیرممکن است!»

۱] أنتم تبحثون عن النجاح لكن لا تقطعون طريقه؛ إعلموا أنه غيرممکن!

(ریاضی ۸۹)

۲] أنتم ترجون الفوز و لكن لا تمشون طرقها؛ إعلموا أنها لايمكن أبداً!

۲] أسفاً من أن ينسوا الشهداء، فنحاول أن نحفظ ذكراه و لا ننساها

۳] مؤسفاً من أن الشهيد ينسى، فلنسعى أن لا ننساهم بحفظ ذكراهم!

۴] مع التأسف إن ينسوا الشهداء، فلنحاول أن لا ننساهم مع حفظ ذكراهم!

۱۳۷ «در واقع این دانشمندان مسلمان هستند که پدیده‌ی رنگین‌کمان و علت به‌وجود آمدنش را

(ریاضی ۸۸)

کشف کرده‌اند!»:

۱] الواقعية أن العلماء مسلمين هم الذين يكتشفون ظاهر قوس قزح و سبب إحداثه!

۲] الواقع أن العلماء المسلمين هم الذين قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حدوثها!

۳] الحقيقة أن الحكماء المسلمين هم الذين قد اكتشفت ظاهر قوس قزح و سبب حدوثه!

۴] في الواقع أن العلماء المسلمون هم الذين قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حدوثها!

(ریاضی ۸۷)

۱۳۸ «قلبی که از غیر خدا خالی شد فقط برای او می‌تپد!»:

۱] إنه لا ينبض لله القلب الذي خلا من غير الله!

۲] إنما قلب ما خلا من غير الله لا ينبض إلا لله!

۳] إنما قلب الذي يخلو من غير الله يخفق له!

۴] إن قلباً خلا من غير الله لا يخفق إلا له!

۱۳۹ «او از بزرگ‌ترین شعرای زمان خود بود که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت» (ریاضی ۸۶)

۱] إنه كان من أعظم شعراء عصره ينشد الشعر باللغتين الفارسية و العربية.

۲] هو من كبار الشعراء في زمانه و قد أنشد الشعر باللسانين العربية و الفارسية.

۳] إنه أعظم شاعر في عصره و كان ينشد الأشعار بلغتين الفارسي و العربي.

۴] هو أكبر شعراء زمانه و كان قد أنشد الأشعار بلسانين العربي و الفارسي.

۱۴۰ «استقامت را از قطرات آب بیاموز و بنگر که چگونه در صخره‌ی سخت سوراخی ایجاد می‌کنند!»:

(ریاضی ۸۵)

۱] من قطرة الماء تعلّمی الاستقامة التي كيف أحدثت في صخرة صعبة الثقب!

۲] أعلم الاستقامة من قطرات الماء و شاهد كيف أحدثت في صخرة صعبة ثقباً!

۳] تعلّمت من قطرات الماء الاستقامة التي تشاهد كيف تحدث الثقب في الصخرة الصعبة!

۴] تعلّمي الاستقامة من قطرات الماء و أنظري أنها كيف تحدث ثقباً في الصخرة الصعبة!

(ریاضی ۸۴)

۱۴۱ «هنگامی که خبر پیروزی مسلمانان منتشر شد مردم به رزمندگان تبریک گفتند»:

۱] لما انتشر خبر انتصار المسلمين، هتأ الناس المقاتلين.

۲] إذا ينتشر نبأ نصر المسلمون، الناس هتؤوا المجاهدين.

۳] حينما خبر نجاح المسلمين انتشر، الناس يهنئون المجاهدين.

۴] عندما نشر خبر انتصار المسلمين، يهنئوا الناس المقاتلين.

۱۴۲ «مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطه کره زمین سفر می‌کردند»: (ریاضی ۸۳)

- ۱) كان المسلمون یرحلون إلى أقصى الارض باحثین عن العلوم.
- ۲) كانوا المسلمین یرحلون إلى أقصى الارض یبحثون عن العلوم.
- ۳) المسلمون كان یرسافرون إلى أقصى كرة الارض و هم یبحثون عن العلم.
- ۴) ان المسلمین كانوا یرسافرون إلى أبعد نقاط الارض و هم باحثین عن العلوم.

۱۴۳ «تاکنون دانش آموزی را با همت‌تر از دوستم در یادگرفتن دروس سخت ندیده‌ام»: (طرح از کشور ۹۱)

- ۱) لم أشاهد حتى الآن تلميذة أكثر من صديقتي همّة في تعلّم الدروس الصعبة!
- ۲) لم أزل تلميذ أشدّ من زميلي اهتماماً في دراسة الدروس الصعبة حتى الآن!
- ۳) ما شاهدت التلميذ أشدّ همّة من صديقي في قراءة الدروس الصعبة إلى الآن!
- ۴) ما رأيت إلى الآن التلميذة أكثر من زميلتي اهتماماً في دراسة الدروس الصعبة!

۱۴۴ «تمام آنچه تا به حال از زندگی فهمیده‌ام این است که هیچ چیز نمی‌دانم!»: (طرح از کشور ۹۰)

- ۱) كل ما قد فهمته من الحياة حتى الآن، هو أنني لأدري شيئاً!
- ۲) ما فهمته كلّه من العيش إلى الآن، هو هذا أنني لا أعلم شيئاً!
- ۳) جميع ما أنا علمت من حياتي إلى هذه اللحظة فقط أنني لست أدري أمراً!
- ۴) كلّما أخذت أفهمه من عيشي حتى عمري هذا، أدري أنني لا علم لي أبداً!

۱۴۵ «دانشمندان ما در طول حیات پربار خویش رنج و زحمت بسیاری را تحمّل کرده‌اند!»:

- ۱) إنّ علماءنا كانوا قد تحمّلوا الكدح و النصب الكثير أثناء حياتهم المفيدة! (طرح از کشور ۸۹)
- ۲) كان علماءنا تحمّلوا النصب و التعب كثيراً في طول حياتهم النافعة!
- ۳) علماءنا كانوا يتحمّلون الأسى و التعب الكثير أثناء حياتهم المشمرة!
- ۴) قد تحمّل علماءنا الكدح و التعب الكثير طول حياتهم المشمرة!

۱۴۶ «در صفحه‌ی هشتم این کتاب سه خطا وجود داشت، دو تا از آنها را اصلاح کردم و یک خطا

باقی ماند!»:

- ۱) كان في ثماني صفحات من هذا الكتاب ثلاثة خطأ، صحّحت خطأين و بقي أحدها!
- ۲) كان في ثماني صفحة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأين منهم و بقي أحدهم!
- ۳) كان في صفحة ثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأين اثنين منها و بقي خطأ!
- ۴) كان في الصفحة الثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأين منها و بقي خطأ واحدا!

۱۴۷ «ما در تربیت کردن اطفال خود نباید از فرهنگ غنی خویش غفلت بورزیم!»: (طرح از کشور ۸۷)

- ۱) علينا أن لا نغفل عن ثقافتنا الغنيّة في تربية أطفالنا!
- ۲) يجب أن لا نغفل في تربية الأطفال عن ثقافتنا و هي غنيّة!

۲) اكنت تعلمين ان كل شعاع ضوئي يتكوّن من سبعة ألوان جميلة؟

۳) أنت تعلم أن كل شعاع ضوء من سبعة ألوان الجميلة يتشكل؟

۴) هل أنت تعلمي أن شعاع الضوء من الألوان السابعة الجميلة يتكوّن؟!

(مخرج از کشور ۸۶)

۱۴۹ «ای دانش آموزان، علم را برای دستیابی به مقامات دنیوی مجوید!»:

۱) أيها التلاميذ، لا تطلبون العلوم لوصول مراتب دنيوية!

۲) يا تلميذات، لا تريدوا العلم لحصول على المنصب الدنيوي!

۳) أيها الطلاب، لا تطلبوا العلم للوصول إلى المناصب الدنيوية!

۴) يا طالبات، لا تبحنوا عن العلوم للحصول على المقام الدنيوي!

۱۵۰

«انسان برای رسیدن به هدف‌های خویش باید تلاش مورچه‌ی کوچک را مورد توجه قرار دهد!»:

(مخرج از کشور ۸۵)

۱) ليجعل الإنسان جهد التملة الصغيرة نصب أعينه للوصول إلى أهدافه!

۲) على الإنسان جعل جهده تلك التملة الصغيرة أمام أعينه للذهاب إلى أهدافه!

۳) يجب على الإنسان أن تجعل جهد هذه التملة الصغيرة أمام أعينه للوصول إلى هدفه!

۴) يلزم على الإنسان أن يجعل جهد تلك التملة الصغيرة نصب أعينه للوصول إلى هدفه!

۱۵۱

«توانایی انسان موفق در شکار لحظه‌هاست؛ چه، فرصت‌های دست‌نیافتنی برای همه مردم

(تجربی ۹۱)

پیش می‌آید!» عین الصحیح:

۱) تحصل الفرص النادرة لكلّ الناس و لكنّ الناجح من يقتنصها!

۲) تأتي الفرص الثمينة لجميع الناس، و لكن لا يستفيد منها إلا الناجح!

۳) مهارة الإنسان الناجح في صيد اللحظات، فالفرص النادرة تحدث لجميع الناس!

۴) قدرة الإنسان الناجح هو أن تصيد اللحظات، و إلا الفرص الثمينة تحدث لكلّ إنسان!

۱۵۲

«در آغاز به نظرت می‌رسد که راه سختی پیش روی تو است، ولی وقتی آن را طی کردی

(تجربی ۹۰)

می‌فهمی که آن راه سخت را سریع بیموده‌ای!»:

۱) في الأول ترى أمامك طريقاً صعباً، و عندما تجاوزت عنه تفهم أنّك قطعت الطريق الصعب بسرعة!

۲) في البدء بدا لك أنّك تواجه طريقاً صعباً، و لمّا تجاوزت ذلك الطريق بصعوبة فهمت أنّك قد

قضيته مسرعاً!

۳) في البداية يبدو لك أنّ أمامك طريقاً صعباً، و لكنّك لمّا قطعته تفهم أنّك قد عبرت ذلك

الطريق الصعب سريعاً!

۴) في ابتداء الأعمال تواجه طريقاً صعباً في ظلّك، فتجاوز عنه، و في النهاية تفهم أنّك عبرت

ذلك الطريق سريعاً!

۱۵۳ «آيا تاکنون به اين مسأله فکر کرده‌ای که رنگ زيبای اتاق تو سبب آرامش انسان می‌شود».

- ۱) أ تفكر إلى هذه المسألة أن اللون الجميل لغرفتک يسبب السكون للإنسان! (تبریزی ۹۰)
- ۲) هل كنت تفكر إلى هذه المسألة أن لون غرفتك الجميل هو يسبب الهدوء للفرد!
- ۳) هل فكرت إلى الآن لهذه المسألة أن لون غرفتك الجميلة هو يسبب السكون للفرد!
- ۴) هل فكرت إلى الآن عن هذه المسألة بأن لون غرفتك الجميل يسبب السكينة للإنسان!

۱۵۴ «در صفحه‌ی ششم از درس نهم پنج کلمه آمده که دوتای آن‌ها مفهومی ندارند». (تبریزی ۸۹)

- ۱) جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات، كلمتان منها بدون مفهوم!
- ۲) كتبت في الصفحة سادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان اثنتان منه غير مفهوم!
- ۳) ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!
- ۴) ورد في ستة صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، اثنتان منها غير مفهوم!

۱۵۵ «دوستانم به من گفتند آن‌ها عادت کرده‌اند که درس‌هایشان را شب امتحان چند بار مطالعه

کنند». عین الصحیح:

- ۱) قال الأصدقاء لي أنتم من عادتكم أن تطالعوا دروسكم يوم الامتحانات بمرات!
- ۲) قالت لي صديقتي إنهن تعودن أن يطالغن دروسهن كم مرة في ليلة الامتحان!
- ۳) قال الأصدقاوي لي هم قد تعودوا لتطالعوا دروسهم دفعات متعددة في ليلة الامتحان!
- ۴) قالت صديقتي لي هنّ تتعودن للمطالعة في دروسهنّ ليلة الامتحانات بضع مرات!

۱۵۶ «ساعت چهار روز پنجم ماه دو دوستم به خانهای ما آمدند»:

- ۱) جاء صديقاوي إلى بيتنا في ساعة الأربع من يوم الخمسة في الشهر.
- ۲) جاء صديقان إثنان إلى دارنا في يوم خامس من الشهر في ساعة الرابعة.
- ۳) جاءت صديقتاوي إلى بيتنا في اليوم الخامس من الشهر في الساعة الرابعة.
- ۴) جاءت صديقتان اثنتان إلى دارنا في الساعة رابعة من يوم الخمسة في الشهر.

۱۵۷ «کارهای ما برای خدای تعالی همگی سبب نزدیکی به او می‌شود، اما نماز از همه بهتر است»:

- ۱) أعمالنا لله تعالی کلها تسبب التقرب إليه، ولكن الصلاة أفضلها! (تبریزی ۸۷)
- ۲) إن كل أعمالنا لله تعالی سبب التقرب إليه، أما أفضل منها الصلاة!
- ۳) أعمالنا التي نعملها لله تعالی کلها لتقرب الله، أما الصلاة أفضل منها!
- ۴) لنا أعمال نعملها لله تعالی تسبب التقرب إلى الله، لكن أفضلها الصلاة!

۱۵۸ «سبب پیشرفت علمی مسلمانان در زمینه‌های تفکر و اکتشاف، تکریم اسلام از دانش و دانشمندان

بود»:

- ۱) العامل لتقدم المسلمين العلمية في ساحة الفكر و الاكتشاف كان هو أن يكرم الإسلام العلم و العالم!
- ۲) إن الباعث على تقدم علمي المسلمين في مجالين الفكر و الاكتشاف، هو إكرام الإسلام العلماء و العلم!

۲ رسول الله كان دائماً يحبّ الأطفال و يلقي إليهم فرحاً و مبسّمين!

۳ إنّ رسول الله يحبّ كثيراً الأطفال و لقيهم فرحين و ضاحكين!

۴ كان رسول الله يحبّ الأطفال حبّاً و يلقاهاهم فرحاً و مبسّماتاً

(تبرہیں ۸۳)

۱۶۰ «والدين تجارب ارزشمندي را در زندگي خویش جمع آوری کرده‌اند»:

۱ الوالدان قد جمعا تجارب قيّمة في حياتهما.

۲ الوالدين اجتمعوا تجربة ثمينة في الحياة الدنيا.

۳ كان الوالدان قد جمعا تجارب ثمينة طول الحياة.

۴ إنّ الوالدين اکتسبوا تجارب سامية طول حياتهم القيّمة.

۱۶۱ «مؤمنان از سلطه‌ی ستمگران ناامید نمی‌شوند زیرا می‌دانند سرانجام حق پیروز است»:

(تبرہیں ۸۴)

۱ لن تياس المؤمنات من سيطرة الظالم لأنهن يعرفن الحق غالباً أخيراً

۲ المؤمنون لا يياسون من غلبة الظلمة عليهم و يعرفون الحق هو الغالب أخيراً

۳ إنّ المؤمنات لم يياسن من تسلط الكفار و يدركون بأنّ الحق هو الباقي في النهاية!

۴ لا يياس المؤمنون من سيطرة الظالمين لأنهم يعلمون أنّ الحق هو المنتصر في النهاية!

۱۶۲ «او تاکنون دوازده کتاب چاپ کرده است، کتاب پنجم او را در کتابخانه دیدم و برای مدت هفت

(انسانی ۹۱)

روز به امانت گرفتیم!». عین الصحیح:

۱ كانت طُبعت إثننا عشرة كتب منه حتّى الآن، شاهدت الكتاب الخامس منه في المكتبة و

استعرتہ لمدة سبع أيام!

۲ كان قد طبع اثنا عشر كتاباً حتّى الآن، أنشاهد خمسة كتب منه في المكتبة و استعرتها لمدة

اليوم السابع!

۳ إنها طُبعت اثنتي عشرة كتب حتّى الآن، رأيت الكتاب الخامس في المكتبة و استعرتها لمدة

سبعة أياماً!

۴ إنه قد طبع اثني عشر كتاباً حتّى الآن، شاهدت كتابه الخامس في المكتبة و استعرتہ لمدة

سبعة أياماً!

(انسانی ۹۰)

۱۶۳ «فقط انسان ضعیف به ناامیدی اجازه می‌دهد که در قلبش نفوذ کند!»:

۱ إنّما الضعیف يسمح للقلب أن يتسرّب فيه اليأس!

۲ لا يسمح الضعیف لليأس أن لا يتسرّب في قلبه!

۳ إنّما يسمح الضعیف لليأس أن يتسرّب إلى قلبه!

۴ لا يآذن اليأس أن يتسرّب في القلب إلا الضعیف!

۱۶۴ «خدایا آتش را بر چهره‌های بندگانی که برای عظمت تو سجده‌کنان بر زمین افتاده‌اند، مسلط

مکن!» عین الصحیح: (انسانی ۸۹)

۱ اللهم! لم تسلط النار على وجه عباد سقطوا على الأرض لجلالتك ساجدين!

۲ ربنا! لن تتغلب النار على وجه عباد وقعوا على الأرض لجلالتك ساجدة!

۳ رب! لا تُسيطر النار على وجوه العباد التي خشعت لعظمتك ساجدة!

۴ إلهي! لا تسيطر النار على وجوه العباد الذين خرّوا لعظمتك ساجدين!

۱۶۵ «در گذشته ادبای ما افتخار می‌کردند که از زبان قرآن برای نوشتن آثار خود استفاده

می‌کنند!»:

(انسانی ۸۶)

۱ في القديم أديبونا كان يفتخرون بأنهم من اللّغة القرآنية يستفيدون لكتابة آثارهم!

۲ كان أديبونا في الماضي يفتخرون بأنهم يستفيدون من لغة القرآن لكتابة آثارهم!

۳ أديباتنا كانت يفتخرن بالاستفادة من اللّغة القرآن لكتابة آثارهنّ في الماضي!

۴ أهل أديبنا كان يفتخر بأنهم سيستفيدون من لغة قرآن لكتابة آثارهم في القديم!

۱۶۶ «اسلام، انسان را در پیروی کردن از راه هدایت و یا گمراهی اختیار داده‌است»:

(انسانی ۸۵)

۱ الإسلام قد يخيّر الإنسان في تبعيّة سبيل الهداية أو الضلال.

۲ قد اختار الإسلام الإنسان في تبعه طريق الحقّ أو الضلالة.

۳ إنّ الإسلام قد خيّر الإنسان في أتباع طريق الهدى أو الضلالة.

۴ كان الإسلام مختيراً الإنسان في أتباعه سبل الرشاد أو الضلال.

۱۶۷ «اسلام، زمینه رشد و فعالیت سالم را برای همه فراهم آورده‌است»:

(انسانی ۸۳)

۱ يوفّر الإسلام لكلّ مجال الحركة و الاجتهاد الصحيحين!

۲ الإسلام وفّرت ساحة النموّ و الفعاليّة السالمتين للجميع!

۳ قد وفّر الإسلام مجال التّرشّد و النشاط السالمتين للجميع!

۴ كان الإسلام قد وفّر لكلّ ساحة الجهد و النموّ الصحيحين!

۱۶۸ «این معجزه قرآن است که تا روز قیامت در هر زمان و برای هر امتی جدید و تازه است!».

عین الصحیح: (عتر ۹۱)

۱ هذه معجزة قرآنيّة أنّ القرآن إلى اليوم القيامة حديث في كلّ زمان و طري لكلّ قوم!

۲ هذه المعجزة قرآنيّة كأنّ هو حتّى القيامة حديث و طري لكلّ زمن و لكلّ قوم!

۱] إذا أقدمت لحلّ المشكلات بنفسك متوكلاً على إلهك، بلا شكّ ستفتح العقد المعقّدة منها!

۲] إن بادرت بحلّ المشكلات لنفسك بالتوكّل على ربّك، تفتح عقدها المعقّدة بلاريب!

۳] لما تُقدم لحلّ مشاكل نفسك بتوكّل على إلهك، بلاريب تفتح عقدها المعقّدة منها!

۴] لو تبادل بحلّ مشاكلك متوكلاً على ربّك، ستفتح عقدها المعقّدة بلاشك!

۱۷۰ «بر ماست که دانشمندان را به عنوان مشعل هدایت انتخاب کنیم تا ما را به راه حق راهنمایی

(هنر ۸۹)

کنند»:

۱] يجب علينا أن ننتخب علماءنا سراج الهدى لإرشادنا إلى سبيل الحق!

۲] علينا أن نتخذ العلماء كمشعل الهداية حتى يرشدونا إلى طريق الحق!

۳] الواجب علينا اختيار علماء كمصباح للهدى ليدلّنا إلى الصراط الحقيقة!

۴] يلزم علينا لكي نتخذ فضلاءنا مشعلاً للهداية حتى يهدونا طرق الحقيقة!

۱۷۱ «روز پنجم از این ماه جشنی برپا می‌شود که دوازده دانش‌آموز از کلاس دوم در آن شرکت

(هنر ۸۸)

خواهند کرد»:

۱] تنعقد في اليوم الخامس من هذا الشهر حفلة سيشارك فيها اثنا عشر تلميذاً من الصفّ الثاني

۲] في اليوم الخامس من الشهر الحالي انعقدت حفلة سيشترك فيه اثنا عشرة تلميذة الصفّ الثاني

۳] في الخامس من أيام الشهر الحالي ستنعقد حفلة قد اشترك فيها الثاني عشر من تلاميذ صفّ الثاني

۴] ستنعقد حفلة في اليوم الخامس من هذا الشهر و تشارك فيه اثنتا عشرة من تلميذات صفّ الثاني

(هنر ۸۷)

۱۷۲ «بدن انسان برای هزاران سال کار و فعالیت خلق شده است»:

۱] إنّ جسم الإنسان قد خلق للسعي و العمل لآلاف من السنين!

۲] قد خلق البدن الإنسان للسعي و العمل طول الآلاف من السنين!

۳] إنّ بدن الإنسان كانت قد خلقت لآلاف السنة للسعي و العمل!

۴] بدن الإنسان كان قد خلق لآلاف السنة في السعي و العمل!

۱۷۳ «هرکس بکوشد برای خود می‌کوشد، چه خداوند از کوشش او بی‌نیاز است!» عین الخطأ: من.....

(هنر ۸۷)

۱] تجتهد فلنفسها تجتهد فإنّ الله مستغني عن اجتهادها!

۲] سعي فلنفسه سعي فإنّ الله مستغني عن سعيه!

۳] سعت فلنفسه يسعي لأنّ الله غني عن سعيها!

۴] جهد فلنفسه جهد، لأنّ الله غني عن جهده!

۱۷۴ «زبان عربی کلید گنج فرهنگ اسلامی است. هرکس آن را یاد بگیرد، می یابدش!» اللّغة

(هنر ۸۶)

العربیة

۱] هو المفتاح لكنز ثقافة الإسلامی كل من علمه يجدها

۲] هي مفتاح لكنز الثقافة الإسلامية من يتعلمه يجدها!

۳] مفتاح الكنز لثقافة الإسلامی من علمها وجدها!

۴] مفتاح كنز الثقافة الإسلامية من تعلمها وجدها!

(هنر ۸۳)

۱۷۵ «كاش انسان به دو بال علم و دین مجهز شود!»:

۱] لعنني إنسان مجهز بجناحي العلم و الدين!

۲] ليت الانسان يُجهز بجناحي العلم و الدين!

۳] لعلّ الانسان يجهز بجناحان انان، العلم و الدين!

۴] لينني إنسان يجهز بجناحين اثنين هو العلم و الدين!

۱۷۶ «دانشمندان جهان قرن های متمادی از تألیفات اسلامی استفاده می کردند» عین الصحیح:

(هنر ۸۳)

۱] استفادة العلماء في العالم من التألیفات الاسلامیة كانت مدى العصور.

۲] كان قد استفاد العالمون في العالم من مؤلفات الاسلامی قروناً متمادیة.

۳] كان يستفيد علماء العالم من مؤلفات الاسلامیة عصوراً متوالیة.

۴] كان علماء العالم يستفيدون من المؤلفات الاسلامیة قروناً متمادیة.

۱۷۷ «او حقیقتاً کودکان را دوست می داشت، و پیوسته با آنان با لبخند و مهربانی برخورد می کرد!».

(زبان ۹)

عین الصحیح:

۱] كان حقاً يحبّ الأطفال حباً و يواجههم دائماً مبتسمين و حنونين!

۲] إنه دائماً يحبّ الصغار و يشاهدهم حقيقةً ضاحكين و حنونين!

۳] إنه يحبّ الصغار حقيقةً و يزورهم ضاحكاً و حنوناً دائماً!

۴] كان يحبّ الأطفال حقاً و يلقاهم مبتسماً و حنوناً دائماً!

۱۷۸ «نویسنده در چاپ سوم این کتاب، موضوع جدیدی بر فصل دوم آن اضافه کرده است!» عین

(زبان ۹۰)

الصحيح:

۱] قد أضاف الكاتب في الطبع الثالث من هذا الكتاب موضوعاً جديداً إلى الفصل الثاني منه!

۲] قد يزيد الكاتب في طبع هذا الكتاب الثالث موضوعاً جديداً في الفصل الثاني من ذلك!

۲) سادس طالبات كانوا حاضرات في الساعة صباحاً في المدرسة!

۳) كان طلاب سادس حاضرون الساعة السابعة صباحاً في المدرسة!

۴) كانت ست تلميذات حاضرات في المدرسة في الساعة السابعة صباحاً

۱۸۰ «همه‌ی نعمتها و سنت‌های الهی به خاطر انسان و برای رسیدن او به هدفی والا خلق شده!»

(زبان ۸۷)

۱) خَلَقَ النِّعَمَ و السَّننَ الإلهیةَ للإنسان و اتَّصَّله إلى المطلوب العالی!

۲) كَلَّ النِّعَمَ و السَّننَ الإلهیةَ خُلِّقت لكلِّ الإنسان و وصوله بغایته العالیة!

۳) خُلِّقَ النِّعَمَ و السَّننَ الإلهیةَ لكلِّ الإنسان و لانتصال إلى مطلوبه المتعالی!

۴) كَلَّ النِّعَمَ و السَّننَ الإلهیةَ قد خُلِّقت للإنسان و لوصوله إلى غایة متعالیة!

۱۸۱ «برتری قرآن بر دیگر کلام‌ها چون برتری خداوند بر مخلوقاتش است!» عین الصحیح: (زبان ۸۷)

۱) فضل القرآن على سائر الكلام كفضل الله على خلقه!

۲) الفضل القرآن على سائر الكلام كفضل الله على العالمين!

۳) ترجیح القرآن على كلام الآخر كرجحان الله على كلِّ العالم!

۴) ترجیح القرآن على كلام الآخرين مثل رجحان الله على المخلوقات!

۱۸۲ «ما همیشه باید به دنبال گوهای والائی باشیم، تا آن‌ها را چراغی برای رشد و کمال نسل‌ها

(زبان ۸۶)

قرار دهیم!»

۱) لنبحث نحن عن نماذج أعلى أبدأ كي نجعلها المصباح للإرشاد و لكمال أجيال!

۲) يجب علينا أن نبحث عن أسوة حسنة أبدأ، أن نجعله مشعلاً لرشد و لكمال أجيال!

۳) لنكن باحثين عن نموذج أفضل دائماً، حتى جعلناه سراجاً لرشد الأجيال و كمالهم!

۴) علينا أن نكون باحثين عن نماذج مثالیة دائماً، لنجعلها سراجاً لرشد الأجيال و كمالهم!

۱۸۳ «کتاب‌هایی که مسلمانان تألیف کرده‌اند در همه زمینه‌های علمی و فکری است» عین الصحیح:

(زبان ۸۵)

۱) إنَّ المسلمین قد آلف کتباً یكون فی جمیع المجالات العلمیة و الفکریة.

۲) قد آلف المسلمین الکتب أني یكون فی کلِّ المجالات الفکریة و العلمیة.

۳) الکتب التي قد آلفها المسلمون إنها فی جمیع المجالات العلمیة و الفکریة.

۴) إنَّ کتب التي قد آلف المسلمون کان فی کلِّ المجالات الفکریة و العلمیة.

۱۸۴ «فقط انسان است که می‌تواند از نیروی تعقل و تفکر استفاده کند.» عین الخطأ: (زبان ۸۵)

۱) لا یقدر أن یتمتَّع بقوَّة التعقل و التفکر إلاَّ الانسان!

۲) إنما الإنسان یقدر أن یتمتَّع بقدره التعقل و التفکر!

۳) هذا هو إنسان الذي ینتفع فقط من القوَّة العقل و الفکر!

۴) الإنسان فقط، یتستطیع أن یتستفید من قدره العقل و الفکر!

تست‌های چهار تایی‌ها

۱۸۵ عین الخطأ:

(ریاضی ۹۱)

۱] حين كان المدير يعلّق الوسام على عنق التلميذ المثالي قال له: لم يشاهد في المدرسة من يشبهك! مدير هنگامی که نشان را بر گردن دانش آموز موفق آویزان می‌کرد به او گفت: کسی مانند تو در مدرسه دیده نخواهد شد!

۲] لأجعل ذلك الشهيد أسوة لنفسي لأنه كان قد تحمّل المصاعب و أصبح عالماً كبيراً! باید آن شهید را الگویی برای خود قرار دهم زیرا او سختی‌ها را تحمل کرده و دانشمند بزرگی شده بود!

۳] لا أتذكّر أنّي قد واجهت حقائق حياتي المرّة بنشأؤم و قلق و يأس! به‌خاطر نمی‌آورم که با حقایق تلخ زندگی‌ام با بدبینی و اضطراب و نومیدی مواجه شده باشم!

۴] لاتعاشري التي تكذب من أجل زخارف الدنيا أبداً! هرگز با کسی که به‌خاطر زر و زیورهای دنیا دروغ می‌گوید معاشرت مکن!

۱۸۶ عین الخطأ:

(ریاضی ۹۷)

۱] در دشمنی با دشمنان نه افراط کن و نه تفریط! لا تُفرط و لا تُفرط في العداوة مع الأعداء!

۲] صبور پیروزی را با صبر به‌دست می‌آورد! يحصل الصبور على الظفر بالصبرا

۳] کسی که نصیحت را به تو هدیه کند، آن را بپذیر! اقبل كلّ نصيحة أهداها إليك!

۴] خیر و نیکی را جز با خوبی جواب مده! لاتردّ الخير إلا بالخيرا!

۱۸۷ عین الخطأ:

(ریاضی ۹۰)

۱] و قد نسيّت أنّ عليّ أن لا أخاف إلا ربّي البصير! و فراموش کرده بودم که باید فقط از پروردگار بترسم!

۲] و أخاف أنّه يظهر يوماً! و می‌ترسیدم که روزی آشکار شود،

۳] و یزبل حرمتي عند أهلي و أصدقائي! و آبرو و احترامم را نزد خانواده و دوستانم از بین ببرد،

۴] كنت أبتعد عن الكذب دائماً! همیشه از دروغ دوری کرده بودم،

۱۸۸ عین الخطأ:

(ریاضی ۹۰)

۱] و بهذه الآيات العلمیة تطمئنّ قلوبهم تماماً! و با این آیات علمی قلب‌هایشان کاملاً اطمینان می‌یابد!

۲] و القرآن يتخذ أسلوباً خاصاً لدعوة هؤلاء الناس! و قرآن برای دعوت این مردم روش خاصی به‌کار می‌گیرد،

۳] هذا الأسلوب يتكئ على البراهین و الأدلّة العلمیة! این روش بر برهان‌ها و دلایل علمی تکیه دارد،

نعمتش شکرگزار هستند،

۲] و إِنَّ عِبَادَتَهُمْ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَاتِ، وَ عِبَادَاتُ أَنْهَاءِ، مِثْلُ أَرْزَاقَانَسْتِ كِه عِبَادَتِ

برتر شناخته می‌شود،

۳] يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَ يَحْتَوِنَهُ، لِأَنَّ حَبَّ اللَّهِ أَمْرَ فِطْرِي لِلْعِبَادَةِ؛ خِذَا رَا عِبَادَتِ مِي كِنِنْدِ چُون بِنْدِگَانِ

فطرتاً او را دوست دارند،

۴] فَعَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَتَحَرَّرَ مِنْ كُلِّ عِبُودِيَّةٍ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى؛ پَسِ اِنْسَانِ بَايْدِ اَز هَرِ عِبُودِيَّتِي جِزِ بَرَايِ

اللَّهِ تَعَالَى اَرْزَادِ شُودِ!

۱۹۰ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(ریاضی ۸۹)

۱] هل تعلم كيف يكون تأثير التلفزيون على سلوك الأطفال؟ آیا می‌دانی تأثیر تلویزیون بر رفتار

کودکان چگونه می‌باشد؟

۲] لتراقب الأسرة أطفالها في زمن جلوسهم أمام التلفزيون،: خانواده کودکان را در زمان نشستن

آن‌ها مقابل تلویزیون مراقبت می‌کنند،

۳] لِأَنَّ الْوَقْتَ الَّذِي يَقْضِيهِ الْأَطْفَالُ أَمَامَ التِّلْفِزْيُونِ كَثِيرٌ جَدًّا؛ قِطْعاً كُودْكَانِ وَاقْتِ زِيَادِي رَا دَرِ مَقَابِلِ

تلویزیون می‌گذرانند،

۴] فَذَلِكَ الْوَقْتُ يَعَادِلُ عِدَدَ السَّاعَاتِ الَّتِي يَقْضُونَهَا فِي الْمَدْرَسَةِ؛ أَنْ وَاقْتِ مِثْلِ سَاعَاتِ هَائِي اسْتِ

که کودکان آن را در مدرسه می‌گذرانند!

۱۹۱ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(ریاضی ۸۷)

۱] سَاعِدِ مَطَرِ لَيْلَةَ أَمْسٍ عَلَى تَنْقِيَةِ الْهَوَاءِ؛ بَارَانِ دِيرُوزِ بِهِ لَطِيفِ شَدْنِ هَوَا كَمَكِ كَرْدِ!

۲] يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَشْرِبَ اللَّبْنَ لِسَلَامَةِ جِسْمِنَا؛ نُوْشِيدَنْ شِيرِ بَرَايِ سَلَامَتِي بَدَنِ ضَرُورَتِ دَارْدِ!

۳] لَيْتَ الْمَتْلُونِ كَانَتْ سَرِيرَتُهُ وَ عِلَانِيَتُهُ لَنَا وَاحِدَةً؛ كَاشِ اَدَمِ دُورُو ظَاهِرِ وَ بَاطِنِشِ يَكِي بَاشْدِ!

۴] بَاسْتِشْهَادِهِ رَدَّدْتُ عَنْ صَمِيمِ قَلْبِي مَرْحَباً بِكَ؛ بَا شَهِيدِ شَدْنِشِ اَزِ اَعْمَاقِ دَلَمِ تَكَرَّارِ كَرْدَمِ دِرُودِ

بر تو باد!

۱۹۲ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(ریاضی ۸۷)

۱] فِي مَدْرَسَتِنَا تَخْتَصُّ الْحِصَّةُ الرَّابِعَةُ بِتَعْلِيمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؛ دَرِ مَدْرَسَهِي مَا چِهَارِ زَنْگِ بِهِ اَمُوزِشِ

زبان عربی اختصاص یافته‌است.

۲] فَازِ تَلْمِيزَانِ اِثْنَانِ مِنْ بَيْنِ سِتَّةِ طُلَّابٍ فِي مَسَابِقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ؛ اَزِ مِيَانِ شَشِشِ دَانِشِ اَمُوزِ

شرکت‌کننده در مسابقه‌ی حفظ قرآن دومی نفر برنده شد.

۳] دُعِيْتُ لِلْحَضُورِ فِي حَفْلَةِ عَظِيمَةٍ سَتَنْعَقِدُ فِي مَدْرَسَتِنَا بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ؛ بَرَايِ حَضُورِ دَرِ جِشْنِ

بزرگی که سه‌روز دیگر در مدرسه‌مان برگزار خواهد شد دعوت‌شدم.

۴] كَانِ تِسْعَةَ طُلَّابٍ يَنْتَظِرُونَ فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ صِيَاْحاً زِيَارَةَ أَحَدِ أَصْدِقَائِي؛ هَفْتِ دَانِشِ اَمُوزِ دَرِ

ساعت هشت صبح منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند.

۱۹۳ عین الخطأ:

(ریاضی ۱۸۶)

- ۱] تعرّفت علی من هو أرفع مقاماً في بلادنا؛ با کسی که از نظر مقام در کشور ما بالاتر است آشنا شدم.
- ۲] إنه يجدّ جدّاً للوصول إلى التّجّاح في الحياة؛ او برای رسیدن به موفقیت در زندگی بسیار تلاش می‌کند.
- ۳] كالبطل الذي يضحي بنفسه لكرامة شعبه؛ مانند پهلوانی که برای کرامت ملت‌ها فداکاری کرده‌است.
- ۴] فلن ينسأه الناس و يتخذونه أسوة لهم؛ پس مردم او را فراموش نخواهند کرد و او را الگویی برای خود قرار می‌دهند!

۱۹۴ عین الصحيح:

(ریاضی ۱۸۵)

- ۱] لا تُشغلي بالك بالموضوعات و المباحث غير المهمة؛ ذهنت را به موضوعات و مباحث بدون اهمیت مشغول مدار!
- ۲] علينا أن نتعوّد على الأعمال الحسنة و نعملها دائماً؛ ما باید پیوسته به انجام کارهای نیک و حسنه بازگردیم!
- ۳] لا تستشير في أمورك المهمة إلا العالم؛ در امور مهم خویش فقط با دانا و عالم مشورت مکن!
- ۴] من أين أعرف ماذا قصدك؛ از کجا بدانم که منظور تو چه خواهد بود!

۱۹۵ عین الصحيح:

(فارج از کشور ۹۱)

- ۱] من يصل لا يخف من غير الله؛ اگر نماز می‌خواند از کسی غیر از خدا نترسیده بود!
- ۲] من يدرك حقيقة الصلاة يصل؛ اگر حقیقت نماز را یافته بود قطعاً نماز را به جا می‌آورد!
- ۳] ما مَرَّ بقلبك من خير أو شرٍّ، جرى على لسانك؛ هر چه از خیر و شر بر قلبت گذشته بود، بر زبانت جاری می‌شود!
- ۴] ما ترجو أن تحصل عليه تجده، إن شاء الله؛ آن چه را امیدوار هستی که آن را به دست بیاوری، اگر خدا بخواهد می‌یابی!

۱۹۶ عین الخطأ:

(فارج از کشور ۹۱)

- ۱] در روز عید بین خود و دوستم میثاق برادری بستم؛ في يوم العيد عقدت بيني و بين صديقي میثاق الأخوة!
- ۲] در خانواده ما کسی مثل برادران شهیدمان دیده نشده است؛ لم يشاهد في أسرنا أحد مثل إخواننا الشهداء!
- ۳] بعد از آماده کردن غذا خواهرم به من گفت: قدری از این غذا بچش؛ بعد تهيئة هذا الطعام قالت الأخت لي: ذوّق مقداراً من الطعام!

بیچاره که وسط خیابان ایستاده بود، اصلاً به عبور ماشین‌ها توجه نمی‌کرد.

۲] لم یکن له مهمماً أبین وقف، و فی کلّ لحظة یمکن أن یتصادم بسیارة؛ برایش مهم نیست که

کجا بایستد و در هر لحظه ممکن است با ماشین تصادف کند.

۳] لأنّه کان یبحث عن محفظة نفوده الّتی کان قد فقدھا؛ زیسرا او تمام هدفش این بود که در

جستجوی کیف پولش باشد که آن را گم کرده بود.

۴] و إتماکان بفکر فی أن یحصل بأيّ طریق ممکن علی ما جعله فی تلك المحفظة؛ و فقط در

فکر این بود که به طریقی بر آنچه در آن کیف بود دسترسی بیابد!

۱۹۸ عین الخطأ:

(قارج از کشور ۹۰)

۱] هرگز غذا را بدون داشتن اشتها مخور؛ لا تأکل طعاماً دون وجود اشتها.

۲] و اگر احساس کردی به غذا اشتها داری، خود را گرسنه نگه ندارد؛ و إن شعرت بأنک تشتهي إلى الطّعام، لا تبق نفسک جائعاً.

۳] و قبل از سیر شدن و پر شدن معده دست از خوردن بردار؛ و اعتزل الأکل قبل أن تشبع و تملأ معدتك.

۴] حتّی اگر اشتهایی باقی بماند، بعد از ساعتی از بین خواهد رفت؛ حتّی لو بقي اشتها فإنّه سیزول بعد ساعة!

۱۹۹ عین الصحيح:

(قارج از کشور ۸۹)

۱] أحد إخواني أراد أن يتعلّم علم الجراحة عند طبيب حاذق؛ یکی از برادرانم خواست که علم جراحی را نزد پزشک حاذقی فرا بگیرد.

۲] فذهب عنده و شرع يتعلّم هذا العلم بمساعدة أستاذه الفاضل؛ لذا به نزد او رفت و به کمک یک استاد فاضل آموزش این علم را شروع کرد.

۳] و بقي عنده سنوات متوالية حتّی أصبح جراحاً من أشهر الأطباء؛ و در حضور او سال‌ها ماند تا این‌که از بهترین پزشکان جراح گردید.

۴] منذ ذلك الوقت عزم أخي أن يقف حياته في سبيل خير الإنسانية؛ از آن لحظه برادرم مصمم شد که زندگی خود را در مسیر خیر و انسانیت صرف کند!

۲۰۰ عین الخطأ:

(قارج از کشور ۸۹)

۱] أبعد العجلة عن نفسك لأنّها من صفات الشيطان؛ عجله را از خود دور کن زیرا آن از صفات شیطان می‌باشد!

۲] من الناس أفراد بطيعون الله رهبة؛ در میان مردم عده‌ای هستند که از روی ترس خدا را اطاعت می‌کنند!

۳] لا يموت المرء بانهدام حياته بل هو حي؛ انسان با پایان یافتن زندگیش مرده نیست بلکه زنده می‌شود!

۴] لا شك أن الشيطان يزين أعمالنا السيئة؛ شکی نیست که شیطان اعمال بد ما را زیبا جلوه می‌دهد!

۲۰۱ عین الصحیح:

(قارچ از کشور ۸۹)

- ۱ هیچ دگرگونی در سنت‌های الهی نیست: لا تبدیل للسنن الإلهية
- ۲ هیچ ارزشی برای علم بی‌عمل نیست: لا قیم للعلوم لیس له عمل
- ۳ هیچ یاسی در دل بنده‌ی صالح راه ندارد: لا ینفذ الیأس فی قلب العبد الصالح أبداً
- ۴ هیچ عاقلی را نمی‌شناسم که از تجارب عبرت نگیرد: لا أعرف العاقل لم یعتبر بالتجارب!

۲۰۲ عین الخطأ:

(قارچ از کشور ۸۷)

- ۱ هذه خفافيش و هي مخلوقات الله: این خفاش‌ها مخلوقات خدا می‌باشند.
- ۲ تُرسل هذه الخفافيش موجات: این خفاش‌ها موج‌هایی را می‌فرستند.
- ۳ هذه الموجات تصطدم بالأشیاء و تعود: این موج‌ها به اشیاء برخورد می‌کنند و برمی‌گردند.
- ۴ و هذه قدرة ننتفع بها الخفافيش: و این قدرتی است که خفاش‌ها از آن بهره‌مند هستند!

۲۰۳ عین الصحیح:

(قارچ از کشور ۸۶)

- ۱ شاهدت في الحفلة ليلة أمس أخویکم الصالحین: دو برادر تیکوکارتر را در جشن شب گذشته دیدم!
- ۲ علی المدير أن يشجع هولاء الطلاب المجذین: مدیر باید این دانش‌آموزان کوشا را تشویق نماید!
- ۳ أولادی يسعون في أداء واجباتهم و لن یقصرُوا فیها: کودکان در انجام تکلیف خویش تلاش کرده، کوتاهی نمی‌کنند!
- ۴ أصدقائي العلماء حاولوا في تهذیب أنفسکم للتقدم: دوستان دانشمند من در تهذیب نفس خود برای پیشرفت تلاش کردند!

۲۰۴ عین الخطأ:

(تهری ۹۱)

- ۱ أصلح عملك حتى تری جمال العلم و فوائده: عملت را اصلاح کن تا زیبایی و فواید علم را ببینی!
- ۲ إن العالم كلما يُحاول في کسب العلم لا یتعب: عالم هر چند در راه علم می‌کوشد ولی خسته نخواهد شد!
- ۳ قل الحق و لاتخف عواقبه لأنّ قیمتك بشجاعتك: حق را بگو و از عواقب آن بیم نداشته باش، زیرا ارزش تو به شجاعت تو است!
- ۴ إذا تبعد النوم الكثير عن نفسك فستتقدم في جميع أمورک: هرگاه خواب زیاد را از خود دور کنی در همه کارهای خود پیشرفت خواهی کرد!

۲۰۵ عین الخطأ:

(تهری ۹۱)

- ۱ نتایج امتحانات در پایان سال تحصیلی اعلام شده: أعلنت نتائج الامتحانات في نهاية السنة الدراسية.
- ۲ دانش‌آموزان آمدند تا نتیجه کار خود را ببینند: جاء التلاميذ حتى يشاهدوا نتيجة عملهم.
- ۳ بسیاری از آن‌ها به دلیل موفقیت در امتحانات خوشحال شدند: كثير منهم أصبح فرحون

است که آن را صحیح می‌دانند!

۲) يُعتبر العباد الصالحون من مفاتيح أبواب الهدى؛ بندگان صالح را کلید درهای هدایت به‌شمار می‌آوریم!

۳) علمتُ أن الحق في الأغلب فيما تكذبه؛ پی بردم که حق غالباً در چیزی است که انکارش می‌کنیم!

۴) لا تقبل الزأي الذي لا تُدرک عمقه؛ اندیشه‌ای را که زرفای آن را درک نمی‌کنی، قبول مکن!

(تهری ۹۰)

۲۰۷ عین الخطأ:

۱) من ترك الحسد زادت محبته عند الناس؛ هرکس حسادت را ترک کند محبتش در میان مردم

افزون می‌شود!

۲) من لا يبصر عيب أعماله يشتغل بعيب غيره؛ کسی که نقص اعمال خود را نمی‌بیند به عیب

دیگران مشغول می‌شود!

۳) من ينس خطيئته يعد عيب الناس عظيماً؛ کسی که خطای خود را فراموش کند خطاهای

دیگران برایش بزرگ می‌شود!

۴) من تفكر في الأمور فيصبح ذا شأن عظيم عند الناس؛ هرکس در کارها بیندیشد، در میان مردم

دارای جایگاه والایی می‌شود!

(تهری ۸۹)

۲۰۸ عین الخطأ:

۱) كان البدر في وسط السماء و هو يشرق على البحار؛ ماه کامل در میان آسمان بود درحالی‌که

بر دریاها می‌تابید.

۲) و كان الزورق يواصل طريقه تحت ضوءه الفضي؛ و زورق راه خود را زیر نور نقره فامش ادامه می‌داد.

۳) فجأة ظهرت سحابة في السماء فاخفت القمر اختفاء؛ ناگهان ابر در آسمان پدیدار شد و ماه

به‌شدت پنهان گشت.

۴) و لكن معنويات أهل الزورق كانت قوية فواصلوا طريقهم بنور الإيمان؛ اما روحیه‌ی سرنشینان

زورق قوی بود بنابراین راهشان را با نور ایمان ادامه دادند!

(تهری ۸۹)

۲۰۹ عین الخطأ:

۱) قطعاً شما در شرف بهبودی هستید؛ انکم علی وشک الشفاء!

۲) کفأش در مغازه‌ی خود بسیار کار می‌کرد؛ كان الحداء يعمل في حانوته عملاً كثيراً!

۳) امکان ندارد اسم من از این مسابقه حذف شود؛ لا يمكن أن يحذف اسمي من هذه المسابقة!

۴) ماهی بزرگ دریا از سمتی به سمتی دیگر شنا می‌کرد؛ كان السمكة الكبيرة البحار تسيح من

جانب إلى جانب!

(تهری ۸۹)

۲۱۰ عین الصحيح:

۱) امتحنت التلاميذ امتحاناً بأسئلة صعبة؛ امتحانی را با سؤالات سخت از دانش‌آموزانم گرفتم.

۲) و كنت أنظر إليهم نظر الإعجاب؛ درحالی‌که با نگاهی متعجبانه به آن‌ها چشم دوخته بودم.

۳) و هم يجيبون بدقة إجابة كاملة؛ و آن‌ها جواب کاملی را با دقت به آن سؤالات دادند.

۴) ما كنت متوقفاً أنهم قد درسوا جيداً هكذا؛ انتظار نداشتم که آن‌ها این‌گونه خوب درس خوانده باشند!

۲۱۱ عین الخطأ:

(تقریبی ۸۸)

- ۱ ما تسمح والداي أن أترك الدراسة بفرصة تأمين المعاش! والدينم اجازه ندادند که به بهانه‌ی تأمین معاش تحصیل را ترک کنم!
- ۲ تَعَلَّمْتُ فِي الْحَيَاةِ أَنِّي إِن كَسَرْتُ مُؤَمَّنًا فَعَلَيْ جِبْرَاهُ: در زندگی آموختم که اگر مؤمنی را بشکنم ترمیم آن بر من واجب است!
- ۳ يعانسي الإنسان هذا المرض مادام مجهولاً على الأطباء! مادام که بیماری انسان برای اطباً ناشناخته باشد از آن رنج می‌برند!
- ۴ جعل التقدير الإلهي شيئاً عالمياً وسيلةً لهدايتي في الحياة! تقدير الهی پیر فرزانه‌ای را وسیله‌ای برای هدایتم در زندگی قرار داد!

۲۱۲ عین الصحيح:

(تقریبی ۸۷)

- ۱ أنا و زميلتي كُنا قد طالعنا خمس صفحات من الكتاب السَّابع: من و همکلاسیم پنج صفحه از کتاب هفتم را مطالعه کرده بودیم.
- ۲ كان والداي قد سافرا ثلاث مرّات لزيارة بيت الله الحرام: والدين من برای بار سوم به زیارت بیت الله الحرام رفته بودند!
- ۳ قرأت للحاضرين ثمانية أبيات من الديوان الرابع لهذا الشاعر: برای حاضران هشتمین بیت دیوان‌های چهارگانه‌ی این شاعر را خواندم!
- ۴ لم نشارك في المسابقات العلميّة في اليوم السادس إلا تسع طالبات: در مسابقات علمی در طول شش روز فقط نه دانش‌آموز شرکت کردند!

۲۱۳ عین الخطأ:

(انسانی ۷)

- ۱ لا يستطيع الباطل أن يصرع الحق في الميدان أبداً: باطل هرگز نتوانسته است که با حق در میدان درگیر شود،
- ۲ لأنَّ الحقَّ موجود و الباطل زهوق إن شاء الله: زیرا حق موجود است و باطل نابود شدنی است اگر خدا بخواهد،
- ۳ لا يستطيع الفرد الواحد في العصر الواحد أن يهدم بناء الباطل: یک فرد واحد در یک زمان واحد نمی‌تواند بنای باطل را ویران کند،
- ۴ و هدمه إنما يحصل بواسطة أفراد متعدّدين و في عصور متعدّدة: و ویران کردن آن فقط توسط افرادی متعدد و در زمان‌هایی متعدد رخ می‌دهد!

۲۱۴ عین الخطأ:

(انسانی ۷)

- ۱ بعد از مسافرت مادر بزرگم وقتی جای او را خالی دیدم به سختی گریستم! بعد سفره جدّتی لَمَّا رأيت مكانها فارغاً بكيت بشدة!
- ۲ من عميقاً تحت تأثير آيات قرآن کریم قرار گرفتم و روش زندگی‌ام را تغییر دادم! إني قد تأثرت بآيات القرآن الكريم عميقاً و غيّرت أسلوب حياتي!
- ۳ مدرسه ما مملو از نمونه‌های والایی از دانش‌آموزانی است که بسیار تلاش نموده‌اند! إن مدرستنا مملوءة نماذج مثالية من: التلميذات اللّات، قد اجتهد، كثيراً

۲) فالأخلاقيات التي نشاهدها خارج البيت نتيجة تربية الأُم: پس اخلاقیاتی که بیرون خانه مشاهده می‌شود در نتیجه‌ی تربیت مادران است.

۳) لذلك نعتقد أنّ إصلاح المجتمع الحقيقيّ يتركز على المرأة: به همین خاطر معتقدیم که اصلاح جامعه‌ی حقیقی بر وجود زن متمرکز می‌باشد.

۴) و من مسؤوليات المرأة الأخرى مشاركتها في الخدمات الاجتماعية: و از دیگر مسئولیت‌های زنان حضور آنان در خدمات اجتماعی خواهد بود!

۲۱۶ عین الخطأ:

(النسائي ۹۰)

۱) لَمَا كُنْتُ طِفْلاً مَازَالَ هَذَا السُّؤَالَ يَشْغَلُ فِكْرِي: از زمانی که طفلی بیش نبودم مسأله‌ای پیوسته ذهن مرا به خود مشغول کرده بود.

۲) نحن الموجودات الحية لم نتولد و لم لانعش إلا لزمان محدود فنموت؟ ما موجودات زنده چرا متولد می‌شویم و چرا فقط برای زمانی محدود زندگی می‌کنیم سپس می‌میریم؟

۳) و لكنني عندما أصبحت أكبر بمرور الزمن، وجدت دليل ذلك: ولی به مرور زمان وقتی بزرگتر شدم دلیل آن را یافتم.

۴) كان الدليل يرجع إلى مسألة تكامل الإنسان و حكمة باري الكون: دليل، به موضوع تکامل انسان و حکمت خالق هستی مربوط می‌شود!

۲۱۷ عین الخطأ:

(النسائي ۹۰)

۱) به مادر سالخورده‌ها احترام بگذار تا خشنودی خدا را به دست آوری! احترامی آمک العجوز لتتالي رضا الله!

۲) معلّم به من پیشنهاد کرد که به دوستم در فهم زبان عربی کمک کنم! اقترح معلّمي عليّ أن أساعد صديقي في فهم اللّغة العربيّة!

۳) برادر خردسالم هرگز در اتاق تاریک نمی‌خوابد زیرا از تاریکی می‌ترسد! لاينام أخي الصغير في الغرفة المظلمة أبداً لأنّه يخاف من الظلمة!

۴) ما به علّت زیادی تکالیف درسی مان نمی‌توانیم به مهمانی برویم! نحن لم نقدر بسبب كثرة الواجبات المدرسيّة حتّى نذهب إلى ضيافة!

۲۱۸ عین الخطأ:

(النسائي ۸۹)

۱) إنّ القرآن يُحدّر الناس من وسوسة إبليس: این قرآن است که در آن مردم از وسوسه‌ی ابلیس برحذر داشته می‌شوند.

۲) فإنّه أوّل من عصى ربّه و استكبر: چه او اولین کسی است که از پروردگار خود سرپیچی کرد و استکبار ورزید.

۳) فعلينا أن نعتبر بما عمل الله به: پس بر ما لازم است که از آن چه خدا با او کرد عبرت بگیریم.

۴) فهو أصبح مطروداً بعد أن فتنه ربّه: چه او پس از این‌که خدایش او را از خود رانده شد!

۲۱۹ عَيْنُ الْخَطَا:

(انسانی ۱۹)

۱] أحرص على مصاحبة أصدقائي المحسنين حرصاً: حتماً به هم‌نشینی با دوستان نیکوکارم مشتاق هستم!

۲] عاش أبونا الشهيد في كل حياته عيشة العارفين؛ پدر شهیدمان در سراسر زندگانی خود عارفانه زیست!

۳] كانت لي جدّة حنون تقم صلاة اللیل كثيراً؛ مادر بزرگ مهربان من نماز شب بسیاری را برپا می‌داشت!

۴] صبراً على المتاعب لأنّ فيها خيراً كثيراً؛ در برابر سختی‌ها شکیبا باش زیرا در آن‌ها خیر فراوانی است!

(انسانی ۱۷)

۲۲۰ عَيْنُ الصَّحِيح:

۱] تُرفع راية الشيطان في الفتن؛ پرچم شیطان را در همه‌ی فتنه‌ها بالا می‌بری!

۲] لو كنت منجماً لرأيت كيف انقلبت النجوم؛ اگر ستاره‌شناس می‌بودم نحوه‌ی تغییر ستارگان را می‌دیدم!

۳] من يتعب نفسه في العمل المتواصل يُصبح ناجحاً؛ آن‌که خود را با کارهای متوالی به‌سختی انداخت موفق می‌شود!

۴] من العلماء من يبذل ظلماء الجهل بنور العلم؛ عدمای از دانشمندان تاریکی جهل را به نور علم تبدیل می‌کنند!

(انسانی ۱۷)

۲۲۱ عَيْنُ الصَّحِيح:

۱] الإيمان هو ما يكون ثابتاً في القلوب؛ ایمان است که در دل‌های ما ثابت می‌ماند!

۲] كيف غفلنا عن الله الذي لا يغفلنا؛ چگونه است که از خدایی که ما او را فراموش نمی‌کنیم غافلیم!

۳] إنّ حكم الله في مخلوقات السماء و الأرض لواحداً؛ فقط فرمان خدا بر مخلوقات زمینی و آسمانی یکی است!

۴] ألا ترون كيف صغّر الله الشيطان بتكبره؛ آیا نمی‌بینید چگونه خداوند شیطان را به‌خاطر تکبرش کوچک ساخت!

(انسانی ۱۷)

۲۲۲ عَيْنُ الْخَطَا:

۱] بر نفس خویش سخت‌گیر تا خدا بر تو آسان گیرد؛ شقّ علی نفسك فیسهّل الله عليك!

۲] گویی ابر رحمت تو بود که بر گناهانمان سایه افکند؛ کأنّ غمام رحمتك يُظلل علی ذنوبنا!

۳] چه خوب روزی است روزی که پرده‌های جهل کنار زده می‌شود؛ نعم الیوم یوم ترفع أستار الجهل فيه!

۴] گناه است که لباس خواری بر تن انسان می‌کند؛ إنّ الإثم هو الذي یلبس الإنسان ثوب المذلة!

(انسانی ۱۶)

۲۲۳ عَيْنُ الْخَطَا:

۱] مالي آلا أتوكل علی الله في كلّ الأمور؛ مرا چه‌شده که در همه‌ی کارها به خدا توکل نمی‌کنم!

۲] ما أنفع أن تُبعد النفس علی الغیبة؛ چه سودمند است که نفس از غیبت دور داشته شود!

مردم است!

۲) لا تَكُنْ كَالنَّارِ مُحْرَقاً وَلا تَكُنْ كَالْحِجْرِ بَارِداً؛ چون آتش، سوزان و چون سنگ، سرد مباش!

۳) أهول المراكب مركب الأمال البعيدة؛ سوارشدن بر مرکب آرزوهای دور هولناک است!

۴) لا خیر لك أفضل من اجتناب الشر؛ خیری بهتر از دورشدن از بدیهایت نیست!

(هنر ۹۱)

۲۲۵ عین الخطأ:

۱) كان النبي (ص) يؤكد دائماً على تربية الأطفال؛ پیامبر (ص) بر تربیت دائمی کودکان تأکید می‌کرد.

۲) على أساس الاحترام المتساوي بين البنين و البنات؛ بر اساس احترام برابر بین پسران و دختران،

۳) و لا یکتفی بالقول فقط، بل یحترم بنفسه الصغار و یکتبرهم؛ و فقط به حرف اکتفا نمی‌کرد بلکه خود کوچک‌ترها را احترام می‌کرد و بزرگ می‌داشت.

۴) و یبدي انزعاجه من الذين یفترقون بین اولادهم؛ و ناراحتی خود را از آن‌هایی که بین فرزندان خویش فرق می‌گذارند نشان می‌داد!

(هنر ۹۱)

۲۲۶ عین الخطأ:

۱) خدا به وعده‌اش کریمانه عمل می‌کند نه برای سود بردن؛ اللّٰه یفی بوعده کریماً لا للانتفاع!

۲) اگر به عهد خدا وفا کنی او نیز به عهد خود وفا می‌کند؛ ان تفی بعهد اللّٰه فهو یفی بعهده أيضاً!

۳) یا خدای کریم عهد بستن به نفع انسان است؛ المعاهدة مع اللّٰه الکریم تنفع الإنسان!

۴) هرگاه به یاد خدا باشی او نیز به یاد تو خواهد بود؛ إذا یذکرک اللّٰه فأنت تذکره كذلك!

(هنر ۹۰)

۲۲۷ عین الخطأ:

۱) حين یهددني خطر من الوحوش في الغابة أتسلق أشجارها الباسقة؛ زمانی که وجود حیوانات درنده در جنگلی مرا تهدید می‌کند از درخت‌های بلند بالا می‌روم!

۲) هؤلاء العلماء كانوا دؤوبين في أعمالهم فوصلوا إلى غاياتهم بعزّة؛ این دانشمندان در اعمال خویش پایدار بودند لذا با سربلندی به اهداف خود رسیدند!

۳) قال قائد الجيش لجنوده: نحن جبال صامدة و لا تنحني أمام الأعداء؛ فرمانده سپاه به سپاهیان‌ش گفت: ما کوه‌های پایداری هستیم و در برابر دشمنان سر خم نمی‌کنیم!

۴) یا عجبا؛ کیف أشاهد قوآت العدو من بعيد، بينما أنت لم تشاهدها من قريب؟!؛ عجبا؛ چگونه است که من نیروهای دشمن را از دور می‌بینم، در حالی که تو از نزدیک آنها را ندیدی؟!!

(هنر ۹۰)

۲۲۸ عین الخطأ:

۱) دروغگو اعتماد نزدیکان خود را از دست خواهد داد؛ إنّ المکذّبین یزیل اعتماد أقربائه لنفسه!

۲) نتیجه‌ی اعمال ما همان است که زود یا دیر خواهیم دید؛ نتیجه اعمالنا هي التي سنراها قريباً أم بعيداً!

۳) اما آنکه عمل می‌کند، اگر چه ساکت باشد محترم است؛ لكنّ الذي یعمل فهو محترم و لو كان صامتاً!

۴) آنکه زیاد حرف بزند و کم عمل کند نزد مردم محترم نیست؛ من یتکلم كثيراً و یعمل قليلاً لیس محترماً عند الناس!

۲۲۹ عین الخطأ:

(هنر ۸۹)

- ۱] إحدِر العداوة الّتی تنفذ فی قلبک خفیّاً. برحذر باش از عداوتی که پنهانی به قلبت نفوذ کند.
- ۲] و تزین ستیّ الفجور فی عینک! و گناهان بد را در دیده‌ات بیاراید!
- ۳] أرفع العلم درجةً ما تعرف به نفسك! درجه‌ی عالی علم آن است که بتوان با آن خود را شناخت!
- ۴] أحسن الناس قولاً من أمن الناس من کلامه! بهترین مردم در گفتار کسی است که مردم از سخنش در امان باشند!

۲۳۰ عین الخطأ:

(هنر ۸۹)

- ۱] آن‌که نیکی می‌کند از کار نیکش بهتر است: من يعمل الخیر فهو خیرٌ من عمله الخیر،
- ۲] و آن‌که بد می‌کند از کار بدش بدتر است: و الّذي يعمل الشرَّ شرٌّ من عمله الشرِّ!
- ۳] کوتاه کردن آرزو، کردار را از بدی دور می‌کند: إنَّ تقصیر الأمل یبعد العمل عن السوء.
- ۴] و ترک کردن آرزوها، از شریف‌ترین اعمال است: و ترک المُنی من الأعمال الشریفة!

۲۳۱ عین الصحیح:

(هنر ۸۸)

- ۱] مادر از کارهای بیپوده‌ی فرزندش ناراحت شد: انزعجت الأم من أعمال ولدها العبثة.
- ۲] و فرزند بعد از مدتی احساس پشیمانی زیادی کرده: و بعد المدة شعرت الابنة بالندم كثيراً.
- ۳] و به نزد مادرش رفت و از او معذرت خواست: و ذهبت إلى أمه و اعتذرت منه.
- ۴] و دستش را بوسید، در این هنگام مادر او را نزد خود نشاند: و قبّل أیدیها و حينئذٍ أجلسته الأم عندها!

۲۳۲ عین الخطأ:

(هنر ۸۷)

- ۱] القرآن هُدًی للخروج من الضلالة: قرآن هدایت است برای خروج از گمراهی!
- ۲] إنَّ القرآن کبیر لا یدرک قعره! قرآن دریایی است که عمق آن درک نمی‌شود!
- ۳] کفی بالقرآن هادياً لنا فی الدنیا و الآخرة! قرآن تنها هدایت‌کننده است برای دنیا و آخرت!
- ۴] لا یعدّب الله قلباً سکن القرآن فیه! خداوند قلبی را که قرآن در آن ساکن شده‌است عذاب نمی‌کند!

۲۳۳ عین الخطأ:

(هنر ۸۷)

- ۱] لا تصلح دنیاک بتضییع دینک! دنیای خود را با تباه ساختن دینت آباد مکن!
- ۲] نری هذا العالم حریصاً فی علم یبعده عن الدنیا! این عالم را علاقه‌مند در علمی می‌بینیم که او را از دنیا دور می‌سازد!
- ۳] نعم المؤمنة من تؤدّی لربّها ما أمره! خوب مؤمنی است کسی که برای خدایش آن چه امر کرده‌است، انجام دهد!

نشده است!

۲] كان المسلمون قد اكتسبوا درجات علمية عالية في الماضي: مسلمانان درجات علمي والايي را در گذشته بدست آورده بودند.

۳] يعلم الطالب أن النجاح في الاجتهاد لا في التكاثر! دانش آموزان می دانند که موفقیت در تلاش است نه در بیکاری!

۴] للفواكه فوائد كثيرة و هي توفر طعام الإنسان و الحيوان: میوه ها فواید بسیاری دارند و آن ها غذای انسان و حیوان را مهیا می سازند.

۲۳۵ عین الصحیح:

(زبان ۹۱)

۱] العمل القبیح ستعقبه عواقب سيئة لفاعله! هر کار زشتی برای انجام دهندگان عاقبت بد در پی خواهد داشت!

۲] للحصول على العزة الأبدية يجب أن يدفع ثمن باهظا! برای دستیابی به عزت ابدی باید بهای سنگین پرداخت می کرد!

۳] السعادة شيء ثمين يمكن أن يوجد في زوايا غرفتنا! خوشبختی چیز گرانبهایی است که شاید در گوشه اتاقمان پنهان باشد!

۴] نهاية السعادة هي أن لا تظلم و لا تظلم في هذه الدنيا! نهایت سعادت این است که در این دنیا نه ظلم کنی و نه مورد ظلم واقع شوی!

۲۳۶ عین الخطأ:

(زبان ۹۱)

۱] آرزوهای طولانی سبب زوال عقل می شود! إن طول الأمنية سبب زوال العقل!

۲] بیش تر از آنچه به آن نیاز دارید از دنیا نخواهید! لا تطلبوا من الدنيا أكثر مما تحتاجون إليها!
۳] کسی که اراده اش قوی شود بدن وی احساس ضعف نمی کند! من قويت إرادته، فلا يحس جسمه بالضعف!

۴] قلب مؤمن حتى بالذات بخش ترین امور، از باد خدا دور نمی شود! لا يبتعد قلب المؤمن عن ذكر الله حتى بالذات الأمور!

۲۳۷ عین الخطأ:

(زبان ۹۰)

۱] واجه حقائق الحياة المرّة بالتفاؤل! با حقیقت های تلخ زندگی با خوش بینی روبه رو شو!

۲] ابتعد عن داع يدعوك إلى الشر! از دعوت کننده ای که تو را به بدی فرا می خواند، دوری کن!

۳] المكافئ من يظن أن المكافئ مفتاح أرزاقه! حيله گر کسی است که کلید روزیش را فقط در مکر می یابد!

۴] ليطهر من السيئات فم تخرج منه آيات القرآن! دهانی که از آن آیات قرآن خارج می شود باید از پلیدی ها پاک شود!

۲۳۸ عین الصحیح:

(زبان ۹۰)

- ۱] یزشک معالج خانواده‌ی ما سال پنجم را در خارج از کشور گذرانده است! قد قضی طبیب أَسرتنا المعالج السنة الخامسة خارج البلد!
- ۲] مطالب این فصل کتاب مستلزم آن است که برای فهمیدن آن‌ها شب‌زنده‌داری شود! تستلزم مواضع الفصل من هذا الكتاب أن تسهر اللَّیالی لفهمها!
- ۳] مطالعات دانشمندان در زمینه‌ی پیدایش هستی به نتیجه‌ی دقیقی نرسیده است! لم يتوصل الدراسات العلماء في مجال نشأة الكون إلى نتيجة مقبولة!
- ۴] اشعار جدید این شاعر پیچیدگی‌های بسیاری دارد که جز با تأمل بسیار روشن نمی‌شود! لأشعار هذا الشاعر الجديد معقدات متعدّدة لا يفهم إلا بتأمل كثير!

(زبان ۸۹)

۲۳۹ عین الخطأ:

- ۱] أترك الكسل اليوم لكي تتقدّم غدًا! اگر تنبلی امروز را ترک کردی فردا پیشرفت می‌کنی!
- ۲] لا تعجل في أن تُحصي عيوب الناس، أيها الفتي! ای جوان، در شمردن عیب‌های مردم عجله مکن!
- ۳] إصبر على مرارة الحق لذوق حلاوة عاقبته! بر دشواری حق صبر کن تا شیرینی عاقبت آن را بچشی!
- ۴] لا حجاب أظلم من جهل الإنسان ربه! هیچ حجابی تاریک‌تر از جهل انسان نسبت به خدای خود نیست!

(زبان ۸۹)

۲۴۰ عین الخطأ:

- ۱] الظلم على الضعيف أقيح الظلم، و هذا العمل مذموم! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲] الزاهدون یجتنبون الخطیئات، و هؤلاء محبوبون عند الله! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!
- ۳] الناس یذنبون و قلیل من هؤلاء المذنبین یتوبون! مردم گناه می‌کنند و عده‌ی کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴] یعبد العابدون الله في اللیل المظلم و هذا اللیل کسرت لهم! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

(زبان ۸۹)

۲۴۱ عین الصحیح:

- ۱] به خود گفتم باید تلاش بزرگان را برای به‌دست آوردن علوّ مقام مورد توجه قرار دهم! قلت لنفسي لأجعل جهد العظماء نصب أعبتي لاكتساب العلی!
- ۲] تشنگی شدید باعث شد که در این هوای گرم به دنبال چاه آبی بگردم! قد سبب عطشي الشديد أن أفش عن بئر الماء في ذلك الجو الحار!
- ۳] آفرین بر کسی که علم را برای رسیدن به مقام دنیوی طلب نمی‌کند! مرحباً بمن لن يطلب العلوم لوصول إلى المنصب الدنیوی!

نمی‌کنی!

۲) كان الفقير يأبى أن يأخذ الطعام من صديقه المترفاً: فقير از این‌که غذا را از دوست مرفه خود

بگیرد ابا می‌کرد!

۳) كان المسلمون قد وصلوا إلى درجات علمية رفيعة في الفترات الماضية: مسلمانان در زمان‌های

قدیم به درجات والایی در علوم رسیدند!

۴) إن النبي الأبي (ص) تلقى الحقائق الفخمة ممن يعلم الأسرار كلها: همانا پیامبر اُمّی (ص)

حقایق با ارزشی را یاد داد که از زبان کسی دریافت کرده بود که اسرار را می‌دانست!

۲۴۳ عین الصحیح: (زبان ۸۸)

۱) قد كان عزم أن يذهب إلى السفر مع صديقه: با دوستش تصمیم گرفت که به سفری برود،

۲) فقبل الصديق و لكنه لم يعمل بوعده: دوستش نیز پذیرفته بود اما به تعهداتش وفا نکرد،

۳) و لم يحضر في رأس الساعة، فأراد أن يرجع: و رأس ساعت حاضر نشد، و خواست که برگردد،

۴) بعد ساعة فجأة رأى صديقه و هو يأتي بسرعة: اما دوستش را می‌بیند که بعد از یک ساعت

به سرعت می‌آمد!

۲۴۴ عین الخطأ: (زبان ۸۷)

۱) قد تكون عزة الدنيا ذلة الآخرة أحياناً: عزت دنیا گاهی زبونی آخرت می‌باشد،

۲) و مجالسة أهلها نسيان الإيمان: و هم‌نشینی با دوست‌داران آن فراموش کردن ایمان،

۳) فإن قلبهم محض للشيطان: چه قلب آن‌ها مکانی است برای حاضرشدن شیطان،

۴) فما الحياة الدنيا أمام الآخرة إلا متاع رخيص: پس زندگی دنیا در برابر زندگی جاودانی بسیار

ارزان است!

۲۴۵ عین الصحیح: (زبان ۸۷)

۱) تعلم أخي الأصغر فصلاً واحداً من كتابه الرابع: برادر کوچکم اولین فصل از کتاب چهارم را یاد گرفت.

۲) كان عندي ضيفان اثنان قد جاءا للمرة الثانية إلى بيتي: دو میهمان داشتم که برای دومین بار

به خانه‌ی من آمده بودند.

۳) أعربت من القرآن الكريم عشر آيات من السورة الثالثة: دهمین آیه از سه سوره از قرآن کریم

را ترکیب کردم.

۴) فازت تلميذتان اثنتان من بين سبع طالبات في المسابقة العلمية: از میان هفت دانش‌آموز

شرکت‌کننده در مسابقه‌ی علمی دهمین نفر برنده شد.

(زبان ۸۵)

۲۴۶ عین الخطأ:

- ۱ قلب المتقی قریب إلى الله! دل انسان با تقوی به خدا نزدیکتر است!
- ۲ من کثر عقله قلّ کلامه! هرکس عقلش زیاد شود سخنش کم می‌گردد!
- ۳ لیس من يتبع هوی نفسه بطلا! کسی که از هوای نفس خود پیروی می‌کند قهرمان نیست!
- ۴ من يعرف أهدافه يبذل ما في يده! هرکس اهداف خود را بشناسد آنچه را در دست دارد بذل می‌کند!

(زبان ۸۴)

۲۴۷ عین الخطأ:

- ۱ شاهدت ذا حاجة يطلب مني المساعدة: نیازمند را دیدم که از من طلب کمک کرده بود.
- ۲ عليك أن تصادق الأبرار دائماً لا الأشرار! بر تو است که دائماً با نیکان دوستی کنی نه با بدان!
- ۳ في بداية الأمر لم يشاهد الطالب تقدماً في دروسه: در ابتدای کار، دانش آموز پیشرفتی در درس‌هایش ندید.
- ۴ الكتب المفيدة تبعدنا عن الضلالة والجهالة! کتاب‌های سودمند ما را از گمراهی و جهل دور می‌سازند!

مفهوم

در این گونه سؤالات غالباً جمله‌ای شامل یک آیه، یک حدیث یا یک ضرب‌المثل وجود دارد و از شما خواسته می‌شود تا گزینه‌ای را که معنای آن تقریباً با معنای عبارت اول یکسان است انتخاب کنید. در این گونه سؤالات دریافت مفهوم (ترجمه‌ی کلی مطلب و نه ترجمه‌ی لفظ به لفظ) عبارت‌ها، مهم می‌باشد. در میان گزینه‌ها، غالباً دو گزینه به سادگی رد می‌شوند زیرا مفهوم متفاوت آن‌ها با کمی دقت مشخص می‌شود و مشکل اصلی انتخاب میان دو گزینه‌ی باقی مانده است. در این حالت دقت کنید گزینه‌هایی را که رد می‌کنید دلایل رد آن‌ها را در ذهن خود مرور کنید. یا به عبارتی دیگر باید گفت ببینید کدام گزینه معنای نزدیک‌تری دارد یعنی کدام گزینه صحیح‌تر است.

معادلات مفهومی

مفهوم اصلی

ریاضی ۹۱، ریاضی ۸۹، تجربی ۸۸، هنر ۸۹

«متی ما تلق من تهوی دع الدنیا و أهملها.»

هرگاه کسی را ملاقات کنی که او را دوست داری، دنیا را رها کن و آن را به حال خویش واگذار.

«حاشیه متن» درس اول عربی (۳)

معادلات مفهومی

متی تلقی: هرگاه ملاقات کنی

دیدار کنی

تهوی: دوست داری

دَع: «أترك» رها کن

أهمل: به حال خود واگذار

یحقر: حقیر می‌شمارد

۱ | إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حب

الأمر الدنيوية منها اگر محبت آفریدگار در قلب وارد شود، علاقه‌ی کارهای دنیوی از آن خارج می‌شود.

(ریاضی ۹۱)

۲ | عدم اجتماع حب الله و حب الدنيا. جمع نشدن

دوستی خدا و دوستی دنیا. (تهری ۸۸)

۳ | حب المحبوب و حب الدنيا لا يجتمعان!

دوست داشتن محبوب و دوست داشتن دنیا با هم جمع نمی‌شوند. (هنر ۸۹)

۴ | عدم الغفلة عن الذي نحبّه في جميع الأحوال و الأوضاع! عدم غفلت از کسی که او را در همه‌ی احوال

و اوضاع دوست داریم! (هنر ۸۹)

۵ | من يحبّ المطلوب يحقر ما كان غيره! هر کس که مطلوبی را دوست دارد غیر از آن را حقیر

می‌شمارد. (هنر ۸۹)

مفهوم اصلی

ریاضی ۹۱، ریاضی ۸۹، تجربی ۸۶، زبان ۸۴

«قد يضرّ الشيء ترجو نفعه / ربّ ظمآن بصفو الماء غصّ!»

«چیزی که امید نفع آن را داری گاهی (به تو) ضرر می‌رساند / چه بسا فرد تشنه‌ای که با آب صاف

- ۱ ﴿عسى ان تحبوا شيئا و هو سر محم ٢٢ چه بسا چیزی را دوست دارید در حالی که برای شما بد است. (ریاضی ۸۹ و زبان ۸۳)
- ۲ ليس كل شيء نَحْبَهُ مفيداً لنا!؛ هر چیزی که دوستش می‌داریم برای ما مفید نیست! (تهری ۸۶)
- ۳ لاخير في الآمال التي تضرنا لأنها تهلکنا بعض الأحيان!؛ هیچ خیری در آرزوهایی که به ما ضرر می‌رساند نیست زیرا آن‌ها گاهی اوقات ما را هلاک می‌کنند! (ریاضی ۹۱)

بضر: ضرر می‌رساند
ترجو: امید داری
ظمان: تشنه (عطشان)
غض: کلوگیر شد
تهلك: هلاک می‌کند

مفهوم اصلی

تجربی ۸۷

«لا تقل أصلي و فصلي أبداً / إنما أصل الفتى ما قد حصل»

هرگز از اصل و نسب خود نگو، اصل جوانمرد فقط آن چه به دست آورده است، می‌باشد.
هشتمین بیت از درس چهارم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ ﴿كل نفس بما كسبت رهينة﴾

هر نفسی (کسی) در گرو آن چه است که به دست آورده است.
(تهری ۸۷، انسانی ۸۶، هنر ۸۳ / «قول النعم» درس نهم عربی (۲)،
«الأضواء القرآنية» درس دهم عربی (۱))

۲ من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعليها؛

هر کس به نیکی عمل کند برای خود اوست و هر کس بدی کند بر ضد خود اوست. (انسانی ۸۶)

۳ كل إنسان مسؤول عن عمله؛

هر انسانی مسئول عمل خویش است. (هنر ۸۳)

رهينة: گرو
أساء: بدی کند

مفهوم اصلی

ریاضی ۹۱، تجربی ۸۹

«لا خير في وُد امرئ متلون»

هیچ خیری در دوستی با انسان دورو نیست.

«اختبر نفسک» درس دهم عربی (۲) و درس پنجم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ علی الإنسان أن تكون سريرته و علانيته واحدة:

باید انسان درون و بیرونش یکی باشد.

(تهرانی ۸۹ / این مفهوم در «تمرین چهارم» درس ششم عربی (۲) آمده است.)

۲ لا فائدة في من تختلف سريرته عن علانيته!

هیچ فایده‌ای در کسی که درونش نسبت به بیرونش متفاوت باشد، نیست. (ریاضی ۹۱)

۳ البر أن تعمل في السر عمل العلانية:

خوبی آن است که در پنهان همچون آشکار عمل کنی.

(ریاضی ۹۱، ریاضی ۸۴ / «تمرین سوم» درس سوم عربی (۳))

۴ الاجتناب عن التلون و الرياء و النفاق:

دوری جستن از رنگارنگی (دورویی)، و ریا و نفاق (ریاضی ۸۴)

وَدَّ: دوستی
امرئ: انسان
متلون: دورو (رنگارنگ)
سريرة: درون، پنهان
علانية: بیرون، آشکار
البر: خوبی و نیکی

مفهوم اصلی

ریاضی ۹۰

«و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً»

بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند.

«تمرین دوم» درس دوم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ أغصان الأشجار المثمرة تميل نحو الأرض أكثرًا:

شاخه‌های درختان پربار بیش‌تر به سوی زمین خم می‌شوند! (ریاضی ۹۰)

۲ افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی

که بلند است! (ریاضی ۹۰)

۳ إعجاب المرء بنفسه دليل على ضعف عقله!

عجب مرد از خودش، نشانه ضعف عقل است!

يمشون: راه می‌روند
هوناً: به آرامی
أغصان: شاخه‌ها
المثمرة: پربار، پرنمر
تميل: خم می‌شود
إعجاب: شگفتی، خودپسندی
المرء: انسان

«لا تترك الدنيا بذريعة الحصول على الآخرة»

دنيا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت ترک مکن.

متن درس هفتم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ یکتسب ما في الآخرة بما في هذه الدنيا:

آنچه در آخرت است به وسیله‌ی آنچه در این دنیا است.

کسب می‌شود. (ریاضی ۸۸)

۲ يجب أن تكون الدنيا وسيلة لكسب الآخرة:

باید دنیا وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد. (ریاضی ۸۸)

۳ يجب عليك أن تعمل في الدنيا للآخرة:

باید در دنیا برای آخرت کار کنی. (ریاضی ۸۸)

۴ مفتاح الوصول إلى الآخرة في الدنيا:

کلید رسیدن به آخرت در دنیا است. (هنر ۸۷)

الذريعة: بهانه

يكتسب: کسب می‌شود

يجب على ... : باید ...

وصول: رسیدن

مفهوم اصلی

تجربی ۹۱

«من جدّ وجداً»

هر کس تلاش کند می‌یابد.

«کیف» درس هفتم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ تا شب نروی روز به منزل نرسی! (تجربی ۹۱)

۲ من طلب العلى سهر الليالي!

هر کس بلندی مقام بخواهد شب‌ها بیدار می‌ماند.

(تجربی ۹۱، تجربی ۸۳، هنر ۸۳ / دکارگاه ترجمه، درس هفتم و متن

درس نهم عربی (۲))

۳ نیابد مراد آن‌که جوینده نیست! (تجربی ۹۱)

جدّ: تلاش کند

العلى: بلندی مقام

سهر: شب بیدار ماند

لن تبلغ: نخواهی رسید

تعلق: بچشی

الكدّ: زحمت، تلاش

۴ لن تبَلِّغَ المجد حتى تلعق الصبرا:

هرگز به بزرگواری نخواهی رسید تا این که صبر را بجشی.

(تهری ۸۳ / تمرین اول» درس هفتم عربی (۲))

۵ اكتساب الدرجات العالية إنما هو بقدر الكد:

به دست آوردن درجات بلند فقط به اندازه‌ی تلاش است. (متر ۸۳)

مفهوم اصلی

ریاضی ۸۶

«من بادر الصيد مع الفجر قنص!»

هر کس صبحگاه مبادرت به شکار ورزد، شکار می‌کند.

بیت چهارم متن درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ الإنسان الذي يقوم بأعماله بدون تأخير فهو الناجح:

انسانی که اعمالش را بدون تأخیر انجام می‌دهد، موفق است.

(ریاضی ۸۶)

۲ اغتنم فرص الدنيا فإنها تزول:

فرصت‌های دنیا را غنیمت بشمار چرا که از بین می‌روند.

(تهری ۸۳)

بَادَرَ: مبادرت ورزید

قَنَصَ: شکار کرد

اِغْتَنَمَ: غنیمت بشمار

تَزُولُ: از بین می‌رود

مفهوم اصلی

تجربی ۸۹، زبان ۸۸

﴿و لو كنت فقلًا غليظ القلب لانقضوا من حولك﴾

و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند.

«کارگاه ترجمه» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ من عذب لسانه كثر إخوانه:

هر کس زبانش شیرین و دلنشین باشد برادرانش زیاد می‌شود.

(تهری ۸۹)

۲ الابتعاد عن الأخلاق السيئة عند مواجهة الناس

فَقْلًا: تندخو

غليظ القلب: سخت دل

انقضوا: پراکنده می‌شدند

عذب: شیرین شد

ابتعاد: دوری کردن

وَرَبَا حَسْبُكُمْ مِنَ نَارٍ وَ سَيِّئٌ
همانا ما شما را از نر و ماده آفریدیم.

متن درس سوم عربی (۳)

معادلات مفهومی

■ **اعلم أن لكل شيء قرين المادّة:**

بدان که برای هر چیزی یاد ماده است. (تجربی ۱۹)

ذکر: نر
آنثی: ماده

القرین: جفت، همراه
قرین المادّة: یاد ماده

مفهوم اصلی

هنر ۸۹

«طیب یداوی الناس و هو مریض!»

پزشکی که مردم را مداوا می‌کند در حالی که خود مریض است.

معادلات مفهومی

یداوی: مداوا می‌کند.

۱. پندم چه دهی نخست خود را / محکم کمری ز پند در بند (هنر ۸۹)

۲. پزشکی که باشد به تن دردمند / ز بیمار چون بازدارد گزند (هنر ۸۹)

۳. پزشکی که خود باشدش زردروی / از او داروی سرخ‌روئی مجوی (هنر ۸۹)

مفهوم اصلی

تجربی ۹۰

«إنّ الأحقّ یصیب بحمقه أعظم من فجور الفاجر!»

همانا احق با حماقت خویش [به گناهی] بزرگ‌تر از گناه فاسق دچار می‌شود.

معادلات مفهومی

■ **یا عجباً ... هل تظنّ أنّ حمق الجاهل أقلّ ضرراً من فسق**

الفجرة:

شگفتا ... آیا تصوّر می‌کنی که حماقت جاهل از لحاظ ضرر

کم‌تر از گناه فاسق است؟ (تجربی ۹۰)

یصیب: دچار می‌شود

حمق: حماقت

تظنّ: تصوّر (گمان) می‌کنی

الفاجر: فاسق، گناهکار

مفهوم اصلی

انسانی ۹۰

«إِنَّ النَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّعِيفَةَ!»

همانا سخن چینی (بذر) کینه می‌کارد.

معادلات مفهومی

النميمة: خبر چینی

الضعيفة: کینه

السعاية: بدگویی

الحقد: کینه

ما أقبح السعاية فإنها تنشر بذور الحقد بين الناس!

بدگویی چه زشت است! همانا آن بذرهای کینه را میان مردم

می‌پراکند. (انسانی ۹۰)

مفهوم اصلی

انسانی ۸۹

«من طمع بالكثير لم يحصل على القليل!»

هر کس بسیار طمع کند به چیز کم نمی‌رسد.

معادلات مفهومی

طمع را نباید که چندان کنی / که صاحب کرم را پشیمان کنی (انسانی ۸۹)

مفهوم اصلی

انسانی ۸۷

«عسى أن تكرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً»

چه بسا چیزی را ناخوشایند بدانید و خداوند خیر زیادی در آن قرار دهد.

«اختبر نفسك» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

الخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ:

خیر در چیزی است که رخ دهد. (انسانی ۸۷)

مفهوم اصلی

انسانی ۸۹

«إِنَّ المرءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ!»

مفهوم اصلی

انسالی ۸۹

«ترك الذنب أهون من طلب التوبة»
ترک گناه آسان‌تر از طلب توبه است.

معادلات مفهومی

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد! (انسالی ۸۹)

الذنب: گناه
أهون: آسان‌تر

مفهوم اصلی

هنر ۹۰

«إِنَّ مِنْ كَسْرٍ مُؤْمِنًا فَعَلِيهِ جِبْرَةٌ»
هر کس مؤمنی را بشکنند جبرانش بر او لازم است.
«کارگاه ترجمه» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

تبجیل المؤمن مثل احترام بیت الله!
بزرگداشت مؤمن همانند احترام به خانه‌ی خداست.

(هنر ۹۰)

كسر: شکست
جبر: جبران
تبجیل: بزرگداشت

مفهوم اصلی

هنر ۹۰

«إِنَّ الْحَيَاةَ دَقَائِقٌ وَ ثَوَانٌ»
به راستی زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست.
«حول النمن» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

حاصل از حیات ای دل یکدم است تا دانی! (هنر ۹۰)

۱- این بیت در ادبیات فارسی با بیت (چون مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد) قرابت معنایی و مفهومی دارد.

مفهوم اصلی

زبان ۹۰، هنر ۹۰، خارج از کشور ۸۸

«في الجبن عازٌ و في الإقدام مكرمة / و المرء بالجبن لا ينجو من القدر»
در ترس ننگ وجود دارد و در شجاعت شرافت و بزرگی و انسان با ترس از تقدیر نجات نمی‌یابد.
«حول النص» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

الجبن: ترس
عاز: ننگ
مكرمة: شرافت و بزرگی
لا ينجو: نجات نمی‌یابد

۱ با قضا سود کی کند حذرت! (هنر ۹۰)

۲ با قضا کارزار نتوان کرد! (زبان ۹۰)

۳ چون قضا آید چه سود از احتیاط! (زبان ۹۰)

۴ گر نگه‌دار من آنست که من می‌دانم / شیشه را در بغل

سنگ نگه می‌دارد! (زبان ۹۰)

مفهوم اصلی

خارج از کشور ۸۷، هنر ۸۶

«و اترك الحرص تعش في راحة / قلما نال مناه من حرص»
حرص را رها کن تا در راحتی زندگی کنی، چه اندک کسی که طمع دارد به آرزوهایش رسیده است.
بیت پنجم متن درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

... تعش: زندگی کن
قلما: چه اندک
نال: رسید
مناه: آرزوهایش
قلقا: پریشان

۱ الحرص مفتاح السوء، يجعل صاحبه قلقاً

طمع کلید بدی است و صاحبش را پریشان می‌کند! (هنر ۸۶)

۲ الحرص لا يسبب حياة أفضل!

طمع سبب یک زندگی برتر نمی‌شود! (هنر ۸۶)

۳ الحرص لا يغير الرزق المقسوم!

طمع روزی تقسیم شده را تغییر نمی‌دهد! (هنر ۸۶)

۴ يبتعد الحريص عن مناه لآنها كثيرة!

حریص از آرزوهایش دور می‌شود زیرا آن‌ها زیادند. (خارج از کشور ۸۷)

۵ من حرص ازدادت مطالبه فلاينالها!

هر کس حرص بوزرد خواسته‌هایش زیاد می‌شود پس به آن‌ها نمی‌رسد. (خارج از کشور ۸۷)

زمان فرار و گریختن نیست.

متن درس چهارم عربی (۱)

معادلات مفهومی

۱. المرة لا ینجو من القدر!

انسان از سرنوشت، نجات و رهایی نمی‌یابد.

(زیان ۹۰، هنر ۹۰، قارج از کشور ۸۸ / «هول النفس» درس ششم عربی (۳))

۲. لا تحاول، لا فائدة من الفرار!

کوشش مکن، هیچ فایده و سودی در فرار نیست. (قارج از کشور ۸۸)

۳. وقعت في الفخ، فلا إمكان للنجاة!

در دام افتاده پس امکانی برای نجات و رهایی نیست. (قارج از کشور ۸۸)

مناص: گریختن
لا تحاول: تلاش مکن
الفخ: دام

مفهوم اصلی

خارج از کشور ۸۹

«عاب أخاك بالإحسان إليه»

برادرت را با نیکی کردن به او سرزنش کن!

«تمرین اول» درس دوم عربی (۲)

معادلات مفهومی

عاب: سرزنش کن

بدی را بدی سهل باشد جزا / اگر مردی أحسن إلى من أسأ!

(قارج از کشور ۸۹)

مفهوم اصلی

زیان ۹۱، زیان ۸۹

«أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا و هم لا یفتنون»

آیا مردم پنداشتند رها می‌شوند (اگر) بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟

«تمرین سوم» درس هشتم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱. يُعرف إيمان المرء عند الامتحان الإلهي!

ایمان شخص هنگام امتحان الهی شناخته می‌شود! (زبان ۹۷)

۲. آتش کند پدید که عود است یا حطب! (زبان ۹۱)

۳. ز امتحان شود حال هر کسی معلوم! (زبان ۸۹)

۴. حاسبوا أنفسكم في الدنيا قبل أن تُحاسبوا!

خودتان را در دنیا محاسبه کنید، قبل از این‌که مورد محاسبه قرار بگیرید. (زبان ۹۱)

حسب: پنداشت
أن يُتَزَكوا: رها می‌شوند
لا يُفْتَنون: امتحان نمی‌شوند

مفهوم اصلی

خارج از کشور ۸۶

«استخدم القرآن البراهين و الأدلة المتنوعة لتشمل جميع الفئات المختلفة»

قرآن از برهان‌ها و دلایل گوناگون استفاده کرده است تا تمام گروه‌های مختلف را شامل شود.

متن درس سوم عربی (۳)

معادلات مفهومی

معادلات مفهومی:

﴿ و لقد صرفنا في هذا القرآن للناس من كل مثل ﴾

یقیناً در این قرآن از هر مثالی برای مردم زده‌ایم.

(خارج از کشور ۸۶ / متن درس سوم عربی (۳))

لتشمل: تا شامل شود
الفئات: گروه‌ها
صرفنا ... مثل: مثالی زده‌ایم

مفهوم اصلی

خارج از کشور ۹۰

«لن يقترب أحدٌ من الأعداء من رسول الله و الرميضاء لها عرقٌ ينبض!»

احدی از دشمنان به رسول خدا (ص) نزدیک نخواهد شد در حالی‌که رمیضاء رگی دارد که می‌زند.

«کارگاه ترجمه» درس چهارم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱. یار آن بود که مال و تن و جان فدا کند /

لن يقترب: نزدیک نخواهد شد
العرق: رگ

«وما المال والأهلون إلا ودائع / ولا بُدَّ يوماً أن ترد الودائع!»

مال و خاندان فقط امانت‌هایی هستند / و چاره‌ای نیست که امانت‌ها روزی برگردانده شوند.

«تمرین دوم» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

الأهلون: خانواده، خاندان

ودائع: امانت‌ها

تَرَدُّ: برگردانده شود

التحسُّر: حسرت خوردن

مافات: آنچه از دست رفته

■ **عدم الحزن و التحسُّر علی مافات فی هذه الدنيا!**

نداشتن غم و حسرت بر آنچه در این دنیا از دست رفته است.

(هجر ۸۸)

مفهوم اصلی

زبان ۸۷

«تَبَّتْ عَلَى حَفِظِ الْعَهْدِ قَلُوبُنَا!»

دل‌هایمان بر حفظ عهدها ثابت است.

معادلات مفهومی

۱. لا دین لمن لا عهد له!

کسی که عهدی ندارد هیچ دینی ندارد. (زبان ۸۷)

۲. الکریم إذا وعد وفی!

بخشنده هنگامی که وعده می‌دهد وفا می‌کند. (زبان ۸۷)

۳. إنَّ الْوَفَاءَ سَجِيَّةُ الْمُؤْمِنِ!

وفا صفت مؤمن است. (زبان ۸۷)

مفهوم اصلی

زبان ۸۶

«غزاة لئن قتلوا وردنا / فلن يقتلوا الحلم في الياسمين!»

جنگجویان اگرچه گل ما را کشتند (اما) رویا (آرزو) را در گل یاسمن (نسل آینده) نخواهند کشت.

«بیت پنجم» متن درس هفتم عربی (۲)

معادلات مفهومی

■ بقتل شبابنا و أطفالنا لا يستطيع العدو أن يسيطر علينا و
يُخرج الأمل من قلوب جيلنا!
با قتل جوانان و کودکان ما، دشمن نمی‌تواند بر ما سیطره یابد
و آرزو را از قلب‌های نسل ما خارج کند. (زبان ۸۶)

غزاة: جنگجویان
ورد: گل
الخلم: رویا
يسيطر: سیطره یابد
الأمل: آرزو
جيل: نسل

مفهوم اصلی

انسانی ۹۱

«بد اصل گدا، چو خواجه گردد نه نکوست / مغرور شود، نداند از دشمن دوست!»

معادلات مفهومی

■ كل إناء يترشح بما فيه!^(۹۱)

از هر ظرفی آنچه که در آن است تراوش می‌کند! (انسانی ۹۱)

يترشح: تراوش می‌کند

مفهوم اصلی

تجربی ۸۲

«رأيتُ الدهرَ مختلفاً يدور / فلا حزن يدوم و لا سرور»
روزگار را دیدم در حالی که گوناگون می‌گذشت نه غمی پایدار می‌ماند و نه سروری
«حول التحن» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

■ الدهر يومان يوم لك و يوم عليك

روزگار دو روز است روزی برای تو و روزی علیه توست.

(تجربی ۸۳)

الدهر: روزگار
يدور: می‌گذرد
لا ... يدوم: پایدار نمی‌ماند

مفهوم اصلی

انسانی ۸۳

«قيمة الانسان بعقله»

۱ بزرگی به عقل است نه به سال (انسانی ۸۳)

۲ خرد برتر از گوهر آمد پدید (انسانی ۸۳)

۳ ارزش انسان در گرو اندیشه اوست (انسانی ۸۳)

مفهوم اصلی

انسانی ۸۳

«یا ولدی! إن الصدق و الأمانة سجیة الاحرار فالزمهما»

ای فرزندم! راستی و امانت صفت آزادگان است پس به آن دو ملزم باش.

معادلات مفهومی

سجیة: صفت، خصلت

الاحرار: آزادگان

الزم: ملزم باش

■ صفتان حسنتان هما الصداقة و رعاية الأمانة، فتمسك بهما
دو صفت نیک همان راستی و رعایت امانت است پس به آن‌ها تمسک بجوی.
(انسانی ۸۳)

مفهوم اصلی

ریاضی ۸۳

«كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرک»

گویا راضی کردن همه‌ی مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.

«تمرین دوم» درس نهم عربی (۲)

معادلات مفهومی

ارضاء: راضی کردن

غایة: هدفی

لا تُدرک: درک نمی‌شود،

به دست نمی‌آید

■ لا تطلب الحصول على رضي كل الأفراد
به دست آوردن خشنودی همه‌ی افراد را نخواه.
(ریاضی ۸۳)

مفهوم اصلی

زبان ۸۳

«عليكم أن تتخذوا العلماء سراجاً يرشدكم إلى الحق^(۱)»

بر شماست که دانشمندان را چراغی بدانید که شما را به حق هدایت می‌کند.

معادلات مفهومی

■ العلماء سراج للهداية^(۲) دانشمندان چراغی برای هدایت هستند. (زبان ۸۳)

(۱) و (۲) - مفهوم این عبارت‌ها در متن درس نهم عربی (۲) آمده است.

تست‌های مفهوم

۲۴۸ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُوم:

(ریاضی ۹)

۱) متى ما تلق من نهوى دع الدنيا و أهملها! إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حبّ الأمور الدنيوية منه!

۲) ربّ ظمآن بصفو الماء غصّ! لاخير في الأمال التي تضرنا لأنها تهلكنا بعض الأحيان!

۳) البرّ أن تعمل في السرّ عمل العلانية! قلب المؤمن كنوز الأسرار فأعلانها خلاف البرّ!

۴) لاخير في ودّ امرئ مثلون! لافائدة في من تختلف سريرته عن علانيته!

۲۴۹ «قلت في نفسي ... أنظروا! ... أحدثت قطرات الماء الصغيرة ثقباً في الصخرة هل أنت أقل من

(قارج از کشور ۹)

هذه القطرات!». تدلّ العبارة على

۱) الإرادة القوية ۲) حبّ النفس!

۳) الشهامة و الشجاعة ۴) قطرات الماء الصغيرة!

۲۵۰ ﴿و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً﴾ عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُوم: (ریاضی ۹)

۱) رهرو آن نیست که گه تند و گه آهسته رود / رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود!

۲) أغصان الأشجار المثمرة تميل نحو الأرض أكثر!

۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است!

۴) إعجاب المرء بنفسه دليل على ضعف عقله!

۲۵۱ «لن يقترب أحدٌ من الأعداء من رسول الله و الزميصاء لها عرقٌ ينبض!». عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي

(قارج از کشور ۹)

المفهوم:

۱) به نرمی چو حاصل نگردد مراد درشتی ز نرمی در آن حال به!

۲) همت بلنددار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند!

۳) یار آن بود که مال و تن و جان فدا کند تا در سبیل دوست به پایان برد وفا!

۴) زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت کانکه شد کشته‌ی او، نیک سرانجام افتاد!

۲۵۲ «قد يضرُّ الشيء ترجو نفعه / ربّ ظمآن بصفو الماء غصّ!». عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُوم: (ریاضی ۸۹)

۱) ﴿عسى أن تکرهوا شيئاً و هو خير لكم﴾ ۲) ﴿سيجعل الله بعد عسر يسراً﴾

۳) ﴿عسى أن تحبّوا شيئاً و هو شرّ لكم﴾ ۴) ﴿لا تقنطوا من رحمة الله﴾

(قارج از کشور ۸۹)

۲۵۳ «عاب أخاك بالإحسان إليه!». عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُوم:

۱) عتاب دوست خوش باشد ولیکن مر آن را نیز پایانی بپایند!

۲) بدی سازد کرا نیکی نسازد دل دانا به هوش خویش نازد!

۳) بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی أحسن إلى من أساء!

۴) نیکی نبود سزای بدکرداری بد می‌کنی و نیک طمع می‌داری!

٢٥٤ «لا تترك الدنيا بذريعة الحصول على الآخرة». عيّن الخطأ عن مفهوم العبارة: (رياضي ٨٨)

- ١] يكتسب ما في الآخرة بما في هذه الدنيا!
- ٢] يجب أن تكون الدنيا وسيلة لكسب الآخرة!
- ٣] يجب عليك أن تعمل في الدنيا للآخرة!
- ٤] لا تحصل على الآخرة إلا بترك الدنيا!

٢٥٥ ﴿لات حين مناص﴾. عيّن غير المناسب في مفهوم الآية: (فارج از کشور ٨٨)

- ١] الانسحاب عند المصاعب ضعفاً
- ٢] المرة لا ينجو من القدر!
- ٣] لا تحاول، لا فائدة من الفرار!
- ٤] وقعت في الفخ، فلا إمكان للتجاة!

٢٥٦ «قلّما نال مناه من حرص» عيّن الخطأ في مفهوم العبارة: (فارج از کشور ٨٧)

- ١] قد تضرّ الآمال بالإتسان!
- ٢] يبتعد الحريص عن مناه لآنها كثيرة!
- ٣] من حرص ازدادت مطالبه فلا ينالها!
- ٤] ليس الحرص طريقاً للحصول على المنى!

٢٥٧ «تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع» عيّن السؤال المناسب: (رياضي ٨٧)

- ١] متى تنزل الأمطار الكثيرة؟
- ٢] كيف تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع؟
- ٣] هل تحبّين نزول الأمطار الكثيرة؟
- ٤] لماذا تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع؟

٢٥٨ «استخدم القرآن البراهين و الأدلة المتنوعة لتشمل جميع الفئات المختلفة.» عيّن الأقرب إلى

المفهوم: (فارج از کشور ٨٦)

- ١] ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ﴾
- ٢] ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مَعْرُضُونَ﴾
- ٣] ﴿و لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾
- ٤] ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

٢٥٩ «من بادر الصيد مع الفجر قنص!» عيّن الصحيح في المفهوم: (رياضي ٨٦)

- ١] على الصيادين أن يقنصوا في الوقت المعين!
- ٢] يجب علينا أن نبادر بأعمال الخير في أوّل الصباح!
- ٣] الإنسان الذي يقوم بأعماله بدون تأخير فهو الناجح!
- ٤] إن أحسن الأعمال للصيد أن يذهب إلى الصيد عند الفجر!

٢٦٠ «البرز أن تعمل في السرّ عمل العلابية.» الخطأ في المفهوم هو: الاجتناب عن (رياضي ٨٣)

- ١] النفاق
- ٢] الرياء
- ٣] الكبر
- ٤] التلّون

٢٦١ «كأن أرضاء جميع الناس غاية لا تُدرِك» مفهوم العبارة: (رياضي ٨٣)

- ١] العاقل من يعتبر بالتجارب
- ٢] الناس لا يحبون الراضي عن نفسه
- ٣] أترك الحرص تعيش في راحة
- ٤] لا تطلب الحصول على رضي كلّ الافراد

٢٦٢ «من جدّ وجداً.» عيّن الخطأ في المفهوم: (تعميري ٩١)

۲ لا تَسْتَشِرَ الْأَحْمَقَ فِي أُمُورِكَ لِأَنَّهُ يَجْعَلُكَ فِي زِمْرَةِ الْفَاجِرِينَ!

۳ أَكْثَرُ النَّاسِ حُمْقًا مِنْ يَجْعَلُ زِمَامَ أُمُورِهِ بِأَيْدِي الْفَجْرَةِ!

۴ إِنْ أَخَذْنَا الْإِنْسَانَ الْفَاجِرَ الْأَحْمَقَ خَلِيلًا، فَإِنَّا نَعَدُّ مِثْلَهُ!

(تہریں ۸۹)

۲۶۴ عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

۱ ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾: إَعْلَمِ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَرِينَ الْمَادَّةَ!

۲ الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ: إَعْلَمِ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَنِ عَمَلِكَ!

۳ لَا خَيْرَ فِي وِدِّ امْرِئٍ مِثْلُونٍ! عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عِلَانِيَتُهُ وَاحِدَةً!

۴ ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾: مِنْ عَذْبٍ لِسَانِهِ كَثْرَ إِخْوَانِهِ!

(تہریں ۸۸)

۲۶۵ «مَتَى مَا تَلَقَّ مِنْ تَهْوَى دَعِ الدُّنْيَا وَ أَهْمَلْهَا». الْمَقْصُودُ مِنَ الْعِبَارَةِ هُوَ:

۱ عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا. ۲ تَعْظِيمُ شَعَائِرِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا.

۳ تَقْصِيرُ الْأَمَلِ فِي الدُّنْيَا. ۴ عَدَمُ اجْتِمَاعِ حُبِّ اللَّهِ وَ حُبِّ الدُّنْيَا.

(تہریں ۸۷)

۲۶۶ «لَا تَنْتَقِلْ أَصْلِي وَ فَصْلِي أَبَدًا / إِنَّمَا أَسْأَلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ» عَيْنِ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ الْبَيْتِ: (تہریں ۸۷)

۱ ﴿وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ ۲ بِقَدْرِ الْكَدِّ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي!

۳ ﴿كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينًا﴾ ۴ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ!

(تہریں ۸۶)

۲۶۷ «رَبِّ ظِمَانٍ بِصَفْوِ الْمَاءِ عُصْ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

۱ جَمِيعُ الْأَحْيَانِ يَغْضُ الظِّمَانُ بِالْمَاءِ! ۲ مِنْ يَشْعُرُ بِالْغَضِّ قَلْبِشْرَبِ صَفْوِ الْمَاءِ!

۳ لَيْسَ كُلُّ شَيْءٍ نُحِبُّهُ مَفِيدًا لَنَا! ۴ نَرْجُو نَفْعَ كُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ فِيهِ ضَرَرٌ!

(تہریں ۸۴)

۲۶۸ «مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهْرَ اللَّيَالِي!»: عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ:

۱ إِنَّمَا أَسْأَلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ! ۲ لَنْ تَبْلُغَ الْمَجْدَ حَتَّى تَلْعُقَ الصَّبْرًا!

۳ مَنْ يَعْرِفُ الْمَطْلُوبَ يَحْقِرُ مَا بَدَلَ! ۴ إِنْ كُنْتَ تَطْلُبُ عِزًّا فَاجْتَنِبْ سُوءًا!

(تہریں ۸۳)

۲۶۹ رَأَيْتَ الدَّهْرَ مُخْتَلِفًا يَدُورُ / فَلَاخُزْنَ يَدُومُ وَ لَا سُورُ» مَفْهُومِ الْبَيْتِ:

۱ لَيْسَ لَكَ دَوَامٌ فِي الدَّهْرِ ۲ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

۳ اغْتَنِمِ فَرَصَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَزُولُ ۴ الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ

(تہریں ۸۲)

۲۷۰ «بِدِ اصْلِ گَدَا، چو خواجه گردد نه نکوست مغرور شود، نداند از دشمن دوست!» عَيْنِ

(انسانی ۹)

الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

۱ كُلُّ إِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ! ۲ لَا يَصِيرُ الْعَدُوُّ صَدِيقًا بِالتَّعَطُّفِ!

۳ طَارَ الْوَشَاةُ عَلَى صَفَاءِ وَدَادِهِمْ! ۴ مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَلَّ السَّوَاقِيَا!

(انسانی ۹۰)

۲۷۱ «إِنَّ النَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ». عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

۱ لِأَحْبَبْنَا الْإِنْسَانَ التَّمِيمَ، فَإِنَّهُ يُبْعَدُ عَنْكَ أَصْدِقَاءَكَ!

۲ مَا أَقْبَحُ السَّعَايَةِ! فَإِنَّهَا تَنْشُرُ بِذُورِ الْحَقْدِ بَيْنَ النَّاسِ!

۳ مَدَّةُ نَزْدِ خُودِ رَاهِ، بِدِ گَوِی رَا / نِه مَرْدِ سَخْنِ چِینِ دُو رُوِی رَا!

۴ مِیَانِ دُو کَسِ جَنَگِ چُونِ آتَشِ اسْتِ / سَخْنِ چِینِ بِدِ بَخْتِ هِیْزَمِ کَشِ اسْتِ!

۲۷۲ عین غیر المناسب فی المفهوم:

(انسانی ۸۹)

- ۱ من طمع بالكثير لم يحصل على القليل! طمع را نباید که چندان کنی / که صاحب کرم را بشیمان کنی!
- ۲ إن المرء مخبوء تحت لسانه! چو در بسته باشد چه داند کسی / که گوهر فروش است یا پبله ورا
- ۳ ما أكل أحد طعماً قط خيراً من أن يأكل من عمل يده! زیستن نه از بهر خوردن که ذکر کردن است!
- ۴ ترك الذنب أهون من طلب التوبة! علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد!

۲۷۳ ﴿عسى أن تکرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً﴾ عین المناسب لمفهوم الآية: (انسانی ۸۷)

- ۱ ﴿إن مع العسر يسراً﴾ ۲ الخیر فی ما وقع.
- ۳ ﴿عسى الله أن يعفو عنهم﴾ ۴ يقدر الكذب تكتسب المعالي

۲۷۴ ﴿كل نفس بما كسبت رهينة﴾ عین الأقرب إلى مفهوم الآية: (انسانی ۸۶)

- ۱ أيتها النفس! لانتجاة إلا بما كسبت من الثواب فإنه خير زاد!
- ۲ جمال النفس في اكتساب الثواب و ما يسأل عنه!
- ۳ من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعليها!
- ۴ عمل الإنسان رفيقه فاختر له ما يحسنه!

۲۷۵ «يا ولدي! إن الصدق و الأمانة سجية الأحرار فالزئمهما» مفهوم العبارة: (انسانی ۸۳)

- ۱ الكذب و الخيانة ليسا من صفات الاحرار!
- ۲ إن الالتزام بالصدق و الأمانة واجب على الاحرار!
- ۳ صفتان حستان هما الصداقة و رعاية الامانة، فتمسك بهما!
- ۴ اذا أردت أن تكون حراً فانتخب سجية الصادقين و أمانة الأمنين!

۲۷۶ «قيمة الانسان بعقله». عین غیر المناسب للمثل: (انسانی ۸۳)

- ۱ بزرگی به عقل است نه به سال!
- ۲ کم گوی و گزیده گوی چون در!
- ۳ خرد برتر از گوهر آمد پدید!
- ۴ ارزش انسان در گرو اندیشه اوست!

۲۷۷ «طبيب يداوي الناس و هو مريض». عین غیر المناسب للمفهوم: (هنر ۹۱)

- ۱ پندم چه دهی نخست خود را
- ۲ محکم کمری ز پند در بندا
- ۳ درد در عالم ار فراوان است
- ۴ هر یکی را هزار درمان است!
- ۵ پزشکی که باشد به تن دردمند
- ۶ ز بیمار چون بازدارد گزند!
- ۷ پزشکی که خود باشدش زردروی
- ۸ از او داروی سرخروئی مجوی!

۲۷۸ عین الخطأ فی المفهوم: (هنر ۹۰)

- ۱ إنما الدنيا خیال عارض! دنیا را هر طور بگیری می گذرد!
- ۲ و المرء بالجبن لا ینجو من القدر! با قضا سود کی کند حذرت!

٢ عدم الغفلة عن الذي نُحِبُّه في جميع الأحوال و الأوضاع

٣ من يُحِبُّ المطلوب يحقر ما كان غيرها

٤ ترك الدنيا و ما فيها إذا لا تُريد الحصول على العقبى!

٢٨٥ «و ما المال و الأهلون إلا ودائع / و لا بُدَّ يوماً أن تُردَّ الودائع». عَيَّن الأقرب إلى المفهوم: (هنر ٨٨)

١ طلب المال بالكفاف و الاهتمام بالأهلين!

٢ التشجيع على أداء الوديعة و الأمانة إلى صاحبهما!

٣ ترك المال و الثروة و الأهلين لهذه الدنيا!

٤ عدم الحزن و التحسّر على ما فات في هذه الدنيا!

٢٨١ «لاتترك الدنيا بذريعة الحصول على الآخرة». الصحيح عن مفهوم العبارة: (هنر ٨٧)

١ الحصول على الآخرة ذريعة مفيدة للإنسان.

٢ مفتاح الوصول إلى الآخرة في الدنيا.

٣ لاتحصل على الآخرة إلا بترك الدنيا.

٤ ترك الدنيا مقدّمة لترك الآخرة.

٢٨٢ «و اترك الحرص تعش في راحة / قلّما نال مناه من حرص» عَيَّن الخطأ في مفهوم البيت: (هنر ٨٦)

١ الحرص لايسبب حياة أفضل! ٢ الحرص مفتاح السوء، يجعل صاحبه قلقاً!

٣ الحرص لا يغيّر الرزق المقسوم! ٤ الحرص مناه قليلة، فلاتكن حريصاً!

٢٨٣ ﴿كلّ نفس بما كسبت رهينة﴾ الصحيح في مفهوم العبارة: (هنر ٨٤)

١ الأمر الذي ينجينا هو العمل! ٢ كلّ إنسان مسؤول عن عمله!

٣ كلّ ما كسبنا من الخيرات فلأنفسنا! ٤ الإنسان حافظ ما يجمع من الأعمال!

٢٨٤ «مَن طلب العلى سهر الليالي» مفهوم العبارة: (هنر ٨٣)

١ للحصول على العلوّ يجب الكدّ و العناء في الليل فقط!

٢ اكتساب الدرجات العالية إنّما هو بقدر الكدّ!

٣ ثمرة السهر في الليل اكتساب الدرجات في الآخرة!

٤ لا يمكن الوصول إلى العزّة إلا بالابتعاد عن النوم!

٢٨٥ ﴿أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمناً وهم لا يفتنون﴾ عَيَّن غير المناسب في المفهوم: (زيان ٩١)

١ أتش كند پديد كه عود است يا حطبا! ٢ حاسبوا أنفسكم في الدنيا قبل أن تُحاسبوا!

٣ بر امتحان كردن ضروري مترتب نشود! ٤ يُعرف إيمان المرء عند الامتحان الإلهي!

۲۸۶ «في الجبن عازٍ و في الإقدام مكرمة / و المرء بالجبن لا ينجو من القدر!» عَيْنُ غيرِ المناسبِ

(زبان ۹۰)

في المفهوم:

۱ با قضا کارزار نتوان کرد!

۲ چون قضا آید چه سود از احتیاط!

۳ مگر نگه‌دار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد!

۴ ز دشمن کی حذر جوید هنرجوی؟! ز دریا کی بیرهی‌زد گهرجوی؟! (زبان ۸۹)

۲۸۷ «أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمناً و هم لا يفتنون». عَيْنُ المناسبِ في المفهوم: (زبان ۸۹)

۱ ز امتحان شود حال هر کسی معلوم!

۲ تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد!

۳ چه حاجت است عیان را به استماع بیان!

۴ روان را رنج بیهوده نمایی / که چندین آزموده آزمایی!

۲۸۸ ﴿و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك﴾. عَيْنُ الأُقربِ إلى مفهوم الآية الكريمة: (زبان ۸۸)

۱ النَّاسُ لَا يُجِبُّونَ الرَّاضِيَ عَنِ نَفْسِهِ.

۲ الإبتعاد عن الإفراط و التفریط في مداراة الناس.

۳ كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تَدْرُكُ.

۴ الإبتعاد عن الأخلاق السيئة عند مواجهة الناس.

۲۸۹ «تَبَّتْ عَلَى حَفْظِ الْعَهْدِ قُلُوبُنَا!» عَيْنُ غيرِ المناسبِ في المفهوم: (زبان ۸۷)

۱ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهَا ۲ الكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى!

۳ إِنَّ الْوَفَاءَ سَجِيَّةُ الْمُؤْمِنِ! ۴ مِنْ وَعَدِكَ فَقَدْ شَعَلْنَا

۲۹۰ «غزاة لئن قتلوا وردنا / فلن يقتلوا الحلم في الياسمين!» المقصود من البيت: (زبان ۸۶)

۱ بِالْهَذْمِ وَ التَّخْرِيبِ لَا يَقْدِرُ الْعَدُوُّ أَنْ يَغْصِبَ مَدِينَنَا وَ حَدَائِقَنَا!

۲ الْأَمْهَاتُ بِمَوْتِ أَزْوَاجِهِنَّ لَا يَتَعَبْنَ وَ لَا يَتْرُكْنَ الصَّبْرَ وَ الْإِسْتِقَامَةَ

۳ إِنْ قَامَ الْعَدُوُّ بِقَتْلِ أَعْرَانِنَا فَلَنْ يَقْدِرَ عَلَى إِدْخَالِ حَالَةِ الْأَمْنِ وَ السَّلَامِ فِي قُلُوبِ شِعْبِنَا

۴ بِقَتْلِ شِبَابِنَا وَ أَطْفَالِنَا لَا يَسْتَطِيعُ الْعَدُوُّ أَنْ يَسْطِرَّ عَلَيْنَا وَ يُخْرِجَ الْأَمَلَ مِنْ قُلُوبِ جَيْلِنَا

۲۹۱ «رَبِّ ظَمآنٍ بَصَفِ الْمَاءِ غَضٌّ» المفهوم الصحيح للعبارة: (زبان ۸۴)

۱ الْعَطْشَانُ يَمُوتُ بِسَبَبِ حَرْزِهِ لِاعْطَشِهِ!

۲ عَسَى أَنْ تُحْبِتُوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ!

۳ الْمَاءُ الْخَالِصُ يَسَبِّبُ صَفَاءَ أَكْبَادِنَا وَ رَفَعَ أَحْرَانِنَا!

۴ فِي الْعَطْشَانِ إِضَافَةٌ إِلَى الْعَطْشِ الْغَضَّةُ وَ الْكَأْبَةُ!

۲۹۲ «عليكم أن تتخذوا العلماء سراجاً يُرشدكم إلى الحق!» مفهوم العبارة: (زبان ۸۳)

پاسخنامه‌ی تشریحی

ترجمه

تعریب

چهارتایی‌ها

مفهوم

ترجمه، تعریب، چهارتایی‌ها و مفهوم

پاسخنامه

- ۱ ۳ «لا» در صورت سؤال لای نفی جنس است و باید با «هیچ» ترجمه شود، «لا فائدة له: هیچ فایده‌ای نداشته باشد». در ضمن «ترساند» در گزینه‌ی (۲) به صورت فعلی و نادرست ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۲ ۳ عبارت «ظواهرها الخلابة» یک ترکیب وصفی اضافی است و ترجمه‌ی صحیح آن به صورت «ظواهر دلربای آن» می‌باشد [رد سایر گزینه‌ها]
- ۳ ۱ ضمیر متصل «ی» در کلمه‌ی «صدیقاتی» حتماً باید ترجمه شود، یعنی: «دوستانم» [رد سایر گزینه‌ها]
- ۴ ۲ «نظریات» جمع و نکره است و به صورت «نظریاتی» صحیح است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)].
«أخذتني» فعل ماضی و «ی» مفعول به آن است که ترجمه‌ی آن به صورت «مرا فراگرفت» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۳) و (۴)]
- ۵ ۴ «أموره» به صورت «امور او» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۶ ۳ ضمیر «ربهم» باید ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۴)]. «یندمون» فعل مضارع است. بنابراین باید مضارع ترجمه شود یعنی «پشیمان می‌شوند» ضمناً در گزینه‌ی (۲) ترجمه‌ی «من المؤمنین» نیامده و در گزینه‌ی (۱) نیز «آن» اضافی است و فعل‌ها درست ترجمه نشده‌اند.
- ۷ ۱ «أرواحنا» و «أبداننا» جمع است و ضمیر هم دارد و باید درست ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]. «حیاتنا» در گزینه‌ی (۳) ترجمه نشده است. [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۸ ۴ «مفاتیح» جمع است و باید به صورت جمع نیز ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۹ ۱ «یستفد» فعل است اما در گزینه‌ی (۴) «استفاده» به صورت اسم ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۴)]. «امراض المختلفة» معرّفه است و به صورت «بیماری‌های مختلف» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۳)]. «اللازم» معرّفه و بدون ضمیر متصل است ولی در گزینه‌ی (۲) به همراه ضمیر متصل آمده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)]
- ۱۰ ۲ «رزقاً» نکره است و باید به صورت نکره ترجمه شود، «رزق انسان»، «روزی» و «روزی انسان» همگی معرّفه است و نادرست ترجمه شده است.
- ۱۱ ۲ «كنت أعرف» ماضی استمراری است یعنی «می‌شناختم» [رد سایر گزینه‌ها]
- ۱۲ ۳ «تعانی» مضارع است اما ترجمه‌ی آن به صورت ماضی «در عذاب بوده‌اند» و به صورت اسمیه یعنی «در زحمت هستند» نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)] «المجتمعات البشريّة» موصوف و صفت است و به صورت «جوامع بشری» صحیح می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۱)]
- ۱۳ ۲ «كان ... يهاجرون» معادل ماضی استمراری است و باید همین‌گونه ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۱۴ ۲ «حركاتنا» به صورت «حرکتمان» یا «حرکت خویش» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)].

«قد عانا» ماضی و مثنی است و «رنج کشیدماند» ترجمه می‌شود. [رد گزینہی (۳)]

۱۷ ۱ فعل ماضی «انکسر» پس از «إذا» مضارع ترجمه می‌شود. [رد گزینہهای (۲) و (۳)]. «باسم»

یعنی «به نام» [رد گزینہی (۴)]

۱۸ ۴ «شمس الصحراء» مضاف و مضاف‌الیه است به معنای «خورشید صحرا» و «کانت ... محرقه» به

معنای «سوزان بود» می‌باشد. [رد سایر گزینہها] در ضمن «یواصلون» به معنای «ادامه می‌دادند» است.

۱۹ ۴ «قد هیتاً» به صورت ماضی ساده یا نقلی ترجمه می‌شود یعنی «آماده کردند» یا «آماده کرده‌اند»

[رد گزینہی (۱)] زیرا فعل، ماضی بعید ترجمه شده است و [رد گزینہهای (۲) و (۳)] زیرا فعل، به صورت

مصدری ترجمه شده است.

۲۰ ۱ «نستشیر العقلاء» یعنی «با خردمندان مشورت می‌کنیم» [رد سایر گزینہها]

۲۱ ۲ «ثقافة الأجانب» یعنی «فرهنگ بیگانگان» [رد سایر گزینہها]

۲۲ ۲ در گزینہی (۱)، «آن‌ها» اضافی است. [رد گزینہی (۱)]. «أيام الشيب» به معنای «زمان پیری»

می‌باشد. [رد گزینہهای (۳) و (۴)]

۲۳ ۱ «انزعجت» فعل ماضی صیغہی متکلم وحده و به صورت «ناراحت شدم» صحیح است. [رد سایر گزینہها]

۲۴ ۱ «أن تؤثر» فعل مضارع منصوب است و به صورت مضارع التزامی «تأثیر بگذارَد» ترجمه می‌شود.

[رد سایر گزینہها]

۲۵ ۲ «حقیقة الامر» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است که به صورت «حقیقت امر» ترجمه

می‌شود. [رد سایر گزینہها]، «کائنات» نیز جمع است و باید جمع ترجمه شود.

۲۶ ۴ «لا تشعر» فعل مضارع منفی است و ترجمه‌ی آن به صورت «احساس نمی‌کنی» صحیح می‌باشد

[رد سایر گزینہها]

۲۷ ۳ در عبارت، «کتنا نسافر» ماضی استمراری است و باید استمراری معنا شود، یعنی «مسافرت

می‌کردیم» [رد سایر گزینہها]

۲۸ ۴ «صعوبات» جمع است و باید جمع ترجمه شود. [رد گزینہهای (۲) و (۳)]. «أفضل» به معنای

«بهترین» مبتدأ است و باید در آغاز جمله بیاید. [رد گزینہی (۱)]

۲۹ ۲ «كلامك» یعنی «سخن خود» و ضمیر در هیچ‌کدام از گزینہها ترجمه نشده است. [رد سایر گزینہها]

۳۰ ۴ «امور حياتك» یعنی «کارهای زندگی‌ات» هم جمع است و هم ضمیر دارد. [رد گزینہهای (۱) و

(۲)]. «أمر» نکره است و به صورت «امری» ترجمه می‌شود. [رد گزینہی (۳)]

۳۱ ۲ «مصباح» نکره است و نباید معرفه ظاهر شود. [رد گزینہی (۴)]. «یهدیکم» یعنی «شما را

هدایت می‌کند» [رد گزینہهای (۱) و (۳)]

۳۲ ۱ «لیتعلم» یعنی «که علم بیاموزد» و ترجمه‌ی آن به صورت مصدری صحیح نیست. [رد سایر گزینہها]

۳۳ ۴ همان‌طور که گفتیم «اتما» در این‌جا بر سر «الذین» به‌صورت «فقط» ظاهر می‌شود یعنی «... فقط کسانی ...» [رد سایر گزینه‌ها]

۳۴ ۳ «عینتی» یعنی «چشمان من» [رد گزینه‌ی (۲)]، «دموع» جمع است؛ یعنی «اشک‌ها» [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۳۵ ۳ «الانسان الساعی» موصوف و صفت است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]، «دائماً» در عبارت معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]

۳۶ ۱ ضمیر «ما» در «پروردگار ما» در گزینه‌ی (۴) در عبارت اصلی معادل ندارد [رد گزینه‌ی (۴)]، «نحو الرشید» باید به‌صورت «به سوی رشد» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]، در ضمن «الینعم» جمع است که در گزینه‌ی (۲) به اشتباه مفرد «نعمت» ترجمه شده است.

۳۷ ۱ «الأفکار الرائعة» یعنی «افکار دل‌انگیز» [رد سایر گزینه‌ها] در ضمن هرگاه قبل از «الآ» جمله منفی باشد، صحیح‌تر آن است که جمله را مثبت ترجمه کرده و به جای «الآ»، «فقط» بگذاریم.

۳۸ ۱ «کان یؤکد» معادل ماضی استمراری یعنی «تأکید می‌کرد» می‌باشد [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]، ضمناً ضمیر «دختر و پسران» در گزینه‌ی (۳) در صورت سؤال معادل ندارد. «پسران و دختران» در گزینه‌ی (۴) به صورت جمع و نادرست است، زیرا این‌جا به قرینه‌ی یک جمع دیگر، مفرد ترجمه می‌شوند. [رد گزینه‌ی (۴)]

۳۹ ۳ «قد خَلَّتْ» معادل ماضی نقلی مجهول یعنی «جلودانی شده است» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۴۰ ۱ «إن کانت» فعل مضارع التزامی و ترجمه‌ی آن به‌صورت «باشند» صحیح است [رد سایر گزینه‌ها]

۴۱ ۲ «لم تضع» فع مضارع مجزوم است که ترجمه‌ی آن به‌صورت ماضی منفی یعنی «قرار ندادی»

صحیح است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]، «الذی» موصول خاص است که پس از اسم «ال» دار به‌صورت «که» باید ترجمه شود و ترجمه‌ی «الکتاب الذی» به‌صورت «کتابی را که» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۴)]

۴۲ ۴ فعل «کانت ألحّت» ماضی بعید و ترجمه‌ی آن به‌صورت «اصرار کرده بود» صحیح است. [رد

سایر گزینه‌ها]

۴۳ ۳ «مطلوب» مفرد است و نباید به‌صورت جمع ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۱)]، ترجمه‌ی «کلّ

الامور» به‌صورت «تمام امور» صحیح است و در گزینه‌ی (۲) معادل مناسبی برای آن وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)]، کلمه‌ی «آرزوی» در گزینه‌ی (۴) اضافی ترجمه شده و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]

۴۴ ۳ «أهل القرآن» به‌صورت «أهل قرآن» صحیح می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۴۵ ۳ «سنترکهم» یعنی «ترکشان خواهیم گفت» یا «آن‌ها را ترک خواهیم گفت» [رد گزینه‌های (۱) و

(۴)]، در گزینه‌ی (۲) «فقط» در ابتدای عبارت معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)]

۴۹ ۱ «معلمتین» حال مفرد است و «با اطمینان» ترجمه می‌شود. [ردگزینه‌های (۲) و (۴)]. معادل

«فقط» در عبارت اصلی وجود ندارد. [ردگزینه‌ی (۳)]

۵۰ ۱ «أصْبَحْنَا» به معنای «می‌شویم» می‌باشد. [ردسایرگزینه‌ها] ضمناً «في الشَّيْبِ» یعنی «در جوانی».

۵۱ ۲ در «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ» فعل «يُؤَكِّدُ» مجهول و مضارع است و به صورت «در قرآن تأکید می‌شود»

ترجمه می‌شود. [ردسایرگزینه‌ها]

۵۲ ۳ «تَنْكُرُونَ» مضارع و لازم است یعنی «تشکیل می‌شود» [ردسایرگزینه‌ها] در ضمن حرف «لِ»

در عبارت «لِلْأَيَّامِ» معنای «دارد» می‌دهد.

۵۳ ۱ «قَدْ تَزَيَّنْتَ» ماضی است و نباید مضارع ترجمه شود. [ردگزینه‌های (۳) و (۴)]. «لَمَّا نَظَرَ»

یعنی «هنگامی که می‌نگریم» [ردگزینه‌ی (۲)]

نکته: به کاربرد «لَمَّا» دقت کنید:

بر سر ماضی ← هنگامی که، لَمَّا ذَهَبَ ...

لَمَّا } بر سر مضارع } ۱- ادات جزم است؛ منفی ماضی نقلی؛ لَمَّا يَذْهَبُ: هنوز نرفته است.

۲- ادات جزم نیست؛ هنگامی که؛ لَمَّا يَذْهَبُ ...

۵۴ ۲ «لَنْ أُنْذِمَ» یعنی «پشیمان نخواهم شد» [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]. «أَبْدَأُ» یعنی «هیچ‌گاه» [رد

گزینه‌ی (۳)]^(۱)

۵۵ ۱ «لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانُ» یعنی «انسان باید بداند» [ردسایرگزینه‌ها]

۵۶ ۲ «كَانَ ... لَا يَدْعُ» معادل ماضی استمراری و به معنای «ترک نمی‌کرد» می‌باشد. [ردسایرگزینه‌ها]

۵۷ ۳ در گزینه‌ی (۱) معادل «أَلَا» وجود ندارد. [ردگزینه‌ی (۱)] در گزینه‌ی (۲) «مردمان کوشا»

نباید به صورت موصوف و صفت ظاهر شود، زیرا در عبارت اصلی این‌طور نیامده است. [ردگزینه‌ی (۲)].

«حیاتهم» به معنای «زندگی خود» یا «زندگی خویش» صحیح می‌باشد. [ردگزینه‌ی (۴)]

۵۸ ۴ «كَانَ ... يَطَّلُونَ أَنْتَ...» معادل ماضی استمراری به معنای «تصور می‌کردند که» می‌باشد. [ردسایر

گزینه‌ها] البته سایر گزینه‌ها خطاهای دیگری نیز دارند.

۵۹ ۴ «مَنْ يَجَالِسُونَ الْعُلَمَاءَ^(۲)» یعنی «کسانی که با دانشمندان هم‌نشینی می‌کنند» و «عَاشِرٌ» به

معنای «معاشرت کن» می‌باشد.

۶۰ ۲ «مَا لَا يَطِيقُونَهُ» یعنی «آن‌چه را که تحمل آن را ندارند».

۶۱ ۲ «تَقَدَّمَ الْمُسْلِمِينَ الْعِلْمِيَّ» یعنی «پیشرفت علمی مسلمانان».

۱- در ترجمه‌ی گزینه‌ی (۲) نیز اشتباهاتی وجود دارد و جمله‌ی اول عبارت به‌درستی ترجمه نشده است ولی از آن‌جا که باید صحیح‌ترین گزینه را انتخاب کنیم به‌ناچار کم غلط‌ترین گزینه یعنی گزینه‌ی (۲) انتخاب می‌شود.

۲- «مَنْ» موصول عام است و برای مفرد و مثنی و جمع به‌کار می‌رود.

- ۶۲ ۴ توجه: فعل‌های ثلاثی مزید که به باب افعال می‌روند متعدی می‌شوند:
 حَدَّثَ: ایجاد شد قَبَّضَ: ثابت شد أَحَدَّثَ: ایجاد کرد أَثَبَّتَ: ثابت کرد
 دقت کنید در ترجمه، مضاف و مضاف‌الیه‌هایی را که پشت سرهم آمده‌اند به‌خوبی ترجمه کنید:
 أسلوب تعلمنا: شیوه‌ی یادگیری ما
- ۶۳ ۳ «أخذنا»، «ابتدعنا» و «لم ننعصب» همگی معنای فعل ماضی ساده، دارند.
- ۶۴ ۱ «لینحارب» فعل امر متکلم مع‌الغیر است که به‌صورت مضارع التزامی به همراه «باید» ترجمه می‌شود: «باید بجنگیم» [رد سایر گزینه‌ها]
- ۶۵ ۲ «لا» در عبارت «لا دوام» لای نفی جنس است و به‌صورت «هیچ دوامی ندارد» صحیح است.
 [رد سایر گزینه‌ها]
- ۶۶ ۳ «حیاته المحقره» یک ترکیب وصفی اضافی است و به‌صورت «زندگی حقیرانه‌ی خود» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۶۷ ۲ «مقالات المجلات الطبّیة» به‌صورت «مقالات مجلات پزشکی» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۶۸ ۲ «شعرت» یعنی «احساس کردم» [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]، «یقهقهة» مضارع است و باید مضارع ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۴)]
- ۶۹ ۴ «کثرنهم» در ابتدا و انتهای عبارت، فقط در گزینه‌ی (۴) درست ترجمه شده است.
 «بسیار بودن تعداد آن‌ها» و «بسیار بودن تعدادشان» [رد سایر گزینه‌ها]
- ۷۰ ۱ «قد تعلّمت» ماضی نقلی و متکلم وحده است و نباید جمع غایب معنا شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]، «أحد» مفرد است و نباید جمع ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۷۱ ۴ «أنظر» یعنی «نگاه می‌کنم» و مضارع است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]، «النعم» جمع است.
 [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۷۲ ۳ معادل «الأغلب» در گزینه‌ی (۲) وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] «الحق» اسم آن است و خبر آن جار و مجرور «فیما» (در چیزی است که) و این روال باید در ترجمه رعایت شود. یعنی «حق در آن چیزی است که ...».
- ۷۳ ۲ عبارت «الموادّ المختلفة الموجودة المفيدة في العسل» در ابتدای عبارت فقط در گزینه‌ی (۲) به‌صورت صحیح آمده است.
- ۷۴ ۳ «تمدن اسلام» در گزینه‌ی (۱) باید به‌صورت «تمدن اسلامی» بیاید. [رد گزینه‌ی (۱)]، هیچ‌کدام از فعل‌های عبارت نباید ماضی بعید باشد [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
- توجه: دقت کنید «بلاد» هرچند به معنای سرزمین‌هاست اصطلاحاً مفرد و به معنای «کشور» به‌کار می‌رود.
- ۷۵ ۱ «ما استطاعوا أن ...» یعنی «نتوانستند آتش را خاموش کنند» [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]، «وقتی» در عبارت گزینه‌ی (۴) اضافی است. [رد گزینه‌ی (۴)]

گزینه‌های (۱) و (۳)، در گزینه‌ی (۲) «زمینه‌ی توسعه‌ی انسانی» در عبارت اصلی معادل ندارد. [ردگزینه‌ی (۲)]

۸۰ ۱ «امتلاك الأموال الكثيرة» یعنی «داشتن یا مالکیت اموال بسیار» یعنی باید معرفه ترجمه شود.

[ردگزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)]

۸۱ ۳ در گزینه‌ی (۱) «معلم‌های ما» نادرست است. در گزینه‌های (۲) و (۴) معادل «کَلْبَن» وجود ندارد.

۸۲ ۲ «من المبتكرين في العلوم» یعنی «از مبتکران در علوم» و «استفاد الأخرين» یعنی «دیگران

استفاده کردند» و «منهم» یعنی «از آنان».

۸۳ ۴ «لا يُعمل به» به صورت مجهول یعنی «به کار نیاید» ترجمه می شود.

۸۴ ۲ در تمام گزینه‌ها به جز گزینه‌ی (۲) «التعم: نعمت‌ها» را به همراه صفت (کثیری، الهی) ترجمه

نموده که نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها]

۸۵ ۲ «مرارة» مفرد است و باید مفرد ترجمه شود. [ردگزینه‌های (۳) و (۴)]، «یواجهون» فعل مضارع

و ترجمه‌ی آن به صورت «مواجه می شوند» صحیح است. [ردگزینه‌ی (۱)]

۸۶ ۳ «أن تبدأ» فعل مضارع منصوب است و به صورت مضارع التزامی «ببردازی» ترجمه می شود.

[رد سایر گزینه‌ها]

۸۷ ۴ «تفحصنا» فعل ماضی در صیغه‌ی متکلم مع الغیر است و ترجمه آن به صورت «جا باز کردیم»

صحیح است. [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]، «مكان» در عبارت «مکاننا» معرفه به اضافه است پس باید

به صورت معرفه نیز ترجمه شود ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت نکره «جایی» ترجمه شده و نادرست

است. [ردگزینه‌های (۱) و (۲)]

۸۸ ۴ «أأخذ» فعل ماضی است و فقط در گزینه‌ی (۴) «به کار گرفته» به درستی ترجمه شده است. در سایر

گزینه‌ها عبارت‌ها فعل‌های مضارع دارند. «أسالیب مختلفة» نیز باید جمع و نکره ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۸۹ ۳ «نوره» به صورت «نور خود» یا «نور آن» صحیح است. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]، «يشبه» یعنی

«شبه هستند» [ردگزینه‌ی (۲)]

۹۰ ۳ «علی الانسان» معادل «انسان باید» یا «بر انسان واجب است» می باشد. [ردگزینه‌های (۱) و

(۲)]، «يستعینه» یعنی «از او یاری می طلبد» و معادل «حينما» در گزینه‌ی (۴) نیست. [ردگزینه‌ی (۴)]

۹۱ ۲ «هؤلاء» در این جا جمع معنا می شود [ردگزینه‌های (۳) و (۴)]، «أشعار» نکره است و ضمیر

ندارد. [ردگزینه‌ی (۱)]

۹۲ ۴ «تُرسل» مجهول است و باید مجهول ترجمه شود [ردگزینه‌ی (۱)]، در گزینه‌ی (۲) این فعل به

صورت مصدری و نادرست ذکر شده است. «تصطدم» مضارع است. [ردگزینه‌ی (۴)]

۹۳ ۴ «منيتك» یعنی «آرزوی تو» [ردگزینه‌ی (۱)]، «حولك» یعنی «اطرافت» [ردگزینه‌ی (۲)]،

«لا تكن» فعل نهی است. [ردگزینه‌ی (۳)]

۹۴ ۲ بعد از «إِذَا» ماضی یعنی «ظننت» مضارع ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌ی (۳)]. «تستطیع» مخاطب است و نباید غایب معنا شود. [رد گزینه‌ی (۱)]. در گزینه‌ی (۴) «توانایی آن را داری» معادل نامناسبی برای «تستطیع» است. [رد گزینه‌ی (۴)]

۹۵ ۴ «اعتبر» ماضی است ولی پس از «إِذَا» مضارع ترجمه می‌شود و به همراه ضمیر «ه» «آن را می‌شمارد» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۹۶ ۲ «الانسانية» به صورت «انسانی» یعنی وصفی باید ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۱)] «لا شك» معادل «بی‌تردید» است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۹۷ ۲ «قلبه» به صورت «قلبش» صحیح است. [رد گزینه‌ی (۱)]. «أرفع العباد درجة» به صورت «بلند مرتبه‌ترین بندگان» صحیح است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۹۸ ۱ «واجهت» یعنی «مواجه شدم» یا «برخورد کردم» [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]. «حياتي» یعنی «زندگیم». [رد گزینه‌ی (۴)]

۹۹ ۱ «بعض الشعوب» یعنی «بعضی ملت‌ها» یا «برخی ملل» [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]. «إن» یعنی «اگر» [رد گزینه‌ی (۳)]

۱۰۰ ۴ «لم يسمح» یعنی «اجازه نداده است». [رد سایر گزینه‌ها]

۱۰۱ ۳ «نعمه» جمع است و باید جمع ترجمه شود. «لیسوا محرومین» یعنی «محروم نیستند» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۰۲ ۲ «كأنت قد طرحت» معادل ماضی بعید و به معنای «مطرح شده بود» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۰۳ ۳ «من» در وسط عبارت موصول است و به معنای «کسانی‌که» [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]. فعل «ینفقون» و «لا یعرفون» در گزینه‌ی (۴) نادرست ترجمه شده‌اند. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۱۰۴ ۲ «قدرته العظيمة» یعنی «نیروی عظیم خود» [رد سایر گزینه‌ها]. «نیروی عظیم» و «نیروهای زیاد خویش» و «نیروهای بزرگ خود» در سایر گزینه‌ها نادرست هستند. البته سایر گزینه‌ها خطاهای دیگری هم دارند.

۱۰۵ ۴ «أصبحت» به معنای «گردیدی» یا «شدی» می‌باشد. «قائداً» نکره است و باید به صورت «رهبری» یا «یک رهبر» ترجمه شود.

۱۰۶ ۳ «قد وقّرت» به معنای «فراهم ساخته‌اند» می‌باشد. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]. «الحيوان» مفرد ترجمه می‌شود نه جمع. [رد گزینه‌ی (۱)]

۱۰۷ ۱ «بأيديهم» به معنای «دستانشان» یا «دستان خویش» و «لعل» به معنای «شاید» یا «امید است» می‌باشد. خبر «لبت» و «لعل» اگر مضارع باشد، معمولاً در زبان فارسی به صورت مضارع التزامی

معنا می‌شود: لَعَلَّكَ تَذَهَّبَ إِلَيْهِمْ : امید است به خانه‌ام باز .

۱۱۰ ۳ «نادیت» فعل ماضی ساده و مستقیم و ... «نادیت» فعل ماضی ساده و مستقیم و ...

۱۱۱ ۴ «الاجتهاد» در صورت سؤال بدون ضمیر متصل آمده پس بدون ضمیر نیز باید ترجمه شود ولی

در تمام گزینه‌ها به غیر از گزینه‌ی (۴) به همراه ضمیر ترجمه شده و نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۱۲ ۳ «ستسب» فعل مستقبل است و ترجمه آن به صورت «سبب خواهد شد» صحیح است. [رد

سایر گزینه‌ها]

۱۱۳ ۱ «فرصة» اسم نکره است و «کل» به آن اضافه شده و به صورت «هر فرصتی» ترجمه می‌شود.

[رد گزینه‌های (۳) و (۴)]، «لیشجعوا» مضارع منصوب و به صورت التزامی ترجمه می‌شود. «تا تشویق

کنند». [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۱۱۴ ۲ «یسمعون» مضارع مرفوع و به صورت مضارع اخباری «می‌شنوند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۱۵ ۴ فعل‌های عبارت، ماضی است و مضارع ندارد. بنابراین «می‌بینم»، «می‌شوم» و «تلاش

می‌کنند» در گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست ترجمه شده‌اند. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

«تکالیف» باید به همراه ضمیر ترجمه شود که در گزینه‌ی (۳) چنین نیست. [رد گزینه‌ی (۳)]

۱۱۶ ۲ «هناك» در این جا به معنای «وجود دارد» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]، البته سایر گزینه‌ها

خطاهای دیگری هم دارند.

۱۱۷ ۳ «الأفضل للطالب» یعنی «بهتر برای دانش‌آموز». [رد سایر گزینه‌ها]

۱۱۸ ۲ معادل «الآ» یعنی «فقط» در عبارت گزینه‌های (۱) و (۳) وجود ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و

(۳)]، «مرة واحدة» یعنی «یکبار» [رد گزینه‌ی (۴)]

۱۱۹ ۴ «یری» مضارع است. [رد گزینه‌ی (۱)]، «نشهد علیه» یعنی «علیه او شهادت می‌دهند» [رد

گزینه‌ی (۲)]، «اعماله السيئة» یعنی «کارهای بد او» یا «کارهای بدش» [رد گزینه‌ی (۳)]

۱۲۰ ۲ «ضرورته» ضمیر دارد و باید این ضمیر ترجمه شود. در گزینه‌های (۱) و (۴) «نیاز» و در

گزینه‌ی (۳) «ضرورت» ضمیر ندارد. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۲۱ ۳ «میزات» جمع است و «ویزگی‌ها» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)]

۱۲۲ ۱ «قطرات الماء الصغيرة» به صورت «قطرات کوچک آب» صحیح است. [رد گزینه‌های (۲) و

(۴)]، فعل گزینه‌ی (۳) به نادرست مضارع ترجمه شده است.

۱۲۳ ۲ «أسباب» جمع است و باید جمع ترجمه شود و نیز «كان» یعنی «بود». [رد سایر گزینه‌ها]

۱۲۴ ۲ «قد أحدثت» ماضی نقلی است و نباید مضارع و ماضی استمراری ترجمه شود. [رد گزینه‌های

(۱) و (۳)]، «ظاهرة» یعنی «پدیده» [رد گزینه‌ی (۴)]

۱۲۵ ۲ «تقدّم» یعنی «پیشروی کرد» [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]، «قریب» یعنی «نزدیک»

[رد گزینه‌ی (۱)]

۱۲۶ ۱ «نعمته» به معنای «نعمت خود» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]. در گزینه‌های (۲) و (۳) ضمیر «ه» ترجمه نشده است و در گزینه‌ی (۴) «نعمته» جمع ترجمه شده است و این نادرست است. (سایر گزینه‌ها خطاهای دیگری هم دارند)

۱۲۷ ۲ در گزینه‌ی (۱) «قوانین» باید به صورت جمع ترجمه شود، در گزینه‌ی (۳) «حول الأرض» و «کانت» ترجمه نشده‌اند و در گزینه‌ی (۴) «ثابت می‌کند» در عبارت اصلی معادل ندارد.

۱۲۸ ۱ «نماذج مثالیة» به معنای «الگوهای والا» می‌باشند، یعنی باید به صورت جمع و نکره ظاهر شود. [رد سایر گزینه‌ها]. هم‌چنین «من» در این جا شرطیه و به معنای «هرکس» می‌باشد.

۱۲۹ ۲ گفتیم در زبان عربی برای مفهوم «داشتن» فعل خاصی وجود ندارد، بلکه برای بیان آن معمولاً از حرف «لـ» یا اسم «عند» استفاده می‌شود:

عندنا دواء؛ دوايي داريم لي دواء؛ دوايي دارم

«أخطر الأمراض» به معنای «خطرناک‌ترین بیماری‌ها» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۰ ۱ عبارت ابتدای متن سؤال به صورت «ما به دو بال علم و دین احتیاج داریم» ترجمه می‌شود. «الطيران» مصدر است و گفتیم گاهی مصدر را می‌توان مانند فعل ترجمه کرد. «بهما» نیز باید در ترجمه ظاهر شود.

۱۳۱ ۴ «لن ننسى» معادل «فراموش نخواهیم کرد» می‌باشد. «نجحن» فعل ماضی و معادل «برنده شدن» می‌باشد.

۱۳۲ ۴ هر دو عددی که در صورت سؤال آمده است جزء اعداد اصلی می‌باشد و نباید به صورت ترتیبی و بر وزن «فاعل» تعریب شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۳ ۱ «موضوعی» اسمی نکره است و باید به صورت «موضوع» تعریب شود. [رد سایر گزینه‌ها]. البته سایر گزینه‌ها خطاهای دیگری نیز دارند.

۱۳۴ ۴ «ندای دلت» به صورت «نداء قلبك» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۵ ۱ «راه» مفرد است اما در گزینه‌های (۲) و (۳) «طرفها» و «مسالكها» به صورت جمع تعریب شده و نادرست است [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]. «طی نمی‌کنید» مضارع منفی است و با «لا» ظاهر می‌شود نه با «لم» زیرا «لم» مضارع را در معنا به ماضی یر می‌گرداند. [رد گزینه‌ی (۴)]

۱۳۶ ۱ «شهادت» مفرد است اما در گزینه‌های (۲) و (۴) «الشهداء» به صورت جمع آمده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]. «فراموش نکنیم» ضمیر موجود در این فعل باید مفرد بیاید و به صورت

«لأنسأه» صحیح است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۱۳۷ ۲ «کشف کرده‌اند» ماضی نقلی است. گزینه‌ی (۱) مضارع و گزینه‌ی (۳) با صیغه‌ی نادرست

مضارع است. [رد گزینہ‌ی (۳)]

۱۳۹ ۱ «بزرگ‌ترین شعرا» تنها در گزینہ‌های (۱) و (۴) درست آمده است. [رد گزینہ‌های (۲) و (۳)]

و در گزینہ‌ی (۴) «کان قد أنشد» معادل ماضی بعید و نادرست است. [رد گزینہ‌ی (۴)]

۱۴۰ ۴ «سوراخی» نکره است و به صورت «ثقباً» تعریب می‌شود. [رد گزینہ‌های (۱) و (۳)]

«أحدثت» در گزینہ‌ی (۲) باید مضارع باشد [رد گزینہ‌ی (۲)] در ضمن «صخره‌ی سخت» موصوف و

صفت و معرفه است و به صورت «الصخرة الصعبة» تعریب می‌شود.

۱۴۱ ۱ در گزینہ‌ی (۲) «المسلمون» مضاف‌الیه است و باید مجرور باشد. در گزینہ‌های (۳) و (۴)

فعل دوم عبارت مضارع تعریب شده است.

۱۴۲ ۱ «سفر می‌کردند» در گزینہ‌های (۱) و (۴) به درستی ظاهر شده است. در گزینہ‌ی (۴)

«باحثین» باید به صورت «باحثون» ظاهر شود.

۱۴۳ ۱ «دانش‌آموزی» مفعول به و نکره است و به صورت «تلمیذة» صحیح است. [رد سایر گزینہ‌ها]

۱۴۴ ۱ «زندگی» ضمیر ندارد پس «حیاتی» و «عیشی» در گزینہ‌های (۳) و (۴) نادرست است.

[رد گزینہ‌های (۳) و (۴)]، «تمام آن چه» مبتدای جمله‌ی عربی است و جمله اسمیه است. [رد گزینہ‌ی (۲)]

۱۴۵ ۴ «تحمل کرده‌اند» ماضی نقلی است و ماضی نقلی «کان» ندارد. [رد گزینہ‌های (۱)، (۲) و (۳)]

۱۴۶ ۴ «صفحه‌ی هشتم» به صورت «الصفحة الثامنة» صحیح است و باید با عدد ترتیبی ظاهر شود [رد

گزینہ‌های (۱) و (۲)]، در گزینہ‌ی (۳) این عبارت نکره آمده و غلط‌های دیگری نیز دارد. [رد گزینہ‌ی (۳)]

۱۴۷ ۱ «فرهنگ غنی خویش» یک ترکیب وصفی و سپس یک ترکیب اضافی است، در زبان عربی

برعکس زبان فارسی ابتدا مضاف‌الیه و سپس صفت می‌آید یعنی «ثقافتنا الغنیة» [رد سایر گزینہ‌ها]

۱۴۸ ۲ «می‌دانستی» ماضی استمراری است که باید به صورت «كُنْتَ تعلمُ» یا «كُنْتَ تعلمین» تعریب

شود [رد گزینہ‌های (۳) و (۴)]، «تشکیل می‌شود» باید «یتكوُن» تعریب شود. [رد گزینہ‌ی (۱)]

۱۴۹ ۳ «مجویید» باید به صورت فعل نهی و مجزوم تعریب شود یعنی «لا تطلبوا» [رد سایر گزینہ‌ها]

ضمناً فعل‌های «لا تریدوا» و «لا تبحثوا» در گزینہ‌های (۲) و (۴) صیغه‌ی «للمخاطبین» و «مذکر» است

در صورتی‌که «تلمیذات» و «طالبات» در این گزینہ‌ها مؤنث می‌باشند.

۱۵۰ ۱ «باید ... قرار دهد» باید به صورت امر غایب «لیجعل» تعریب شود. [رد سایر گزینہ‌ها]، در

ضمن «هدف‌ها» به اشتباه در گزینہ‌های (۳) و (۴) به صورت مفرد تعریب شده است.

۱۵۱ ۳ ترکیب «انسان موفق» در گزینہ‌های (۱) و (۲) اصلاً تعریب نشده است. [رد گزینہ‌های (۱) و

(۲)]، «لا» در گزینہ‌ی (۴) اضافی تعریب شده است. [رد گزینہ‌ی (۴)]

- ۱۵۲ ۳ «آن راه سخت» به صورت «ذلك الطريق الصعب» و «أن را طی کردی» به صورت «قطعتہ» صحیح می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۱۵۳ ۴ در گزینه‌ی (۱) «تفکر» مضارع است و در گزینه‌ی (۲) «كنت تفکر» ماضی استمراری است و هر دو نادرست‌اند. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]. «زیبا» صفت رنگ یعنی «لون» است و باید مذکر باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]
- ۱۵۴ ۱ «صفحة ششم» به صورت، «الصفحة السادسة» و «پنج کلمه» به صورت «خمس کلمات» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]
- ۱۵۵ ۲ «دوستانم» به صورت «الأصدقائي» نادرست است زیرا مضاف «ال» نمی‌گیرد. [رد گزینه‌ی (۳)]. «عادت کرده‌اند» ماضی است نه مضارع [رد گزینه‌ی (۴)] «من عادتکم» معادل «عادت کرده‌اند» نیست. [رد گزینه‌ی (۱)] ضمناً «امتحان» باید مفرد تعریب شود.
- ۱۵۶ ۳ نکته: هرگاه ساعت به کار می‌رود از عدد ترتیبی استفاده کنید: ساعت چهار: الساعة الرابعة، روز پنجم» فقط به صورت «اليوم الخامس» صحیح است.
- ۱۵۷ ۱ «سبب می‌شود» مضارع است و باید مضارع تعریب شود [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]. «کارهای ما» یعنی «أعمالنا» نه «لنا أعمال» (ما اعمال داریم) [رد گزینه‌ی (۴)]
- ۱۵۸ ۴ «پیشرفت علمی مسلمانان» موصوف و صفت و مضاف‌الیه مقدم بر صفت است و به صورت «تقدّم المسلمين العلمي» صحیح است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]. «بود» در گزینه‌ی (۳) معادل ندارد [رد گزینه‌ی (۳)]. در ضمن «دانش» مفرد است و باید به صورت مفرد «العلم» تعریب شود.
- ۱۵۹ ۲ در گزینه‌ی (۳) فعل «يحبّ» به همراه «كان» نیامده است تا ماضی استمراری معنا دهد. [رد گزینه‌ی (۳)] هر دو کلمه «فرحاً، مبتسماً» باید مفرد باشند چون ذوالحال آن‌ها یعنی «رسول خدا» مفرد است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]. در گزینه‌ی (۱) «حقاً»، «إليهم» و «سروراً» نادرست می‌باشند. [رد گزینه‌ی (۱)]
- ۱۶۰ ۱ «جمع‌آوری کرده‌اند» ماضی نقلی است و به صورت «قد جمعاً» تعریب می‌شود و «زندگی خویش» به صورت «حياتهم» صحیح است.
- ۱۶۱ ۴ در گزینه‌ی (۱) «لن تياس» معنای مستقبل منفی می‌دهد. در گزینه‌ی (۲) «عليهم» (بر آنان) در عبارت اصلی معادل ندارد. در گزینه‌ی (۳) «لم يياسن» معادل ماضی منفی است.
- ۱۶۲ ۴ «دوازده کتاب» مفعول به است و به صورت «إثني عشرة كتاباً» صحیح است.
- ۱۶۳ ۳ «قلبي» به صورت «قلبه» صحیح است [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]. معادل عبارت «فقط»، «أتما» می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۲)]

زیرا در بسیاری از تست‌ها این کلمات با هم مترادف گرفته می‌شوند.

۱۶۵ ۲ «زبان قرآن» مضاف و مضاف‌الیه است و صحیح آن «لغة القرآن» می‌باشد.

۱۶۶ ۳ «اختیار داده است» فعل ماضی نقلی است و معادل صحیح آن «قد خیر» می‌باشد. [رد سایر

گزینه‌ها]، «قد اختار» در گزینه‌ی (۲) به معنای «اختیار کرده است» (انتخاب کرده است) می‌باشد. در گزینه‌ی (۱) فعل مضارع آمده و در گزینه‌ی (۴) فعلی ذکر نشده است.

۱۶۷ ۳ «فراهم آورده است» معادل ماضی نقلی فارسی است. [رد سایر گزینه‌ها]، در گزینه‌ی (۱) فعل

عبارت مضارع تعریب شده است. در گزینه‌ی (۲) فعل مؤنث ظاهر شده و در گزینه‌ی (۴) فعل به صورت ماضی بعید ظاهر شده است.

۱۶۸ ۳ «معجزه‌ی قرآن» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است و تعریب آن به صورت «معجزة القرآن» صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۶۹ ۴ «مشکلات خویش» مضاف و مضاف‌الیه است و به صورت «مشاكل نفسك» یا «مشاكلك» صحیح است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]، «اگر» معادل مناسبی برای «لو» و «إن» می‌باشد. [رد گزینه‌ی (۳)]

۱۷۰ ۲ تعریب «دانشمندان» نباید به همراه ضمیر ظاهر شود [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]، «مشعل هدایت» به صورت مضاف و مضاف‌الیه است و نباید به صورت جار و مجرور «مصباح للهدی» بیاید. [رد گزینه‌ی (۳)]

۱۷۱ ۱ «کلاس دؤم» به صورت «الصف الثاني» صحیح است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]، «بریا می‌شود» مضارع است نه ماضی [رد گزینه‌ی (۲)]

۱۷۲ ۱ «خلق شده است» ماضی بعید نیست و «کان» نباید در جمله باشد. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]، در گزینه‌ی (۲) «البدن» چون مضاف است نباید «ال» بگیرد و «طول» در عبارت اصلی معادل ندارد.

[رد گزینه‌ی (۲)]

۱۷۳ ۳ چون فعل «سعتت» مؤنث است باید در ادامه‌ی عبارت داشته باشیم: «فلنفسها تسعی»

۱۷۴ ۴ «فرهنگ اسلامی» موصوف و صفت است و در گزینه‌های (۱) و (۳) با هم مطابقت ندارد. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]، در گزینه‌ی (۲) «مفتاح لکنز» یعنی «کلیدی برای گنج» که با عبارت اصلی معادل نیست. [رد گزینه‌ی (۲)]

۱۷۵ ۲ «ي» (من) در عبارات (۱) و (۴) اضافی است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]، «کاش» به صورت صحیح معادل «لیت» می‌باشد. در ضمن «به دو بال علم» مضاف و مضاف‌الیه است و به صورت «بجناحي العلم» (بجناحین + العلم) آورده می‌شود.

۱۷۶ ۴ «استفاده می‌کردند» ماضی استمراری است و از «کان» و یک فعل مضارع ساخته می‌شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]، «تألیقات اسلامی» موصوف و صفت است و در تعریب هر دو کلمه، باید معرفه باشند. [رد گزینه‌ی (۳)]

توجه: در ترجمه‌ی جمله‌ی وصفیه حرف «که» را بر آن می‌افزاییم و فعل را مطابق نیاز جمله معمولاً به شکل زیر ترجمه می‌کنیم:

(الف) ماضی + ماضی: ماضی بعید در زبان فارسی (و یا ماضی ساده):

رَأَيْتُ كِتَابًا إِشْتَرَيْتَهُ أَمْسَ: کتابی را که دیروز خریده بودم (خریدم)، دیدم.

(ب) ماضی + مضارع: ماضی استمراری در زبان فارسی:

رَأَيْتُ رَجُلًا يَذْهَبُ إِلَى بَيْتِهِ: مردی را دیدم که به خانه‌اش می‌رفت.

(ج) مضارع + مضارع: مضارع التزامی در زبان فارسی:

يَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ يَفْرَحْتَنِي أَهْلُهُ: به خانه‌ای می‌روم که اهلیش مرا شاد کنند.

۱۷۷ ۴ «دوست می‌داشت» ماضی استمراری و به‌صورت «كَانَ يَحِبُّ» صحیح است. [ردگزینه‌های (۲) و

(۳)]، «با لبخند و مهربانی» به‌صورت «مَبْتَسِمًا وَ حَنُونًا» صحیح است. [ردگزینه‌های (۱) و (۲)]

۱۷۸ ۱ «اضافه کرده است» ماضی نقلی است نه مضارع. [ردگزینه‌ی (۲)]، در گزینه‌ی (۳) «الکاتب» وجود

ندارد و در گزینه‌ی (۴) «کاتب» به‌صورت مضاف آمده است که این نادرست می‌باشد. [ردگزینه‌های (۳) و (۴)]

۱۷۹ ۴ «ساعت هفت» به‌صورت «السَّاعَةُ السَّابِعَةُ» صحیح است. و «شش دانش‌آموز» به‌صورت

«سِتْ تَلْمِیذَاتٍ».

۱۸۰ ۴ «هدفی والا» نکره است و تنها در گزینه‌ی (۴) به‌درستی نکره تعریف شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۸۱ ۱ در گزینه‌ی (۲) مضاف یعنی «الفضل» نباید «ال» بگیرد و «العالمین» معنای «مخلوقاتش»

نیست. در گزینه‌ی (۳) «کلام الآخر» ترکیب نادرستی است و «مخلوقاتش» هم به‌درستی تعریف نشده و در

گزینه‌ی (۴) «کلام الآخرین» نادرست است و «مخلوقات» چون مضاف است «ال» نمی‌گیرد.

۱۸۲ ۴ «الگوهای والایی» جمع و نکره است و در گزینه‌ی (۱) صفت آن نادرست آمده، در گزینه‌های

(۲) و (۳) به‌صورت مفرد ظاهر شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۸۳ ۳ «کتاب‌هایی که» به‌صورت «الکُتُبُ الَّتِي» تعریف می‌شود. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]، در گزینه‌ی

(۴) «کتب» «ال» ندارد. «المسلمین» در گزینه‌ی (۲) فاعل است و باید مرفوع باشد [ردگزینه‌ی (۲)]، در ضمن

فعل‌های «یکون» و «کان» باید مؤنث ظاهر شوند.

۱۸۴ ۳ ترجمه‌ی این گزینه: این همان انسانی است که فقط از قوه‌ی عقل و فکر استفاده می‌کند. دقت

کنید تأکید در این جا بر «انسان» نیست بلکه تأکید بر این است که انسان فقط از قوه‌ی عقل استفاده

می‌کند و نه قوه‌ی دیگری در حالی که در سایر جمله‌ها تأکید بر این است که فقط انسان از عقل استفاده

می‌کند و نه موجود دیگری، ضمناً در این عبارت «انسان» باید «ال» داشته باشد و «می‌تواند» تعریف

نشده است و «القوة» نباید «ال» بگیرد.

۱۸۵ ۱ ترجمه‌ی صحیح: مدیر هنگامی که نشان را بر گردن دانش‌آموز موفق آویزان می‌کرد به او گفت:

A, B, C, D و مانند این‌ها تهیه می‌شود، به طوری که ترتیب گزینه‌ها در دفترچه‌ی داوطلب یا هیچ‌یک از داوطلبانی که اطراف او نشسته‌اند، یکسان نباشد. در حقیقت، نسخه‌ی کد A همواره نسخه‌ی اصلی است که بر اساس دست‌نویس طراح سؤال نوشته شده و سایر نسخه‌ها با جابه‌جایی گزینه‌های کد A به وجود آمده‌اند. می‌دانیم در سؤالات مبحث ترجمه، گونه‌ای سؤال وجود دارد که در آن، گزینه‌ها و معنای آن‌ها بی‌دری می‌آیند، به طوری که هر گزینه، معنی گزینه‌ی پیش از خود را کامل می‌کند. در این سؤالات، علامت ویرگول (،) در پایان گزینه‌ی اول، نشان می‌دهد که مطلب هنوز به پایان نرسیده و نشانه‌ی تعجب (!) در پایان گزینه‌ی (۴) به معنی پایان مطلب است؛ بنابراین، در نسخه‌ی اصلی (کد A) چیدمان سؤالات همواره این‌گونه است: سه گزینه‌ی اول که به علامت ویرگول ختم می‌شوند و گزینه‌ی آخر که علامت تعجب دارد.

روشن است که چنان‌چه در فرایند کدگذاری هر یک از گزینه‌ها به هر صورت جابه‌جا شوند، ارتباط معنایی گزینه‌ها از بین می‌رود و سؤال پاسخ‌درستی نخواهد داشت؛ در حقیقت، در چنین سؤالاتی که ترتیب گزینه‌ها عامل کلیدی در تشخیص پاسخ است، هرگز نباید کدگذاری صورت بگیرد، کاری که به اشتباه در مورد سؤال (۲۹) آزمون سراسری رشته‌ی ریاضی ۹۰ انجام شده است. در این مورد، حداکثر یک چهارم داوطلبان دفترچه‌ی کد A را در اختیار داشته و گزینه‌ها را با ترتیب درست دیده‌اند؛ سایر داوطلبان به سؤالی با گزینه‌های نامرتب پاسخ داده‌اند که ارتباط منطقی و متوالی گزینه‌ها در آن از بین رفته است.

ترتیب درست گزینه‌ها با توجه به ارتباط معنایی آن‌ها چنین است:

(۱) كنت ابتعد عن الكذب دائماً: همیشه از دروغ دوری کرده بودم،

(۲) و اخاف انه يظهر يوماً: و می‌ترسیدم که روزی آشکار شود،

(۳) و یزیل حرمتی عند اهلی و اصدقائی: و آبرو و احترامم را نزد خانواده و دوستانم از بین ببرد،

(۴) و قد نسیت ان علي ان لا اخاف الا ربّي البصیر! و فراموش کرده بودم که باید فقط از پروردگار بینایم بترسم!

براساس چیدمان درست، فعل اول در گزینه‌های (۲) و (۴)، در حقیقت معطوف به فعل اول در گزینه‌ی

(۱) «كنت ابتعد» است؛ بنابراین، نخستین فعل این دو گزینه به این صورت ترجمه می‌شود:

(۱) كنت ابتعد: دوری می‌کردم (ماضی استمراری)

(۲) [كنت] اخاف: می‌ترسیدم (۴) [كنت] قد نسیت: فراموش کرده بودم

در نتیجه، بر اساس ترتیب درست گزینه‌ها در دفترچه‌ی کد A، گزینه‌ی نادرست، گزینه‌ی (۱) است که در آن ساختار «کان + فعل مضارع» که مفهوم فعل ماضی استمراری دارد، به صورت ماضی بعید ترجمه شده است.

اما بر اساس صورت فعلی سؤال که از دفترچه‌ی کد B گرفته شده است، و با توجه به ترجمه‌ی مستقل هر گزینه، سؤال هیچ پاسخ‌درستی ندارد.

۱۸۸ ۴ صحیح عبارت: مردم بعضی از آن‌ها فقط از راه علم، قلبشان اطمینان می‌یابد.

۱۸۹ ۴ رد سایر گزینه‌ها:

- ۱ «بشکرون» باید فعل مضارع ← «شکرگذاری می‌کنند» ترجمه شود.
 ۲ «افضل العبادات» باید ← «برترین عبادت‌ها» و به‌صورت جمع و ترکیب اضافی ترجمه شود.
 ۳ «أمر فطري للعباد» ← «أمری فطری برای بندگان» باید به‌صورت وصفی و «حبّ الله» باید به‌صورت ترکیب اضافی ← «دوست داشتن خداوند» ترجمه شود ضمناً جمله‌بندی نیز مطابق با صورت سؤال و صحیح رعایت نشده است.

۱۹۰ ۱ ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

- ۲ خانواده در زمان نشستن کودکان خود مقابل تلویزیون، باید از آن‌ها مراقبت کنند.
 ۳ زیرا وقتی را که کودکان در مقابل تلویزیون می‌گذرانند، جداً بسیار است.
 ۴ پس آن وقت معادل تعداد ساعتی است که کودکان آن‌ها را در مدرسه می‌گذرانند.

۱۹۱ ۴ تصحیح خطاها:

- ۱ دیروز ← دیشب
 ۲ ظاهر و باطنش ← باطن و ظاهرش برای ما

۱۹۲ ۳ تصحیح خطاها:

- ۱ چهار زنگ ← زنگ چهارم، اختصاص یافته است ← اختصاص می‌یابد.
 ۲ دو دانش‌آموز از میان شش دانش‌آموز در مسابقه‌ی حفظ قرآن برنده شدند.
 ۴ هفت ← نه، منتظر بودند ← انتظار می‌کشیدند.
 ۱۹۳ ۲ ترجمه‌ی صحیح: مانند قهرمانی که برای کرامت ملت خود فداکاری می‌کند ...

۱۹۴ ۱ ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

- ۲ ما باید به کارهای نیک عادت کنیم و آن‌ها را پیوسته انجام دهیم!
 ۳ در امور مهم خویش فقط با عالم مشورت کن!
 ۴ از کجا بدانم که منظور تو چیست؟

۱۹۵ ۴ ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

- ۱ هرکس نماز بخواند از کسی غیر از خدا نمی‌ترسد!
 ۲ هرکسی حقیقت نماز را دریابد، قطعاً نماز را به‌جا می‌آورد.
 ۳ هر چه از خیر یا شر بر قلبت بگذرد، بر زبانت جاری می‌شود.
 ۱۹۶ ۳ صحیح عبارت: بعد تهيئة الطعام قالت أختي لي: ذوق مقداراً من هذا الطعام.

۱۹۷ ۱ تنها در گزینه‌ی (۱) فعل‌ها درست معنا شده است:

صحیح سایر گزینه‌ها:

- ۲ برایش مهم نبود کجا ایستاده و ...
 ۳ زیرا او جست‌وجو می‌کرد ...
 ۴ فکر می‌کرد ...

۳ و نزد او سال‌های متوالی ماند تا جراحی از مشهورترین پزشکان گردید.

۴ ... در مسیر خیر انسانیت -

۲۰۰ ۳ صحیح عبارت: انسان با از بین رفتن زندگی‌اش نمی‌میرد بلکه او زنده است!

۲۰۱ ۱ صحیح سایر گزینه‌ها:

۳ لا یأْسُ نَافِذٌ فِی قَلْبِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ!

۲ لا قِیْمَةَ لِلْعِلْمِ بِلَا عَمَلٍ!

۴ لا عَاقِلٌ أَعْرَفَ لَا یَعْتَبِرُ بِالتَّجَارِبِ!

۲۰۲ ۱ ترجمه‌ی صحیح این گزینه: «این‌ها خفاش (ها) هستند و آن‌ها از مخلوقات خداوند هستند.»

دقت کنید «خفافیش» جمع «خفاش» است و چون جمع غیرانسان است در زبان عربی اسم اشاره و ضمیر برایش مفرد مؤنث می‌آید ولی در فارسی باید به‌صورت جمع ترجمه شوند.

۲۰۳ ۲ «کم» در گزینه‌ی (۱) به اشتباه مفرد یعنی «ت» در «... نیکوکار» ترجمه شده است. [رد

گزینه‌ی (۱)]، ضمیر «ی» در «اولادی» در گزینه‌ی (۳) ترجمه نشده است. و «واجبات» به صورت مفرد

ترجمه شده است [رد گزینه‌ی (۳)]، ضمناً «یسعون» فعل مضارع و «لن یقصرُوا» معادل مستقبل منفی

است که در این گزینه اشتباه ترجمه شده است. در گزینه‌ی (۴) با توجه به ضمیر «کم» در «أنفسکم» در

می‌یابیم که فعل «حاولوا» امر است نه ماضی و باید به‌صورت «تلاش کنید» ترجمه شود، ضمناً «أنفس»

به اشتباه مفرد ترجمه شده است.

۲۰۴ ۲ صحیح عبارت: قطعاً دانشمند هر چه در به‌دست آوردن دانش تلاش کند خسته نمی‌شود.

۲۰۵ ۳ صحیح عبارت: کثیر منهم أصبحوا فرحين بسبب النجاح في الامتحانات.

۲۰۶ ۲ صحیح عبارت: بندگان صالح از کلیدهای درهای هدایت به‌شمار می‌آیند!

۲۰۷ ۳ صحیح عبارت: هرکس خطای خود را فراموش کند عیب مردم را بزرگ می‌شمارد.

۲۰۸ ۳ صحیح عبارت: ناگهان ابری در آسمان پدیدار شد و ماه کاملاً پنهان گشت.

۲۰۹ ۴ صحیح عبارت: كان سمكة البحر الكبيرة تسبح من جانب إلى جانب آخر.

۲۱۰ ۴ صحیح سایر گزینه‌ها:

۱ دانش‌آموزان را قطعاً با سؤالاتی سخت آزمودم.

۲ («الإعجاب» شیفتگی، عشق، علاقه) و هم‌چون شیفته به آن‌ها نگاه می‌کردم.

۳ و آن‌ها به‌طور کامل و با دقت جواب می‌دادند.

۲۱۱ ۳ صحیح عبارت: انسان از این بیماری رنج می‌برد تا وقتی که بر پزشکان ناشناخته باشد.

۲۱۲ ۱ صحیح سایر گزینه‌ها:

۲ بار سوم ← سه بار [۲] هشتمین بیت ← هشت بیت، دیوان‌های چهارگانه: دیوان چهارم

۴ شش روز ← روز ششم

۲۱۳ ۱ صحیح عبارت: باطل هرگز نمی‌تواند با حق در میدان درگیر شود.

- ۲۱۴ ۴ صحیح عبارت: خیر الدروس هی الّتی نتعلّمها قربة إلى الله تعالى لا لرفع الدرجة
 ۲۱۵ ۱ صحیح سایر گزینه‌ها:
- ۲ ... که آن را بیرون خانه مشاهده می‌کنیم نتیجه‌ی تربیت مادر است.
 ۳ ... اصلاح حقیقی جامعه بر زن متمرکز است.
 ۴ و از مسئولیت‌های دیگر زن، مشارکت او در خدمات اجتماعی است!
- ۲۱۶ ۱ صحیح عبارت: هنگامی که طفلی بودم پیوسته این سؤال فکر مرا مشغول می‌کرد.
 ۲۱۷ ۴ صحیح عبارت: نحن لا نقدر أن نذهب إلى الضیافة بسبب كثرة واجباتنا الدرّاسیة.
 ۲۱۸ ۱ ترجمه‌ی صحیح: همانا قرآن مردم را از وسوسه‌ی ابلیس برحذر می‌دارد.
 ۲۱۹ ۳ صحیح عبارت: مادر بزرگ مهربانی داشتم که نماز شب را بسیار برپا می‌داشت!
 ۲۲۰ ۴ در گزینه‌ی (۱) «همه‌ی فتنه‌ها»، گزینه‌ی (۲) «نحوه‌ی تغییر ...» و در گزینه‌ی (۳) «خود» و «کارهای متوالی» و «انداخت» نادرست است.
 ۲۲۱ ۴ ترجمه‌ی صحیح سایر گزینه‌ها:
- ۱ ایمان همان چیزی است که در دل‌ها ثابت می‌باشد.
 ۲ چگونه از خداوندی که ما را فراموش نمی‌کند غفلت کردیم.
 ۳ به راستی حکم خداوند بر مخلوقات آسمان و زمین یکی است.
 ۲۲۲ ۳ تعریب «کنار زده می‌شود» به صورت «ترفع» (بالا می‌رود) نادرست است.
 ۲۲۳ ۲ ترجمه‌ی صحیح: برای (هیچ) خطایی شایسته نیست که دوباره تکرار شود.
 ۲۲۴ ۲ ترجمه‌ی صحیح سایر گزینه‌ها:
- ۱ مسلماً نیارمندترین مردم به بلندی همت طالب علم و کمال است!
 ۲ هولناک‌ترین مرکب‌ها مرکب آرزوهای دور است!
 ۴ هیچ خیری برای تو بهتر از دور شدن از بدی نیست!
- ۲۲۵ ۱ صحیح عبارت: پیامبر همیشه به تربیت کودکان تأکید می‌کرد.
 ۲۲۶ ۴ صحیح عبارت: إذا تذكّر الله فهو یذكرک كذلك
 ۲۲۷ ۱ صحیح عبارت: زمانی که خطری از حیوانات درنده در جنگل مرا تهدید می‌کند از درخت‌های بلندش بالا می‌روم!
- ۲۲۸ ۱ صحیح عبارت: إنّ المكذّب سیفقد اعتماد أقربائه.
 ۲۲۹ ۳ صحیح عبارت: بلندترین درجه‌ی علم آن است که با آن خودت را بشناسی!
 ۲۳۰ ۴ صحیح عبارت: و ترك المنی من أشرف الأعمال!
 ۲۳۱ ۱ صحیح سایر گزینه‌ها:
- ۲ و بعد مدّة شعر الولد بندم کثیر.
 ۳ ذهب عند امّہ و اعتذر منها

۲۳۵ ۴ ترجمه‌ی صحیح سایر گزینه‌ها:

۱ کار زشت برای انجام دهنداش عواقب بدی در پی خواهد داشت!

۲ برای دستیابی به عزت ابدی باید بهایی سنگین پرداخت شود.

۳ خوشبختی چیز گرانبهایی است که شاید در گوشه‌های اتاقمان یافت شود.

۲۳۶ ۱ صحیح عبارت: إِنَّ الْأَمْنِيَّةَ الطَّوِيلَةَ تُسَبِّبُ ذَوَالِ الْعَقْلِ

۲۳۷ ۳ حيله‌گر کسی است که گمان می‌کند حيله، کلید روزی‌هایش است.

۲۳۸ ۱ صحیح عبارت‌ها:

۲ نستلزم مواضع هذا الفصل للكتاب أن تسهر الليالي لفهمها!

۳ لم يصل دراسات العلماء في مجال نشأة الكون إلى نتيجة دقيقة!

۴ لأشعار هذا الشاعر الجديدة معقدات كثيرة لا يوضح إلا بتأمل كثير!

۲۳۹ ۱ صحیح عبارت: تنبلی را امروز رها کن تا فردا پیشرفت کنی!

۲۴۰ ۳ صحیح عبارت: مردم گناه می‌کنند و عده‌ی کمی از این گناهکاران توبه می‌کنند!

۲۴۱ ۱ صحیح سایر گزینه‌ها:

۲ ... بتر ماء في هذا ... ۳ ... لا يطلب العلم للوصول ...

۴ ... كل انسان ... قبل الكلام ... من الخطأ!

۲۴۲ ۲ تصحیح خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ نهی نمی‌کنی ← نهی نکردی (ماضی ساده منفی) / کار بد ← کار بدش

۳ رسیدند ← رسیده بودند (ماضی بعید) / درجات والایی ← درجات علمی والایی

۴ دریافت کرده بود ← دریافت کرد، آموخت / حقایق با ارزشی ← حقایق با ارزش (معرفه است). (البته

این گزینه خطاهای دیگری هم دارد.)

۲۴۳ ۳ صحیح سایر گزینه‌ها:

۱ تصمیم گرفته بود با دوستش به سفر برود. ۲ دوست پذیرفت ...

۴ بعد از یک ساعت ناگهان دوستش را دید در حالی که به سرعت می‌آمد.

۲۴۴ ۴ صحیح عبارت: پس زندگی دنیا در برابر آخرت فقط کالایی ارزان است!

۲۴۵ ۲ صحیح سایر گزینه‌ها:

۱ اولین فصل ← یک فصل، کتاب چهارم ← کتاب چهارم خود

۲ دهمین آیه ← ده آیه، سه سوره ← سوره‌ی سوم

۴ دومین نفر ← دو نفر، برنده شد ← برنده شدند.

۲۴۶ ۱ ترجمه‌ی صحیح: دل انسان با تقوی به خدا نزدیک است. (قریب: نزدیک، أقرب: نزدیک‌تر)

۲۴۷ ۱ ترجمه‌ی صحیح: نیازمندی را دیدم که از من کمک طلب می‌کرد.

۲۴۸ ۳ در این گزینه دو عبارت موجود ارتباط مفهومی با هم ندارند. نیکی آن است که در پنهان همانند اشکار عمل کنی! قلب مؤمن گنجینه‌ی اسرار است و فاش کردن آن‌ها برخلاف نیکی است.
ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ «هر گاه کسی را دیدار کنی که او را دوست داری، دنیا را رها کن و آن را به حال خویش واگذار! اگر محبت پروردگار در قلب وارد شود، علاقه‌ی کارهای دنیوی از آن خارج می‌شود.

۲ چه بسا تشنه‌ای که با آب صاف (زال) گلوگیر شده است! هیچ خیری در آرزوهایی که به ما ضرر می‌رساند نیست زیرا آن‌ها گاهی اوقات ما را از بین می‌برند!

۴ هیچ خیری در دوستی با انسان دورو نیست! هیچ فایده‌ای در کسی که درونش نسبت به بیرونش متفاوت باشد، نیست.

۲۴۹ ۱ ترجمه‌ی سؤال: «با خودم گفتم ... نگاه کن! ... قطرات کوچک آب سوراخی را در صخره ایجاد کرده‌اند! آیا تو از این قطرات کم‌تر هستی!» مفهوم این عبارت به گزینه‌ی (۱) یعنی «اراده‌ی قوی» دلالت می‌کند.

۲۵۰ ۱ «بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند.» به آرامی راه رفتن کنایه از «تواضع و عدم غرور است.»

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۲ «شاخه‌های درختان پربار بیش‌تر به‌سوی زمین خم می‌شوند!»

۴ «خودپسندی انسان بر نفس خویش نشانه‌ای بر ناتوانی عقلش است.»

۲۵۱ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «احدی از دشمنان به رسول خدا (ص) نزدیک نخواهد شد در حالی که رمیصاء رنگی دارد که می‌زند.»

۲۵۲ ۳ با توجه به معنای بیت «چیزی که امید نفع آن را داری گاهی (به تو) ضرر می‌رساند / چه بسا فرد تشنه‌ای که با آب صاف و گوارا گلوگیر شده است» گزینه‌ی (۳) «ممکن است که چیزی را دوست داشته باشید درحالی‌که برای شما بد است» با آن تناسب مفهومی دارد.

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ ممکن است که نسبت به چیزی اکراه داشته باشید درحالی‌که برای شما خوب باشد.

۲ خداوند بعد از (هر) سختی، آسانی قرار خواهد داد.

۴ از رحمت خدا ناامید نشوید.

۲۵۳ ۳ «برادرت را با نیکی کردن به او سرزنش کن» این عبارت با گزینه‌ی (۳) تناسب مفهومی بیشتری دارد. زیرا در مصراع دوم گزینه‌ی (۳) می‌گوید: «اگر مُردی، به کسی که بدی کرده نیکی کن»

۲ باید دنیا وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد. ۳ باید در دنیا برای آخرت کار کنی.

۲۵۵ ۱ «زمان فرار و گریختن نیست.» گزینه‌ی (۱): «عقب‌نشینی هنگام سختی‌ها ضعف و ناتوانی

است.» نامناسب است ولی دیگر گزینه‌ها عدم امکان فرار را ذکر می‌کنند.

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۲ انسان از سرنوشت، نجات و رهایی نمی‌یابد.

۳ کوشش مکن، هیچ فایده و سودی در فرار نیست.

۴ در دام افتاد، پس امکاتی برای نجات و رهایی نیست.

۲۵۶ ۱ ترجمه‌ی سؤال: «کسی که حرص ورزید چه کم به آرزوهایش رسید.»

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۱): آرزوها گاهی به انسان ضرر می‌رساند.

۲۵۷ ۱ باران‌های زیاد در فصل بهار می‌بارد. سؤال مناسب کدام است؟

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۱): کی باران‌های زیاد می‌بارد؟

۲۵۸ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «قرآن از برهان‌ها و دلایل گوناگون استفاده کرده است تا تمام گروه‌های

مختلف را شامل شود»

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۳): «یقیناً در این قرآن از هر مثالی برای مردم زده‌ایم»

۲۵۹ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «هرکس صبحگاه مبادرت به شکار ورزد، شکار می‌کند.»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ بر صیادان است که در وقت معین شکار کنند.

۲ بر ما واجب است که در اول صبح مبادرت به اعمال خیر کنیم.

۳ انسانی که اعمالش را بدون تأخیر انجام می‌دهد، موفق است.

۴ به‌راستی بهترین اعمال برای صیاد این است که هنگام صبح به شکار برود.

۲۶۰ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «خوبی آن است که در پنهان همچون در آشکاره عمل کنی» نادرست در

مفهوم عبارت «دوری کردن از ...» است.

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ نفاق

۲ ریا

۳ کبر

۴ رنگارنگی (دورویی)

۲۶۱ ۴ ترجمه‌ی سؤال: «گویا راضی کردن همه‌ی مردم هدفی است که به‌دست نمی‌آید.»

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۴): به‌دست آوردن خشنودی همه‌ی افراد را نخواه.

۲۶۲ ۱ ترجمه‌ی سؤال: «هر کس تلاش کند می‌یابد.» ترجمه‌ی گزینه‌ی (۱): «هر کس ذره‌ای نیکی

انجام دهد نتیجه‌ی آن را می‌بیند.»

۲۶۳ ۱ ترجمه‌ی سؤال: «همانا احمق با حماقت خویش [به گناهی] بزرگ‌تر از گناه فاسق دچار می‌شود»، نزدیک‌ترین گزینه همان گزینه‌ی (۱) است:

شگفتا ... آیا تصوّر می‌کنی که حماقت جاهل از لحاظ ضرر کم‌تر از گناه فاسق است؟
ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ در کارهایت با احمق مشورت مکن زیرا او تو را در گروه فاسقان قرار می‌دهد.

۲ احمق‌ترین مردم کسی است که زمام امور را به دست فاسقان قرار می‌دهد.

۳ اگر انسان فاسق و احمق را به دوستی بگیریم پس همانا ما مانند او محسوب می‌شویم.

۲۶۴ ۲ در این گزینه دو عبارت موجود با هم مطابقت مفهومی ندارند. «نیکی [آن است] که پنهان، آن کنی که در آشکار انجام می‌دهی؛ بدان که تو مسئول کارت هستی.»

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ همانا ما شما را از نر و ماده آفریدیم؛ بدان که برای هر چیزی پاد ماده است.

۲ هیچ خیری در دوستی با انسان دورو نیست؛ باید انسان درون و بیرونش یکی باشد.

۳ و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند؛ هر کس زبانش شیرین و دلنشین باشد برادرانش زیاد می‌شود.

۲۶۵ ۴ «هرگاه کسی را دیدار کنی که او را دوست داری، دنیا را رها کن و آن را به حال خویش واگذار»، این عبارت بیان‌گر «جمع نشدن دوستی خدا و دوستی دنیا» است.

۲۶۶ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «هرگز از اصل و نسب خود نگو، اصل جوانمرد فقط آن چه به‌دست آورده است.»
گزینه‌ی (۳): هر نفسی (کسی) در گرو آن چه است که به‌دست آورده

۲۶۷ ۳ ترجمه‌ی سؤال: «چه بسا تشنه‌ای که با آب زلال گلوگیر شده است.»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ در همه‌ی احوال تشنه با آب گلوگیر می‌شود.

۲ هرکس احساس به گلوگیر شدن می‌کند پس باید آب زلال بنوشد!

۳ هر چیزی که دوستش می‌داریم برای ما مفید نیست!

۴ سود هر چیزی که ضرری در آن نیست آرزو داریم!

۲۶۸ ۲ ترجمه‌ی سؤال: «هرکس بلندی مقام بخواهد شب‌ها را بیدار می‌ماند!»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ ریشه‌ی جوانمرد تنها، چیزی است که به‌دست آورده است.

۲ هرگز به بزرگواری نخواهی رسید تا این که صبر را بجوشی.

۳ هرکس هدف را بشناسد آن چه را بخشش کند کوچک و خوار می‌شمارد.

۴ اگر عزت را می‌طلبی از بدی دوری کن!

۲ دشمن یا مهربانی، دوست نمی‌گردد!

۳ سخن چینان برگرد پاکی دوستی‌شان به پرواز در آمدند!

۴ هر کس دریا را قصد کند، جوی بارها را کوچک می‌شمارد!

۲۷۱ ۲ ترجمه‌ی سؤال: «همانا سخن‌چینی (بذر) کینه می‌کارد.» گزینه‌ی (۲) از نظر مفهوم به این

سؤال نزدیک‌تر است.

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ «انسان سخن‌چین چه بد است، زیرا او دوستانت را از تو دور می‌کند.»

۲ «بذگویی چه زشت است! همانا آن بذرهای کینه را میان مردم می‌پراکند.»

توجه: مفهوم گزینه‌ی (۴) نیز به صورت سؤال نزدیک است زیرا در آن گفته شده اختلاف بین دو نفر به آشنایی می‌ماند که سخن‌چین هیزم این آتش را بیش‌تر می‌کند یعنی بذر کینه و تفرقه را میان آن دو نفر می‌پاشد؛ بنابراین این گزینه نیز می‌تواند گزینه‌ی صحیح باشد و نیز قابل ذکر است که در آزمون آزمایشی سنجش فروردین ۹۰ این بیت از نظر مفهومی معادل عبارت «إِنَّ النَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّمِيمَةَ» گرفته شده است.

۲۷۲ ۳ «هیچ‌گاه کسی غذایی بهتر از دسترنج خود نخورده است» با عبارت «زیستن نه از بهر خوردن

که ذکر کردن است» مطابقت مفهومی ندارد.

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ هرکس بسیار طمع کند به چیز کم نیز نمی‌رسد. ۲ همانا [شخصیت] انسان زیر زبانش پنهان است.

۴ ترک گناه آسان‌تر از طلب توبه است.

۲۷۳ ۲ «چه بسا چیزی را ناخوشایند بدارید و خداوند خیر زیادی در آن قرار دهد». مفهوم مناسب

آیه را مشخص کن:

مفهوم مناسب آیه همان گزینه‌ی (۲) است: «خیر در چیزی است که رخ دهد».

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ همانا همراه سختی، آسایش و آسانی است. ۲ شاید خداوند از آنان بگذرد.

۴ به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها حاصل می‌شود.

۲۷۴ ۳ ترجمه‌ی گزینه‌ی (۳): هرکس به نیکی عمل کند برای خود اوست و هرکس بدی کند بر ضد خود اوست.

۲۷۵ ۳ ترجمه‌ی سؤال: ای فرزندم! راستی و امانت صفت آزادگان است پس به آن دو ملزم باش.

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۳): دو صفت نیک همان راستی و رعایت امانت است پس به آن‌ها تمسک بجو.

۲۷۶ ۲ ترجمه‌ی سؤال: ارزش انسان به عقل اوست.

۲۷۷ ۲ ترجمه‌ی سؤال: پزشکی که مردم را مداوا می‌کند در حالی که خود مریض است.

۲۷۸ ۱ ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- ۱ دنیا فقط خیالی گذرا است. ۲ و شخص با ترس از تقدیر نجات پیدا نمی‌کند.
 ۳ برآستی زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست. ۴ هر کس مؤمنی را بشکند جبرانش بر او لازم است.
 پاسخی که سازمان سنجش به این سؤال داده است گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

۲۷۹ ۴ «هرگاه کسی را که دوست داری ملاقات کنی، دنیا را رها کن و آنرا واگذار» با گزینه‌ی (۴) «هرگاه رسیدن به آخرت را نمی‌خواهیم باید دنیا و آنچه در آن است را ترک کنیم» مطابقت مفهومی ندارد. ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

- ۱ دوست داشتن محبوب و دوست داشتن دنیا با هم جمع نمی‌شوند.
 ۲ عدم غفلت از کسی که او را در همه‌ی احوال و اوضاع دوست داریم.
 ۳ هر کس که مطلوبی را دوست دارد غیر از آن را کوچک می‌شمارد.

۲۸۰ ۴ «مال و خاندان فقط امانت‌هایی هستند/و چاره‌ای نیست که امانت‌ها روزی برگردانده شوند» نزدیک‌ترین گزینه به مفهوم بالا همان گزینه‌ی (۴) است: «اندوه و حسرت نخوردن بر آنچه در این دنیا از دست رفته است». ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

- ۱ خواستن مال به اندازه‌ی نیاز و توجه به خاندان! ۲ تشویق بر ادای امانت و ودیعه به صاحبشان!
 ۳ ترک مال و ثروت و خاندان برای این دنیا!

۲۸۱ ۲ دنیا را به بهانه‌ی دست‌یابی به آخرت رها مکن. /گزینه‌ی (۲): کلید رسیدن به آخرت در دنیا است. ۴ ۲۸۲ حرص را رها کن تا در راحتی زندگی کنی، چه اندک کسی که طمع دارد به آرزوهایش رسیده است. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- ۱ طمع سبب یک زندگی برتر نمی‌شود! ۲ طمع کلید بدی است و صاحبش را پریشان می‌کند!
 ۳ طمع روزی تقسیم شده را تغییر نمی‌دهد!
 ۴ حرص آرزویش کم است پس حرص نباش.

۲۸۳ ۲ ترجمه‌ی سؤال: هر شخصی در گرو آنچه کسب کرده است، می‌باشد. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- ۱ امری که ما را نجات می‌دهد همان عمل است. ۲ هر انسانی مسئول عمل خویش است.
 ۳ هر آنچه از خوبی‌ها به دست آوردیم برای خودمان است.
 ۴ انسان حافظ چیزی از اعمال است که جمع می‌کند.

۲۸۴ ۲ ترجمه‌ی سؤال: هرکس بلندی را طلب کند شب‌ها را بیداری می‌کشد. ترجمه‌ی گزینه‌ی (۲): به دست آوردن درجات بلند فقط به اندازه‌ی تلاش است.

۲۸۵ ۳ ترجمه‌ی سؤال: آیا مردم پنداشته‌اند که رها می‌شوند، که بگویند ایمان آوردیم و آن‌ها امتحان نمی‌شوند؟ ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۲) در حقیقت از مفهوم مصرع دوم سخن می‌گویند و در گزینه‌ی (۳) نیز «بودن سنگ در کنار شیشه به صورت سالم» از تقدیر سخن می‌گوید اما در گزینه‌ی (۴) حرفی از تقدیر وجود ندارد بلکه سخن این است که مبارز هیچ‌گاه از دشمن نمی‌هراسد و طالب گوهر دریا از دریا نمی‌ترسد، یعنی مفهوم گزینه‌ی (۴) مواجه شدن با تقدیر است نه ترس از تقدیر.

۲۸۷ ۱ «ایا مردم پنداشتند رها می‌شوند (اگر) بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟» با گزینه‌ی

(۱) مطابقت مفهومی دارد.

۲۸۸ ۴ «و اگر درشت‌خوی و سنگدل بودی قطعاً از پیرامونت پراکنده می‌شدند.» کدام گزینه به

مفهوم آیه‌ی کریمه نزدیک‌تر است؟

گزینه‌ی (۴) درست است: «دور شدن از اخلاق بد هنگام روبه‌رو شدن با مردم».

ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

۱ مردم (انسان) از خود راضی را دوست ندارند.

۲ دور شدن از افراط و تفریط در مدارا کردن با مردم.

۳ گویا راضی کردن مردم هدفی است دست‌نیافتنی.

۲۸۹ ۴ ترجمه‌ی سؤال: دل‌هایمان بر حفظ عهدها ثابت است.

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ کسی‌که عهدی ندارد، هیچ دینی ندارد. ۲ بخشنده هنگامی‌که وعده می‌دهد وفا می‌کند.

۳ وفا خلق مؤمن است.

۴ هرکس تو را وعده دهد تو را به کار مشغول می‌کند. (سرگرم می‌کند)

۲۹۰ ۴ ترجمه‌ی سؤال: جنگجویان اگرچه گل ما را کشتند (اما) آرزو را در گل یاسمن (نسل آینده) نخواهند

کشت.

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۴): با قتل جوانان و کودکان ما، دشمن نمی‌تواند بر ما سیطره یابد و آرزو را از قلب‌های

نسل ما خارج کند.

۲۹۱ ۲ ترجمه‌ی سؤال: چه بسا تشنه‌ای که آب زلال در گلویش گیر کند.

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱ تشنه به‌خاطر غمش می‌میرد نه تشنگیش!

۲ شاید چیزی را دوست بدارید در حالی‌که آن برای شما بد باشد.

۳ آب زلال سبب صفای جگرها و رفع غم‌هایمان می‌شود.

۴ در تشنه، علاوه بر تشنگی، غصه و افسردگی وجود دارد.

۲۹۲ ۲ ترجمه‌ی سؤال: بر شماست که دانشمندان را چراغی بدانید که شما را به حق هدایت می‌کند.

ترجمه‌ی گزینه‌ی (۲): دانشمندان چراغی برای هدایت هستند.

پاسخنامه‌ی کلیدی

۳	۱۲۱	۲	۹۱	۲	۶۱	۲	۳۱	۳	۱
۱	۱۲۲	۴	۹۲	۴	۶۲	۱	۳۲	۳	۲
۲	۱۲۳	۴	۹۳	۳	۶۳	۴	۳۳	۱	۳
۲	۱۲۴	۲	۹۴	۱	۶۴	۳	۳۴	۲	۴
۲	۱۲۵	۴	۹۵	۲	۶۵	۳	۳۵	۴	۵
۱	۱۲۶	۲	۹۶	۳	۶۶	۱	۳۶	۳	۶
۲	۱۲۷	۲	۹۷	۲	۶۷	۱	۳۷	۱	۷
۱	۱۲۸	۱	۹۸	۲	۶۸	۱	۳۸	۴	۸
۲	۱۲۹	۱	۹۹	۴	۶۹	۳	۳۹	۱	۹
۱	۱۳۰	۴	۱۰۰	۱	۷۰	۱	۴۰	۲	۱۰
۴	۱۳۱	۳	۱۰۱	۴	۷۱	۲	۴۱	۲	۱۱
۴	۱۳۲	۲	۱۰۲	۳	۷۲	۴	۴۲	۳	۱۲
۱	۱۳۳	۳	۱۰۳	۲	۷۳	۳	۴۳	۲	۱۳
۴	۱۳۴	۲	۱۰۴	۳	۷۴	۳	۴۴	۲	۱۴
۱	۱۳۵	۴	۱۰۵	۱	۷۵	۳	۴۵	۲	۱۵
۱	۱۳۶	۳	۱۰۶	۲	۷۶	۴	۴۶	۱	۱۶
۲	۱۳۷	۱	۱۰۷	۳	۷۷	۳	۴۷	۱	۱۷
۴	۱۳۸	۱	۱۰۸	۱	۷۸	۱	۴۸	۴	۱۸
۱	۱۳۹	۳	۱۰۹	۴	۷۹	۱	۴۹	۴	۱۹
۴	۱۴۰	۴	۱۱۰	۱	۸۰	۱	۵۰	۱	۲۰
۱	۱۴۱	۴	۱۱۱	۳	۸۱	۲	۵۱	۲	۲۱
۱	۱۴۲	۳	۱۱۲	۲	۸۲	۲	۵۲	۲	۲۲
۱	۱۴۳	۱	۱۱۳	۴	۸۳	۱	۵۳	۱	۲۳
۱	۱۴۴	۲	۱۱۴	۲	۸۴	۲	۵۴	۱	۲۴
۴	۱۴۵	۴	۱۱۵	۲	۸۵	۱	۵۵	۲	۲۵
۴	۱۴۶	۲	۱۱۶	۳	۸۶	۲	۵۶	۴	۲۶
۱	۱۴۷	۳	۱۱۷	۴	۸۷	۳	۵۷	۳	۲۷
۲	۱۴۸	۲	۱۱۸	۴	۸۸	۴	۵۸	۴	۲۸

F 259
I 270
Y 271
F 272
Y 273
F 274
Y 275
F 276
Y 277
I 278
F 279
F 280
Y 281
F 282
Y 283
Y 284
F 285
F 286
I 287
F 288
F 289
F 290
Y 291
Y 292

F 293
I 294
Y 295
F 296
F 297
Y 298
I 299
F 300
F 301
Y 302
I 303
Y 304
F 305
F 306
F 307
F 308

F 309
I 310
Y 311
F 312
I 313
F 314
I 315
I 316
F 317
I 318
F 319
F 320
F 321
F 322
F 323
Y 324
I 325
F 326
I 327
I 328
F 329
F 330
I 331
F 332
F 333
F 334
I 335
F 336

F 337
F 338
F 339
I 340
F 341
F 342
F 343
I 344
F 345
F 346
F 347
F 348
F 349
F 350
F 351
F 352
F 353
F 354
F 355
F 356
F 357
F 358
F 359
F 360
F 361
F 362
F 363
F 364
F 365
F 366
F 367
F 368
F 369
F 370
F 371
F 372
F 373
F 374
F 375
F 376
F 377
F 378
F 379
F 380
F 381
F 382
F 383
F 384
F 385
F 386
F 387
F 388
F 389
F 390
F 391
F 392
F 393
F 394
F 395
F 396
F 397
F 398
F 399
F 400

F 401
F 402
I 403
Y 404
F 405
I 406
F 407
F 408
F 409
I 410
F 411
F 412
F 413
F 414
F 415
F 416
F 417
F 418
F 419
F 420
F 421
F 422
F 423
F 424
F 425
F 426
F 427
F 428
F 429
F 430
F 431
F 432
F 433
F 434
F 435
F 436
F 437
F 438
F 439
F 440
F 441
F 442
F 443
F 444
F 445
F 446
F 447
F 448
F 449
F 450